

بنیاد پژوهشهای علمی- فرهنگی دکتر مسعود انصاری

و

پاسداران فرهنگ ایران

سیاه چهرگان تاریخ



معرفی خائنین ، جنایتکاران ، غارتگران و نهاد های سرکوبگر در جمهوری اسلامی

پوشینه چهارم

از حرف د تا ژ

دکتر روزبه آذربرزین (روزبهانی)



سیاه چهرگان تاریخ – کتاب سیاه معرفی خائنین ، جنایتکاران ، غارتگران و نهاد های
سرکوبگر در جمهوری اسلامی

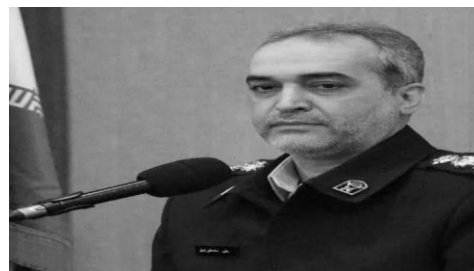
دکتر روزه آذر برزین (روزهانی)

تایپ : رومی گرافیک

بهار 2734 مادی

2026 میلادی

لس آنجلس – کالیفرنیا



سر هنگ پاسدار علی داداش تبار فرمانده انتظامی شهرستان آمل در جریان اعتراضات ۱۴۰۱، نقش مستقیم و گسترده‌ای در قتل و کشتار و شکنجه و دستگیری شهروندان آمل داشته است

سر هنگ پاسدار علی داداش تبار، فرمانده انتظامی شهرستان آمل، در سرکوب اعتراضات سال ۱۴۰۱ نقش فعال داشته است

در هفته آخر شهریور ۱۴۰۱، اعتراضات گسترده‌ای در کشور آغاز شد

شهرستان آمل نیز یکی از این مناطق بود که مردم معترض در آن به خیابان‌ها آمدند و توسط نیروی انتظامی به فرماندهی سر هنگ پاسدار علی داداش تبار و دیگر قوای نظامی و امنیتی سرکوب شدند

در این سرکوب‌ها، بسیاری از شهروندان مانند غزاله چلاوی، عرفان رضایی نوایی، محمد فلاح، سید سینا لوح موسوی و فرشید موسوی به ضرب گلوله کشته شدند

پاسدار علی داداش تبار کیست؟

در جریان این اعتراضات، تعداد زیادی از شهروندان بازداشت شدند که از جمله آنها می‌توان به افرادی چون نیلوفر رضوان، میلاد حسن‌زاده، مهرداد حسن‌زاده، مهدی طهماسبی، مهدی حسین‌زاده، مصطفی لطفی، مصطفی حسین‌زاده، مریم نجاتی، مرتضی قاسمی، محمد عرفان افشاری، محمدحسن احمدپور، محمدحسین فیروزی، مبینا موسوی، کمیل قاسم‌تبار، کسرا جلیلیان، فرهان آذری، فرشید موسوی، فاطمه زهرا صحرانگرد، فاطمه حسنی، غزاله نوری‌زاده، علیرضا کلتی، علی ولی‌پور، شهرام جمالی، شهرام تاجیک، شهاب شکوری، سپیده افروزه حریربافان، سید علیرضا حریربافان، سهراب تقی‌زاده، سعید اشویی، سحر نیک‌منش، سجاد دریاباری، زهرا تیزتگ، رضا اکبرزاده، رامین محمودیان، دانیال راعی، خدایار خسروداد، جواد حسینی گودرزی، بابک کیا، آرین زابلی، آرشد امیرمکرمی، امیرمحمد علیزاده، امیرعلی سلیمانی، امیررضا غلامپور، امیرحسین سلیمانی، اشکان ولایی، احمد اختر، ابوالفضل قاسمی و مرضیه زیاری اشاره کرد

در میان بازداشت‌شدگان، تعداد زیادی کودک و نوجوان زیر ۱۸ سال بودند که از جمله آنها افرادی چون هم‌تا قاسمی، حسین ابراهیم‌پور، ارمیا کرد، امیرحسین نجوار، علی محمدزاده و حدیث کرمی بودند

همچنین در میان دانشجویان شهرستان آمل نیز شهروندانی مانند شهیار صداقت، امیرعلی کیوانپور، علی بخشی، مهدی شابابزاده و طاها کیانی به دلیل شرکت در تجمعات بازداشت شدند

سوابق سرهنگ پاسدار علی داداش تبار
پیش از آن فرمانده انتظامی شهرستان میانرود بوده است

وی از ۶ بهمن ۱۳۹۹ تا ۳۰ فروردین ۱۴۰۱، فرمانده انتظامی شهرستان نور بود

وی از ۱۸ فروردین ۱۴۰۱ تا ۹ فروردین ۱۴۰۳ وی فرمانده انتظامی شهرستان آمل بوده است

وی در حال حاضر (شهریور ۱۴۰۳) فرمانده انتظامی شهرستان بابل می‌باشد.

داد، سیف الله



کارگردان سرسپرده سینمای جمهوری اسلامی. رئیس هیئت مدیره خانه سینما جمهوری جهل و جنون و جنایت اسلامی. معاون سینمایی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی. از اعضای بنیاد حکومتی فارابی. عضویت در شورای بررسی فیلمنامه صدا و سیمای جمهوری اسلامی (کانون سانسور)

دادجو، رضا

معاون تجاری شرکت میتک سازمان انرژی اتمی و همسر فرشته میرآب زاده

دامغانی، حمید



سرتیپ دوم پاسدار حمید دامغانی، فرمانده سپاه قدس گیلان، در جریان اعتراضات سراسری دی ۱۴۰۴، به عنوان ارشدترین مقام نظامی و امنیتی استان، مسئولیت هدایت نیروهای سپاه، بسیج و لباس شخصی‌ها را بر عهده داشت. در حالی که فراجا در خط مقدم خیابان‌ها مستقر بود، دامغانی با فعال‌سازی «قرارگاه‌های امنیتی» و گسیل گردان‌های ضربت، مسئولیت «پاکسازی نهایی» و هدف قرار دادن هسته‌های اعتراضی در محلات را مدیریت کرد.

دامغانی به عنوان فرمانده سپاه قدس گیلان، مسئولیت سازماندهی نیروهای لباس شخصی را بر عهده داشت که نقش «ضارب ناشناس» را ایفا می‌کردند.

تاکتیک ارعاب: نیروهای تحت امر او با استفاده از موتورسیکلت و بدون یونیفرم رسمی، به میان جمعیت نفوذ کرده و با سلاح‌های کمری و شوکر، اقدام به ربودن و هدف قرار دادن لیدرهای اعتراضات می‌کردند. این نیروها بازوی اجرایی دامغانی برای ایجاد وحشت در محلات مسکونی بودند.

تبدیل پادگان‌های سپاه به بازداشتگاه‌های غیررسمی

به دلیل اشباع کلانتری‌ها، دامغانی دستور استفاده از بازداشتگاه‌های سازمان اطلاعات سپاه (ساس) و سوله‌های پادگان‌های تابعه را صادر کرد.

نقض فاحش حقوق بشر: صدها بازداشت‌شده دی‌ماه در گیلان به مکان‌های نامعلومی تحت نظارت سپاه منتقل شدند. گزارش‌ها حاکی از بازجویی‌های خشن، شکنجه‌های جسمی و عدم دسترسی بازداشت‌شدگان به هرگونه تماس با خانواده در این مراکز است که مستقیماً تحت مسئولیت دامغانی قرار دارند.

سوابق سرکوب پاسدار حمید دامغانی

انتخاب دامغانی برای فرماندهی گیلان در سال ۱۴۰۲، تصادفی نبود؛ او به دلیل تجربه موفق در خفه کردن اعتراضات در سایر نقاط کشور به این سمت منصوب شد.

پیشینه سرکوب: وی پیش از این در مقام فرماندهی سپاه سمنان، در سرکوب اعتراضات سال‌های ۱۳۹۸ و ۱۴۰۱ نقش فعالی داشت. همچنین سابقه معاونت در سپاه سیدالشهدای استان تهران، او را به یکی از متخصصان سپاه در زمینه مهار خیزش‌های شهری تبدیل کرده است

«تئوریزه کردن سرکوب تحت عنوان «جنگ شناختی»

دامغانی در سخنرانی‌های خود در دی ۱۴۰۴، با «فتنه» خواندن اعتراضات، مجوز شرعی و نظامی لازم را به نیروهای بسیجی برای برخورد بی‌محابا صادر کرد

اظهارات دی ۱۴۰۴: وی مدعی شد که «حضور مردم در صحنه، پیچیده‌ترین فتنه‌ها را برچید». این ادبیات در زمان کشتار، به معنای تشویق نیروهای لباس‌شخصی به برخورد فیزیکی خشن با همشهریان خود به عنوان «عناصر دشمن» بود

خلاصه مسئولیت‌ها و اتهامات در اعتراضات ۱۴۰۴

منصب: فرمانده سپاه قدس استان گیلان

نقش در ۱۴۰۴: فرمانده عالی لایه سخت سرکوب، مسئول گردان‌های امنیتی بسیج

اتهامات حقوق بشری: فرمانده نیروهای سپاه که در قتل معترضان با سلاح جنگی در محلات رشت، سازماندهی ربایش‌های خیابانی توسط لباس‌شخصی‌ها و مدیریت بازداشتگاه‌های مخفی سپاه نقش داشته اند

حمید دامغانی در اعتراضات ۱۴۰۴، «مرد پشت پرده» کشتارهای گیلان بود. در حالی که فراجا در خیابان‌های اصلی دیده می‌شد، نیروهای تحت امر دامغانی در تاریکی محلات و بازداشتگاه‌های مخفی، وظیفه درهم‌شکستن هسته اصلی معترضان را با استفاده از زور مرگبار بر عهده داشتند

دانائی فر ، حسن



سرتیپ پاسدار حسن دانائی فر عضو سپاه قدس و سفیر نظام آخوندی در عراق. او زاده عراق است .
جانشین فرمانده نیروی دریائی سپاه . رئیس دانشگاه فرماندهی و ستاد سپاه پاسداران. فرمانده سابق
قرارگاه سرکوبگر خاتم الانبیاء. معاونت اداری و مالی دبیر خانه مجمع تشخیص مصلحت رژیم آخوندی.

دانش پور ، مهدی

سر هنگ مهدی دانش پور رئیس پلیس فتای کردستان در سقز عامل سرکوب و کشتار معترضین دیماه
1404 .

دانش جعفری ، داود



وزیر فاسد اقتصاد و دارائی در دولت نهم (احمدی نژاد دزد) و از اعضای مجمع تشخیص مصلحت
نظام آخوندی. مشاور عالی محمود احمدی نژاد.

دانش منفرد ، علی



از موسسان سپاه سرکوبگر و غارتگر پاسداران. نماینده مجلس شورای اسلامی . استاندار همدان ، فارس و استان مرکزی.

دانشجو ، خسرو



عضو غارتگر شورای شهر تهران. معاون شهر سازی رژیم آخوندی. سرپرست دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران . او دو برادر دزد و غارتگر دیگر بنام های کامران و فرهاد دانشجو دارد.

دانشجو ، فرهاد



معاون وزیر علوم و تحقیقات فناوری (کامران دانشجو ، برادرش). رئیس مرکز تحقیقات ساختمان و مسکن . دزد و غارتگر.

دانشجو ، کامران



وزیر علوم و تحقیقات فناوری در دولت غارتگر محمود احمدی نژاد. . رئیس ستاد انتخابات رژیم آخوندی. معاون سیاسی وزیر کشور. تحریم شده از سوی وزارت خزانه داری آمریکا بخاطر فعالیت های اتمی . او دارای مدرک جعلی بوده و از انگلستان اخراج میشود. او سابقه زمین خواری در لواسان شمیران هم دارد.

دانشور ، سیمین



داستان نویس تازی پرست و فریکار . همسر پشت به وطن کرده توده ای جلال آل احمد.

او از شیفتگان آخوند جنایتکار خمینی بود که اجازه می خواست دست خمینی را ببوسد.

دانیال



بنا بر گزارش‌های منتشر شده، وی به عنوان نیروی ویژه مرتبط با یگان صابرین نیروی زمینی سپاه در منطقه 4 تهران معرفی شده و گفته شده پدر او نیز از فرماندهان بازنشسته سپاه است در این روایت‌ها ادعا شده که در جریان خیزش ملی در محدوده تهرانپارس حضور میدانی داشته و در سرکوب معترضان مشارکت کرده است. همچنین عنوان شده در وقایع اعتراضی سال 1401 نیز حضور داشته و در شناسایی و بازداشت برخی شهروندان نقش ایفا کرده است بر اساس همین گزارش‌ها، محل تردد او محدوده هروی، هدیش‌مال و هروی‌سنتر ذکر شده و ارتباطاتی با برخی نیروهای انتظامی منطقه نیز برای او مطرح شده است
شماره تماس: ۰۹۰۳۶۲۰۳۳۲۰

داود آبادی ، حمید



بازجو و از فعالین اداره کل سانسور در وزارت ارشاد اسلامی

داود آبادی ، محمد



پاسدار جنایتکار محمد داود آبادی با نام مستعار محمد مهر آذین مسئول لجستیک سپاه پاسداران و شکنجه گر زندان. شغل جدید او مشاور استاندار قم سید محمد تقی شاهچراغی به عنوان دبیر قرارگاه جهادی و محرومیت زدائی !!!! است.

داودی حموله ، محمد



تک تیرانداز که از بالای پشت بام قیام کنندگان اصفهان را مورد شلیک قرار میداد. آدرس این جنایتکار : شاهین شهر، خیابان طالقانی، کوچه مهدیه، بوستان 5، پلاک 97 است.

داودی، رضا

معاون سر دبیر خبرگزاری حکومتی فارس (خبرگزاری صدا و سیما رژیمن آخوندی)

داوری، ایرج و حسین



حسین داوری

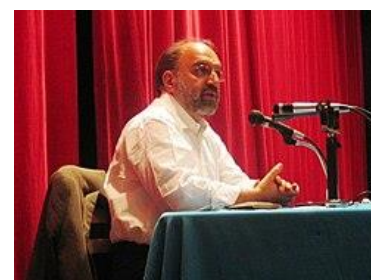
دو برادر مزدور ، حسین داوری رئیس بخش مواد منفجره و خنثی سازی در غرب ایران و ایرج داوری از اعضای اطلاعات سپاه پاسداران در کرمانشاه . از عوامل کشتار هولناک دیماه 1404 و ربایش و شکنجه معترضان

دباشی ، حمید



تازی پرست پشت به وطن کرده حمید دباشی استاد اسلام شناس دانشگاه کلمبیا در نیویورک و از مدافعان فلسطینی ها و مخالف حمله آمریکا به جمهوری جهل و جنون و جنایت اسلامی . او نویسنده هجو نامه الهیات رهائی بخش اسلام !!!!! است.

دباغ ، عبدالکریم



حسین حاج فرج الله دباغ ، معروف به عبدالکریم سروش تازی پرست پشت به وطن کرده ای است که در خارج از ایران درس اسلام شناسی میدهد در حالیکه مدرک درست حسابی در این رشته را ندارد. مدرک او دکتری دارو سازی است. او عضو ستاد انقلاب فرهنگی بود که در های دانشگاه را به مدت سه سال بست و هزاران تن از اساتید دانشگاه ها اخراج نمود. او از نویسندگان کتابهای درسی جوانان ایران است.

درویش توانگر ، عباس

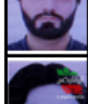


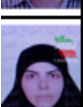
تهیه کننده بولتن های محرمانه برای نهاد های امنیتی و شخص سید علی خامنه ای است او مامور امنیتی و مدیر خبرگزاری های حکومتی فارس و تسنیم است.

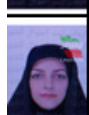
درنا، سازمان اطلاعاتی

اسامی چهل تن از سرکوبگران و کشتار کنندگان قیام ملی ایرانیان در دیماه 1404

	09123652415	کرج - 1360/06/25	طاہر	اسماعیل نظری	46438377	0075695189
	09125661848	کرج - 1362/04/01	حسین مراد	امین میرزائی	44362672	0321827988
	09124181794	تهران - 1364/02/16	محمدحسن	حجت اله اتابکی	46433610	0074601369
	09389507544	تهران - 1364/01/02	غلامرضا	حجت مرادی	46344601	0077065832
	09125482812	تهران - 1362/04/21	سیفعلی	حسن مددی	45731916	0077340582
	09127376923	تهران - 1362/06/15	مرتضی	حسین رضائی	46566020	0074382179
	09123307823	تهران - 1358/07/27	میرحسن	حمیدرضا موسوی طالبی	46571550	4371448453
	09128462995	اراک - 1367/04/05	محسن	حمیدرضا نوروزی	46778149	0535046499
	09126940947	تهران - 1367/01/25	ابراهیم	رسول ناصری	46778998	0082490821
	09394175730	تهران - 1366/10/10	حسن	رضا منتظری	46572806	0083340734
	09127359034	تهران - 1360/06/19	فرج اله	رضا نظامعلی	46572234	0492645698

	09134117937	تهران - 1362/05/27	جعفر	روح اله مرادپورآذر	46344002	2142616828
	09194036883	شهریار - 1364/02/25	محمد رضا	زینب عاشور حکمت	46346157	4910929487
	09125909139	تفرش - 1362/06/15	سید حسن	سید اسماعیل نژاد حسینی	46565979	0074863517
	09126505376	تهران - 1364/02/22	سید محمود	سید داود حسینی	46763475	0068649231
	09333701988	ایهر - 1366/11/29	سید علی اوسط	سید طاها ابراهیمی	46711036	4411226103
	09054932632	شیراز - 1367/06/01	سید مرتضی	سید عباس رحیمی	46706481	2280186845
	09128096221	خدابنده - 1360/07/01	حجت اله	علی حسینی	45850708	4939887911
	09123959941	تهران - 1362/05/22	الماس	علیرضا صادقی	44971938	0074382179
	09113216450	آمل - 1362/05/09	ولی الله	علیرضا فیروزی	44977421	2142616828
	09193176938	شهری - 1360/06/08	داود	علی سلطانی	45946811	0077283546
	09125444063	پابلسر - 1359/01/05	غلامعلی	قاسم فیاض منش	45773225	0069387931
	09194961639	تهران - 1364/02/13	اسداله	مجتبی قربانی	46565772	0080869051

	09398883632	تهران - 1359/01/26	محمد رضا	محمد خادم	42955119	0451346033
	09118447544	لاهیجان - 1364/02/28	اسمعیل	محمد علی دوست بهمدانی	46564228	2721611240
	09109123056	چاپاره - 1360/06/30	محبوب	محمد محرمی	46622629	2092158848
	09126353470	تهران - 1360/06/21	محمد	مرتضی رسولی شهرپور	46566210	0062920472
	09126340512	تهران - 1359/09/19	اسمعیل	مریم درویش زاده کلیشمی	44971023	0060420243
	09194359961	شهری - 1367/02/29	داود	مسعود بهرآور	46763739	0493450157
	09363363215	تهران - 1364/02/06	محمد علی	مسعود هوشیار آق قلعه	46610133	0076632024
	09370983735	تهران - 1360/07/01	مهدی	مصطفی عابد علم دوست	44963705	0067278094
	09190631443	تهران - 1359/01/29	ایرج	مهدی رفیعی	44971649	4989621883
	09197837276	ساری - 1360/06/27	امراه	میثم اسدی	43651668	0068086555
	09124015198	تکاب - 1360/07/05	ابوالفضل	نادعلی مدیر	45499569	0074183257
	09124874457	شهریار - 1364/01/14	منصور	ناصر پروجردی	46570209	4911505540

	09126587048	تهران - 1360/06/29	ابوالقاسم	ندا کرمی	46433290	0322272947
	09126170699	تهران - 1360/06/12	تراب	نعیمه فرنام	46566154	0589953184
	09197813219	تهران - 1366/09/24	محمد رضا	هادی برجلو	46572505	0080520790
	09114148510	تهران - 1362/05/02	ابوالقاسم	وحید لطفی	44970929	0075312905
	09125211719	تهران - 1358/08/20	محمد حسین	یاسر عابدینی	44362021	2949403425

درویش گفتار ، احمد



آخوند جنایتکار حسن درویش گفتار رئیس دادگاه انقلاب رشت و رئیس شعبه اول دادگاه انقلاب رشت، از قضات ارشد صادرکننده احکام امنیتی، یکی از چهره‌های اصلی مسئول در نقض سیستماتیک حقوق بشر در جریان اعتراضات سراسری دی ماه 1404 در شمال ایران است. او در جریان خیزش دی ماه 1404 با تبدیل دادگاه‌های رشت به ابزاری برای انتقام‌جویی سیاسی، مسئولیت مستقیم صدور احکام مرگ و حبس‌های طولانی‌مدت برای معترضان را بر عهده داشت

به دلیل نقش محوری وی در نادیده گرفتن حق دادرسی عادلانه و صدور احکام خشن، دولت بریتانیا در تاریخ 13 بهمن 1404 نام او را در لیست تحریم‌های حقوق بشری خود قرار داد. درویش‌گفتار متهم است که با صدور دستورات قضایی برای سرکوب میدانی و تایید احکام اعدام در زمان کوتاه، از عدالت به عنوان سلاحی علیه شهروندان معترض استفاده کرده است



سر هنگ پاسدار اکبر درویشی فرمانده پیشین انتظامی شهرستان نوشهر در جریان اعتراضات ۱۴۰۱، نقش مستقیم و گسترده‌ای در قتل و کشتار و شکنجه و دستگیری شهروندان نوشهر داشته است

سر هنگ پاسدار اکبر درویشی، فرمانده پیشین انتظامی شهرستان نوشهر، در تمامی برخوردهای سرکوب‌گرانه در جریان اعتراضات شهریور و پاییز ۱۴۰۱ نقش چشمگیری داشت

هفته پایانی شهریور ۱۴۰۱، آغاز دور جدیدی از اعتراضات مردمی گسترده در کشور بود

شهرستان نوشهر نیز یکی از مناطقی بود که مردم معترض به خیابان‌ها آمدند و توسط نیروهای انتظامی به فرماندهی سر هنگ پاسدار اکبر درویشی و دیگر قوای امنیتی و نظامی سرکوب شدند

در این سرکوب‌ها، شهروندان زیادی همچون محمدرضا بالی لاشک (لاشکی)، میثم هادی پور، مهرداد عوض پور، امیرحسین شمس ناتری، هدیه نعیمانی، محسن مال میر، امیررضا نادرزاده، مهرزاد عوض پور کاکرودی (بهنام راد)، حسینعلی کیا کجوری و حنا کجاکجوری (کیا) به ضرب گلوله کشته شدند

همچنین، شهروندانی چون محمد اجماع، نسیم فاخر، مهسا زاغ پشت، حمیدرضا واقف و مژگان کاوسی توسط نیروهای انتظامی و امنیتی بازداشت شدند

در نوشهر، مراسم چهلمین روز درگذشت حنا کجاکجوری در منطقه کرکودسر، در فضایی به شدت امنیتی برگزار شد. حضور گسترده نیروهای انتظامی و امنیتی در این مراسم، هرگونه امکان اعتراض مردمی را از بین برده بود

بر اساس گزارش فعالان حقوق بشر، پیش از این وقایع نیز، نیروهای گشت ارشاد در شهرستان نوشهر برخوردهای خشن با شهروندان داشته‌اند و سابقه چنین اقداماتی در این منطقه وجود دارد

سوابق سرکوب و قربانیان پاسدار اکبر درویشی
سرهنک پاسدار اکبر درویشی از سال ۱۳۹۲ تا ۶ تیر ۱۳۹۸ فرمانده انتظامی شهرستان جویبار بوده است

از ۱۹ مرداد ۱۴۰۰ تا ۲۶ شهریور ۱۴۰۴ فرمانده انتظامی شهرستان نوشهر بوده است

برخی از قربانیان جنایات سرهنک پاسدار اکبر درویشی شامل افرادی چون حنا کیکجوری (کیا)، محمد اجماع، نسیم فاخر، مهسا زاغ پشت، حمیدرضا واقف، محمدرضا بالی لاشک (لاشکی)، میثم هادی پور، مهرداد عوض پور، امیرحسین شمس ناتری، هدیه نعیمانی، محسن مال میر، امیررضا نادرزاده، مهرزاد عوض پور کاکرودی (بهنام راد)، حسینعلی کیا کجوری و مژگان کاوسی هستند.

دری اخوی ، بهمن



معاون فرهنگی وزیر ارشاد ، محمد حسینی است. او تحلیلگر انقلاب اسلامی، دفاع مقدس ، و سر دبیر مجله پیام انقلاب است. ریاست کل انتشارات سپاه پاسداران به عهده اوست. او از سانسورچیان وزارت ارشاد اسلامی بشمار میرود.

دریانی ، سحر

استوار یکم جنایتکار سحر دریانی عضو اداره عملیات اطلاعات ناحیه انتظامی تهران با کد سازمانی 81459743 و ساکن محله رسالت تهران است که در سرکوب زنان و دختران مشارکت دارد.

دری نجف آبادی ، قربانعلی



چهره مخوف و جنایتکار رژیم آخوندی قربانعلی دری نجف آبادی وزیر اطلاعات . رئیس دیوان تدارک . دادستان کل کشور . نماینده سید علی خامنه ای در استان مرکزی . عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام . او در لیست تحریم های اتحادیه اروپا بخاطر نقض حقوق بشر قرار دارد . او در کشتار دگر اندیشان موسوم به قتل های زنجیره ای نقش موثر داشت . او بر پرونده قتل زهرا کاظمی خبرنگار ایرانی – کانادایی به دست سعید مرتضوی چشم پوشی کرد . این آخوند جنایتکار در نقض حقوق بهائیان ایران پرونده ننگینی دارد . او از عوامل اصلی سرکوب و کشتار 1388 است . فاجعه کهریزک زمانی رخ داد که این آخوند بد کردار بد سرشت دادستان کل کشور بود . او در لیست تحریم های اتحادیه اروپا بخاطر نقض حقوق بشر قرار دارد .

دزفولی نژاد ، رضا

سروان پاسدار رضا دزفولی نژاد - کرمانشاه




این پاسدار تروریست فرمانده گردان یکم امام علی و از عناصر اطلاعاتی امنیتی کرمانشاه است . او قبلاً فرمانده پایگاه بسیج رحمت الله نوروزی در خیابان نوبهار کرمانشاه بود . این پاسدار مزدور درسرکوب و ضرب و شتم دانشجویان در اعتراضات دانشجویی سال ۸۱ نقش فعال داشت ، پس از خوش خدمتی ها به عنوان محافظ آخوند زرنندی امام جمعه پیشین کرمانشاه منصوب شد . پس از برکناری زرنندی از امامت جمعه شهر نامبرده به یگان های ویژه سپاه پاسداران پیوست و درجریان اعتراضات آبان ۹۸ بعنوان فرمانده بخشی از نیروهای ویژه ضد شورش درسرکوب و ضرب و شتم مردم و جوانان نقش فعال داشت .

مامور اطلاعاتی کرمانشاه . مسئول پایگاه بسیج شهید رحمت نوروزی



لطف الله دژکام، نماینده خامنه‌ای در استان فارس و امام جمعه شیراز، نقش مهمی در تئوریزه کردن نقض حقوق بشر در این استان داشته است

او از حامیان سرکوب سخت معترضان اعتراضات آبان ۱۳۹۸ توسط نیروهای امنیتی و انتظامی بوده است

لطف الله دژکام به عنوان نماینده وقت خامنه‌ای در استان فارس و امام جمعه شیراز، در سرکوب خشونت‌بار معترضان آبان ۱۳۹۸ مسئول بوده است

او از طرفداران برخورد سخت حکومت با معترضان بود و شورای تامین استان فارس را برای شدت‌بخشیدن به سرکوب معترضان تشویق کرده است

در تاریخ ۲۷ آبان ۱۳۹۸، لطف الله دژکام معترضان را به سوزاندن قرآن و تخریب مساجد متهم کرد و گفت: «کسی که قرآن را می‌سوزاند و مسجد را غارت می‌کند، به هیچ چیز اعتقاد ندارد و باید با او به شدت برخورد شود.» این اظهارات او زمینه‌ساز سرکوب شدید معترضان بود

لطف الله دژکام اعتراف کرده که شورای تامین استان فارس را برای برخورد خشن با معترضان ترغیب کرده است

او در ۲۸ آبان ۱۳۹۸ در دیدار با بسیجیان استان گفت: «به شورای تامین اعلام کردم اگر نمی‌توانید با معترضان برخورد کنید، اطلاع دهید تا خودمان اقدام کنیم»

گزارش‌های نهادهای بین‌المللی حقوق بشری نشان می‌دهد که استان فارس یکی از مناطقی بوده که خشونت نیروهای امنیتی در سرکوب معترضان در آن بسیار شدید بوده است

به گزارش سازمان عفو بین‌الملل، دست‌کم ۲۴ نفر از معترضان در آبان ۱۳۹۸ با شلیک مستقیم گلوله توسط نیروهای امنیتی در استان فارس کشته شدند

سوابق سرکوب لطف‌الله دژکام

سوابق سرکوب لطف‌الله دژکام شامل موارد زیر است

دی ۱۳۷۹ تا اردیبهشت ۱۳۹۷: امام جمعه شهرستان جهرم در استان فارس -

اردیبهشت ۱۳۹۷ تا کنون (مهر ۱۴۰۴) امام جمعه شیراز و نماینده خامنه‌ای در استان فارس -

وی از اسفند ۱۳۹۸ تا کنون (مهر ۱۴۰۴) نماینده فارس در «مجلس خبرگان رهبری» می‌باشد

تیر ۱۳۹۹ تا شهریور ۱۴۰۰: تولیت آستان شامچراغ در شیراز -

لطف‌الله دژکام با عملکرد خود نقش مهمی در سرکوب اعتراضات در استان فارس ایفا کرده و همواره از برخوردهای خشن حمایت کرده است

رفتار و اظهارات او مصداق بارز نقض حقوق بشر در این منطقه است

دست غیب ، سید عبدالحسین



آخوند عبدالحسین دست غیب سمت چپ فرتور.

رئیس حوزه علمیه فارس. امام جمعه شیراز. نماینده استان فارس در مجلس خبرگان قانون اساسی .

دست غیب ، سید مهدی



آخوند سید مهدی دست غیب برادر کوچکتر آخوند عبدالحسین دست غیب . تولیت حرم شاهچراغ شیراز را با حکم آخوند جنایتکار خمینی بر عهده داشت.

دستمالچی ، کریم

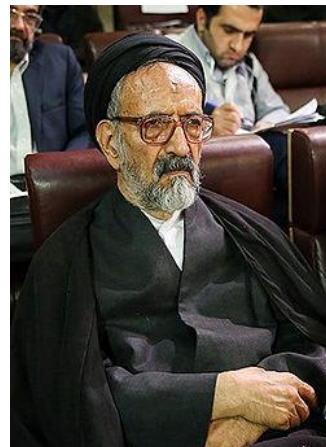


بازاری ثروتمند و از اعضای جبهه ملی که برای خمینی در ورسای پاریس خانه خرید و هزینه هواپیمای شخصی افرانس را برای آمدن خمینی جنایتکار پرداخت . او پس از فرار ابوالحسن بنی صدر با اتهام همکاری با کودتا گران نوژه توسط خمینی اعدام شد.

دشتی ، عبدالرضا

سرتیپ دوم عبدالرضا دشتی ، سرکوبگر ، جانشین فرمانده سپاه امام صادق بوشهر

دعائی ، سید محمود



عضو مجمع روحانیت مبارز. سرپرست روزنامه حکومتی اطلاعات. نماینده مجلس در 6 دوره. سفیر رژیم آخوندی در عراق. او در عراق تهیه کننده و مجری برنامه تلویزیونی نهضت روحانیت در ایران بود. او رابط سازمان تروریستی مجاهدین خلق با خمینی بود.

دقیقی ، حسین



سرتیپ پاسدار حسین دقیقی مدیر عامل سازمان تامین اجتماعی نیرو های مسلح. مشاور عالی فرمانده سپاه پاسداران

دلدار ، علی اکبر

آخوند علی اکبر دلدار نماینده سید علی خامنه ای در سپاه پاسداران شهر کرد.

دنیا دیده ، هادی



هادی دنیادیده قاضی مستشار شعبه 6 دادگاه کیفری یک استان خراسان رضوی نقش مستقیم در نقض حقوق بشر شهروندان مشهد داشته است

هادی دنیادیده، قاضی مستشار شعبه 6 دادگاه کیفری یک استان خراسان رضوی است. وی در دوران فعالیت خود، احکامی علیه فعالان و شهروندان این استان صادر کرده است. این احکام بر آزادی بیان تأثیر گذاشته‌اند.

دنیوی ، مجتبی



مزدور بسیجی مجتبی دنیوی ، معلم و معاون هنرستان برهان تهران در منطقه 18

دوزدوزانی ، عباس



فرمانده جنایتکار سپاه پاسداران. وزیر ارشاد در کابینه محمد علی رجائی. نماینده تبریز در مجلس شورای اسلامی. رئیس شورای اسلامی شهر تهران. او به همراه صادق خلخالی و سید احمد خمینی در خراب کردن مقبره رضا شاه بزرگ شرکت داشت.

دوست محمدی ، محسن

مهندس محسن دوست محمدی شاغل در پروژه یو سی اف اصفهان سازمان انرژی اتمی

دوستعلی ، مجید



دبیر هیئت دولت احمدی نژاد. مسئول اداره عملیات پرسنلی ستاد مشترک سپاه پاسداران. اصولگرا. نماینده مردم کرمان در مجلس شورای اسلامی. قائم مقام وزیر تعاون و کار

دوست محمدی ، محسن



مهندس محسن دوست محمدی شاغل در مرکز فناوری هسته ای اصفهان در پروژه یو سی اف

دوستی ، جواد



مزدور بسیجی جواد دوستی
عضو بسیج و از نیروهای سرکوبگر در تنکابن

دولتخواهی ، قاسم

دادستان جنایتکار سمنان که پرونده سنگینی در آزار و اذیت بهائیان سمنان دارد. بهاییان ساکن شهر سمنان از سال 1387 شاهد شدت یافتن برخوردهای قهرآمیز دستگاه های امنیتی و قضایی کشور بوده اند. این برخوردها شامل بازداشت، احضار و صدور احکام برای بیش از 30 تن از آنان بوده است. محل کسب تعدادی از شهروندان بهایی در این شهر پلمب شده و برای بسیاری از آنان محدودیت های اقتصادی زیادی به وجود آمده است.

دهقان ، حسین



سرتیپ پاسدار جنایتکار حسین دهقان وزیر دفاع و پشتیبانی نیرو های مسلح . فرمانده قوه هوا فضای سپاه پاسداران. رئیس بنیاد مستضعفان . تحریم شده از سوی وزارت خزانه داری آمریکا بخاطر مشارکت داشتن این جنایتکار در انفجار مقر تفنگداران آمریکا در بیروت و مشارکت در انفجار مرکز همیاری یهودیان در آرژانتین.

دهقان ، زهرا



مزدور بسیجی زهرا دهقان خبر چین اطلاعات سپاه در اصفهان به همراه دخترش زینب دهقان که از فعالین بسیج دانشگاه یزد میباشد در شناسائی و دستگیری معترضین در خوراسگان فعال میباشند.

دهقان ، مجید



مزدور بسیجی مجید دهقان پرنده فروش شاد آباد ، کوی 17 شهریور ، ابتدای خیابان اصغری که دردیماه 1404 بسوی معترضان قیام ملی شلیک مستقیم میکرده است.

دهقان ، مسعود



این مزدور از عا ملان کشتار در تهران است . فرمانده گردان امنیتی کلاهدوز، دانشگاه افسری امام حسین و فرمانده یگان احتیاط قرارگاه ثارالله است. در کشتار دی‌ماه 1404 و شلیک مستقیم به مردم بی دفاع در قیطریه و نازی آباد و تهرانپارس نقش فعال داشت.

دهقانی مقدم ، محسن



جنایتکاری که در حال حاضر مدیر عامل شرکت مخابرات خراسان شمالی میباشد. این جنایتکار به عنوان فرمانده پایگاه بسیج مخابرات خراسان شمالی نیز فعال هست. چندین تن از کارمندان مخابرات را مجبور کرده که برای سرکوب معترضان در هجدهم و نوزدهم، دیماه برای سرکوب معترضین در مشهد به خیابان بروند.

دهقانی ، یاسین



مزدور بسیجی یاسین دهقانی ، دانشجوی رشته مدیریت مالی . ورودی 1401 . مسئول پایگاه بسیج خوارزمی. در سرکوب و شناسائی دانشجویان معترض حضور پر رنگی دارد.

ده نمکی ، مسعود



از بانیان سپاه پاسداران و بسیج و گروه های فشار که کارگردان حکومتی نظیر محسن مخملباف در آمد. سردبیر نشریه شلمچه و جبهه است. از اعضای فعال انصار حزب الله .

او اعتقاد دارد ایران را باید در محدوده یک اسلام سخت گیرانه اداره کرد!!!!!! او در مورد قتل های زنجیره ای گفته است : حذف معاندین حق مسلم رژیم بوده است!!!!!! در حمله به کوی دانشگاه او سرمدار بود. در جریان ساختن فیلم معراجی ها مواد منفجره تی ان تی باعث مرگ 5 تن از دست اندرکاران فیلم شد.

دیدار



دو برادر مزدور و خبر چین که در قیام ملی دیماه 1404 در شهر شوش خوزستان موجب دستگیری بسیاری از معترضین شدند . برخی از شاهدان حکایت از آن دارند که در دوشب 18 و 19 دیماه نقش آنها در سرکوب مردم بسیار پررنگ بوده است

دیز چی ، الیاس

سر کانال جمع آوری اطلاعات سپاه پاسداران ناحیه شرق تهران. سرکوبگر

دیلیم کتولی ، فرامرز



سر هنگ پاسدار فرامرز دیلمکتولی در جریان اعتراضات ۱۴۰۱، نقش مستقیم در سرکوب شهروندان
گروگان داشته است

سر هنگ پاسدار فرامرز (علی) دیلمکتولی در آبان ۱۴۰۲ به عنوان فرماندار شهرستان مینودشت منصوب
شد

پیش از این انتصاب، او مسئولیت‌های مختلفی در سپاه پاسداران بر عهده داشت

از جمله این مسئولیت‌ها فرماندهی سپاه در شهرستان‌های گرگان و آزادشهر و عضویت در شورای تأمین
این شهرستان‌ها بود

سر هنگ پاسدار فرامرز دیلمکتولی در نقض حقوق شهروندان توسط نیروهای سپاه و بسیج در شهرستان
گرگان، به ویژه در جریان اعتراضات پاییز ۱۴۰۱، نقش مستقیم داشت

در مراسم تودیع و معارفه فرمانده سپاه گرگان، فرمانده سپاه نینوای استان گلستان او را فردی باتجربه،
صبور و فعال توصیف کرد

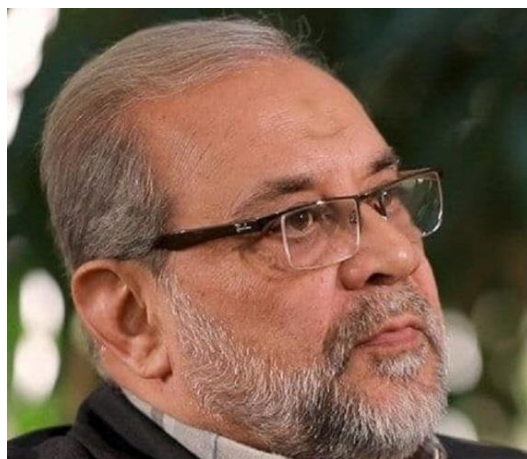
او همچنین اشاره کرد که سرهنگ دیلمکتولی در جریان اعتراضات مردمی (که به گفته فرمانده سپاه نینوا، اغتشاشات خوانده شد)، به طور فعال در سرکوب اعتراضات ۱۴۰۱ نقش ایفا کرد.

دیناروند ، حمید



سرهنگ پاسدار حمید دیناروند فرمانده اطلاعات سپاه شوش و از آمران سرکوب و کشتار دیماه 1404 در شوش خوزستان .

ذوالقدر ، محمد باقر



سرتیپ پاسدار محمد باقر ذوالقدر از مخوف ترین سران سپاه پاسداران و معاون امنیتی وزارت کشور در زمان احمدی نژاد. عضو حقیقی مجمع تشخیص مصلحت نظام آخوندی. معاون رئیس قوه قضائیه (صادق لاریجانی). سرکوبگر جنبش های دانشجویی به همراه محمد رضا نقدی و حسین نجات. از اعضای تیم مجتبی خامنه ای .

ذوالقدر ، مجتبی

آخوند جنایتکار مجتبی ذوالقدر فرمانده لباس شخصی ها و نماینده سید علی خامنه ای در سپاه پاسداران . غارتگر ، دزد و سرکوبگر

ذوالقدری ، علی



سرتیپ دوم پاسدار علی ذوالقدری جانشین پیشین فرماندهی نیروی انتظامی استان فارس و رئیس پیشین پلیس امنیت عمومی تهران، نقش مستقیم در نقض حقوق بشر شهروندان ایرانی داشته است

علی ذوالقدری در سمت های مختلف خود، از جمله جانشین فرماندهی نیروی انتظامی استان فارس و رئیس پلیس امنیت عمومی تهران، نقش مستقیم و مسئولیت پذیری در نقض حقوق بشر داشته است. تمرکز اقدامات او به ویژه بر حقوق اجتماعی و حقوق زنان بوده است. به عنوان فرمانده پلیس اطلاعات و امنیت عمومی تهران، علی ذوالقدری در نقض حقوق اجتماعی و آزادی بیان شهروندان تهرانی سهم کلیدی ایفا کرده است. نیروهای تحت امر او به طور آگاهانه و عمدانه، حقوق اساسی شهروندان را محدود و پایمال کرده اند

در مهر ماه 1397، علی ذوالقدری از برخورد قاطع پلیس امنیت تهران با تالار باغ‌هایی خبر داد. او مدعی شد این مکان‌ها «مجالس مختلط زن و مرد» برگزار می‌کنند. ذوالقدری صراحتاً اعلام کرد: «با هر واحد صنفی که بخواهد فعالیت غیرمجاز داشته و اقامت غیرمجاز ممنوعه توزیع کند به شدت برخورد می‌کنیم.» این رویکرد سختگیرانه، نشان‌دهنده خط مشی او در اعمال محدودیت‌ها بود.

در تیر ماه 1398، ذوالقدری از پلمب 26 آرایشگاه گزارش داد. دلیل این اقدام، «ارائه خدمات به جنس مخالف» عنوان شد. او تاکید کرد پلیس بر آرایشگاه‌هایی که خدمات نامناسب ارائه می‌دهند، نظارت دقیق دارد. در شهریور ماه 98 نیز، یک فروشگاه مانتو پلمب شد. ذوالقدری علت این پلمب را «عرضه مانتوهای مغایر با شئونات اسلامی» عنوان کرد. پلیس امنیت تهران، تحت فرماندهی علی ذوالقدری، در دی ماه همان سال، یک سالن تنو «مختلط» را نیز پلمب و کارکنان آن را بازداشت کرد.

رادان ، احمد رضا



احمد رضا رادان، فرمانده کل انتظامی (فراجا)، یکی از چهره‌های کلیدی در ساختار سرکوب ایران است که نامش با خشن‌ترین شیوه‌های برخورد با معترضان گره خورده است. او که در دی‌ماه 1401 با هدف سرعت بخشیدن به سرکوب اعتراضات به این سمت منصوب شد، اکنون در جریان اعتراضات گسترده دی 1404 نیز نقشی محوری در تهدید و بازداشت شهروندان ایفا می‌کند.

در جریان اعتراضات اخیر که از 7 دی 1404 در واکنش به بحران‌های اقتصادی آغاز شد، احمدرضا رادان بار دیگر به عنوان بازوی اصلی قدرت سخت حاکمیت ظاهر گشت. او در 16 دی 1404 با ادبیاتی تند معترضان را «اغتشاشگر» نامید و مدعی شد که بسیاری از آن‌ها از طریق «اشراف اطلاعاتی» شناسایی شده‌اند. احمدرضا رادان با اولتیماتوم به شهروندان، از آن‌ها خواست خود را تسلیم کنند تا مشمول آنچه او «رأفت اسلامی» خواند، شوند !!!!!

تحت فرماندهی او، نیروهای یگان ویژه و انتظامی از سلاح‌های جنگی و گاز اشک‌آور علیه تجمعات مسالمت‌آمیز در شهرهایی چون تهران، ایلام و شیراز استفاده کرده‌اند.

رازانی ، سعید



سعید رازانی، دادستان عمومی و انقلاب استان لرستان از سال ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۹، در نقض جدی حقوق بشر مشارکت داشته است

او به‌ویژه در زمینه حقوق اصناف، حقوق اجتماعی شهروندان، حق حیات و حقوق کودکان، سابقه‌ای تاریک دارد. سعید رازانی به‌عنوان دادستان لرستان، در نقض حق اعتراض شهروندان نیز نقش‌آفرین بوده است

در بهمن ۱۳۹۶، رازانی از تشکیل شعب ویژه دادستانی برای رسیدگی به پرونده معترضان دی‌ماه همان سال خبر داد. او اعلام کرد: «سیاست دادستانی استان این است که شعبه ویژه‌ای برای این موضوع در «نظر گرفته

وی افزود که این شعبه «به‌صورت دقیق و فوری پرونده این افراد را رسیدگی کند.» این اقدامات، تلاشی برای سرکوب اعتراضات مردمی و ارباب معترضان بود

رازانی در مقام دادستان استان لرستان، در نقض حقوق اجتماعی شهروندان، به‌ویژه حقوق زنان، مشارکت داشته است

برای مثال، او در اردیبهشت ۱۳۹۸، با تهدید شهروندان، از برخورد قضایی با «روزمخواران» علنی خبر «داد». او گفت: «هرگونه تظاهر به روزمخواری در ملاء عام بر اساس قانون ممنوع و جرم است»

دادستان وقت لرستان هشدار داد: «نیروی انتظامی با کسانی که تظاهر به روزمخواری کنند، برخورد کرده و پرونده تشکیل می‌شود.» به ادعای سعید رازانی، حتی مسافران و بیماران نیز نباید در خیابان غذا یا دارو مصرف کنند

دادستانی لرستان، با همکاری نیروی انتظامی استان، در اردیبهشت ۱۳۹۹، ۲۸۴ واحد صنفی را تعطیل کرد. دلیل این اقدام، «هتک حرمت ماه رمضان» عنوان شد

همچنین، ۴۶ شهروند نیز به‌دلیل «روزمخواری» بازداشت شدند. رازانی پیش از آن، در تیر ۱۳۹۸، نیز از پلمپ تعدادی واحد صنفی و رستوران خبر داده بود. دلیل این اقدام، «عدم رعایت مسائل شرعی» خوانده شده بود. او همچنین گفته بود که دادستانی به نیروی انتظامی دستور داده با افرادی که «کشف حجاب» می‌کنند، برخورد کند

سعید رازانی هشدار داده بود: «هر کجا نیاز باشد، نیروی انتظامی ورود کند؛ علاوه بر دستورات لازم، خود بنده هم شخصاً حضور پیدا می‌کنم»

در خرداد ۱۳۹۱ نیز، نیروی انتظامی لرستان از پلمپ ۹۰ واحد صنفی به‌دلیل «مظاهر علنی فساد» با هماهنگی دادستانی خبر داد. این اقدامات، نشان‌دهنده رویکرد سختگیرانه رازانی در محدودسازی آزادی‌های فردی است

سعید رازانی در نقض حق حیات انسانی نیز مشارکت مستقیم داشته است. او به‌عنوان دادستان لرستان، در برابر نقض حق حیات شهروندان از طریق صدور و اجرای حکم اعدام مسئول است

این مسئولیت، به‌ویژه با توجه به کیفرخواست‌های صادر شده از سوی دادستانی، اهمیت می‌یابد. همچنین، بر اساس آیین‌نامه اجرای احکام، واحدهای اجرای احکام کیفری زیر نظر دادستانی هر شهر فعالیت می‌کنند

بر اساس گزارش منابع حقوق بشری، در دوران مسئولیت سعید رازانی در دادستانی لرستان، دست‌کم ۴۱ زندانی در این استان اعدام شدند. از این تعداد، اتهام ۳۲ نفر مرتبط با جرایم مواد مخدر بوده که ارتباط مستقیم با کیفرخواست‌های دادستانی دارد

همچنین، ۵ زندانی به اتهام قتل عمد، یک زندانی به اتهام «اقدام علیه امنیت ملی از طریق محاربه»، و ۳ زندانی نیز به اتهام جرایم مالی از طریق کلاهبرداری اعدام شدند

دادستانی لرستان در بهمن ۱۳۸۹، دو زندانی متهم به جرایم مرتبط با مواد مخدر را در ملاء عام در خرم‌آباد اعدام کرد

سعید رازانی در مقام دادستان لرستان، در نقض فاحش حقوق کودکان، با تلاش برای اعدام یک کودک- مجرم، مشارکت مستقیم داشته است

در پرونده‌ای مربوط به قتلی در سال ۱۳۹۳ توسط «محمد کلهری»، نوجوانی با اختلالات روحی و روانی، رازانی به‌شدت به دنبال صدور و اجرای حکم اعدام برای این نوجوان بود. او حتی از بستری شدن وی در بیمارستان جلوگیری کرده است

به گفته «حسن آقاخانی»، وکیل مدافع این نوجوان: «دادستان وقت خرم‌آباد با این که شرایط بیماری محمد بسیار حاد است، اجازه نداد او بستری شود. دادستان حتی می‌گفت حالا که محمد مشکل روانی دارد، اعدامش کنیم تا تمام شود»

محمد کلهری دانش‌آموزی بود که در سال ۱۳۹۳، در شرایط نامناسب روحی و روانی و زیر ۱۸ سال سن، معلم خود را با ضربات چاقو به قتل می‌رساند. اصرار رازانی به اعدام این کودک-مجرم در حالی بود که بر اساس نامه مدیرکل پزشکی قانونی استان، این نوجوان دچار اختلال روانی بوده است

در این نامه آمده: «حسب مشاوره تخصصی انجام‌شده، نام‌برده مبتلا به اختلال خلقی و سلوک است که نیاز به بستری در بیمارستان دارد. لازم است پس از ترخیص از بیمارستان مجدداً به این اداره معرفی شود.» تا اظهار نظر قطعی داده شود

بر اساس قوانین بین‌المللی، به‌ویژه کنوانسیون جهانی حقوق کودک، صدور و اجرای مجازات مرگ برای افراد زیر ۱۸ سال ممنوع است

سوابق سرکوب و نقض حقوق بشر سعید رازانی نشان‌دهنده مسیر کاری او در دستگاه قضایی است. او تا اردیبهشت ۱۳۸۵، دادستان عمومی و انقلاب شهرستان بروجرد در استان لرستان بود

از مهر ۱۳۸۵ تا تیر ۱۳۹۹، رازانی به‌عنوان دادستان عمومی و انقلاب استان لرستان مشغول به کار بوده است

از تیر ۱۳۹۹ او مدیرکل بازرسی استان لرستان است

تنها قربانی رسانه‌ای شده جنایات، سرکوب و نقض حقوق بشر سعید رازانی که در این متن به صراحت نام برده شده، «محمد کلهری» است

رازینی، علی



آخوند جنایتکار علی رازینی معاون قوه قضائیه و یکی از مخوفترین دستار بند رژیم آخوندی. رئیس سازمان قضائی نیروهای مسلح. رئیس دیوان عدالت اداری. حاکم شرع دادگاه ویژه روحانیون. نماینده مردم همدان در مجلس خبرگان رهبری. از عوامل اصلی کشتار 67. اعدام کننده زنان سیاسی در مشهد. این آخوند پلید به همراه محمد مقیسه در 29 دیماه 1403 در کاخ دادگستری کشته شد. آخوند رازینی در مردادماه 1398 در گفتگو با سایت جماران درباره اعدام اعضای سازمان مجاهدین خلق پس از عملیات مرصاد در سال 1367 گفته بود: افراد دستگیر شده را بدون داشتن وکیل و براساس حکم آیت الله خمینی «طبق موازین شرع و بدون رعایت مقررات دست و پا گیر» اعدام کردند.

او گفته بود محاکمه «در حد نیم ساعت» در همان میدان جنگ با حضور «قاضی واجد الشرایط و عادل» تشکیل شده و سپس حکم در همان جا اجرا می شد.

به گفته وبسایت مرکز انقلاب اسلامی علی رازینی «بارها هدف سوء قصد دشمنان» قرار گرفته بود.

راستی، سعید



سرهنك جنايتكار سعيد راستي از فرماندهان مرتبط با ساختارهاي انتظامي معرفي شده و ادعا شده در وقايع دي ماه در تهران نقش ميداني داشته است. در اين روايت ها عنوان شده كه در تيراندازي به سوي معترضان حضور داشته و به نيروهاي تحت امر خود نيز دستور برخورد داده است.

همچنين گفته شده ويدئويي منتسب به او منتشر شده كه در آن با سلاح به سمت جمعيت شليك مي كند. بر اساس همين گزارش ها، وي معاون مركز عمليات پليس امنيت معرفي شده و در فضاي مجازي نيز فعاليت دارد.

راسخي ، مهدي

قاضي جنايتكار مهدي راسخي در مقام رئيس شعبه سوم دادگاه انقلاب رشت، مسئوليت مستقيم نظارت بر روند دادرسي پرونده هاي ارجاعي را بر عهده داشته است. در دوران تصدي وي، بر اساس گزارش هاي موجود، احكام متعددي در خصوص بازداشت شدگان حوزه استحقاضي استان گيلان صادر شده است.

در جريان تجمعات سراسري دي ماه 1404 در استان گيلان، پرونده هاي متعددي از متهمان شهرهاي رشت، انزلي و لاهيجان به بهانه بررسي جرايم امنيتي به شعبه سوم دادگاه انقلاب رشت ارجاع شد. بر اساس شواهد موجود، مديريت اين بخش از فرايند قضايي بر عهده مهدي راسخي بوده است. طبق گزارش هاي منتشر شده توسط نهادهاي مدني، در اين دوره اتهاماتي نظير محاربه و اجتماع و تباني عليه امنيت ملي در پرونده ها درج شده است.

قاضي صادركننده احكام سنگين حبس براي ۱۲ تن از فعالان مدني و حقوق زنان در استان گيلان قرار گرفتن در ليست تحريم هاي بين المللي دولت بریتانیا در 13 بهمن ماه 1404 به دليل عملکرد قضايي

راعي ، مجتبي



مجتبي راعي در جريان اعتراضات آبان ۱۳۹۸، نقش مستقيم در سرکوب شهروندان اصفهان داشته است

مجتبی راعی، فرماندار ویژه شهرستان نجف آباد اصفهان و معاون استاندار اصفهان، نقش مستقیم در سرکوب شهروندان داشته است. این سرکوب در جریان اعتراضات آبان ۱۳۹۸ رخ داد. طبق شرح وظایف فرماندار، نیروهای انتظامی تحت نظارت فرماندار عمل می‌کنند و دستورات او را اجرا می‌کنند.

مجتبی راعی با توجه به مسئولیت‌هایش، در نقض حقوق بشر حوزه‌های مختلفی دخالت داشته است. این نقض شامل حقوق زنان، حقوق اجتماعی، آزادی بیان، حق اعتراض، حق حیات و مرگ غیرنظامیان می‌شود. او در مقام فرماندار نجف آباد در صدور دستور استفاده از سلاح‌های مرگبار دخیل بوده است. این دستورات به مرگ دست‌کم یک معترض و زخمی شدن ده‌ها نفر دیگر انجامید. نام این جان‌باخته توسط رسانه‌های حقوق بشری محمد پورپیرعلی اعلام شده است.

در تاریخ ۱۰ آذر ۱۳۹۸، فرمانده انتظامی نجف آباد از بازداشت ۲۶ نفر خبر داد. این افراد به‌لیدری و نقش‌آفرینی اصلی در اعتراضات متهم شدند. همچنین در ۱۳ آذر ۱۳۹۸، دو نفر دیگر به‌اتهام هدایت و ترغیب معترضان بازداشت شدند. فرمانده انتظامی مدعی شد این افراد مردم را به شرکت در اعتراضات سازماندهی می‌کردند.

در ۲۱ آذر ۱۳۹۸، سه نفر به‌اتهام تخریب و آتش‌زدن میدان ملت نجف‌آباد دستگیر شدند. این حوادث به‌اعتراضات سراسری آبان ۱۳۹۸ مرتبط بود. محمدحسین باباکلانی، فرمانده انتظامی شهرستان، این اقدامات را آشوب خواند. او اعلام کرد که به‌بهانه قیمت بنزین این تخریب‌ها انجام شده است.

در ۸ دی ۱۳۹۸، سه متهم به‌تشویق مردم برای تجمع بازداشت شدند. فرمانده انتظامی نجف‌آباد گفت: “ماموران پلیس فتای شهرستان با اشراف بر فضای مجازی، این افراد را شناسایی کردند.” او افزود این افراد امنیت روانی مردم را برهم زده و تجمعات غیرقانونی را ترغیب کرده بودند.

در ۲۹ مهر ۱۳۹۹، مجتبی راعی از بازداشت زنی خبر داد که بدون حجاب در خیابان‌های نجف‌آباد دوچرخه‌سواری کرده بود. فیلم‌بردار و منتشرکننده این ویدئو نیز شناسایی و بازداشت شدند. مجتبی راعی این زن را هنجارشکن و توهین‌کننده به حجاب توصیف کرد.

سوابق سرکوب مجتبی راعی

معاون پیشین فرماندار شاهین‌شهر و میمه

بین سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۵ به‌عنوان معاون سیاسی فرماندار خمینی‌شهر فعالیت کرده است

از سال ۱۳۹۵ تا خرداد ۱۳۹۷، فرماندار خمینی‌شهر

بین ۲۲ خرداد ۱۳۹۷ تا ۹ دی ۱۴۰۰ نیز فرماندار نجف‌آباد در استان اصفهان

از ۳۰ آبان ۱۴۰۳ به عنوان فرماندار ویژه کاشان در استان اصفهان
مجتبی راعی بارها در سرکوب‌ها دخیل بوده و اقدامات او همچنان مورد انتقاد است

رامین ، محمد علی



معاون مطبوعاتی وزارت ارشاد اسلامی در دولت دهم (محمود احمدی نژاد). سانسورچی . توقیف
کننده مطبوعات. تحریم شده از سوی اتحادیه اروپا بخاطر نقض حقوق بشر. منکر فاجعه هلوکاست.

ربانی ، محسن

آخوند جنایتکار محسن ربانی رایزن فرهنگی جمهوری اسلامی در انفجار مرکز همیاری یهودیان بوینس
آیرس آرژانتین.

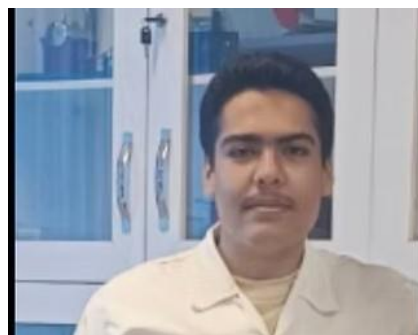
ربیی ، حسن



از نیروهای بسیجی فعال در منطقه 22 تهران و حوزه 109 معرفی شده و ادعا شده در وقایع اعتراضی سال‌های اخیر در صحنه‌های میدانی حضور داشته است

در این روایت‌ها عنوان شده که در جریان اعتراضات 1401 در یک درگیری در پارکینگ برج پامچال مجروح شده و همچنین در خیزش ملی در 19 دی‌ماه در تیراندازی به سوی معترضان مشارکت داشته است

ربیعی ، مهدی



مزدور بسیجی با سابقه شرارت ، تجاوز و اعتیاد شدید به شیشه که در قیام دیماه مردم بیرجند چندین تن را کشته است. او ساکن منطقه ظفر بیرجند است.

رجائی ، محمد علی



معلم دبیرستان که به مدت یکماه دومین رئیس جمهور رژیم آخوندی بود. از طرفداران گروه تروریستی فدائیان اسلام. گروه‌بان نیروی هوایی زمان شاه فقید. او خواهان تعطیلی بسیاری از دانشکده ها شد و می گفت : فقط دانشکده های پزشکی و دندانپزشکی به درد میخورند و مابقی را باید تعطیل کرد. او به همراه محمد جواد با هنر نخست وزیر در دفتر حزب جمهوری اسلامی به قتل رسیدند.

رجائی نسب ، صدرالله



آخوند جنایتکار صدرالله رجائی نسب رئیس کل دادگستری استان فارس، مسئولیت قانونی کردن این جنایات و بستن دهان عدالت را بر عهده داشت

رجایی نسب که پیش از رسیدن به کرسی ریاست دادگستری فارس، سال‌ها در مناصب حساس قضایی از جمله معاونت قضایی دادگستری کل استان قم و رئیس کلی دادگستری استان کهگیلویه و بویراحمد خدمت کرده، متخصص «توجیه شرعی و قانونی» سرکوب است

او در جریان اعتراضات دی ۱۴۰۴، با تبدیل دادرها به شعبه‌های بازجویی سپاه و واجا، لکه ننگ ابدی بر پیشانی عدالت در شیراز بر جای گذاشت



بیدادگاه‌های برق‌آسا و نقض حق دفاع

تحت مدیریت مستقیم سیدصدرالله رجایی نسب، دادگستری فارس در دی ۱۴۰۴ به یک کارخانه تولید حکم تبدیل شد. او با صدور ابلاغ‌های ویژه برای قضات گوش‌به‌فرمان، «شعب ویژه رسیدگی به جرائم علیه

امنیت» را راه اندازی کرد که در آن‌ها بازداشت‌شدگان بدون دسترسی به وکیل انتخابی و تنها در چند دقیقه محاکمه می‌شدند. سیدصدرالله رجایی‌نسب مسئول مستقیم تایید احکام سنگین حبس تعزیری و تبعید برای معترضانی است که تنها جرمشان حضور در خیابان‌های معالی‌آباد و زند شیراز بود. او با فشار بر قضات تجدیدنظر، راه هرگونه تخفیف مجازات را بست تا ماشین ارباب با حداکثر سرعت حرکت کند.

لاپوشانی قتل‌های خیابانی و مصونیت‌بخشی به ضارب‌ان توسط سیدصدرالله رجایی‌نسب

یکی از خطرناک‌ترین نقش‌های سیدصدرالله رجایی‌نسب در اعتراضات ۱۴۰۴، ممانعت از تشکیل پرونده برای ماموران مسلح و لباس‌شخصی‌هایی بود که به سوی مردم شلیک کردند. او در مقام عالی‌ترین مقام قضایی استان، دستور بایگانی کردن شکایات خانواده‌های جان‌باختگان را صادر کرد. رجایی‌نسب با همدستی پزشکی قانونی، علت مرگ ده‌ها تن از جاویدنامان فارس را «ایست قلبی» یا «نزاع دسته‌جمعی» عنوان کرد تا از پیگیری حقوقی قاتلان در آینده جلوگیری کند. او عملاً به نیروهای سرکوب اطمینان داد که در قلمرو قضایی او، هیچ مأموری برای کشتن مردم بازخواست نخواهد شد.

فهرست سرخ؛ جاویدنامان راه آزادی در فارس

خون این ۵۰ قهرمان که در جریان خیزش دی ۱۴۰۴ در شهرهای مختلف استان فارس به زمین ریخت، مستقیماً بر گردن دستگاه قضایی تحت امر سیدصدرالله رجایی‌نسب است که به جای ستاندن داد، بر دهان دادخواهان لجام زد.

آرشام ابراهیمی، آرمان اسدی، آیدین سلیمانی، ابوالفضل جاوید (۱۷ ساله)، احسان مرادی، ارشیا رضایی، الهه صادقی (۲۲ ساله)، امید محمدی، امیرمحمد زارع، امین احمدی، بابک رحیمی، بنیامین صادقی، پارسا حسینی، پریا اسدی، پویا صالحی، تارا اکبری، جعفر محمودی، جواد براتی، حامد سلیمانی، حسام اسدی، حسین رحمانی، حمیدرضا زارع، داریوش مرادی، دانیال اسدی، زانیا حسینی، سارینا اکبری، سپهر جاوید، ستایش مرادی، سروش احمدی، سعید صادقی، سیاوش اسدی، شایان جاوید، صبا مرادی، عرفان اسدی، علی سلیمانی، علیرضا صادقی، غزل مرادی، فریدون احمدی، کسری مرادی، کیانوش اسدی، ماهان مرادی، متین سلیمانی، محمد اسدی، مرتضی صادقی، مصطفی جاوید، مونا اسدی، مهدی مرادی، نسترن صادقی، نیما اسدی و هستی مرادی.

مدیریت شکنجه و اعترافات اجباری در زندان عادل‌آباد

سیدصدرالله رجایی‌نسب به عنوان مسئول نهایی وضعیت زندان‌های استان، نظارت مستقیمی بر بازداشتگاه مرکزی شیراز (عادل‌آباد) و بازداشتگاه‌های موقت داشت. در دی ۱۴۰۴، گزارش‌های تکان‌دهنده‌ای از شکنجه سیستماتیک بازداشت‌شدگان برای گرفتن اعترافات تلویزیونی علیه خودشان منتشر شد. رجایی‌نسب نه تنها چشمان خود را بر این جنایات بست، بلکه با حضور در زندان و تهدید بازداشت‌شدگان، آن‌ها را میان «اعتراف دروغین» یا «حکم اعدام» مخیر می‌کرد. او مهندس سناریوهایی است که در آن جوانان معترض را به عنوان «عوامل بیگانه» به قاب تلویزیون کشاند تا جنایت سرکوب را توجیه کند.

گروگان‌گیری خانواده‌ها و سرکوب وکلای مستقل

تحت امر رجایی‌نسب، دادگستری فارس به جای اجرای قانون، به نهاد گروگان‌گیری تبدیل شد. او دستور بازداشت اعضای خانواده جان‌باختگان را صادر می‌کرد تا آن‌ها را از برگزاری مراسم سوگواری یا اطلاع‌رسانی باز دارد. همچنین، او با تهدید و ابطال پروانه وکلای شجاعی که قصد دفاع از حقوق معترضان را داشتند، حق دفاع را به طور کامل در استان فارس ملغی کرد. رجایی‌نسب ثابت کرد که در نظام تحت مدیریت او، قانون تنها ابزاری برای تثبیت قدرت آمران سرکوب است.

قاضی‌ای که باید محاکمه شود

سیدصدرالله رجایی‌نسب ممکن است پشت میزهای بلند قضایی و عناوین دهان‌پرکن پنهان شده باشد، اما نقش او در خون‌های ریخته شده در دی ۱۴۰۴ فارس، خورشیدی است که زیر ابر نمی‌ماند. او از جایگاه قضاوت برای ذبح عدالت استفاده کرد و به جای پناه مظلومان، به تکیه‌گاه قاتلان تبدیل شد. پرونده او به عنوان یکی از اصلی‌ترین ناقضان حقوق بشر در جنوب ایران باز است. رجایی‌نسب باید بداند که لیست ۵۰ نفره‌ای که در بالا ذکر شد، تنها بخشی از کیفرخواست مردمی است که در فردای آزادی، او را از کرسی قضاوت به جایگاه متهم خواهند کشاند.

رجب زاده ، عزیزاله



عزیزالله رجب‌زاده سرتیپ جنایتکار به عنوان فرمانده وقت نیروی انتظامی تهران در سال 1388، نقش مستقیم در سرکوب شهروندان تهران داشته است

عزیزالله رجب‌زاده همچنین نقشی عمده در نقض گسترده آزادی‌های اجتماعی شهروندان تهرانی داشت. این اتفاقات در دوران فرماندهی او بر پلیس تهران رخ داد. نقش او به ویژه در نقض و تحدید حق اعتراض و تجمع شهروندان در اعتراضات سال 88 مشهود است. سرکوب خشن آنها نیز به دستور او انجام می‌شد.

رجبی ، علیرضا

مسئول روابط عمومی سپاه قائم آل محمد سمنان

رجبی ، محمد



بسیجی جنایتکار در پوشش کارمند آتش نشانی رباط کریم که در کشتار دیماه 1404 بسوی مردم شلیک میکرده است. محل زندگی او جاده ساوه ، خیابان امام حسین ، کوچه پنجم است.

رجبی ، محمد حسین



استان آذربایجان غربی در جریان خیزش سراسری دی 1404، به یکی از خونین ترین کانون های نبرد میان مردم و ماشین سرکوب تبدیل شد

مسئولیت مستقیم این حجم وسیع از کشتار، شلیک های هدفمند و جنایات جنگی بر عهده سرتیپ دوم پاسدار محمدحسین رجبی، فرمانده سپاه شهدا است. رجبی که پیش از انتصاب به فرماندهی این استان در تیر 1402، بیش از یک دهه فرماندهی سپاه کردستان را بر عهده داشت، با تجربه ای بی رحمانه در سرکوب خیزش های مناطق مرزی، در دی 1404 فرمان تیراندازی مستقیم به سوی شهروندان ارومیه، مهاباد، بوکان و پیرانشهر را صادر کرد

او مسئول مستقیم جان باختن ده ها تن از فرزندان غیور این دیار است که در میان آنها نام نوجوانان و اعضای چندین خانواده به چشم می خورد

رجبی، محمد رضا

عضو شورای فرماندهی سپاه ناحیه شرق تهران. منشی هاشمی رفسنجانی

رجبی، مسعود

مسعود رجبی رئیس و قاضی شعبه اول دادگاه انقلاب رضائیه نقش مستقیم در نقض حقوق بشر شهروندان رضائیه داشته است.

رجبی، رئیس و قاضی پیشین شعبه اول دادگاه انقلاب رضائیه، در حقوق بشر نقش برجسته‌ای ایفا کرده است. وی از زمان تصدی این مسئولیت، در نقض حقوق اقلیت‌های مذهبی، قومی و آزادی‌های فردی شهروندان به شدت مشارکت داشته است. مسعود رجبی در پرونده‌های مختلفی که در این دادگاه رسیدگی شده است، احکام سنگین و ناعادلانه‌ای صادر کرده که اغلب تحت تأثیر انگیزه‌های سیاسی و ایدئولوژیک بوده‌اند.

آمانج کاروانچی، یکی از قربانیان تصمیمات ناعادلانه رجبی، از سوی شعبه 1 دادگاه انقلاب رضائیه به 13 سال حبس تعزیری محکوم شد. این حکم در اسفند 1399 توسط همین شعبه صادر و در تاریخ 7 فروردین 1400 در زندان رضائیه به وی ابلاغ گردید. او به اتهام «عضویت در گروه‌های سلفی» محکوم شده است. آمانج کاروانچی همچنان در زندان به سر می‌برد و از حقوق قانونی خود محروم است.

رجوی، مریم



مریم قجر عضدانلو همسر سابق مهدی ابریشمچی که با داشتن دو فرزند بنا به دستور مسعود رجوی برای ازدواج ایده لوژیک از شوهرش جدا و به عقد مسعود در آمد. او خود را رئیس جمهور ایران پس از فرو پاشی نظام آخوندی میدانند.

رجوی ، مسعود



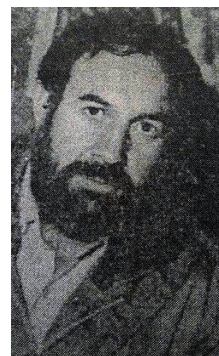
رهبر شورای مقاومت ملی سازمان مجاهدین خلق یکی از بد نام ترین و منفورترین سازمانهای سیاسی – تروریستی که راه اشغال ایران را برای آخوند ها هموار کرد. از 23 سال پیش تا کنون اگر زنده باشد در خفا زندگی می کند.

رحمان ستایش ، سیما



کارشناس سیاسی – امنیتی در فرمانداری شهرستان نور آباد ممسنی استان فارس.

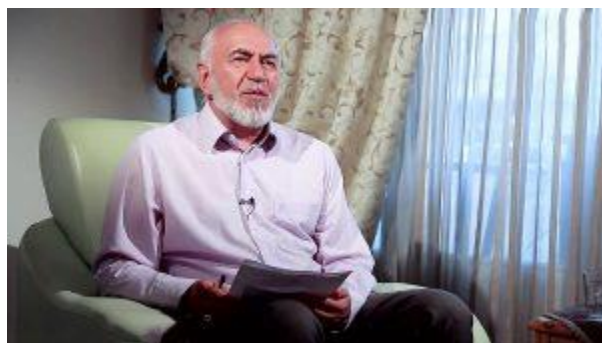
رحمانی ، داود



گنده لات و بدنام محله دولاب تهران و رئیس زندان و شکنجه گر زندان قزلحصار.

یار دژخیم اوین اسداله لاجوردی. دوران ریاست او بر زندان قزلحصار به عنوان دوران وحشت خوانده میشود. او مخترع تابوت برای شکنجه بود. برخورد او با زنان زندانی رعب انگیز بود.

رحمانی ، علی اکبر



استاندار کرمانشاه ، گیلان و تهران از عوامل کشتار 67. سرکوبگر. رئیس سازمان ثبت احوال . عضو شورای امنیت کشور.

رحمانی فضلی ، عبدالرضا



سفیر رژیم آخوندی در چین و از مهره های اصلی فروش قلاچاق نفت به چین برای سپاه پاسداران است. وزیر کشور در دولت 11 و 12 (حسن روحانی) و مشاور رئیس جمهور و دبیرکل ستاد مبارزه با مواد مخدر . او در لیست تحریم وزارت خزانه داری آمریکا بخاطر نقض حقوق بشر قرار دارد.

رحمانی ، محمد علی



عضو دفتر آخوند جنایتکار سید علی خامنه ای. از موسسین مجمع روحانیون مبارز. از همراهان و ملازمان روح الله خمینی در عراق. رئیس سازمان بسیج .

رحمانی موحد ، مرتضی



قاتل زنده یاد فریدون فرخزاد. در طول دوره سفارت حسین موسویان سفیر جمهوری اسلامی در آلمان مرتضی رحمانی موحد به عنوان دیپلمات (دبیر اول) مشغول بکار شد و او بود که زنده یاد فریدون فرخزاد را کشت. او در حال حاضر سفیر جمهوری اسلامی در ژاپن است.

رحمتی ، محمد



وزیر راه و ترابری در دولت های محمد خاتمی و محمود احمدی نژاد. او وزیر راه کشوری بود که هر ساله ده ها هزار تن بخاطر غیر ایمنی بودن جاده ها در آن با سوانح رانندگی کشته میشوند.

رحمتی ، مهدی



مزدور بسیجی مهدی رحمتی فرمانده جنایتکار عملیات بسیج مشهد

رحیقی ، جواد



رئیس مرکز فناوری های هسته ای سازمان انرژی اتمی. یکی از مسئولیت های این مرکز نظارت بر تاسیسات غنی سازی اورانیوم است. جواد رحیقی، دانشمند هسته‌ای و رئیس طرح چشمه نور ایران، برای یک سفر چهار روزه کاری تهران را به مقصد رم ترک می کند. این دانشمند با همتایان ایتالیایی در مرکز سنکروترون الترای ایتالیا دیدار کرد و سپس به شهر لوند سوئد رفت. زمانی که رحیقی برای بازگشت به ایران به فرودگاه کپنهاگ رفت، در آنجا به مدت دو روز بازداشت میشود.

رحیم ، خلیل



وی به عنوان فرمانده بسیج حوزه 243 خیبر معرفی شده است. در این روایت‌ها ادعا شده که در وقایع اعتراضی سال 1401 و همچنین در روزهای 18 و 19 دی‌ماه در صحنه‌های میدانی حضور داشته و در تیراندازی‌ها مشارکت کرده است
نشانی‌های منتسب

شادآباد، 17 شهریور، بلوار شهید طارمی، کنار جگرسرای مهدی، مجتمع ولیعصر
محل کار: خیابان فرجی (15 متری دوم شمالی)، نبش کوچه اسلامی، سوپرمارکت

رحیم صفوی ، یحیی



یحیی رحیم‌صفوی، فرمانده پیشین سپاه پاسداران نقش مستقیم در سرکوب شهروندان ایرانی داشته است

سرلشکر پاسدار یحیی رحیمصفوی، یکی از فرماندهان سابق سپاه پاسداران، به مدت 10 سال فرماندهی این نهاد نظامی-امنیتی را بر عهده داشت. او در دوران مسئولیت خود، مستقیماً در ارتکاب نقض فاحش و گسترده حقوق بشر مشارکت داشته است.

یحیی رحیمصفوی به واسطه دخالت دادن نیروهای سپاه و بسیج در سرکوب اعتراضات دانشجویی و شهروندی، به ویژه اعتراضات تیر 1378 در تهران، مسئول نقض حق اعتراض شهروندان است. در مقام فرمانده کل سپاه پاسداران (از 1376 تا 1386)، یحیی رحیمصفوی در برابر نقض جدی و فاحش حق اعتراض شهروندان از سوی این نهاد مسئولیت دارد.

بر اساس گزارش‌های موثق، سپاه پاسداران به عنوان نهاد نظامی-امنیتی، در سرکوب اعتراضات مردمی در حکومت ایران مشارکت مستقیم داشته است.

به عنوان نمونه، سپاه پاسداران در سرکوب دانشجویان معترض در تهران در تیر 78 دست داشت. در این ماجرا، نیروی انتظامی و لباس شخصی‌ها در شامگاه 18 تیر به خوابگاه دانشگاه تهران حمله کرده، و دانشجویان را به شدت مورد ضرب و شتم قرار دادند.

علاوه بر حضور نیروهای بسیج و سپاه (لباس شخصی) در حمله به خوابگاه دانشجویان، بنا بر گفته فرماندهان ارشد وقت سپاه، برخورد با دانشجویان معترض از 23 تیرماه رسماً به سپاه واگذار شد.

ورود رسمی سپاه به سرکوب دانشجویان در حالی صورت گرفت که پیش از آن، نیروهای لباس شخصی شبانه وارد خوابگاه شده و بسیاری از دانشجویان را مورد ضرب و شتم قرار داده بودند.

دانشجویان در واکنش به این حمله، به اعتراضات خود ادامه دادند. در نتیجه این حمله، عزت‌الله ابراهیم‌نژاد، یکی از ساکنان کوی دانشگاه، کشته شد. چشم یکی از دانشجویان نیز تخلیه گردید و بسیاری دیگر به شدت مجروح شدند.

او اکنون به عنوان مشاور عالی سید علی خامنه‌ای به خیانت و جنایت‌های خود ادامه می‌دهد او در کشتار هولناک دیماه 1404 شرکت مستقیم داشت.

رحیم لو ، مهدی



مزدور بسیجی مهدی رحیم لو ، دانشجوی دانشگاه تهران و از نیروهای لباس شخصی که در سرکوب
دیماه 1404 نقش فعالی داشت.

رحیم مشائی ، اسفندیار

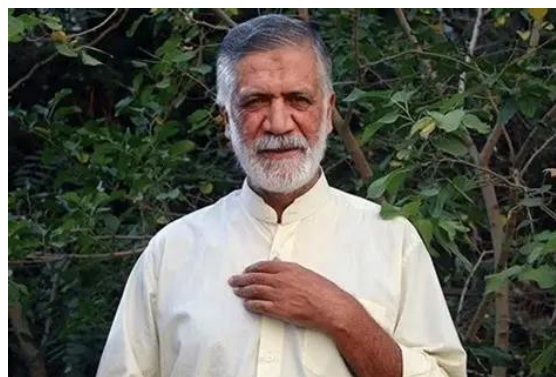


وزیر میراث فرهنگی دولت نهم. رئیس دفتر و معاون احمدی نژاد دزد و غارتگر. مدیر شبکه رادیو
تهران. معاون اجتماعی – فرهنگی شهرداری تهران. غارتگر میراث های فرهنگی و فروش سر سر باز
هخامنشی به انگلیس ها. سرقت نسخه کتاب قانون ابوعلی سینا. ساختن سد سیوند و به خطر افتادن پارسه
و مقبره کوروش بزرگ و آسیب رسیدن به کتیبه هخامنشی در خارک و ساختن مترو در زیر چهار باغ
اصفهان در کارنامه این پشت به وطن کرده تازی پرست قرار دارد.

رحیمی ، امیر

دکتر امیر رحیمی متخصص انتقال گرمای برج های خنک کننده در سازمان انرژی اتمی

رحیمی پور ، رحیم



کارگردان سر سپرده سینمای جمهوری اسلامی. فارغ التحصیل مرکز اسلامی فیلمسازی.

چهره اثر گذار در حوزه سینمای انقلاب و دفاع مقدس.

رحیمی ، حسین



سرتیپ پاسدار جنایتکار حسین رحیمی فرمانده انتظامی جمهوری جهل و جنون و جنایت اسلامی که هم اکنون به عنوان رئیس پلیس امنیت اقتصادی فراجا فعالیت می کند. وزارت خزانه داری آمریکا او را بخاطر سرکوب مردم و نقض حقوق بشر در لیست تحریم های خود قرار داده است. او در قطع اینترنت و کشتار هولناک دیماه 1404 مشارکت مستقیم داشته است. اتحادیه اروپا ، کانادا ، انگلیس ، نیوزیلند نیز او را تحریم کرده است.

رحیمی طاری، رضا



وزیر دفاع سرتیپ رضا رحیمی طاری از مدیران صنعت دفاعی جمهوری اسلامی

رحیمی ، عارف



مدیر مسجد غدیر و از مسئولان کلیدی پایگاه بسیج صاحب‌الزمان در محله گلشهر جنوبی بندرعباس است. بر اساس ادعاهای مطرح شده، وی فراتر از وظایف مذهبی، در قامت یک ضابط امنیتی عمل کرده و به صورت مستقل دستور بازداشت جوانان و دانشجویان معترض را صادر می‌کرده است. او در جریان قیام سال 1401، نقش مستقیمی در شناسایی و دستگیری دانشجویان در بندرعباس داشته و از فضای مسجد غدیر به عنوان مرکزی برای سازماندهی نیروهای سرکوب و پایش محله گلشهر استفاده کرده است. در نهادهای «بنیاد بین‌المللی غدیر» هرزگان نیز دارای مسئولیت اجرایی است و از این جایگاه برای نفوذ در لایه‌های مختلف اجتماعی و اداری بهره می‌برد. مسئول هیئت امنای مسجد غدیر و مدیر پایگاه بسیج صاحب‌الزمان (عج).
* پاتوق و محل فعالیت: بندرعباس، گلشهر جنوبی، بلوار ۱۲ فروردین، خیابان وسیعی‌نژاد، مسجد غدیر.

رحیمی ، عنایت الله



عنایت‌الله رحیمی به عنوان استاندار و رئیس شورای تأمین استان فارس بین سال‌های ۱۳۹۷ تا ۱۴۰۰ در سرکوب و نقض حقوق شهروندان این استان در اعتراضات آبان ۱۳۹۸ نقش داشته است

او در برابر سرکوب خشونت‌بار معترضان در شیراز و قتل آن‌ها توسط نیروهای انتظامی و امنیتی، مسئولیت دارد

عنایت‌الله رحیمی، سرکوب معترضان توسط نیروهای امنیتی و انتظامی در استان فارس را تأیید کرده است

او دوازدهم آذرماه ۱۳۹۸ با استفاده از لفظ «آشوب‌گر» برای معترضان، از عملکرد استانداری و نیروهای امنیتی در سرکوب خشونت‌بار معترضان دفاع کرد

وی در پاسخ به یک دانشجو اعلام کرده بود: «استانداری در مقابله با آشوب‌های اخیر صد در صد خوب عمل کرده است»

سه روز بعد، در جمع بسیجیان استان فارس، از عملکرد نیروهای انتظامی و امنیتی تقدیر کرد و گفت: «در رخداد‌های اخیر، نیروهای امنیتی، انتظامی، سپاه و بسیج نهایت تلاش خود را برای کنترل اوضاع به کار گرفتند»

طبق گزارش‌های موجود، دست‌کم ۳۰۰ شهروند در استان فارس به دلیل شرکت در اعتراضات آبان ۱۳۹۸ توسط نیروهای انتظامی و امنیتی بازداشت شده‌اند

نقش عنایت‌الله رحیمی در مقام رئیس شورای تأمین استان در کشتار معترضان

همچنین، عنایت‌الله رحیمی در مقام رئیس شورای تأمین استان فارس در برابر کشتار معترضان توسط نیروهای انتظامی و امنیتی مسئولیت دارد

شلیک مستقیم گلوله به معترضان و قتل آن‌ها در اعتراضات آبان ۱۳۹۸ توسط عبدالرضا رحمانی فضل‌ی، وزیر وقت کشور حکومت ایران، نیز تأیید شده است

بر اساس گزارش عفو بین‌الملل، حداقل ۲۵ معترض در شهرهای استان فارس با شلیک مستقیم نیروهای انتظامی و امنیتی کشته شدند.

شواهد نشان می‌دهند که در روز ۲۵ آبان ۱۳۹۸، مأموران بسیج در شهر صدرا شیراز از بالای ساختمان بسیج به‌طور مستقیم به سمت معترضان شلیک کردند.

این حادثه منجر به کشته شدن دست‌کم هشت نفر از معترضان شد.

تصاویر منتشرشده از این رویداد حضور مأموران مسلح بسیج را بر روی ساختمان بسیج و شلیک مستقیم آن‌ها را به‌وضوح نشان می‌دهد.

بر اساس روایت شاهدان عینی، پس از تجمع معترضان در برابر ساختمان بسیج، یک هلیکوپتر سپاه پاسداران نیروهایی از جمله تک‌تیراندازها را روی سقف این پایگاه پیاده کرد.

این نیروها سپس به سمت معترضان شلیک کردند.

همچنین، یک خودروی ضدشورش سپاه از ساختمان بسیج خارج شد و مأمور مستقر در آن نیز به سمت معترضان شلیک کرد.

سوابق سرکوب عنایت‌الله رحیمی

سوابق سرکوب عنایت‌الله رحیمی عبارتند از

تا دی ۱۳۹۷ معاون عمرانی استانداری فارس دی ۱۳۹۷ تا مهر ۱۴۰۰ استاندار استان فارس

رحیمی ، محمد رضا



معاون اول رئیس جمهور در دولت دهم (احمدی نژاد) . مشاور فرمانده کل سپاه پاسداران. معاون امور حقوقی و مجلس احمدی نژاد. رئیس دیوان محاسبات کشور. استاندار کردستان در زمان هاشمی رفسنجانی

رحیمی ، محمد رضا .



مردم شهر "سرخرود" باید بدانند که محمد رضا رحیمی، قاتل جوانان "امل"، در شهر داری آن شهر مشغول به کار است. او از سرخرود به آمل می رفت و با تفنگ ساچمه‌ای مردم را هدف قرار می داد.

"شلیک به شهروندان غیر مسلح ایران نقض آشکار حقوق بین الملل بشر و بر اساس موازین حقوقی، مصداق جنایت علیه بشریت است."

رحیمی ، محمود



مزدور بسیجی محمود رحیمی ، عضو سپاه و خبرچین اطلاعات سپاه پاسداران در قزوین و از عوامل کشتار هولناک دیماه 1404 و دستگیری معترضان. در بعضی گزارش ها از این جنایتکار با نام محمد رحیمی یاد شده است.

رزاقیان ، ناصر



سردار پاسدار ناصر رزاقیان . فرمانده تیپ 21 لشکر کربلا گرگان و رئیس هیئت سوار کاری شهرستان ترکمن صحرا . سرپرست معاونت اسبدوانی فدراسیون سوار کاری جمهوری اسلامی.

رزمایش سپاه و نیروی انتظامی برای سرکوب معترضین تهرانی

به آل محمد ، تیپ نگاه کنید.

رزمجو ، علی



سرتیپ جنایتکار پاسدار علی رزمجو فرمانده کل سپاه پاسداران بوشهر . فرمانده تیپ 13 امیرالمومنین . فرمانده منطقه 2 دریائی نوح نبی ندسا . او بخاطر دستگیری ملوانان آمریکائی در سال 1394 نشان فتح از سوس آخوند جنایتکار سید علی خامنه ای دریافت کرد.

رزم ، محمد



محمد رزم به عنوان رئیس کل دادگستری استان‌های ایلام و لرستان مسئولیت نقض حقوق بشر در این دو استان را بر عهده دارد. این نقض شامل حق آزادی بیان، حق اعتراض و حق حیات است

محمد رزم در زمان ریاست خود بر دادگستری لرستان در جریان اعتراضات آبان ۱۳۹۸، نقض حق اعتراض شهروندان را از طریق دادگاه‌ها تسهیل کرد

او در آذر ۱۳۹۸، پس از پایان اعتراضات، شهروندان معترض را به برخورد قاطع تهدید کرد

محمد رزم اظهار داشت: «کسانی که دست به اعمال مجرمانه زدند و به امنیت و آسایش عمومی جامعه خدشه وارد کردند، قاطعانه مورد مجازات جدی و شدید قانونی قرار می‌گیرند

به گفته او، اتهامات معترضان شامل «لیدر، اخلال در نظم، اتصال به سرویس‌های جاسوسی، بیگانه و معاند» بود

تنها سه هفته بعد از این اظهارات، چهار شهروند لرستانی به اتهام «لیدر و عامل اغتشاش» توسط پلیس امنیت لرستان بازداشت شدند

محمد رزم در دوران ریاست خود بر دادگستری ایلام، مسئولیت نقض جدی حق حیات شهروندان را بر عهده داشت

در این دوره، دست‌کم ۱۷ نفر به واسطه صدور و اجرای احکام اعدام در ایلام اعدام شدند

اگرچه تعداد دقیق اعدام‌ها مشخص نیست، اما گزارش‌های حقوق بشری این آمار را تایید می‌کنند

محمد رزم از مدافعان اعدام بود و در تیر ۱۳۹۶ گفت: «این افراد در ملا عام به مجازات خواهند رسید تا درس عبرت برای کسانی باشد که بخواهند در این استان امنیت و آرامش فکری و روانی جامعه را مختل کنند

محمد رزم در برابر نقض حق آزادی بیان شهروندان ایلام نیز مسئول است

در آذر ۱۳۹۶، شهروندی به نام سجاد تابانی به اتهام «فعالیت تبلیغی علیه نظام» به یک سال زندان محکوم شد

همچنین، در شهریور ۱۳۹۷، نجف مهدی‌پور، روزنامه‌نگار و مدیرمسئول دو هفته‌نامه «باخترزمین» به اتهام «توهین به خامنه‌ای و تبلیغ علیه نظام» به یک سال زندان محکوم شد

محمد رزم همچنین در قبال نقض حقوق کارگران توسط دادگستری ایلام مسئول بود

در مهر ۱۳۹۷، شعبه ۱۰۴ دادگاه کیفری ۲ ایلام، پانزده کارگر پتروشیمی ایلام را به زندان و شلاق محکوم کرد

این کارگران، از جمله میلاد دوستی، صرفاً برای مطالبه حقوق خود تحصن و اعتصاب کردند

میلاد دوستی به دو سال زندان و ۷۴ ضربه شلاق محکوم شد

سایر کارگران نیز به شش ماه زندان و ۷۴ ضربه شلاق محکوم شدند

این محکومیت‌ها پس از مسدود کردن جاده منتهی به کارخانه در اعتراض به اخراج غیرقانونی از کار صادر شد

موقعیت‌ها و سوابق سرکوب محمد رزم

خرداد ۱۳۹۱ تا خرداد ۱۳۹۵: نماینده دوره نهم مجلس خامنه‌ای

شهریور ۱۳۹۵ تا شهریور ۱۳۹۸: رئیس کل دادگستری ایلام

شهریور ۱۳۹۸ تا ۱۴ اردیبهشت ۱۴۰۲: رئیس کل دادگستری لرستان

از ۳۰ اردیبهشت ۱۴۰۲ تا کنون (دی ۱۴۰۲) رئیس شعبه اول دادگاه تجدید نظر و رئیس کل دادگستری چهارمحال و بختیاری

برخی از قربانیان سرکوب‌ها و اقدامات محمد رزم عبارتند از

امین محمدی، نجف مهدی‌پور، میلاد دوستی، فشار رشیدی، انور رشیدی

صادق رستمی، نادر خاکی، محمدصالح قیطاسی، توحید قیطاسی، سعید قیطاسی

صادق کاکاخانی، علی کاکاخانی، امین ارکوازی، حجت اسماعیلی، عباس مظفری

محمد حیدری، علی نجات اعظمی

رسائی ، حمید



آخوند حمید رسائی نماینده مجلس شورای اسلامی . دزد و غارتگر. از اعضای شورای مرکزی قرارگاه سرکوبگر عمار .مبلغ جمهوری اسلامی در افریقا.

رستگار ، خلیل

سرتیپ پاسدار جنایتکار خلیل رستگار از فرماندهان میدانی در سرکوب و کشتار در گیلان.

فرمانده سابق سپاه امام سجاد هرمزگان.

رستگار فر ، محمد



مزدور بسیجی محمد رستگار فر با نام مستعار میثم ساکن شرق تهران (نظام آباد) . از عاملان کشتار هولناک دیمه در تهران . او از جمله بسیجی هائی است که در سال 1390 در حمله به سفارت انگلیس شرکت داشت.

رستمی نیا ، مرتضی

سر هنگ جنایتکار مرتضی رستمی نیا رئیس بازداشتگاه اداره آگاهی تهران . شکنجه گر

اداره پلیس تهران- آگاهی شاپور (اداره و سازمان دولتی) در محله آگاهی تهران و خیابان وحدت اسلامی واقع شده است. این اداره یکی از دو اداره و سازمان دولتی در محله آگاهی تهران می باشد و از نظر موقعیت جغرافیایی در نزدیکی فروشگاه زنجیره ای افق کوروش و دبستان هدی قرار گرفته است

آگاهی شاپور حتی به تعبیر رسانه های حکومتی جایی است که از دید زندانیان سیاسی و عادی جایی برای **بازجویی فنی و تخصصی** یا اعمال شکنجه است و نامش همواره برای متهمان با ترس و دلهره همراه بوده است.

هرچند رسانه ها و مقامات حکومتی تلاش میکنند «آگاهی شاپور» را مکانی «متمدن» و در «خدمت جامعه» نشان دهند! اما حقیقتاً آگاهی شاپور چه جایی است؟

آگاهی شاپور بطور خاص جایی است برای اعتراف گیری اجباری از زندانیان. برای گرفتن تایید درباره آنچه حکومت میخواهد به آن برسد. در آگاهی شاپور کسی نمیتواند اعتراف نکند .

در آگاهی شاپور هر کسی را و می دارد به هر جرمی که بازجو می خواهد اعتراف کند «بازجویی فنی»

بازجویی فنی چیست؟

البته بازجویی فنی نام مستعاری برای وحشیانه ترین شکنجه های ممکن است. در بین بازداشتگاه های تهران بزرگ که متهمان جرائم غیرسیاسی در آنها بازجویی می شوند وحشیانه ترین شکنجه ها در بازداشتگاه آگاهی شاپور انجام می گیرد و به همین دلیل بیشترین آمار قتل زندانیان تحت بازجویی مربوط به این بازداشتگاه است

کتک زدن زندانی، بی خوابی و گرسنگی دادن به او، جوجه کباب کردن که به معنای بستن دست و پای زندانی و آویزان کردن او با یک میله است، آویزان کردن از دست و پا، کتک زدن با کابل و باتوم، سوزاندن با سیگار و گاز پیک نیکی، شکستن دست و پا و انواع شکنجه های دیگر تا جایی ادامه پیدا می کند که زندانی به جرائمی که بازجو می خواهد اعتراف کند

آگاهی شاپور همانقدر که برای معترضان در جنبش هشتاد و هشت آشناست برای درویش گنابادی، زندانیان سیاسی و معترضان 98 ، 1401 و 1404 نیز آشناست

چند نمونه قتل در زیر شکنجه در آگاهی شاپور

محمد راجی، درویش گنابادی تنها یک هفته بعد از بازداشت در همین بازداشتگاه کشته شد.

مهرداد طالبی یک هموطن کرد اهل دیواندره در اثر شکنجه مأموران در آگاهی شاپور تهران به قتل رسید.

میلاد جعفری جوان کرد ۲۵ ساله، پس از بازداشت توسط نیروی انتظامی، به طرز مشکوکی در بازداشتگاه آگاهی شاپور، جان خود را از دست داد.

یکی از درویش گنابادی که با نام مستعار علی در مورد آگاهی شاپور با یورونیوز مصاحبه کرده، گفته است: «من یک روز در آگاهی شاپور بودم جایی که به قدری بازداشتی را در بازجویی تحت فشار و شکنجه قرار می‌دهند که به اتهاماتی که به او می‌زنند اعتراف کند و با ایجاد رعب و وحشت و «بازجویی‌های طولانی مدت جرمش را بپذیرد».

جدیدترین گزارشات از وضعیت آگاهی شاپور (قسمت زنان)

سلولها

سلولها موکت شده است و فرش ندارد. دو عدد پتوی سربازی به هر زندانی داده می‌شود. ۵ یا ۶ عدد لیوان آب برای همه زندانیان بصورت مشترک گذاشته می‌شود.

سلولها ۶ متر و مربعی شکل است. هر سلول یک عدد چراغ بسیار کم نور دارد.

در سلولها آهنی و میله ای است. درست مانند آنچه در فیلمها هست.

سلولها شلوغ و پرجمعیت است و جایی برای نفس کشیدن نیست. در کل ۴ سلول زنان دارد.

تفکیک جرائم وجود ندارد یعنی زندانیان سرقت و قتل و مواد و ... در یک محیط هستند.

سلولها از ترس خودکشی زندانیان آینه ندارد. ناخنگیر فقط در حضور زندانبان داده می‌شود. در آگاهی تلویزیون وجود ندارد.

پاسیارها و زندانبانها

هر شیفت ۴ یا ۵ زندانبان دارد. اگر کسی شلوغ کند یا کسی سرو صدا و یا اعتراض کند زندانبان های مرد را می‌آورند و با باتوم به جان زندانیان می‌افتند و آنها را دستبند و پابند می‌زنند.

رفتار پرسنل بسیار وحشیانه است داد می‌زنند، بداخلاقی میکنند، فحاشی میکنند! به اسم پوشش اسلامی. مانند و روسری دارند.

حتی اگر از آنها ساعت را سوال کنی پاسخ نمی‌دهند.

وضعیت بهداشت

حمام و دستشویی بسیار کثیف و غیربهداشتی است. ۴-۵ حمام و دستشویی بسیار کثیف و کهنه و غیربهداشتی از مدل توالت های صحرایی دارد که یکی هستند. سیفون و شلنگ ندارد

مایع دستشویی بسیار بی کیفیت است

برای سرویس فقط دو عدد دمپایی وجود دارد. دمپایی رو فرشی هم وجود ندارد و بسیار غیربهداشتی است.

خرید و ملاقات

خرید زندانیان از طریق کارت نیست و باید پول نقد باید بدهند. پول نقد هم به این صورت است که در زمان بازداشت به نفر می گویند پول نقد بیاور یا خانواده برای زندانی بیاورد. ولی زندانی خودش به فروشگاه نمی رود. لیست موجودی فروشگاه را به زندانی می دهند و زندانی لیست می دهد برایش می خرند فاکتور هم نمی دهند که طرف بفهمد چقدر از او کاسته شده

ملاقات با خانواده وجود ندارد و میگویند قانون است که در آگاهی ملاقات نباشد. تماس وجود ندارد. اخیرا امکان روزی سه دقیقه امکان تماس هست. تلفن ها کارتی است و یک پاسیار کنار زندانی می ایستد تا زندانی بتواند تماس بگیرد.

رسولی ، عباس



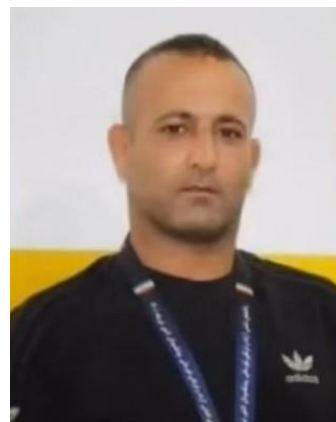
سید عباس رسولی سرهنگ پاسدار جنایتکاری است که فرمانده عملیات مقاومت بسیج مقداد ، غرب تهران است. او از عوامل کشتار در سال 1388 بود. او بخاطر کشتار مورد تقدیر سرتیپ پاسدار عبدالله عراقی فرمانده سپاه محمد رسول الله تهران قرار گرفت.

رسولی ، مهدی



مداح حکومتی. سرکوبگر سر دسته اراذل و اوباش حکومتی نظیر ابراهیم خدائی.

رسی بینا ، علی



مزدور بسیجی علی رسی بینا از عوامل کشتار دیماه 1404 در بندر پهلوی

رشته احمدی ، پهرام



معاون جنایتکار دادستان تهران در امور زندانها. مسئول بازداشت فعالان سیاسی، مدنی و حقوق بشر. سیدبهرام رشته‌احمدی، معاون امنیتی دادستان تهران و سرپرست دادسرای امنیتی اوین، نقش اصلی در نقض حقوق متهمان و زندانیان سیاسی ایفا کرده است. رشته‌احمدی مسئولیت مستقیم بازداشت فعالان سیاسی، مدنی و حقوق بشر را برعهده داشته است. ساختار دادسرای اوین، با هدایت سیدبهرام رشته‌احمدی، مؤثرترین ابزار فشار بر معترضان محسوب می‌شود.

این دادسرا در سال 1388، با هدف افزایش فشار بر بازداشت‌شدگان اعتراضات آن سال و بررسی پرونده متهمان «امنیتی» تأسیس شد. عباس جعفری دولت‌آبادی دادستان تهران گفته بود: «این دادسرا، دادسرای انقلاب است که از کیان انقلاب دفاع کرده و برای مبارزه سریع با جرایم ضد انقلاب تشکیل شده است.» تشکیل آن با نظارت مستقیم رشته‌احمدی همراه بود.

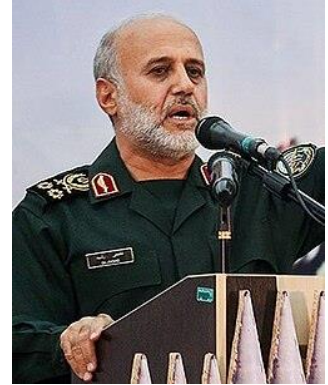
رشته‌احمدی، به‌عنوان معاون امنیتی و سرپرست دادسرا، در نقض آزادی شهروندان و تضییع حقوق اصناف مشارکت مستقیم داشته است. این نهاد وظیفه بازداشت فعالان سیاسی، مدنی، حقوق بشر و وکلای مدافع آن‌ها را برعهده داشت. پرونده بسیاری از معترضان سال 1388 در این دادسرا بررسی شد.

در شهریور 1389، با هدایت سیدبهرام رشته‌احمدی، نسرین ستوده، فعال و وکیل حقوق بشر، پس از احضار برای «پاره‌ای از توضیحات» بازداشت شد. در بازداشت او از حق دسترسی به وکیل و ملاقات محروم بود. این عمل مصداق نقض حقوق قانونی و اساسی او بود.

رشتی لامعی، محمد

رئیس مرکز ذوب هسته‌ای سازمان انرژی اتمی

رشید، غلامعلی



سرلشکر غلامعلی رشید از مرموز ترین سران سپاه پاسداران . فرمانده قرارگاه سرکوبگر خاتم الانبیاء. این فرمانده جنایتکار سپاه پاسداران در جریان جنگ 12 روزه (خرداد 1404 کشته شد. او مؤسس سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی بود و نخستین مسئولیت او معاونت اطلاعات سپاه دزفول بود.

رشیدی ، امیر محمد



مزدور بسیجی امیر محمد رشیدی دانشجوی دانشکده کامپیوتر دانشگاه آریا مهر که در درگیری های دانشگاه حضور فعالی داشت.

رشیدی، زهرا



مزدور بسیجی مادینه زهرا رشیدی

* هویت و روابط خانوادگی:

* پدر (محمد رشیدی): رئیس بانک سپه نازی‌آباد؛ متهم به رانت‌خواری

* برادر (محمدحسین رشیدی): از نیروهای عملیاتی سرکوب.

* همسر (امیر): دارای سوابق خلاف‌کاری و متهم به توزیع مواد مخدر.

* اتهامات و عملکرد امنیتی: شناسایی و لو دادن معترضان در محدوده مسجد صاحب‌الزمان (یاخچی‌آباد)؛

این خانواده به عنوان یکی از هسته‌های خبر چینی و رانتی منطقه جنوب تهران معرفی شده‌اند.

* آدرس منزل: تهران، یاخچی‌آباد، کوچه غفوری.

رشیدی ، عباس

عضو هیئت مدیره شرکت کالای الکتریک در زمینه توسعه سانتریفیوژ های سازمان انرژی اتمی.

رضا پور ، علیرضا



علیرضا رضاپور، دادستان عمومی و انقلاب سقز در کردستان، در دوران مسئولیت خود حقوق بشر را نقض کرده است. این نقض‌ها شامل آزادی بیان، حق اعتراض، حقوق کودکان و حق حیات می‌شوند

وظیفه اصلی دادستان، صدور کیفرخواست پس از تعقیب جرم و تفهیم اتهام است. کیفرخواست سپس برای رسیدگی به دادگاه ارسال می‌شود. مسئولیت تمامی کیفرخواست‌های منجر به نقض آزادی بیان یا حق حیات شهروندان بر عهده علیرضا رضاپور است

در ۴ دی ۱۳۹۹، ۵ شهروند سقزی مجموعاً به ۴ سال و ۱۰ ماه حبس تعزیری محکوم شدند. شعبه ۱ دادگاه انقلاب سقز این احکام را صادر کرد. علی‌قادری به ۷ ماه، هیوا (آرمان) امینی به ۱۰ ماه، وریا امینی به ۸ ماه و رحمان رحیم‌پور به ۱۰ ماه حبس تعزیری محکوم شدند

اتهام آن‌ها «فعالیت تبلیغی علیه نظام» بود. همچنین، آرمیا (ایوب) رنجبری به ۱۰ ماه حبس به اتهام «فعالیت تبلیغی به نفع گروه‌های مخالف نظام» محکوم شد. او به دلیل «توهین به رهبری» نیز ۱۳ ماه حبس تعزیری دریافت کرد. در ۱۳ دی ۱۳۹۹، سبحان (راشد) احمدی، ساکن کامیاران، به ۱ سال حبس تعزیری محکوم شد. این حکم به اتهام ارتباط با «یکی از احزاب مخالف نظام» صادر گردید.

در ۱۵ مرداد ۱۴۰۰، مصطفی حمدی، شهروند سقزی، به ۲ سال حبس تعزیری محکوم شد. او به ۸ ماه حبس تعزیری برای «تبلیغ علیه نظام» و ۱۶ ماه حبس تعزیری برای «توهین به خمینی و خامنه‌ای» محکوم شد.

اتهامات او از طریق انتشار مطالب و تصاویر در فضای مجازی مطرح شده بود. مصطفی حمدی مدیر یک کانال تلگرامی بود و پیش‌تر در ۲ پرونده مشابه تبرئه شده بود.

در ۱۵ آبان ۱۴۰۰، فاطمه کریمی، اهل ایلام، توسط شعبه ۱ دادگاه انقلاب سقز به ۱ سال حبس تعزیری محکوم شد. او به اتهام «عضویت در جمعیت‌های مخالف نظام» محکوم گردید. این موارد تحت مسئولیت مستقیم علیرضا رضاپور صورت گرفته است.

در ۶ بهمن ۱۴۰۰، جلسه بازپرسی عثمان اسماعیلی و محمود صالحی، ۲ فعال کارگری سقزی، در شعبه ۳ دادرای این شهرستان برگزار شد. این شهروندان با قرار وثیقه آزاد شدند. آن‌ها به اتهام «تبلیغ علیه نظام» محاکمه شده بودند.

پس از پایان جلسه دادگاه، این ۲ فعال با قید وثیقه موقتاً آزاد گردیدند تا مراحل دادرسی تکمیل شود. در ۱۲ اردیبهشت ۱۴۰۰، عثمان اسماعیلی، فعال کارگری، با حکم دادستانی سقز به پلیس امنیت احضار شد.

او به دلیل برگزاری مراسم روز جهانی کارگر مورد بازجویی قرار گرفت. این فعال کارگری پس از ۱.۵ ساعت بازجویی آزاد شد. تمامی این اقدامات تحت مدیریت علیرضا رضاپور انجام شده است.

رضاپور در نقض حق حیات نیز نقش مستقیم داشته است. در ۲ اردیبهشت ۱۳۹۹، حکم اعدام شایان سعیدپور، کودک-مجرم متهم به قتل، در زندان سقز اجرا شد.

آقای سعیدپور دچار اختلال کنترل تکانه بود و بارها خودزنی کرده بود. پزشکی قانونی با این وجود، رشد کامل عقلی او را تأیید کرد.

همچنین، ۲ نفر در دادگاه شهادت دادند که آقای سعیدپور هنگام وقوع جرم تحت تأثیر مشروبات الکلی بوده است. پدر شایان سعیدپور اظهار داشت که علیرضا رضاپور پیگیر اجرای این حکم اعدام بوده است.

کنوانسیون حقوق کودک، که ایران نیز به آن پیوسته است، اعدام کودکان مجرم را ممنوع کرده است. سازمان عفو بین‌الملل نیز این اعدام را نشانه‌ای از بی‌اعتنایی مقامات ایرانی به حق حیات دانست.

دایانا التهاوی، معاون بخش خاورمیانه و شمال آفریقا در عفو بین‌الملل، اعدام شایان سعیدپور را «کینه‌توزانه و بی‌رحمانه» خواند. او تأکید کرد که صدور و اجرای مجازات اعدام علیه کودکی با سابقه بیماری‌های روانی، طبق قوانین بین‌المللی ممنوع است. او افزود که ایران با این اقدام، نظام دادرسی کودکان را به تمسخر گرفته است.

در ۲۳ فروردین ۱۳۹۹، حکم اعدام مصطفی سلیمی در زندان سقز اجرا شد. او ۵۳ ساله بود و ۱۷ سال را در زندان گذرانده بود. مصطفی سلیمی، متولد ۴ تیر ۱۳۴۶، پیمانکار شرکت گاز بود.

او فروردین ۱۳۸۲ بازداشت و به اتهام «محرابه» و «سرقت مسلحانه» به ۱۵ سال حبس تعزیری و اعدام محکوم شد. آقای سلیمی تا سال ۱۳۷۰ عضو یکی از احزاب کردی بود. این موارد اعدام در دوره مسئولیت علیرضا رضاپور رخ داده‌اند.

در ۳ دی ۱۳۹۹، دادستان سقز از صدور حکم اعدام برای یکی از عوامل فساد اخلاقی، اداری و مالی در این شهرستان خبر داد. او اعلام کرد که پرونده برای بررسی نهایی به دیوان عالی کشور ارسال خواهد شد.

علیرضا رضاپور تأکید کرد: «برخورد قاطع با عاملان و مظاهر فساد اخلاقی، اداری و مالی در ادارات در دستور کار قوه قضائیه و دستگاه‌های امنیتی است».

رضاپور به عنوان دادستان عمومی و انقلاب شهر سقز و یکی از اعضای شورای تامین شهرستان، در دستگیری‌های دسته‌جمعی معترضان و دستور استفاده از سلاح‌های مرگبار علیه آن‌ها در اعتراضات سال ۱۴۰۱ مسئولیت مستقیم داشته است.

گزارش‌ها نشان می‌دهد که این اقدامات منجر به کشته شدن دست‌کم ۵ معترض در سقز شده است. این اعتراضات در پی کشته شدن مهسا (ژینا) امینی آغاز شد و به سرعت در سراسر کشور گسترش یافت. حکومت ایران با خشونت مرگبار به این اعتراضات پاسخ داد.

مسئولیت دادستان در این موارد، از جمله صدور مجوز برای سرکوب و عدم پیگیری موارد خشونت علیه معترضان، بسیار حائز اهمیت است.

از جمله شواهد ارائه شده، فیلم‌ها و گزارش‌هایی از شلیک به سمت معترضان و شلیک مستقیم مأموران به آن‌ها در سقز در شهریور و مهر ۱۴۰۱ است. همچنین، مواردی از بازداشت و ضرب و شتم نوجوانان در این اعتراضات گزارش شده که نشان‌دهنده ابعاد گسترده‌تر سرکوب است.

در بهمن ۱۴۰۳ و در پی فراخوان‌هایی برای اعتصاب گسترده در شهرهای کردنشین در اعتراض به احکام اعدام، علیرضا رضاپور دستور سرکوب اصناف معترض را صادر کرد.

به دستور او، تعداد زیادی از مغازه‌ها پلمب شدند و نیروهای امنیتی در حضور مستقیم او، درهای بسیاری از مغازه‌ها را تخریب کردند و خسارات سنگینی به محل کسب‌وکار شهروندان وارد آوردند.

همچنین، در اقدامی هدفمند برای شناسایی اصناف معترض، نیروهای امنیتی درهای مغازه‌ها، مجتمع‌های تجاری و پاساژها را رنگ‌آمیزی کردند که احتمال برخورد‌های غیرقانونی بیشتری را در پی داشت. این اقدامات، نقض آشکار حق آزادی کسب‌وکار و تجمعات صنفی محسوب می‌شود.

در اسفند ۱۴۰۳، فواد کشاورز، هنرمند جوان گُرد اهل سقز، پس از اجرای خود در مراسم نوروز بخش صاحب این شهرستان، به دستور علیرضا رضاپور توسط نیروهای اداره اطلاعات بازداشت و به مکان نامعلومی منتقل شد.

این بازداشت به دلیل شرکت در مراسمی با حضور گسترده مردم و اجرای سرودهای حماسی صورت گرفت. که نقض آزادی بیان و فعالیت‌های فرهنگی مسالمت‌آمیز است.

سوابق سرکوب و نقض حقوق بشر علیرضا رضاپور عبارتند از: دادستان عمومی و انقلاب شهر سقز از ۲۸ شهریور ۱۳۹۸ تا حداقل تیر ۱۴۰۴.

برخی از قربانیان اقدامات ناقض حقوق بشر رضاپور عبارتند از: فاطمه کریمی، علی قادری، هیوا (آرمان) امینی، وریا امینی، رحمان رحیم‌پور، آرمیا (ایوب) رنجبری، سبحان (راشد) احمدی، مصطفی حمدی، عثمان اسماعیلی، محمود صالحی، مصطفی سلیمی و شایان سعیدپور. این فهرست نشان‌دهنده گستردگی نقض حقوق شهروندان تحت مسئولیت علیرضا رضاپور است.

۱

رضا زاده ، فردین



مزدور بسیجی فردین رضا زاده ، بسیجی شهرستان صومعه‌سرا
پنجشنبه ۱۸ دی ۱۴۰۴ بی‌سیم به دست توی میدان شهرداری شهر رشت دیده شد.
آدرس محل سکونت:

صومعه‌سرا روبروی مسکن مهر اول خیابان شهید فرخ کاظم‌خواه پلاک یک

رضا زاده ، محمد رضا



مزدور بسیجی محمد رضا رضا زاده .سرکوبگر و کشتار کننده معترضین تهران

رضائی ، آرش



آرش رضایی

از نیروهای عملیاتی بسیج در مناطق کرج و اندیشه بوده و در جریان وقایع اخیر، به عنوان یکی از عوامل اصلی برخورد خشونت‌آمیز با شهروندان شناسایی شده است. بر اساس ادعاهای مطرح شده، وی با استفاده از سلاح گرم (تیربار)، شوکر و سلاح سرد در عملیات‌ها حضور داشته و متهم است که بیش از ۵ تن از معترضان را در منطقه اندیشه به رگبار بسته و به قتل رسانده است.

او نقش کلیدی در سازماندهی نیروها در پایگاه‌های بسیج فاز 3 و فاز 4 اندیشه ایفا می‌کند. طبق اطلاعات منتشر شده، وی به صورت مستقیم در سرکوب‌های خیابانی مشارکت داشته و هویت دیجیتال و شماره تماس وی جهت شناسایی در اختیار افکار عمومی قرار گرفته است.

شماره تافن: ۰۹۳۵۳۳۵۳۵۷۱

شناسه تلگرام: ArashRezaee8

نشانی محل سکونت ثبت شده در گزارش: اندیشه، فاز 4، میدان توحید، خانه‌های ویلایی حاشیه خیابان.

رضائیان ، غلامرضا



در سلسله مراتب سرکوب اعتراضات دی 1404، نقش نهادهای اطلاعاتی در شناسایی و در هم شکستن هسته های اعتراضی غیرقابل انکار است

در رأس این تشکیلات در بدنه پلیس، سرتیپ پاسدار غلامرضا رضائیان یا غلامرضا رضائیان فر، رئیس سازمان اطلاعات فراجا قرار دارد

او که از اسفند 1401 بر این کرسی تکیه زده، با بهره گیری از دهه ها تجربه در پلیس اطلاعات و امنیت، مسئولیت مستقیم تبدیل فراجا از یک نیروی انتظامی به یک ارگان امنیتی-سرکوبی را در جریان اعتراضات 1404 بر عهده داشته است

رضائی ، جمشید



در جریان اعتراضات دی 1404، مسئولیت اصلی خون‌های ریخته شده در سنندج، سقز و دیگر شهرهای این استان بر عهده سرتیپ‌دوم پاسدار جمشید رضایی، فرمانده سپاه بیت‌المقدس کردستان است. رضایی که پیش از این در سمت جانشین فرماندهی، تجربه مستقیمی در نظامی‌گری منطقه داشت، با آغاز خیزش مردمی دی ماه، فرماندهی قرارگاه استانی شهرامفر را بر عهده گرفت و دستور استفاده از سلاح‌های جنگی علیه شهروندان بی‌دفاع را صادر کرد.

او مسئول مستقیم تمامی جنایات، بازداشت‌های خودسرانه و قتل‌هایی است که توسط یگان‌های تحت امرش در کردستان به وقوع پیوست.

رضایی ، عباس



عباس رضایی، در مقام استاندار و رئیس شورای تأمین استان اصفهان از آذر ۱۳۹۷ تا مهر ۱۴۰۰، در سرکوب و نقض حقوق شهروندان این استان در جریان اعتراضات آبان ۱۳۹۸ نقش مستقیم داشته است.

او در مقام خود مسئولیت سرکوب خشونت‌آمیز معترضان و کشتار آن‌ها توسط ماموران انتظامی و امنیتی را بر عهده داشت. شواهد متعدد نقش عباس رضایی در این اقدامات را تأیید می‌کنند.

او در مرداد ۱۳۹۹ حمایت خود از نیروهای انتظامی اصفهان را اعلام کرد.

«او گفت: «در حوادث آبان ماه ۱۳۹۸ شاهد از خودگذشتگی نیروهای انتظامی و فرماندهان آن بودیم

گزارش‌ها حاکی است که دستکم ۲۵۰ نفر در استان اصفهان به اتهام شرکت در اعتراضات آبان توسط نیروهای انتظامی و امنیتی بازداشت شدند.

.عباس رضایی به‌عنوان رئیس شورای تأمین استان اصفهان مسئول این بازداشت‌ها و خشونت‌ها است.

طبق گزارش‌های حقوق بشری، دستکم ۲۴ شهروند در شهرهای استان اصفهان، از جمله دو کودک ۱۶ و ۱۷ ساله، با شلیک مستقیم گلوله توسط نیروهای انتظامی و امنیتی کشته شدند

این اقدامات خشونت‌آمیز توسط عبدالرضا رحمانی فضلی، وزیر کشور وقت حکومت ایران، نیز تأیید شده است.

او گفته بود که دستکم ۸۰ درصد کشته‌شدگان اعتراضات آبان توسط گلوله‌های نیروهای انتظامی و امنیتی کشته شدند

همچنین، خبرگزاری رویترز تعداد کشته‌شدگان اعتراضات آبان ۱۳۹۸ را حداقل ۱۵۰۰ نفر اعلام کرده است

شورای تأمین استان اصفهان، به ریاست عباس رضایی، علاوه بر سرکوب مستقیم، در اعمال فشار بر خانواده‌های کشته‌شدگان نیز نقش داشته است

به گفته نوید ابراهیمی، عموی آرشام ابراهیمی از کشته‌شدگان اعتراضات آبان در اصفهان، شورای تأمین دستور داده بود که همه کشته‌شدگان باید در باغ رضوان اصفهان دفن شوند. این اقدام، برخلاف خواست خانواده‌ها، با فشار امنیتی و انتظامی همراه بود

رضائی ، علی



حاج علی رضائی مسئول اطلاعات سپاه ناحیه سید الشهداء تهران . نماینده خامنه ای در بسیج

رضائی، عبدالرسول



فرمانده سپاه پاسداران ارسنجان ، ثارالله شیراز و سپاه فیروز آباد فارس

رضائی ، محسن



سرلشکر جنایتکار محسن سبزوار رضائی میر قائد فرمانده سپاه پاسداران. عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام. معاون اقتصادی ابراهیم رئیسی. فرمانده واحد اطلاعات سپاه پاسداران. تحریم شده از سوی وزارت خزانه داری آمریکا برای بی ثبات کردن خاور میانه و جهان. او در کشتار یهودیان آرژانتین شرکت داشت.

رضائی ، محمد



سر هنگ جنایتکار محمد رضائی قصاب هفت تیر تهران، رئیس کلانتری 105 تهران میدان هفت تیر، کسی که دستانش به خون مردم معترض و غیر مسلح تهران در خیزش 18 و 19 دی 1404 آلوده هست .

رضائی ، محمد رضا



به عنوان «قاری قرآن» شناخته می‌شود و در وقایع 18 و 19 دی‌ماه 1404 در شهر ساری حضور میدانی فعال داشته و در شناسایی، بازداشت و سرکوب معترضان نقش مستقیمی ایفا کرده است. عضو بسیج، خبرچین سپاه و قاری قرآن. * اتهامات: مشارکت در شناسایی و بازداشت‌های دی‌ماه 1404.

رضائی ، محمد صادق



محمدصادق رضایی
این بسیجی و برادرش از قاتلان اصلی کشتار در قلعه حسن خان هستند؛ محمدصادق رضایی و برادرش محمدسجاد رضایی. در اعتراضات مهسا هم با افتخار استوری می‌گذاشت که چند تن رو کشته‌اند. دی‌ماه هم نوشته بود «یا مرگ رو انتخاب کنید یا ولایت، زیر سایه خامنه‌ای». این دو برادر از وحشی‌ترین بسیجی‌های تهران هستند.

رضائی ، محمد مهدی



مزدور بسیجی محمد مهدی رضائی از عناصر بسیج و سپاه سرکوبگر پاسداران که در عملیات دستگیری و بازداشت های وحشیانه و شلیک مستقیم به مردم شهریار در دیماه 1404 شرکت فعالانه داشت.

رضائی ، مرتضی



سرتیپ پاسدار "مرتضی رضایی" را شاید بتوان مرموز ترین سردار سپاه دانست. سالها مسئول اطلاعات سپاه بود و سپس سالها نیز قائم مقام فرمانده کل سپاه بود اما با چراغ خاموش. زمانی که مسئول اطلاعات سپاه بود هم با چراغ خاموش فعالیت می کرد. از او به همراه حسین طائب به عنوان بازو های قدرتمند مجتبی خامنه ای فرزند آخوند جنایتکار سید علی خامنه ای یاد می کنند.

رضائی ، مسعود



پزشک جنایتکار دکتر مسعود رضائی رئیس بیمارستان فارابی مشهد و عامل معرفی مجروحین قیام ملی
دیماه 1404 به ماموران امنیتی

رضائی ، مهدی

معروف به حاجی رضائی بسیجی و از عوامل اطلاعاتی سپاه . سرکوبگر

رضائی آشتیانی ، عباس

از مقامات ارشد اداره اکتشافات سازمان انرژی اتمی

رضائی میر قاند ، ابراهیم



مزدور بسیجی ابراهیم رضائی میر قاند کارمند آموزش و پرورش ناحیه 2 اهواز و از عوامل سرکوب و
کشتار در دیماه 1404 در محدوده زیتون کارمندی اهواز.

رضائی نایه ، محمد رضا



محمد رضا رضائی نایه
 بسیجی سرکوبگر و قاتل. آدرس: تهران خیابان پیروزی، میدان بروجردی. فعالیت در مزگت جعفری
 و مزگت بهشتی برای سرکوب مردم
 کتک زدن و تیراندازی به مردم بی دفاع در تاریخ 18 و 19 دی در خیابان پیروزی...
 سرکوب مردم و کتک زدن مردم با قمه در سال 1401 میدان هفت حوض تهران سر خیزش مهسا امینی.
 لباس شخصی هست ولی بیشتر بچه های خیابون پیروزی تهران میدونن چی کاره هست.

رضائی نژاد، محسن

سر هنگ پاسدار محسن رضائی نژاد مسئول کمیته اطلاع رسانی راهیان نور بوشهر. سرکوبگر

رضوان منش ، علی



معاون دادستان کل کرج . صادر کننده حکم اعدام برای جوانان زیر هجده سال. تحریم شده توسط اتحادیه
 اروپا برای نقض حقوق بشر.

رضوانی ، غلامحسین



نماینده مجلس شورای اسلامی. دشمن قسم خورده دودمان پهلوی و حامی جمهوری اسلامی . مربی عقیدتی و سیاسی کمیته مرکزی انقلاب اسلامی. عضو سپاه پاسداران (ستاد مرکزی)

رضوانی ، غلامعلی

معاون استاندار گیلان . سرکوبگر

رضویان ، جواد



هنرپیشه سر سپرده سینمای جمهوری اسلامی . فریبکاری که جلوی دوربین تلویزیون صدا و سیما گریه میکرد و خواهان آمدن امام زمان بود. همکار پشت به وطن کرده هائی چون مهران مدیری ، مهرداد غفوریان ، رامبد جوان ، مسعود ده نمکی و...

رضوی ، جعفر



جعفر رضوی با عباس عراقچی
مزدور بسیجی جعفر رضوی ساکن روستای حاجی کلا محمود آباد مازندران و از عاملین کشتار دیماه
1404 در محمود آباد . کارچاق کن سپاه پاسداران.

رضوی ، مسعود



نویسنده تازی پرست و فریبکار. نویسنده کتابهایی نظیر : در مسیر سنت گرایی راجع به پشت به وطن
کرده تازی پرست سید حسین نصر. تاریخ سیاسی ایران از انقلاب تا جنگ .

رضوی ، مهدی



سرهنگ جنایتکار مهدی رضوی در منصب فرماندهی سپاه ناحیه رضائیه ، نقش محوری در هدایت نیروهای تحت امر و هماهنگی عملیات‌های مهار تجمعات در جریان اعتراضات دی ۱۴۰۴ داشته است. بر اساس گزارش‌های موجود، در دوران تصدی وی اقدامات متعددی در حوزه پایش امنیتی، بازداشت فعالان مدنی و تصویب طرح‌های مهار فیزیکی صورت گرفته است.

رفیعی کیا ، هادی

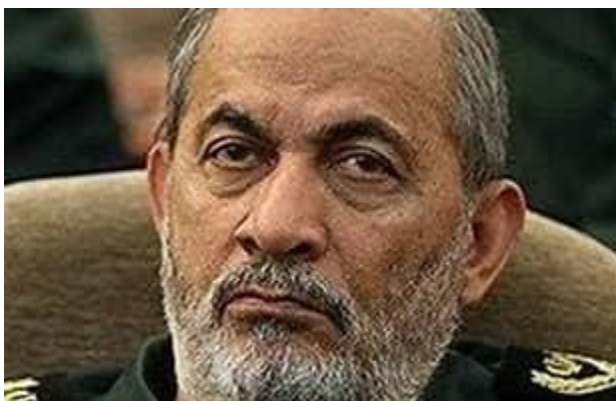


استان مرکزی و به‌ویژه شهر اراک، در جریان اعتراضات دی 1404، به یکی از كانون‌های اصلی پایداری مردمی تبدیل شد. پاسخ دستگاه انتظامی تحت فرماندهی وقت این استان، خشونت عریان، بازداشت‌های گسترده و شلیک مستقیم به شهروندان بود

مسئولیت مستقیم آمریت در این جنایات، صدور دستور شلیک و مدیریت یگان‌های ضارب بر عهده سرتیپ‌دوم هادی رفیعی‌کیا، فرمانده انتظامی وقت استان مرکزی (و فرمانده فعلی استان هرمزگان) است

رفیعی‌کیا که پیش از این در مناصب حساس ستادی و گمرکی فعالیت داشته، در جریان اعتراضات 1404 نقشی کلیدی در نقض فاحش حقوق بشر و قتل ده‌ها شهروند در اراک و سایر شهرهای استان ایفا کرد

رفیق دوست ، محسن



سرتیپ پاسدار جنایتکار محسن رفیق دوست باج گیر محله بدنام و رئیس بنیاد مستضعفان. از بنیانگذاران سازمان سرکوبگر سپاه پاسداران. از اعضای هیئت مؤتلفه اسلامی. صادر کننده حکم مرگ مخالفان جمهوری اسلامی در خارج از ایران. همکار سابق سازمان تروریستی مجاهدین خلق. او راننده خمینی از فرودگاه تا بهشت زهرا بود. مسئول خرید اسلحه برای سپاه پاسداران از کره شمالی ، چین ، بلغارستان ، لهستان ، مجارستان و اسرائیل. او دزد و اختلاس گر نیز هست.

رفیعی ، رستم علی



استان قزوین به دلیل موقعیت راهبردی خود به عنوان پل ارتباطی پایتخت با غرب و شمال کشور، در جریان خیزش سراسری دی ۱۴۰۴ شاهد فضای امنیتی شدیدی بود.

مسئولیت مستقیم سرکوب‌های خونین این استان بر عهده سرتیپ‌دوم پاسدار رستم‌علی رفیعی آتانی، فرمانده سپاه صاحب‌الامر است. رفیعی آتانی که پیش از این فرماندهی لشکر عملیاتی ۱۶ قدس گیلان را بر عهده داشت، با رویکردی کاملاً نظامی و میدانی، مأموریت یافت تا از پیوستن مردم قزوین، تاکستان و الوند به صفوف معترضان جلوگیری کند.

او در روزهای ۱۸ و ۱۹ دی ۱۴۰۴ با صدور دستورات صریح برای برخورد قاطع، مسئولیت جان باختن جوانانی را بر عهده دارد که سینه‌شان هدف کینه نیروهای تحت امر او قرار گرفت.

رفیعی کیا، هادی



استان مرکزی و به‌ویژه شهر اراک، در جریان اعتراضات دی ۱۴۰۴، به یکی از کانون‌های اصلی پایداری مردمی تبدیل شد. پاسخ دستگاه انتظامی تحت فرماندهی وقت این استان، خشونت عریان، بازداشت‌های گسترده و شلیک مستقیم به شهروندان بود.

مسئولیت مستقیم آمریت در این جنایات، صدور دستور شلیک و مدیریت یگان‌های ضارب بر عهده سرتیپ‌دوم هادی رفیعی‌کیا، فرمانده انتظامی وقت استان مرکزی (و فرمانده فعلی استان هرمزگان) است.

رفیعی‌کیا که پیش از این در مناصب حساس ستادی و گمرکی فعالیت داشته، در جریان اعتراضات ۱۴۰۴ نقشی کلیدی در نقض فاحش حقوق بشر و قتل ده‌ها شهروند در اراک و سایر شهرهای استان ایفا کرد.

سوابق در ساختار فراجا؛ از پلیس گمرک تا فرماندهی میدانی

بررسی کارنامه هادی رفیعی‌کیا نشان‌دهنده اعتماد سیستم به وی برای مدیریت جریان‌های اقتصادی و سپس سپردن سکان امنیتی استان‌های صنعتی است.

رئیس پلیس گمرک پلیس امنیت اقتصادی فراجا: وی در این سمت مسئولیت نظارت بر مبادی ورودی و خروجی کشور و برخورد با فعالیت‌های اقتصادی غیررسمی را بر عهده داشت که تجربه بالایی در سازماندهی نیروهای تحت امر در محیط‌های استراتژیک به وی داد.

فرمانده انتظامی استان مرکزی (از مرداد ۱۴۰۱ تا بهمن ۱۴۰۴): رفیعی‌کیا بیش از سه سال و نیم فرماندهی این استان صنعتی را بر عهده داشت. دوران او با سرکوب شدید فعالان کارگری در اراک و نهایتاً آمریت در کشتار اعتراضات ۱۴۰۴ همراه بود.

فرمانده انتظامی استان هرمزگان (از ۲۳ بهمن ۱۴۰۴ تاکنون): وی، به دلیل سرکوب اعتراضات استان مرکزی در ۲۳ بهمن ۱۴۰۴، به سمت فرماندهی یکی از حساس‌ترین استان‌های مرزی و اقتصادی ایران یعنی هرمزگان منصوب شد.

آمریت در قتل سازمان‌یافته و کودکان در اعتراضات ۱۴۰۴ مرکزی

تحت آمریت هادی رفیعی‌کیا، نیروهای تحت امر فراجا در اراک با استفاده از سلاح‌های جنگی و ساچمه‌زن، فجایع انسانی متعددی را رقم زدند. فهرست طولانی جاویدنامان این استان سندی بر قساوت مأمورانی است که تحت فرمان مستقیم او در جریان اعتراضات ۱۴۰۴ عمل می‌کردند.

کشتار کودکان و نوجوانان

قتل امیرعباس امینی (۱۲ ساله)، ایمان فرعی (۱۵ ساله)، علی نوری (۱۷ ساله) و امیرمهدی نعمتی‌نژاد (۱۷ ساله)، نشان‌دهنده بی‌رحمی مطلق در دستورات عملیاتی رفیعی‌کیا است. شلیک به یک کودک ۱۲ ساله و نوجوانان دانش‌آموز، مصداق بارز جنایت علیه بشریت است.

لیست کامل جاویدنامان تحت آمریت رفیعی‌کیا

به احترام خون‌های ریخته شده، نام تمامی قربانیان این فرمانده در اینجا ثبت می‌شود: بابک جمالی، اسماعیل گنجگلی، آرمان حاجی‌یوسفی، آرمیا فضلی (۲۰ ساله)، احمد انجفی، فرزانه توکلی، میثم صابری کرهرودی (۴۱ ساله)، مهرداد مشتاق (۲۷ ساله)، امیرحسین دولت‌آبادی (۱۹ ساله)، احسان اکبری (۲۷ ساله)، احمد هاشمی (۲۲ ساله)، مهرداد (متین) مشتاقی، سعید تقوایی، ابوالفضل بیک‌محمدی، جمیله شفیعی (۶۶ ساله)، شکوفه عبدی، سالار بهداری، پرستو جراحیان (۲۳ ساله)، یاسر مجیدی (۲۱ ساله)، رضا شریفی (۴۴ ساله)، امیررضا نوروزی، ابوالفضل حوضچی (۲۳ ساله)، امیرحسین گودرزی، ایرج یوسفی (۴۸ ساله)، حسین وثوق (۲۱ ساله)، علی حق‌شناس، کریم عاشوری، محمدحسین وثوقی (۲۲ ساله)، مصطفی موحدی، سعید رهبرنژاد، سعید آراین، سعید سلیمانی‌پور (۴۰ ساله)، احسان شاه‌محمدی (۳۳ ساله)، محمد موسوی‌زاده، محدثه کیایی، ابوذر شمس (۲۰ ساله)، ایمان بهادری (۲۸ ساله)، امید باقری (۳۴ ساله)، محمد رنجبر (۳۲ ساله)، احمد صالحی (۲۵ ساله)، سجاد کمانکش، حسین قشقایی، محمدحسین اصغری (۲۳ ساله)، امیرعلی کاشی، محمدحسن بهادری، حسین بدرخانی (۳۰ ساله)، مهدی اصغری، سعید کلوندی (۳۲ ساله)، مهرشاد شفایی، مهدی اکرمی قدیرلی (۲۵ ساله)، بشیر کریمی (۳۶ ساله)، مهدی ذبیحی، محمدجواد امینی، محسن برجی، میرعلی برجی، بهرام حسن‌پور، رضا انصاری‌رامندی، ستایش سوسن‌آبادی (۳۰ ساله)، اردشیر زارعی (۴۰ ساله – پیرو آیین یارسان)، محمدرضا نجفی (۲۷ ساله)، جابر صالحی (۴۴ ساله)، حسن قادری و مهدی میرزایی (۲۳ ساله).

آمریت در شکنجه و انسداد درمانی در اراک

هادی رفیعی‌کیا در جریان اعتراضات ۱۴۰۴، مسئولیت مستقیم بازداشتگاه‌های فراجا در اراک را بر عهده داشت. تحت نظارت وی، بازداشت‌شدگان تحت شکنجه‌های شدید برای اخذ اعترافات اجباری قرار گرفتند. همچنین گزارش‌های متعددی از محاصره بیمارستان‌های اراک توسط نیروهای یگان امداد و لباس‌شخصی تحت امر وی وجود دارد که با ایجاد جو ارعاب، مانع از امدادرسانی به زخمی‌ها شده و بسیاری از مجروحان را پیش از تکمیل درمان به مکان‌های نامعلوم منتقل کردند.

هادی رفیعی‌کیا در پیشگاه عدالت

نام هادی رفیعی‌کیا اکنون با خون کودکانی چون امیرعباس امینی و جوانانی چون آرمیا فضلی گره خورده است. او که گمان می‌کرد با سرکوب خونین در اراک و دریافت پاداش فرماندهی هرمزگان می‌تواند از پاسخگویی فرار کند، باید بداند که تمامی این اقدامات در حافظه جمعی مردم ثبت شده است. رفیعی‌کیا به عنوان یکی از اصلی‌ترین آمران نقض حقوق بشر در جریان اعتراضات ۱۴۰۴، باید در برابر میز عدالت پاسخگوی خون‌های ریخته شده در سراسر استان مرکزی باشد.

وضعیت حقوقی و تحریم‌های بین‌المللی

فرماندهی انتظامی (فراجا) به دلیل نقض سیستماتیک حقوق بشر، تحت تحریم‌های خزانه‌داری ایالات متحده، اتحادیه اروپا و کانادا قرار دارد. سرتپ‌دوم هادی رفیعی‌کیا، به عنوان مجری ارشد این ساختار، تحت تحریم‌های مستقیم قرار دارد که شامل ممنوعیت ورود به این کشورها و مسدود شدن دارایی‌هاست. نام وی به دلیل آمریت در سرکوب سازمان‌یافته در جریان اعتراضات ۱۴۰۴ در فهرست‌های بین‌المللی ناقضان حقوق بشر ثبت شده و مشمول پیگردهای حقوقی بین‌المللی است.

رفیق دوست ، مرتضی



دادگاه متهمان اختلاس 123 میلیارد تومانی بانک صادرات

مرتضی رفیق دوست برادر محسن رفیق دوست متهم به اختلاس 123 میلیارد تومانی بانک صادرات. مرتضی رفیق دوست، متهم ردیف 2 پرونده اختلاس 123 میلیارد تومانی از بانک صادرات و برادر محسن رفیق دوست است. این ماجرا منجر به اعدام فاضل خداداد شد (لطفا به خداداد، فاضل نگاه کنید) در این پرونده، مرتضی رفیق دوست همراه با متهم ردیف سوم (تحویلدار چک‌های رمزدار) به حبس ابد محکوم شدند؛ ولی پس از چندی رفیق دوست مأمور خرید زندان اوین می‌شود و به راحتی می‌توانسته به بیرون از زندان بیاید. بعد هم حکم حبس ابدی که به او داده بودند، با اعمال نفوذ برادرش بخشیده می‌شود و در نهایت آزاد می‌شود. چند سال بعد وی در کلاهبرداری دیگری از مردم تبریز به بهانه مسکن‌سازی بازداشت شده و دوباره آزاد می‌شود. او در حال حاضر عضو هیئت مدیره شرکت تجاری و ساختمانی دولت آباد است.

رکنی زاده، رسول

شاغل در مرکز آمادگی و آی پی لویزان سازمان انرژی اتمی

رکنی، مسعود



سر هنگ جنایتکار مسعود رکنی در منصب فرماندهی ناحیه مقاومت بسیج مالک اشتر، نقش محوری در هدایت نیروهای تحت امر و هماهنگی عملیات‌های مهار تجمعات در جریان اعتراضات دی ۱۴۰۴ داشته است. بر اساس گزارش‌های موجود، در دوران تصدی وی اقدامات متعددی در حوزه پایش امنیتی، بازداشت فعالان مدنی و تصویب طرح‌های مهار فیزیکی صورت گرفته است.

آمریت مسعود رکنی در هدایت نیروهای نظامی و شبه‌نظامی طی وقایع دی ۱۴۰۴

مناطق مختلف منطقه ۱۵ تهران و افسریه در جریان اعتراضات سراسری دی ۱۴۰۴ شاهد تجمعات گسترده‌ای بودند که به تقابل‌های امنیتی مکرر منجر شد. سر هنگ پاسدار مسعود رکنی به عنوان عالی‌ترین مقام نظارتی سپاه در این منطقه، مسئولیت نهایی هماهنگی پایگاه‌های مقاومت و مدیریت میدانی نیروها را بر عهده داشت. در تاریخ مذکور، واحدهای تحت مدیریت این نهاد اقدام به استفاده از تجهیزات سخت کردند که منجر به جان‌باختن شماری از شهروندان شد.



آخوند جنایتکار ددمنش عباس رمضانی پور امام جمعه و نماینده پیشین خامنه‌ای در رفسنجان نقش مستقیم در سرکوب شهروندان رفسنجان داشته است

عباس رمضانی پور، امام جمعه و نماینده پیشین خامنه‌ای در رفسنجان، در نقض حقوق شهروندان نقش مستقیم داشت. این نقض حقوق، شامل حقوق اجتماعی و حق آزادی مذهب در بازه سال‌های ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۸ بود

او به عنوان امام جمعه، به تبیین نظری نقض حقوق شهروندان پرداخت. همچنین رمضانی پور به عنوان نماینده خامنه‌ای، از اقدامات عملی ناقض حقوق بشر حمایت کرده است

عباس رمضانی پور به عنوان امام جمعه رفسنجان، در نقض حقوق اقلیت‌های مذهبی، به‌ویژه بهائیان، مشارکت مستقیم داشت. او در سخنرانی‌های خود به نفرت‌پراکنی علیه پیروان آیین بهائیت دست زد. این اقدامات به تئوریزه کردن خشونت علیه شهروندان بهائی ساکن رفسنجان منجر شد

به عنوان مثال، عباس رمضانی پور در ۱۳ آذر ۱۳۹۳، بهائیان را «نجس» خواند. او در جمع مسئولان رفسنجان، خواستار اخراج آن‌ها از این شهر شد. به گفته او: «خرید و فروش با بهائیان حرام است و» خواسته مردم برای رفتن آن‌ها از این شهر [رفسنجان] باید تحقق یابد



مامور پلیس اطلاعات و امنیت تاکستان قزوین است که در کشتار دیماه 1404 نقش فعالی داشت. محل سکونت او : تاکستان ، خیابان سید جمال الدین ، کوچه اداره آب.

رمضانی ، غلامحسین



رئیس دفتر سیاست گذاری و نظارت راهبردی حفاظت اطلاعات نیرو های مسلح جمهوری اسلامی. این پست مستقیماً توسط آخوند جنایتکار سید علی خامنه ای به او داده شده است. غلامحسین رمضانی در طی سال های گذشته و در دوره های سرکوب گسترده مخالفان در ایران، همواره متصدی پست های اطلاعاتی و امنیتی مهم و کلیدی بوده است. او جزو معدود مقامات اطلاعاتی است که همزمان با تصدی ریاست حفاظت اطلاعات ناجا به دستور سید علی خامنه ای، به مسئولیت اطلاعات ناجا هم منصوب شد. نقش غلامحسین رمضانی در نقض حقوق بشر بسته به سمت او در دوره های زمانی مختلف، قابل بررسی است. از جمله موارد نقض حقوق بشر و اقدامات فراقانونی از سوی او در زمان فرماندهی حفاظت اطلاعات ناجا، پرونده گرداب و سرکوب مخالفان پس از انتخابات مناقشه برانگیز ریاست جمهوری سال 88 در سمت معاونت اطلاعات فرمانده کل سپاه است.

رمضانی، محمد رضا

سرهنگ محمد رضا رمضانی معاون نیروی انتظامی چهار محال و بختیاری. سرکوبگر

رمضانی ، مصطفی



مزدور بسیجی مصطفی رمضانی راننده تاکسی در شهر ساری که در کشتار هولناک دیماه 1404 نقش فعالی داشت.

رمضانی ، مصطفی



سرکوبگری که ۱۸ و ۱۹ دی به مردم در خرم آباد تیراندازی کرد و برای نیرو های سرکوبگر با ماشینش اسلحه جابه جا میکرد. نام پدر امیر قلی
شماره های تماس: ۰۱۰۹۳۳۵۰۹۳۷ - ۰۹۰۵۸۰۶۲۹۲۹ - ۰۹۹۰۲۹۶۸۶۸۲ - آدرس: خرم آباد شماره
پلاک خودرو: ۸۲ و ۸۳۲ ایران ۵۷

رنجبر ، مهرداد



مزدور بسیجی مهرداد رنجبر متولد 1371؛ شاغل در واحد آب و فاضلاب ساوه (ابتدای کوی مهر).
 18 دی‌ماه 1404 : تیراندازی با سلاح جنگی و به رگبار بستن بیش از 5 تن از معترضان.
 19 دی‌ماه 1404: استفاده از خودرو برای زیر گرفتن عمدی شهروندان در سطح شهر.
 اقدامات فعلی: شناسایی منازل معترضان در پوشش مأمور آب و فاضلاب جهت معرفی به نهادهای امنیتی.

رنگ انداز ، مهدی



مهدی رنگ‌انداز

(متولد 1369) از اعضای رسمی سپاه پاسداران و از نیروهای عملیاتی لباس‌شخصی است که تحت پوشش «مداح حکومتی» فعالیت می‌کند. وی در جریان وقایع اخیر، مجهز به تجهیزاتی نظیر اسلحه گرم، شوکر و اسپری فلفل در صحنه درگیری‌ها حضور یافته و به عنوان یکی از مهره‌های معتقد به بدنه قدرت، در شناسایی و برخورد خشن با شهروندان نقش کلیدی ایفا می‌کند. عضو رسمی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی.

* شغل/پوشش: مداح (اجرا در محافل مذهبی و حکومتی). دارای اسلحه، شوکر و اسپری.

* سابقه فعالیت: حضور در یگان‌های سرکوب از سال‌های گذشته تا قیام دی‌ماه 1404.

روان آسا ، پوریا

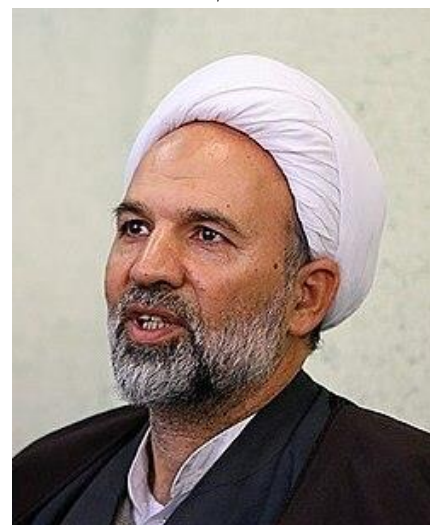


مزدور بسیجی غرب تهران و وزارت اطلاعات سپاه و از عوامل اصلی کشتار دیماه که در بین جمعیت حرکت میکرد و از پشت معترضین را مورد هدف تیر جنگی قرار میداد. آدرس این جنایتکار : تهران ، بلوار ناصر حجازی ، خیابان پروانه شمالی ، کوچه نهم پلاک 4 . خواهر این مزدور هم در بیمارستان تیر خلاص به زنان و دختران مجروح میزده .

روانبخش ، فلاح

روانبخش فلاح . جمعی بازداشتگاه کهریزک . سرکوبگر

روان بخش ، قاسم



آخوند جنایتکار قاسم روانبخش از شاگردان آخوند مصباح یزدی . نماینده مجلس شورای اسلامی. حمایت کننده سخت از قانون حجاب . از اعضای جبهه پایداری انقلاب اسلامی.

روانشاد ، حسین



در حالی که نیروهای سپاه و بسیج در خیابان‌های مرودشت مشغول شلیک به معترضان بودند، حسین روانشاد در مقام دادستان عمومی و انقلاب این شهرستان، مسئولیت تبدیل فریادهای آزادی‌خواهی به پرونده‌های سنگین امنیتی را بر عهده داشت

او که به عنوان مدعی‌العموم وظیفه صیانت از حقوق شهروندان را داشت، در جریان اعتراضات دی ۱۴۰۴ عملاً به بخشی از بدنه اطلاعات سپاه تبدیل شد

روانشاد با استفاده از ردای قضاوت، نه تنها مانع خشونت عریان ضابطان نشد، بلکه با صدور دستورات قضایی برای بازداشت‌های فله‌ای و نظارت بر بازجویی‌های تحت فشار، نقش بی‌بدیلی در خفه کردن صدای اعتراض مردم مرودشت و روستاهای اطراف ایفا کرد

او تبلور فساد قضایی است که در آن، دادستان به جای تعقیب قاتلان، به تعقیب و آزار داغ‌دیدگان می‌پردازد

صدور احکام سفید توسط حسین روانشاد و مشروعیت‌بخشی به خشونت میدانی

حسین روانشاد با آغاز خیزش مردم مرودشت در ۱۸ دی ۱۴۰۴، با صدور احکام قضایی باز و سفید، دست نیروهای تحت امر سپاه و فراجا را برای ورود به منازل و بازداشت هر فردی که در پایش‌های تصویری شناسایی شده بود، باز گذاشت. او مسئول مستقیم خشونت است که در جریان بازداشت‌ها رخ داد؛ چرا که با آگاهی کامل از رفتار ضابطان، هیچ‌گونه نظارتی بر نحوه جلب متهمان اعمال نکرد و به نیروهای عملیاتی اطمینان داد که هیچ پیگرد قضایی برای رفتارهای وحشیانه آن‌ها وجود نخواهد داشت. این دادستان با ایجاد یک چتر حمایتی قانونی برای لباس‌شخصی‌ها، عملاً به آن‌ها اجازه داد تا در محلات مختلف مرودشت به ضرب‌وشتم و تخریب اموال مردم بپردازند. او با تکیه بر جایگاه خود، از هرگونه پاسخگویی نیروهای مسلح در برابر قانون جلوگیری کرد و بدین ترتیب، شریک جرم تمامی جنایاتی است که در صحنه خیابان رخ داد

فهرست سرخ؛ جاویدنامان

مسئولیت حقوقی و کیفری خون این ۵۰ تن از قهرمانان که در جغرافیای مرودشت و استان فارس فدای آزادی شدند و تحت فشار دستگاه قضایی مرودشت، پرونده‌هایشان با سناریوهای دروغین بسته شد، مستقیماً

متوجه حسین روانشاد است. این اسامی سندی بر شکست اخلاقی دستگاهی است که او هدایتش را بر عهده دارد:

نازنین رضایی، ندا اسدی، نیما نوری، هدیه قاسمی، هستی حسین پناهی، یاسمن اسدی، یزدان مرادی، یونس برومند، آرتین رحمانی، آرشام ابراهیمی، آرمان اسدی، آیدین سلیمانی، ابوالفضل جاوید (۱۷ ساله)، احسان مرادی، ارشیا رضایی، الهه صادقی (۲۲ ساله)، امید محمدی، امیرمحمد زارع، امین احمدی، بابک رحیمی، بنیامین صادقی، پارسا حسینی، پریا اسدی، پویا صالحی، تارا اکبری، جعفر محمودی، جواد براتی، حامد سلیمانی، حسام اسدی، حسین رحمانی، حمیدرضا زارع، داریوش مرادی، دانیال اسدی، زانیار حسینی، سارینا اکبری، سپهر جاوید، ستایش مرادی، سروش احمدی، سعید صادقی، سیاوش اسدی، شایان جاوید، صبا مرادی، عرفان اسدی، علی سلیمانی، علیرضا صادقی، غزل مرادی، فریدون احمدی، کسری مرادی، کیانوش اسدی و ماهان مرادی

مدیریت بازجویی‌های فنی و ممانعت از دادرسی عادلانه

یکی از جنایات پنهان حسین روانشاد در دی ۱۴۰۴، حضور فعال در روند بازجویی‌های امنیتی در بازداشتگاه‌های غیررسمی بود. او با ممانعت سیستماتیک از ورود وکلای مستقل به پرونده‌ها و اجبار بازداشت‌شدگان به پذیرش اتهامات واهی چون «تخریب اموال عمومی»، «محرابه» و «تبانی علیه امنیت ملی»، دادسرا را به مسلخ عدالت تبدیل کرد. روانشاد با استفاده از اهرم فشار بر خانواده‌های بازداشت‌شدگان، آن‌ها را وادار به سکوت رسانه‌ای کرد و با تهدید به صدور احکام سنگین‌تر یا محرومیت از ملاقات، مانع از اطلاع‌رسانی درباره وضعیت وخیم زندانیان در بازداشتگاه‌های موقت مرو دشت شد. او به خوبی می‌دانست که اعترافات تحت شکنجه فاقد اعتبار قانونی هستند، اما آگاهانه از این اعترافات برای تکمیل پرونده‌های نمایشی استفاده کرد تا پیروزی ماشین سرکوب را بر اراده مردم جشن بگیرد.

تایید سناریوهای دروغین پزشکی قانونی و دفن‌های امنیتی

به عنوان عالی‌ترین مقام دادسرای مرو دشت، حسین روانشاد نقش محوری در لاپوشانی قتل‌های حکومتی و پاکسازی آثار جرم ایفا کرد. او با فشار مستقیم بر کادر پزشکی بیمارستان‌های مرو دشت و کارشناسان پزشکی قانونی، دستور داد تا علت مرگ جان‌باختگانی که با شلیک مستقیم گلوله جنگی یا ساچمه از فاصله نزدیک کشته شده بودند، با عناوین مبهم و دروغینی چون «حوادث غیرمترقبه»، «ایست قلبی» یا «درگیری‌های شخصی و طایفه‌ای» ثبت شود. او همچنین مسئول مستقیم صدور مجوزهای دفن شبانه، پنهانی و تحت الحفظ امنیتی است که با هدف جلوگیری از تجمع مردم و تبدیل شدن تشییع پیکرها به تجمعات اعتراضی انجام شد. روانشاد با این اقدامات، عملاً حق سوگواری را از خانواده‌ها سلب کرد و تلاش نمود تا نام جان‌باختگان را از حافظه تاریخی شهر پاک کند.

نقش در قطع دسترسی‌های ارتباطی و پایش اطلاعاتی

حسین روانشاد در قامت دادستان، بازوی قضایی لازم برای قطع اینترنت و اختلال در شبکه‌های ارتباطی مروودشت در روزهای بحرانی دی ۱۴۰۴ را فراهم کرد. او با صدور احکامی که دسترسی دستگاه‌های امنیتی به حریم خصوصی شهروندان را قانونی جلوه می‌داد، اجازه داد تا شنود گسترده و ردیابی فعالان مدنی با سرعت بیشتری انجام شود. این همکاری نزدیک با نهادهای اطلاعاتی نشان می‌دهد که او فراتر از وظایف یک دادستان، در نقش یک تحلیل‌گر امنیتی ظاهر شده که هدفش نه کشف حقیقت، بلکه شناسایی و حذف حداکثری هسته‌های اعتراضی بوده است. هر پیامی که ردیابی شد و هر بازداشتی که بر اساس پایش‌های غیرقانونی صورت گرفت، تحت چتر حمایتی حکمی بود که روانشاد آن را امضا کرده بود.

قاضی‌ای که از قانون برای جنایت استفاده کرد

حسین روانشاد مظهر فساد در دستگاه قضایی است که ردای قانون را برای پوشاندن لکه‌های خون بر تن کرده است. او در دی ۱۴۰۴ ثابت کرد که هیچ تعهدی به سوگند قضایی خود و اصول بنیادین عدالت ندارد و تنها مأموریتش صیانت از ساختار قدرت به قیمت جان و آزادی مردم است. نام او در کنار تمامی جانباختگانی که در این لیست ذکر شدند، به عنوان یک ناقض جدی حقوق بشر ثبت شده است. روانشاد باید بداند که پرونده‌سازی‌های او نه تنها لرزه‌ای بر اراده مردم مروودشت نخواهد انداخت، بلکه کيفرخواستی است که در آینده‌ای نزدیک گریبان خود او را در پیشگاه عدالت واقعی خواهد گرفت. دیوارهای دادسرا آنقدر بلند نیستند که بتوانند مانع از رسیدن فریاد دادخواهی ملتی شوند که تمام جزئیات جنایات او را مستند کرده‌اند.

روحانی ، حسن (حسن فریدون)



هفتمین رئیس جمهور نظام آخوندی. رئیس تیم هسته ای و مذاکره کننده ارشد رژیم. عضو شورای عالی امنیت ملی. فریبکار و جعل کننده مدرک تحصیلی.

روحانی ، حمید



سید حمید روحانی با نام حقیقی سید حمید زیارتی سنگسری موسس مرکز اسناد انقلاب اسلامی و از اعضای دفتر آخوند جنایتکار خمینی در نجف بوده است. نویسنده دروغ نامه نهضت امام خمینی.

روحی ، مرتضی



مزدور بسیجی مرتضی روحی خبر چین . سرکوبگر که در جریان اعتراضات مردم اردبیل بسوی آنان شلیک میکرده است. این جنایتکار نوچه آخوند بدکاره سید حسن عاملی است.

روز افروزی ، مجتبی



آخوند جنایتکار مجتبی روز افروزی . از عوامل اصلی برخورد با اعتراضات سال 1404 در شهر رشت بوده و با استفاده از سلاح کمری در خیابان به سمت افراد شلیک کرده است. همچنین ادعا می‌شود که

وی پس از این وقایع، با ارتقای مقام در سازمان تبلیغات اسلامی منصوب شده است. همچنان در ناآرامی‌های شهر رشت نقش محوری داشته و در جریان درگیری‌ها، اقدام به تیراندازی به سوی مردم کرده است. بر اساس ادعاهای مطرح شده، نامبرده متهم به قتل حداقل ده تن با شلیک مستقیم به ناحیه سر می‌باشد.

آدرس: رشت، خیابان توشیبا، اداره کل سازمان تبلیغات اسلامی گیلان، روبه‌روی مسجد مصلی رشت.

روزگاری ، مجتبی



مجتبی روزگاری (آرین‌منش)

خبر چین سپاه در مشهد و کاشمر که به همراه پسرانش در بلوار «سجاد» مشهد در سرکوب و کشتار مردم مشارکت داشت

روزی طلب ، محمد حسن



بازجو . سر دبیر شریف نیوز . دبیر سیاسی سایت رجا نیوز . سرکوبگر . مشاور استاندار فارس . مدیر مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

روشان ، علامرضا



نقش غلامرضا روشن در نقض حقوق بشر در مقام‌های مختلف، قابل توجه است. وی از سال‌های ۱۳۹۵ تا ۱۳۹۷ ریاست زندان جیرفت را بر عهده داشت. سپس در فاصله سال‌های ۱۳۹۷ تا ۱۳۹۹، ریاست زندان مرکزی کرمان را عهده‌دار بود. او از آبان ۱۳۹۹ تا تیر ۱۴۰۱، مدیرکل زندان‌های استان خراسان جنوبی شد و در تمام این مناصب، در نقض جدی حقوق بشر نقش ایفا کرده است.

غلامرضا روشن به عنوان رئیس این دو زندان و نیز مدیرکل زندان‌های خراسان جنوبی، مسئول اجرای مجازات اعدام در این مراکز بود. او در برابر نقض حق حیات به واسطه اعدام‌های صورت گرفته در زندان‌های جیرفت، کرمان و زندان‌های خراسان جنوبی، مسئولیت مستقیم دارد. طبق گزارش‌های حقوق بشری، در دوره ریاست غلامرضا روشن بر زندان جیرفت، دستکم ۱ زندانی به اتهام قتل عمد در آنجا اعدام شد.

همچنین، در زندان مرکزی کرمان، طی مدت ریاست این مقام، دستکم ۱۶ زندانی به اتهام جرایم مرتبط با قاچاق مواد مخدر اعدام شدند. برای مثال، تنها در ۱۵ آذر ۱۳۹۷، مقامات قضایی و مسئولان زندان مرکزی کرمان اقدام به اجرای گروهی اعدام کردند. در آن روز، ۱۲ نفر در یک روز اعدام شدند.

غلامرضا روشن همچنین در مقام مدیرکل زندان‌های استان خراسان جنوبی، مسئول اعدام‌های انجام شده در زندان‌های این استان بود. بر اساس گزارش منابع حقوق بشری، از آغاز مدیریت او تا پایان فروردین ۱۴۰۱، دستکم ۱۶ زندانی به اتهام جرایم مرتبط با قاچاق مواد مخدر در زندان‌های خراسان جنوبی اعدام شدند.

روشن فر ، رضا

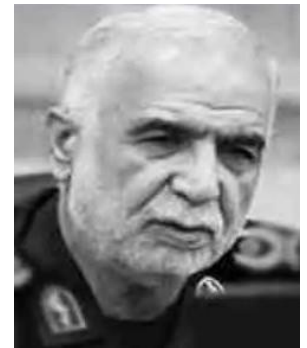
سرهنگ پاسداررضا روشن فر ، فرمانده سپاه رضوانشهر.

رهائی ، مصطفی



بسیجی جنایتکار مصطفی رهائی در میدان امام علی نرسیده به میدان مرکزی شهر تالش (هشتپر) مسلحانه دیده شده و در حمله به زنان و دختران تالشی با باتوم در روز نوزدهم دیماه شرکت فعالی داشته است. وی ساکن منطقه طولارود، سه راه سیدرضی می باشد.

ریحانی ، بهمن



سرتیپ پاسدار بهمن ریحانی، فرمانده سپاه نبی اکرم (ص) استان کرمانشاه، در جریان اعتراضات سراسری دی ۱۴۰۴، مسئولیت مستقیم برخوردهای نظامی با معترضان در غرب کشور را بر عهده داشته است. او که پیش‌تر به دلیل نقش در سرکوب‌های سال‌های ۱۳۹۸ و ۱۴۰۱ در لیست تحریم‌های اتحادیه اروپا و بریتانیا قرار گرفته بود، در خیزش اخیر با تبدیل کردن کرمانشاه به یک منطقه جنگی و صدور فرمان شلیک به محلات حاشیه‌نشین، یکی از عاملان اصلی جنایت علیه بشریت به شمار می‌رود

در ادامه، موارد مستند از آمریت و عاملیت وی در نقض حقوق بشر در اعتراضات ۱۴۰۴ ارائه شده است

آمریت در شلیک مستقیم به کودکان و شهروندان در محله جعفرآباد

یکی از سیاه‌ترین صفحات کارنامه ریحانی در دی ۱۴۰۴، سرکوب وحشیانه در محله جعفرآباد کرمانشاه است

قتل کودکان: در تاریخ ۱۳ دی ۱۴۰۴، نیروهای تحت امر او با شلیک مستقیم، رضا قنبری (کودک ۱۷ ساله) را به قتل رساندند. همچنین در همین تاریخ، تیراندازی مأموران سپاه به سوی مردم منجر به کشته شدن رسول کدیوریان و زخمی شدن شدید برادرش شد

سرکوب هدفمند اقلیت‌ها: تحت فرماندهی او، پیروان آیین یارسان و ساکنان مناطق محروم کرمانشاه به طور ویژه هدف خشن‌ترین برخوردهای نظامی قرار گرفتند

تبدیل شهر به پادگان و استفاده از نیروهای لشکر ۲۹ نبی‌اکرم

برخلاف اعتراضات قبلی، ریحانی در دی ۱۴۰۴ نیروهای رزمی و تکاوری لشکر ۲۹ نبی‌اکرم را مستقیماً وارد خیابان‌ها کرد

نبرد شهری: گزارش‌های رسمی و میدانی در ۱۸ دی ۱۴۰۴ از درگیری‌های مسلحانه در سطح شهر حکایت داشت که طی آن نیروهای تحت امر ریحانی با استفاده از سلاح‌های جنگی به مقابله با معترضان غیرمسلح پرداختند. در این درگیری‌ها، مرگبارترین مداخلات سپاه در محلات «دولت‌آباد» و «جعفرآباد» به ثبت رسید

تنویریه کردن سرکوب و «اغتشاشگر» خواندن معترضان

ریحانی با استفاده از تریبون‌های رسمی، چارچوب لازم برای خشونت عریان را فراهم کرد

پروپاگاندای امنیتی: او در میانه اعتراضات، تجمعات مردم را «توطئه دشمن» و معترضان را «عناصر تجزیه‌طلب» نامید. این برچسب‌زنی‌ها از سوی عالی‌ترین مقام نظامی استان، به معنای مجوز قانونی برای نیروهای عملیاتی جهت استفاده از حداکثر توان مرگبار بود

فشار بر رسانه‌ها: او با تهدید خبرنگاران محلی و فعال‌سازی «بسیج رسانه»، تلاش کرد تا روایت‌های مربوط به کشتار ۱۸ و ۱۹ دی را بایکوت و یا به نفع نظام تحریف کند

بازداشت‌های فله‌ای و شکنجه در بازداشتگاه‌های مخفی

تحت نظارت بهمن ریحانی، صدها شهروند کرمانشاهی از جمله کودکان بازداشت و به مراکز امنیتی منتقل شدند

نقض حقوق بازداشت‌شدگان: گزارش‌های نهادهای حقوق بشری نشان‌دهنده بازداشت دست‌کم ۱۰ کودک در دی‌ماه توسط نیروهای تحت امر او است. بسیاری از این افراد بدون دسترسی به وکیل و تحت بازجویی‌های خشن قرار گرفتند

خلاصه سوابق سرکوب در ۱۴۰۴

منصب: فرمانده سپاه حضرت نبی اکرم (ص) استان کرمانشاه

نقش در ۱۴۰۴: آمر اصلی عملیات‌های نظامی سپاه در سطح استان کرمانشاه و هماهنگ‌کننده یگان‌های سرکوب در غرب کشور

اتهامات حقوق بشری: مشارکت در قتل کودکان (مورد رضا قنبری)، تیراندازی مستقیم به غیرنظامیان، و سازماندهی بازداشت‌های خودسرانه گسترده

بهمن ریحانی با تکیه بر ده سال فرماندهی بر سپاه کرمانشاه، از تمام ظرفیت‌های نظامی برای خفه کردن صدای معترضان در دی ۱۴۰۴ استفاده کرد. نقش او در کشتار محله جعفرآباد، او را به یکی از اصلی‌ترین متهمان جنایات ارتكابی در غرب ایران تبدیل کرده است

ری شهری ، محمد



آخوند جنایتکار محمد محمدی ری شهری وزیر اطلاعات و از عامران اصلی کشتار 67 . این آخوند وژن قبلا خود را محمد محمدی نیک و محمد درون پرور شناسائی میکرد. نماینده مجلس خبرگان رهبری. عضو حقیقی مجمع تشخیص مصلحت نظام. دادستان ویژه روحانیت. دادستان کل کشور. وزیر اطلاعات . این جنایتکار 121 تن از عقابان بلند پرواز نیروی هوایی را در قیام نوژه تیرباران کرد.

ریاضی ، یوسف

سرهنگ پاسدار یوسف ریاضی فرمانده بسیج دانشجویی در آذربایجان شرقی.

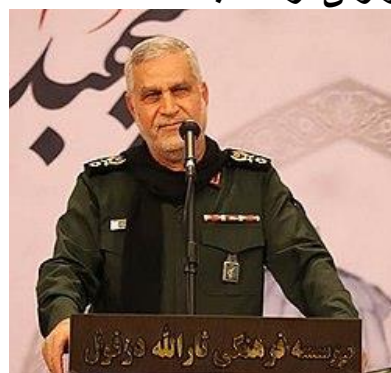
رئوف نژاد ، حسن



خیابان طبرسی
شماره همراه
۰۹۱۵۱۰۲۳۵۷۰

مزدور بسیجی حسن رئوف نژاد که در کشتار دیماه 1404 مردم مشهد شرکت فعالی داشت. شغل او جوشکار سیار است.

رئوفی نژاد، عبدالمحمد



سرتیپ پاسدار عبدالحمید رئوفی نژاد استاندار کرمان . فرمانده لشکر 7 ولی عصر، 31 عاشورا و 41 ثار الله . معاون فرمانده قرارگاه خاتم الانبیاء.

رئیزی ، ابراهیم



آخوند جنایتکار ابراهیم رئیسی . هشتمین رئیس جمهور نظام آخوندی عضو جامعه روحانیت مبارز. دادستان کرج. از اعضای هیئت مرگ در تابستان 67. رئیس قوه قضائیه . تولیت آستان قدس رضوی. دادستان دادگاه ویژه روحانیت . تحریم شده از سوی وزارت امور خارجه آمریکا به دلیل نقض حقوق بشر. این جنایتکار به همراه امیر عبدالهیان وزیر امور خارجه رژیم آخوندی در اردیبهشت 1403 بر اثر سقوط هلیکوپتر کشته شد. او داماد آخوند علم الهدی مشهدی بود.

زارع پور ، عیسی



وزیر ارتباطات وقت و از قاتلین فعال سپاه که با قطع اینترنت فضا را برای قتل عام در انقلاب ملی ایران در دیماه برای جنایتکاران مهیا کرد تا در بی خبری دنیا به راحتی بیش 88000 تن را به قتل رساندند

زارع کمالی ، حسین



سرتیپ دوم پاسدار حسین زارع کمالی، فرمانده سپاه انصارالحسین استان همدان، یکی از چهره‌های اصلی نظامی و امنیتی است که در جریان اعتراضات سراسری دی ماه 1404، مسئولیت مستقیم هدایت ماشین سرکوب و کشتار شهروندان در استان همدان را بر عهده داشت

او که در شهریور 1404 با حکم فرمانده کل سپاه به این سمت منصوب شده بود، در دی ماه همان سال با فعال‌سازی گردان‌های امنیتی امام علی و یگان‌های فاتحین، دستور شلیک مستقیم به معترضان در خیابان‌های همدان، ملایر و تویسرکان را صادر کرد. به دلیل ابعاد گسترده جنایات صورت گرفته تحت آمریت وی، دولت بریتانیا و ایالات متحده در بهمن 1404 نام او را در لیست تحریم‌های خود قرار دادند

زارع کمالی متهم است که با تئوریزه کردن خشونت و «خط قرمز» نامیدن اعتراضات، راه را برای قتل عام معترضان غیرمسلح هموار کرده است

زارع مهر جردی ، فتحعلی



سرتیپ دوم پاسدار فتحعلی زارع مهرجردی فرمانده سپاه ناحیه میبد، ممسنی . فرمانده فعلی پدافند هوایی شیراز.

زارع ، ناصر

مسئول روابط عمومی سپاه پاسداران مرند با درجه سروانی

زارع نوری ، علی



سید علی زارع نوری ، مستشار دادگاه کیفری یک استان اصفهان، در جریان اعتراضات ۱۴۰۱، نقش مستقیم در سرکوب شهروندان اصفهان داشت

زارع نوری در مقام نماینده دادستان اصفهان در صدور حکم اعدام سه معترض، یعنی سعید یعقوبی، مجید کاظمی و صالح میرهاشمی، مسئول شناخته شده است

وی به عنوان مستشار دادگاه کیفری یک استان اصفهان عمل می‌کند. او در برخی پرونده‌ها به عنوان نماینده دادستان حضور داشته و مسئولیت مستقیم در روند دادرسی پرونده‌ها داشته است

پرونده معروف به خانه اصفهان

در یکی از این پرونده‌ها، دادگاه انقلاب براساس اعترافاتی که تحت شکنجه از متهمان اخذ شده بود، این سه نفر را به اعدام محکوم کرد. اتهام آن‌ها «محرابه» از طریق استفاده از سلاح در اعتراضات آبان‌ماه ۱۴۰۱ در اصفهان مطرح شده بود

این افراد از جمله بازداشت‌شدگان اعتراضات مردمی در تابستان و پاییز ۱۴۰۱ در استان اصفهان بودند

در دی ماه ۱۴۰۱، مجید کاظمی در یک گفتگوی صوتی با مادر خود به‌صراحت از شکنجه‌هایی که در دوره بازجویی متحمل شده و همچنین تهدیدها و آزارهای جنسی که به او تحمیل شده بود، پرده برداشت

این پرونده پر از ابهامات حقوقی است. به عنوان مثال، عبارت «یک سری تیراندازی» که در پرونده به آن اشاره شده، فاقد ادله حقوقی کافی است تا بتواند رابطه مستقیم میان تیراندازی و کشته شدن مأموران را اثبات کند

به دلیل نقض حقوق بشر و دخالت مستقیم در این احکام اعدام، سید علی زارع نوری در تیرماه ۱۴۰۲ توسط اتحادیه اروپا تحریم شد

وی از ۲۵ شهریور ۱۳۹۸ تا ۲۴ مهر ۱۴۰۰ به عنوان دادستان عمومی و انقلاب نجف آباد فعالیت داشته و از مهرماه ۱۴۰۰ به عنوان مستشار دادگاه کیفری شماره یک استان اصفهان منصوب شده است

از جمله قربانیان جنایات سید علی زارع نوری می توان به صالح میرهاشمی، سعید یعقوبی، مجید کاظمی، محمد پور پیر علی، افشین رضایی پور و مجید رضایی پور اشاره کرد

زارعی ، اصغر



مدیر کل حراست وزارت علوم . عامل اصلی در ممانعت تحصیل بهائیان در دانشگاه ها

زارعی ، علی

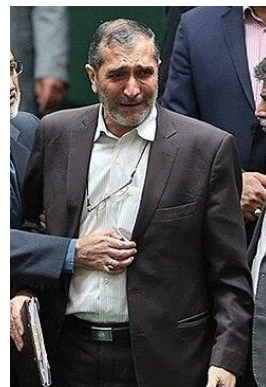


آخوند جنایتکار علی زارعی که در گزارش ها ادعا شده است که نامبرده از عوامل خبر چین و عملیاتی در شهر سبزوار بوده و در جریان وقایع اخیر به عنوان یکی از عاملان اصلی برخورد با شهروندان

شناسایی شده است. وی با استفاده از سلاح گرم در عملیات‌های سرکوب مشارکت داشته و متهم به شلیک مستقیم به ناحیه سر معترضان است.

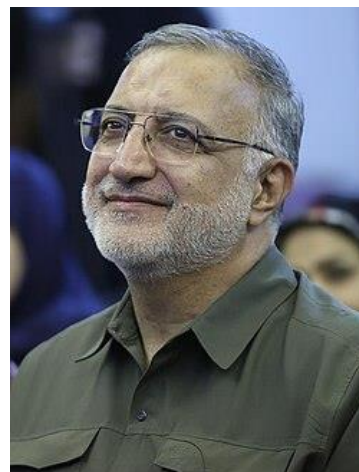
او پیش‌نماز مزگت سیادت‌ی واقع در خیابان پیرنیا است و بابت مشارکت در عملیات‌های مذکور، پاداش‌هایی از جمله یک دستگاه خودروی X22 دریافت کرده است. نشانی محل فعالیت ثبت شده در گزارش: سبزوار، خیابان پیرنیا، مزگت سیادت‌ی.

زارعی، علی اصغر



سرتیپ دوم پاسدار علی اصغر زارعی فرمانده یگان جنگ الکترونیک سپاه پاسداران . نماینده مجلس شورای اسلامی. مشاور محمود احمدی نژاد. رئیس دانشکده فنی امام حسین.

زاکانی ، علیرضا



شهردار دزد تهران .نماینده مردم قم در مجلس شورای اسلامی. مسئول سازمان بسیج دانشجویی کشور از سال 79 به بعد. حامی محمود احمدی نژاد. او متهم به فساد 20 هزار میلیاردی شهرداری تهران است.

زاهدی ، محمد رضا



سرتیپ جنایتکار محمد رضا زاهدی از فرماندهان ارشد نیروی قدس . فرمانده تیپ 44 قمر بنی هاشم و لشکر 14 امام حسین . فرمانده نیروی هوایی سپاه پاسداران . فرمانده نیروی زمینی . فرمانده قرارگاه سرکوبگر ثار الله . جانشین قاسم سلیمانی . این جنایتکار در حمله هوایی اسرائیل به کنسولگری جمهوری اسلامی در دمشق به تاریخ 13 فروردین 1403 کشته شد.

زاهدی ، محمد مهدی



محمد مهدی زاهدی، در مقام وزیر علوم در دولت اول احمدی‌نژاد (۱۳۸۴-۱۳۸۸) و همچنین نماینده ادوار مجلس، در موضوعاتی مانند محدودیت دسترسی به اینترنت و سرکوب آزادی بیان، نقشی پررنگ داشته است. او با درخواست‌هایی برای نظارت بر فضای مجازی و حمایت از روایت‌های رسمی در زمان اعتراضات، مواضع خود را نشان داده است

محمد مهدی زاهدی، نماینده مردم کرمان و راور در مجلس، خواستار راه‌اندازی شبکه ملی اطلاعات شد. او هدف این کار را نظارت بر فعالیت کاربران اینترنت و حفظ امنیت کشور عنوان کرد. این درخواست، نشان‌دهنده نقش او در جلوگیری از گردش آزاد اطلاعات و دسترسی شهروندان به اینترنت آزاد است

در ۲۷ اسفند ۱۳۹۹، محمد مهدی زاهدی بار دیگر بر لزوم راه‌اندازی شبکه ملی اطلاعات برای نظارت بر فضای مجازی تأکید کرد. او یکی از ایرادات فضای مجازی کنونی را این‌گونه بیان داشت که برخی «مسائل کوچک را بزرگ کرده و مسائل بزرگ را کوچک جلوه می‌دهند.» این سخنان تمایل این نماینده مجلس ملایان را به دخالت در گردش آزاد اطلاعات و اینترنت آشکار می‌کند.

زائدیان ، مالک



مزدور بسیجی مالک زائدیان صاحب آژانس املاک در خیابان فرهنگ ، کوچه قلیچ ساری که در کشتار هولناک دیماه 1404 در این شهر نقش فعالی داشت .

زجاجی ، علیرضا



* سمت و وابستگی: مسئول در سپاه پاسداران شیراز و حوزه علمیه استان فارس؛ فعال در حوزه‌های رسانه‌ای و فضای مجازی.
* عملکرد در اعتراضات:

- * سابقه مشارکت در سرکوب و کشتار معترضان از سال 1401 تاکنون.
- * در جریان وقایع «دی‌ماه خونین»، وی متهم به حضور در بیمارستان‌ها جهت ربودن پیکر کشته‌شدگان و شلیک «تیر خلاص» به مجروحان است.
- * مشخصات فردی:
- * کد ملی: ۰۹۲۶۰۳۷۲۸۵
- * شماره تماس: ۰۹۲۰۰۸۰۳۴۳۱
- * آدرس: شیراز، بلوار ابوذر غفاری، کوچه ۱۷، دومین کوچه سمت چپ، پلاک 126.

زرعی چیان ، علیرضا

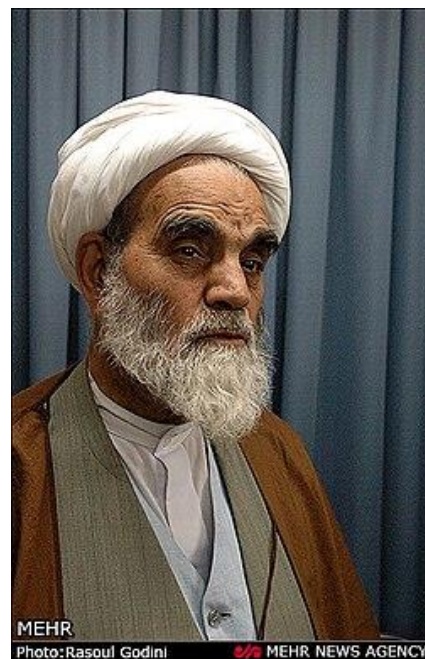
سر هنگ جنایتکار علیرضا زرعی چیان فرمانده سرکوبگر انتظامی در لنگرود. نقض کننده حقوق شهروندان لنگرود و از عاملین کشتار دیماه 1404 در این شهر.

زرگر ، سید احمد



قاضی جنایتکار تجدید نظر دادگاه تهران. نماینده رئیس قوه قضائیه در ستاد مبارزه با مواد مخدر. تحریم شده از سوی اتحادیه اروپا برای نقض حقوق بشر. صادر کننده حکم اعدام برای معترضین 88، 96 و 98.

زرندی ، محمد حسین



آخوند محمد حسین معصومی زرندی نماینده سید علی خامنه ای در استان کرمانشاه. نماینده مجلس خبرگان رهبری.

زریبافان، مسعود



معاون احمدی نژاد و رئیس بنیاد شهید . دبیر هیئت دولت . عضو شورای شهر تهران. دزد و غارتگر . در بنیاد شهید در سال 92 فساد 170 میلیارد تومانی و اعطای 8 هزار میلیارد تومان وام بدون ضمانت و کلاهبرداری 433 میلیون در همی در دبی در کارنامه این وژن غارتگر قرار دارد.

زرین بخش ، وحید



خبر چین سازمان تروریستی سپاه پاسداران و سرکوبگر در لرستان از سال 1396 تا 1404

زرینی، حسن



فرمانده یکان رهائی گروگان هوائی سپاه پاسداران

زمانی ، ایوب

فرمانده سپاه پاسداران شهر کرد

زمانی ، بهمن



* فرمانده و رئیس پایگاه بسیج «حسینییه توحید» در منطقه تهرانپارس.

* هویت: اصالتاً اهل خنداب اراک، ساکن تهران.

* آدرس پایگاه عملیاتی: تهرانپارس، میدان پروین، مابین خیابان‌های 131 و 133، کوچه 216 (اکبری تاجیک).

* آدرس محل سکونت: تهرانپارس، میدان پروین، خیابان 131، شهرک فرهنگیان.

اطلاعات بستگان و عوامل همکار:

* مهدی زمانی (برادر): فعال در شناسایی معترضان؛ در تاریخ 18 دی‌ماه در فلکه سوم تهرانپارس میان

جمعیت مشغول شناسایی و لو دادن شهروندان بوده است.
* امیر زمانی و مجید زمانی (پسر عموها): از دیگر بستگان فعال در هسته‌های سرکوب و شناسایی.

زمانی ، حجت



مزدور بسیجی حجت زمانی قاتل مردم تاجکستان در قیام دیماه 1404

اواز اعضای بسیج بخش ضیاءآباد ، ساج و شاکین تاجکستان است . آدرس این مزدور جنایتکار : تاجکستان ، خیابان سید جمال الدین ، کوچه ارغوان ، پلاک 17 است.

زمانی گندمانی،محمد حسین



مزدور خبر چین ، جنایتکار و قاتل وابسته به سپاه پاسداران که در قتل عام دیماه 1404 شرکت فعال داشت.

زنجانی ، ابوالفضل

آخوند ابوالفضل زنجانی از بنیانگذاران اصلی نهضت آزادی که راه را برای اشغال ایران توسط خمینی باز کرد.

زنجانی ، مجید

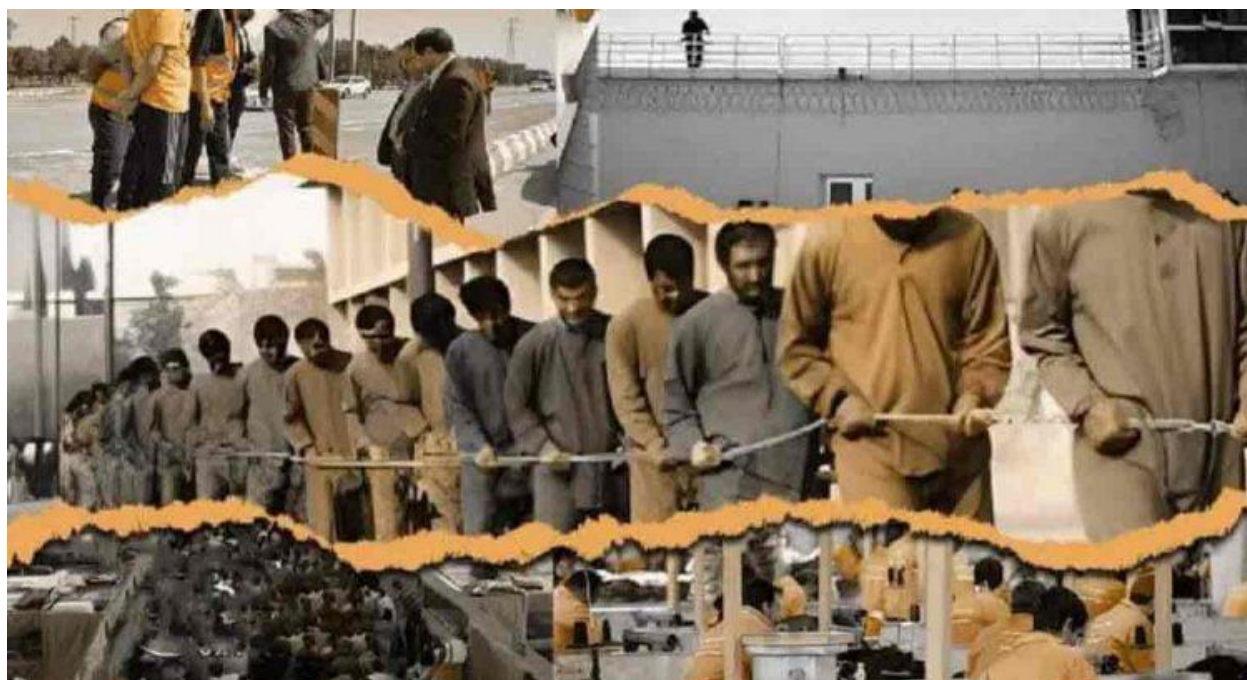


سرهنگ پاسدار مجید زنجانی معاون هماهنگ کننده سپاه امام حسن مجتبی در استان البرز

زنجیره ای ، محمدعلی



معاون رئیس زندانهای کشور. معاون توسعه مدیریت و منابع سازمان زندانهای جمهوری اسلامی . سرکوبگر و صادر کننده حکم انتقال زندانیان سیاسی به انفرادی.



زندان اسدآباد اصفهان، واقع در جاده اصفهان - مبارکه، به مثابه اردوگاهی برای بیگاری و اعتیاد هزاران زندانی تبدیل شده است. این گزارش که توسط زندانیان و خانواده‌هایشان تهیه شده، شرایط غیرانسانی حاکم بر این زندان را که تا کنون پنهان مانده بود، افشا می‌کند.

شرایط غیرانسانی

جمعیت زندانیان بین 300 تا 500 زندانی با 8 حمام و 5 سرویس بهداشتی، به طوری که برای هر 60 تن یک حمام و برای هر 100 تن یک سرویس بهداشتی وجود دارد

بهداشت: وضعیت بهداشتی اسفناکی به دلیل کمبود امکانات و تراکم جمعیت بر این زندان حاکم است

کار اجباری در زندان اسد آباد اصفهان

در زندان اسدآباد اصفهان، با زندانیان مانند برده رفتار می‌کنند و از آنها بیگاری می‌کشند. زندانیان را از ساعت ۵ و نیم صبح برای کار در معدن سنگ، کوره های آجرپزی و کارهای سخت می‌برند. در صورتی که کسی یک ساعت غیبت کند و یا دیرتر برسد، او را به شدیدترین شکل مجازات کرده و از اولیه ترین حقوق محروم می‌کنند

هزار زندانی در اصفهان در خدمت سازمان زندانها هستند و از آنها بعنوان کارگر شهرداری برای ۱۳ جaro زدن خیابانها، رنگ زدن جدول خیابانها، کار در معدن و کوره های آجرپزی و سایر کارهای سخت استفاده می‌کنند.

مجازات: مجازات شدید برای هرگونه غیبت یا تاخیر، حتی به مدت یک ساعت

استثمار: دریافت 600 هزار تومان در روز از شرکت‌ها برای استفاده از زندانیان به عنوان نیروی کار.
ارزان و پرداخت فقط 150 هزار تومان به خود زندانیان

فساد: اختلاس 176 میلیارد تومان از درآمد حاصل از کار زندانیان توسط مقامات و کارکنان زندان

ورود مواد مخدر

قاچاق آسان: خرید و تهیه مواد مخدر در زندان حتی آسان‌تر از بیرون زندان است

معاملات توسط ماموران: ماموران زندان با تایید رئیس زندان، مواد مخدر مانند تریاک، حشیش و هروئین را به داخل بندها می‌آورند و می‌فروشند

قیمت گزاف: قیمت هر گرم تریاک در زندان 1500 تومان است، در حالی که در بیرون 50 هزار تومان است.

اعتیاد اجباری: زمینه‌های عمدی برای معتاد کردن زندانیان، به ویژه جوانان، به منظور سرکوب اعتراضات آنها

اسامی مقامات مسئول

رئیس زندان: حبیبی

قاضی ناظر: معصوم زاده

زندان اوین



زندان اوین یا زندان باستیل ایران

زندان اوین کجاست؟ زندان اوین در منطقه اوین- درکه در شمال شهر تهران قرار دارد. ساخت این زندان در زمینی به مساحت ۴۳ هکتار از دهه ۱۳۴۰ آغاز و در سال ۱۳۵۰ افتتاح شد

بازداشتگاه اوین دارای ۱۲ بند می باشد. ساختار بندهای زندان اوین نه تنها در طول زمان تغییر کرده است بلکه نظارت و اداره بعضی از بندهای آن نیز دیگر زیر نظر قوه قضاییه نیست و سایر ارگانها و نهادهای حکومتی آن را تحت نظارت و اداره خود گرفته اند

بندهای ۲۰۹ ، ۲۴۰ و ۲۴۱ این زندان که دارای سلول های انفرادی و چند نفره موسوم به سوئیت می باشد در اختیار وزارت اطلاعات قرار دارد

بند ۳۵۰ زندان اوین خاص زندانیان سیاسی بود که مسئولین زندان اوین و دستگاه قضاییه؛ پس از حمله گارد زندان به این بند در سال ۱۳۹۳ این بند را به حالت نیمه تعطیل در آورده و تمامی زندانیان سیاسی این بند را به زندان رجایی شهر کرج و یا زندانهای دیگر و همچنین سایر بندهای مختلف اوین منتقل کردند. دستگاه قضاییه با این ترفند میخواست مانع تمرکز زندانیان سیاسی در اوین شود

بندهای ۷ زندان اوین معمولاً به زندانیان با جرایم مالی اختصاص دارد. این بند، جمعاً دارای سالنهایی با ظرفیت اسمی هریک ۲۰۰ زندانی بوده؛ اما بعضاً بیش از ۷۰۰ زندانی در آن جای داده می شود. بند هفت زندان اوین متشکل از هشت بخش می باشد که یکی از بندهای بدنام این زندان است که زندانیان عمدتاً با جرایم مالی در آن نگهداری می شوند اما تعدادی از زندانیان سیاسی-امنیتی در کنار زندانیان معتاد به مواد مخدر و جرایم مالی؛ برخلاف اصل تفکیک جرائم و در وضعیتی بسیار نامناسب، حبس های طولانی مدت خود را می گذرانند



زندان اوین از آغاز تا کنون؛ زندانی مرموز با تاریخچه‌ای خونین
هشت بخش بند هفت اوین شامل
 سالن یک، محل نگهداری زندانیان مالی و مواد مخدر (زیرزمین)
 سالن ۲، محل نگهداری زندانیان مالی و زندانیان خیاط شاغل در زندان
 سالن ۳، ۴، ۵ و ۶ محل نگهداری زندانیان مالی سالن جهاد (معروف به سالن ۱۱) محل نگهداری
 زندانیان مالی و زندانیانی که در بخش تأسیسات بند ۷ کار می‌کنند
 سالن ۱۲ (زیرزمین) محل نگهداری زندانیان سیاسی-امنیتی و زندانیان مالی با اتهامات جعل و
 کلاهبرداری است
در حال حاضر این بندها در زندان اوین وجود دارند
 بند شماره ۱: ویژه قرنطینه چند روزه زندانیان جدیدالورود (ظرفیت ۳۰۰ نفر)

بند شماره ۲: ویژه زندانیان روحانی به نام بند ویژه روحانیت (ظرفیت ۴۰۰ نفر)
بند شماره ۴: ویژه زندانیانی است که از سوی دادگاه تعیین تکلیف نشده و یا دارای احکام غیرقطعی هستند. (ظرفیت ۶۰۰ نفر)

بند شماره ۵: بند نسوان یا بند زنان زندان اوین است. (ظرفیت ۶۰۰ نفر)
بند شماره ۶: ویژه زندانیانی که در اوین به کارهای خدماتی مشغولند. (ظرفیت ۴۰۰ نفر)
بند شماره ۷ و ۸: بند عمومی و ویژه محکومین قطعی است (ظرفیت ۱۰۰۰ نفر)

بند ۲۴۰: ویژه حفاظت اطلاعات زندان اوین جهت نگهداری زندانیان خاطی و برهم زندگان نظم زندان
بند ۲۴۱: ویژه متهمینی که از سوی حفاظت اطلاعات قوه قضاییه نگهداری می شوند
بند ۲۰۹: ویژه متهمینی که از سوی وزارت اطلاعات نگهداری می شوند. بند دو الف: ویژه متهمینی که از سوی سازمان اطلاعات سپاه پاسداران نگهداری می شوند. در این بند رفت و آمد و حضور زندانیان سیاسی خارج از سلول‌ها فقط با داشتن چشم‌بند مجاز است
بند ۳۵۰: این بند شامل زندانیان سیاسی بود و در حال حاضر وجود ندارد و تمامی زندانیان سیاسی در این بند را به گوهردشت و یا زندانهای دیگر و همچنین سایر بندهای مختلف اوین منتقل کردند

بازداشتگاه ۶۶ سپاه یا بند ۳۲۵ اوین بازداشتگاهی متعلق به سپاه پاسداران است که در داخل زندان اوین قرار دارد. از این بازداشتگاه برای بازجویی متهمان حوادث پس از انتخابات سال ۸۸ استفاده شد
بند های ۲۰۹ و ۲۴۰، انفرادی و سوئیت های وزارت اطلاعات بندهای ۲۰۹ و ۲۴۰ زندان اوین وابسته به وزارت اطلاعات است که دارای سلولهای انفرادی و چند نفره (موسوم به سوئیت) می باشد فقط بازجویان و شکنجه‌گران وزارت اطلاعات اجازه حضور در آنجا را دارند
بخشی از این مجموعه شامل بند ۲الف در دست سازمان اطلاعات و سپاه پاسداران می باشد. رفت و آمد زندانیان سیاسی به خارج از سلول‌ها برای بازجویی، شکنجه و حتی ملاقات فقط با داشتن چشم‌بند ممکن است.

متهمین به جرایم امنیتی و سیاسی در سپاه پاسداران و وزارت اطلاعات را به این دو بند می آورند. این زندانیان در هیچ یک از آمارهای رسمی و دفاتر علنی زندانهای حکومتی ثبت نیستند. به عبارت واقعی تر آنها وجود و هویت ندارند و دست شکنجه گران و جلادان برای سربه نیست کردن زندانیان کاملاً باز است. در این دو بند تمام مامورین دارای عضویت دوگانه، هم در سپاه پاسداران و هم در وزارت اطلاعات هستند. این شکنجه‌گران تحت عنوان بازجو در بازداشتگاه های ۲۰۹ و ۲الف و بازداشتگاه امنیتی در زندان رجایی شهر کرج و زندانهای معروف به ۶۶ سپاه و ۵۹ سپاه به جنایت و وحشیگری خود ادامه می دهند.

بخش امنیتی و سری در زندان اوین، بند ۲۰۹ است که افراد زیر شکنجه در آنجا نگهداری می شوند. این بند از ساختمانهای ساخته شده در دوران قبل از انقلاب ضدسلطنتی است. در قسمت پشت، بهداری زندان

اوین و جنب آشپزخانه و بند زنان قرار دارد و از بندهای موسوم به «آموزشگاه» قابل رویت است. در قسمت رو به روی آن، قسمت «نانوایی» زندان اوین واقع شده است. بند ۲۰۹ دارای دو بند زنان و مردان می باشد.

این مجموعه ساختمانی ۲ طبقه با آجرهای قرمز فشاری است که کانال‌های پوشیده شده از پشم شیشه و فویل آلومینیومی آن را از سایر ساختمانها مجزا می‌سازند. دارای ۲ درب ورودی در قسمت جلو می‌باشد. درب کوچک که دارای آیفون و سیستم مدار بسته تصویری است، قسمت ورود متهمین، و درب دیگر احتمالاً محل ورود پرسنل اجرایی و عملیاتی در آن مجموعه است.



زندان اوین

طبقه اول بیشتر محل اسقرار کارمندان و بازجوهای این نهاد است. طبقه دوم بند ۲۰۹ یازده راهرو دارد که هر راهرو شامل ۱۰ سلول انفرادی است که در مجموع حدود ۱۲۰ سلول را شامل می‌شود. سلولها انفرادی در خودشان روشویی و توالت دارند. اما در نظام ولایت فقیه در این سلولها به خاطر تراکم زندانی تا بیش از ۱۰ نفر نگهداری می‌شوند. در راهرو عمود بر این ردیفها اتاقهای بازجویی قرار دارد.

بند ۲۰۹ زندان اوین، همچنین دارای يك زیرزمین است، که برای شکنجه و بازجویی مورد استفاده قرار می‌گیرد. اتاقهای بازجویی نیز قسمت دیگری از بند ۲۰۹ را تشکیل می‌دهد. همانطور که فوقا اشاره شد، اتاق شکنجه این بند در زیر زمین آن واقع شده و برای انواع شکنجه‌های قرون وسطایی مجهز شده است. (از آپولو تا تخته‌های مشبک برای زدن کابل و میله‌های سقفی برای آویختن زندانیان از پا یا به صورت قپانی شده از پشت). هیچ شخصی غیر از پرسنل و متهمین، حتی عالی رتبه‌ترین مقامات حق ورود به محدوده بازداشتگاه ۲۰۹ وزارت اطلاعات را ندارند. اکثر مسئولین امور زندانیان بالای ۵۵ سال سن دارند و دارای نسبتهای فامیلی با هم هستند. حتی برای خالی نماندن جایشان پسران ۲۰ سال به بالای خود را برای جانشینی در کنار خویش آموزش می‌دهند.

بند ۲۴۰ زندان اوین، دارای چندین طبقه و هر طبقه راهرویی طولانی دارد که شامل چندین سلول در طرفین است. درب هر سلول دارای دریچه کوچکی مانند درب صندوق پست می باشد. هر سلول تقریباً ۸ مترمربع است و درون هر سلول دستشویی؛ کاسه توالت و دوش آب بوسیله یک پرده از اتاق سلول جدا شده است. هر سلول پنجره‌هایی نیز دارد که با در نظر گرفتن دزدگیرهای آن؛ زندانی چاره‌ای جز دیدن آسمان ندارد. روی دیوارهای هر بند دست نوشته‌های زندانیان پیشین به چشم می‌خورد. شعر، تاریخ

ورود و خروج، علت دستگیری زندانی؛ هویت زندانی؛ دلتنگی‌های زندانی و ظلم‌های روارفته به او نوشته‌هایی است که روی دیوار باقی مانده است.

اگر چه این سلول‌ها برای یک زندانی طراحی شده اما به علت‌های مختلف، همواره بیش از ظرفیت؛ از آن استفاده شده که گاهی به ۶ الی ۷ نفر در یک سلول می‌رسد.

گزارشی از درون زندان اوین که در آبان ماه ۱۴۰۰ از این زندان به کانون حقوق بشری نه به زندان - نه به اعدام رسیده است

مدیر داخلی اوین فردی بنام «یوسفی» است و اعتراضات غذا و مشکلات بهداشتی و نظافتی به وی گفته می‌شود.

سر شیفتهای افرادی به نامهای «امراللهی»، «شهاب کریمی» و فردی بنام «سحری» هستند که میان این ۳ نفر امراللهی، بیشترین مخالفت را با زندانیان سیاسی دارد.

رئیس اندرزگاه در حال حاضر «شیخ نواز» نام دارد و پیش از او میثم باقری بود. از افسرهای جانشین میتوان از فردی بنام «کاشانی» نام برد.

آخوند عقیدتی - سیاسی اندرزگاه ۸ و کل اوین یک آخوند بنام «سرلک» است.

در یک سال اخیر دو بار گارد ضدشورش به درون اندرزگاه ۸ حمله کرد و تمام اندرزگاه و هر ۴ سالن را بازرسی کرده و تمامی درزها را گشتند. در این بازرسی با سالنهای ۸ و ۹ و ۱۰ کار زیادی نداشتند و بیشتر روی سالن ۷ متمرکز بودند. نتیجه بازرسی، پیدا کردن موبایل و هندز فری بود.

سالنهای تو در تو و ارتفاع کوتاه سقف‌ها و اتاقهای کوچک ۱۸ متری که در آن ۲۰ نفر بصورت ۲۴ ساعته در کنار هم هستند، شرایط را برای زندانیانی که حکم قطعی خود را سپری می‌کنند، بسیار سخت و غیرقابل تحمل می‌کند.



بند زنان زندان اوین

در سمت چپ حیاط یک درب، مانند درب زندان است. این ساختمان دارای اتاقهای متعدد و محلی است که کلیه بازجویی‌های زندانیان برای اعتراف‌گیری در آن صورت می‌گیرد. زندانیان را با چشم‌بند به این محل می‌برند.

صندلی که زندانی باید بر روی آن بنشیند را در کنج اتاق روبروی دیوار می‌گذارند و سپس یک یا چند نفر از زندانی بازجویی می‌کنند.

تمام اتاقها و راهروهای این محل مجهز به دوربین مدار بسته است.

جیره صبحانه معمولاً شب‌ها بین ساعت ۹ تا ۹ و نیم توسط مسئول خدمات بین زندانیان توزیع میشود. (مسئول خدمات از بین محکومین مالی انتخاب می‌شود)

ناهار بین ۱۲:۳۰ تا ۲ وارد سالن میشود و صفر تا صد این کارها تماماً به عهده خود زندانیان است. کیفیت غذا اصلاً خوب نیست

هر سالن یک سر ناظر روز و یک سر ناظر شب دارد که از میان محکومین مالی انتخاب می‌شوند. این مسئولیت به عمد به زندانیان سیاسی داده نمی‌شود

اخیراً تمامی پرسنل بهداری عوض شده‌اند. هیچ دارویی به راحتی در اختیار زندانیان قرار نمی‌گیرد. از زمانی که بهنام محجوبی بصورت مشکوکی جان خود را از دست داد، کلید کل داروها دست سر شیفت روز است. پزشکانی که فقط برای بیماران اعصاب و روان وارد می‌شوند، کیلویی دارو می‌دهند

رئیس اداره بهداری اوین فردی به نام دکتر موحدی است

در مورد استعمال مواد مخدر در اوین همه نوع جنسی در دسترس زندانیان است. در حال حاضر قرص

ترک اعتیاد و نشئه کننده بی 2 است که به وفور یافت میشود.

در اندرزگاه ۸ شیشه و مواد مخدر وجود دارد. کلونازپام ۲ و دیازپام را مثل نقل و نبات در اختیار زندانیان قرار میدهند. تهیه این قرصها ساده است. کافی است زندانی بگوید ناراحتی اعصاب و نیاز به دکتر دارم، در این صورت این قرصها به سرعت در اختیار وی قرار می گیرد و تا آخر حبس به او گفته می شود هر چقدر دلت می خواهد بخور

روزانه بین ۴ تا ۵ لیتر متادون بین معتادین در هر اندرزگاه پخش می شود. هفته ای یک یا دو مورد آوردن یا خودکشی، وجود دارد

تمام اتاقهای سالن ها پر از ساس است که زندانیان بشدت از آن رنج می برند. این مشکل، بارها به مسئولین و حفاظت و رئیس زندان، بازرسان و حتی رئیس زندانهای ایران یعنی حاجی محمدی اطلاع داده شده و زندانیان اعتراض کرده اند ولی هیچکس اهمیتی نداده و رسیدگی نمی کند

سالن ها هر روز در سه شیفت صبح و ظهر و عصر نظافت می شود و از ساعت ۱۰ تا ۱۰ و نیم شب تمام سرویسها، حمام و چراغخانه شسته می شود و تا اذان صبح هیچ کس حق استحمام ندارد

هر سالن ۵ کابین برای استحمام دارد. یک سرویس دستشویی ۶ کابینه با ۳ روشویی وجود دارد. کیفیت مواد شوینده بهداشتی برای شستن دستها بسیار پایین است

جیره ماهیانه مواد بهداشتی برای هر زندانی یک شامپو خمره ای داروگر و یک بسته تایید با نام عاج است که اصلا عمومیت مصرف ندارد و یک تیغ برای نظافت و اصلاح هم به زندانی می دهند. مصرف اضافه تر مواد بهداشتی باید با هزینه خود زندانی تهیه و خریداری شود

همه اجناس در بوفه های فروشگاه زندان گرانتر از حد معمول به فروش می رسد. بی کیفیت ترین محصولات ایران در فروشگاه زندان به زندانیان فروخته می شود

در اوین در هر ۲۴ ساعت، دو بار آمارگیری انجام می شود. یکبار قبل از ساعت ۸ صبح و یک بار قبل از ساعت هفت و نیم شب

از ساعت ۱۰ شب هیچ رفت و آمدی بین سالنها انجام نمی شود و همه زندانیان باید در سالنهای خودشان باشند. هواخوری راس ساعت ۷ بسته می شود و زنگ تخلیه را ۳ بار به صدا در می آورند. این بدان معنی است که زندانیان باید جهت آمارگیری به سالنهای خود بروند

ابتدای ورودی درب اصلی اوین مسافت ۲۰۰ متر دو مسیر جداگانه است، یک مسیر سمت چپ که به سوی اندرزگاه میرود و یک مسیر انحرافی در سمت راست دارد که برای آن، دو درب کار گذاشته شده و رفت و آمد به این محل، حتی برای عوامل زندان هم وجود ندارد

اینجا، همان دو الف است که بیشتر زندانیانی که اطلاعات سپاه دستگیر می‌کند، در انفرادی های آن نگهداری می‌شوند.

فعالین محیط زیست، فعالین مدنی و حتی عده‌ای که تحت عنوان داعشی دستگیر شده‌اند در دو الف محبوس هستند. این محل تحت شدیدترین تدابیر امنیتی است و رفت و آمد به آن قوانین خاصی دارد

دو الف، سه درب ورودی دارد که هر سه امنیتی هستند

درب اول ماشین رو و ورودی افراد جدید با ماشینهای شخصی

درب دوم امنیت بازررس ویژه افراد شاغل و مسئولین و تحویل متهمان به قرنطینه اندرزگاه ۱

درب سوم ورود به سالنهای سویت و انفرادی

دو الف شامل چهار سویت است که حدودا ۲۰ نفر داخل آنها هستند. دستشویی و حمام هم در اتاق است و دستشویی هم بسته نیست

این محل بشدت حفاظت شده، دو حیاط جداگانه دارد. یک حیاط در سمت چپ برای دزدان و عوامل وابسته به حکومت مثل رحیم مشایی و بقایی است و حیاط سمت راست برای زندانیان سیاسی و امنیتی. عمومی استفاده می‌شود

ساعت ۱۰:۳۰ شب خاموشی است

روزانه دو تا نیم ساعت فقط هواخوری با چشم بند دارد

اندرزگاه شماره ۴؛ قرنطینه سالن ۲ میباشد. این اندرزگاه، ۴ سالن دارد: سالن ۱ که به جاسوسان امنیتی اختصاص یافته، سالن ۲ با ۶ اتاق محل قرنطینه است، در سالنهای ۳ و ۴ محکومین مالی و امنیتی. بالاتکلیف نگهداری می‌شوند. کلیه فعالین محیط زیست در بند ۴ هستند

گفته می‌شود ۲۰۹ امنیتی ترین بخش اوین است اما به نظر می‌رسد دو الف که زیر نظر مستقیم حسین طائب اداره می‌شود از ۲۰۹ نیز شرایط سخت‌تری از نظر امنیتی دارد

بیشتر کارمندان و مأمورین اوین را افراد جوان بین ۲۵ تا ۴۰ سال تشکیل می‌هند برای این که با روحیات زندانیان جوان آشنا باشند و بدانند با آنها چه برخوردی کنند

در اندرزگاه ۷ اوین بیشتر بزهکاران و دزدهای نوپا و اشرار سرقتی زندانی هستند. زندانیان خاص امنیتی را به ندرت به این بند منتقل می‌کنند

هادی رضوی داماد شریعتمداری در کنار محسن هاشمی رفسنجانی در یک اتاق و سوئیت با یکدیگر مشغول گذراندن دوران «حبس»! هستند

اندرزگاه ۸ اوین دارای چهار سالن با شماره های ۷ و ۸ و ۹ و ۱۰ است و بیشتر اتباع در سالن ۸ نگهداری می‌شوند. در سالن ۹ زندانیانی که به آنها «شورشی» و یا «کفی خیابانی و یا رسانه‌ای» گفته می‌شود، محبوس هستند

هر سالن تقریباً ظرفیت ۴۰۰ نفر را با کف خوابها دارد. در سال ۱۳۹۹ اسفند ماه تمام تختها شماره گذاری شده است. هر سالن دارای چراغخانه، سرویس‌های بهداشتی و حمام جداگانه است که توسط یک وکیل بند و سر ناظر اداره می‌شود

در اندرزگاه ۸ هر شیفت ۳ افسر نگهبان و ۱ سر افسر نگهبان دارد



بند ۲۴۱ زندان اوین
در این زندان تعدادی از زندانیان دو تابعیتی و زندانیان خارجی محبوس هستند

اعزام زندانیان سیاسی به خارج از زندان جهت رفتن به بیمارستان و درمان توسط ناظر زندان یعنی وزیر و محمدی و با دستور ضابط و رئیس اجرای احکام، آنها تحت تدابیر شدید امنیتی با دستبند و تحت الحفظ اجرا می‌شود

برای خارج کردن زندانیان ۱۰ الی ۱۵ نفر به عنوان پاسیاری کار می‌کنند

پاسیاری یعنی کسی که برای خروج محکومین به خارج از زندان همراه زندانی به عنوان تحت الحفظ می‌رود

اکثر ماشینهای خروجی اوین برای محکومین شخصی یا ون تاکسی هستند که بیشتر در خط ونک - شهران هم مسافرکشی می‌کنند. حدوداً ۱۵ ماشین که ۵ دستگاه ون و ۱۰ تاکسی هر روز متناسب با شرایط خروج، در محل حاضر می‌شوند

در هر سالن دستگاه شارژ کارت تلفن موجود است و هزینه آن توسط خود زندانی تامین میشود. حداکثر کارت شارژ ۲۰۰ هزار تومان است و بیشتر از این اجازه شارژ داده نمی‌شود

انفرادی عمومی شامل دو طبقه و یک راهرو با ۳۰ پله است که هر طبقه ۹ اتاق انفرادی دارد و اتاقها با عرض ۱ متر و ۵۰ طول و ۲ متر و ۵۰ هستند و لامپهای آنها ۲۴ ساعته روشن است

روز ملاقات هر اندرزگاه متفاوت است. یک مسیر بسیار پیچ در پیچ و سر بسته و حفاظت شده است و انتهای آن به سالن ملاقات می‌رسد

سالن ملاقات دو سالن با ۴۰ کابین است و هر کابین هم با شیشه دو جداره ساخته شده است

مسئولین سالن گاها از افسر نگهبانهای اوین بصورت چرخشی هستند

در سالن ملاقات یک دستشویی با ۸ کابین و صندلیهای انتظار وجود دارد که پس از پایان ملاقات کلیه زندانیان در آنجا جمع میشوند و حضور و غیاب می‌شوند و دوباره باید این مسیر را بر می‌گردند. در مسیر برگشت زندانی باید چیزی حدود ۳۵۷ پله را طی کند. این پله ها تماماً آهنی است و حرکت را بسیار دشوار می‌کند.

زندان ایلام

زندان مرکزی ایلام یکی از زندان‌هایی است که در آنجا فشارهای روحی و روانی زیادی بر زندانیان وارد می‌کنند. این فشارها شامل عدم دسترسی کافی به خدمات پزشکی و درمانی، کمبود امکانات بهداشتی، سلول‌های کوچک و شلوغی است که گاه تا ۴۰ زندانی را در آن جای می‌دهند. علاوه بر این، تعداد زیادی از زندانیان کف خواب هستند

این زندان در کمربندی شرقی شهر ایلام، در و در دامنه کوه‌های ارغوانی واقع شده است. برای ۱۰۰۰ تا ۱۵۰۰ زندانی طراحی شده اما در حال حاضر تعداد زندانیان در آن دست‌کم به ۴۵۰۰ نفر می‌رسد

ساختار زندان مرکزی ایلام

زندان مرکزی ایلام شامل هفت بند است که عبارتند از: بندهای عمومی ۱ و ۲، بند سلامت، بند جوانان، بند قرنطینه، و بند سرای سلامت. در هر یک از این بندها به‌طور میانگین بین ۶۰۰ تا ۹۰۰ زندانی وجود دارد.

زندانیان سیاسی، مالی، و افرادی که مرتکب جرایم سنگین شده‌اند، بدون رعایت اصل تفکیک جرایم در بندهای مشترک نگهداری می‌شوند. این مسئله موجب افزایش تنش‌ها و درگیری‌ها میان زندانیان شده است

بند قرنطینه این زندان نیز بسیار غیربهداشتی و نامناسب است که باعث بروز مشکلات متعددی برای زندانیان می‌شود.

محیط آلوده و غیربهداشتی زندان

شرایط بهداشتی زندان مرکزی ایلام بسیار فاجعه‌بار است. شیوع گسترده ساس و شپش در بندها، به‌ویژه در فصل گرما، موجب آزار شدید زندانیان شده است، اما مدیریت زندان حتی مواد بهداشتی لازم برای نظافت و ضدعفونی محیط نیز در اختیار زندانیان قرار نمی‌دهد.

تعداد حمام‌ها در هر بند بسیار محدود و ناکافی است و به دلیل وجود دوربین، زندانیان در عذاب هستند.

همچنین، تعداد دستشویی‌ها در هر بند تنها ۴ تا ۵ واحد است که در مقایسه با جمعیت بالای زندانیان به‌شدت ناکافی است و مشکلات بهداشتی و روانی زندانیان را تشدید می‌کند.

وضعیت درمان و بهداری

وضعیت درمانی در این زندان به‌شدت وخیم است. کمبود پزشک و حتی امکانات ابتدایی درمانی باعث شده است که رسیدگی به زندانیان بیمار در حداقل ممکن باشد. آنها حتی در شرایط اضطراری و خطرناک به‌ندرت امکان اعزام به بیمارستان یا مراکز درمانی خارج از زندان را دارند، در بسیاری از موارد، زندانیانی که نیاز به خدمات فوری پزشکی دارند نیز از این حق محروم می‌شوند.

تهیه و تأمین داروهای حیاتی برای زندانیان با مشکلات جدی مواجه است و این داروها به‌ندرت در دسترس قرار می‌گیرند. مشکلات پوستی که به دلیل شرایط وخیم بهداشتی زندان ایجاد می‌شود نادیده گرفته شده و در بهداری به زندانیان توصیه می‌شود برای درمان این مشکلات از پودر لباسشویی استفاده کنند.

وضعیت غذایی

کیفیت غذا در این زندان به شدت پایین است، به طوری که بسیاری از زندانیان همواره احساس گرسنگی می‌کنند. این وضعیت غذایی ناکافی و ناسالم تأثیر منفی جدی بر سلامت جسمی و روانی زندانیان داشته است

زندان بجنورد

زندان مرکزی بجنورد، واقع در شرق شهر بجنورد و شمال بلوار پیامبر، با ورودی از بلوار ولایت (خیابان مطهری)، یکی از مراکز بازداشت رژیم حاکم است که بسیاری از جنایات در آن تاکنون افشا نشده‌اند. مقامات این زندان تلاش کرده‌اند تا با تهدید زندانیان، مانع از درز اطلاعات به بیرون شوند. به این حال، همت زندانیان و خانواده‌های آنان موجب شده است برخی از جنایات این زندان آشکار شود.

مقامات زندان بارها به زندانیان هشدار داده‌اند که هرگونه اعتراض یا انتشار اخبار داخلی، پیامدهای سنگینی برای آنان خواهد داشت.

ساختار زندان

زندان بجنورد از سه بخش اصلی تشکیل شده است

تقسیم‌بندی دوم: بندهای ویژه

در این بخش، چهار بند شامل زندانیان سیاسی، بند ایزوله، بند انفرادی، و بند قرنطینه قرار دارد.

بند زندانیان سیاسی: این بخش تحت نظارت و کنترل شدید است -

بند ایزوله و انفرادی: در این قسمت، زندانیان در شرایطی بسیار سخت و ضد انسانی نگهداری می‌شوند. بند انفرادی علاوه بر محل حبس، مکان شکنجه نیز هست؛ زندانیان با دستبند و پابند به زمین زنجیر می‌شوند.

بند قرنطینه: زندانیان تازه‌وارد در این بخش برای مدت محدودی نگهداری می‌شوند -

تقسیم‌بندی سوم: کارگاه‌ها

این بخش شامل زندانیانی است که در کارگاه‌های مختلف به کار اجباری مشغول می‌شوند. کارگاه‌ها شامل چرم‌دوزی، خیاطی، تسبیح‌سازی و نجاری است.

ساختمان‌های اداری و اجرایی

در ورودی زندان، ساختمانی قرار دارد که محل استقرار رئیس و معاونین زندان، بخش حفاظت، و واحد اجرای احکام است. پس از این مجموعه، ورودی دوم یا “پوسته میانه” قرار دارد که اسلحه‌خانه نیز در نزدیکی آن واقع شده است. ساختمان اصلی بندها پس از این محوطه قرار دارد.

محل اعدام و شرایط غیرانسانی

در این زندان، مکانی به نام “پتوشویی” وجود دارد که محل اجرای اعدام‌ها توسط مأموران رژیم است. شرایط زندان بجنورد نمایانگر محیطی سرشار از خشونت و ضدیت با کرامت انسانی است. در ادامه، به بررسی دقیق‌تر شرایط ضدانسانی حاکم و عملکرد مسئولان جنایتکار آن خواهیم پرداخت.

زندان بندر عباس

زندان بندر عباس نمونه‌ای از شرایط وخیم و فاجعه‌بار زندان‌های ایران است. نبود امکانات بهداشتی و درمانی، کیفیت پایین غذا، تراکم بیش از حد زندانیان و ناامنی جانی، از جمله مشکلاتی هستند که زندانیان با آن‌ها دست به گریبان هستند.

وضعیت بهداشت زندان

شرایط بهداشتی و امکانات زندان بندر عباس در وضعیت بحرانی قرار دارد و گزارش‌ها از شیوع گسترده بیماری‌های پوستی میان زندانیان حکایت می‌کند. این بیماری‌ها به دلیل نبود حداقل امکانات بهداشتی و عدم رسیدگی‌های پزشکی در این زندان شیوع یافته و بسیاری از زندانیان را با مشکلات جدی مواجه کرده است. به گفته زندانیان: آن‌ها مجبورند از ملحفه‌ها و پتوهایی کثیف استفاده کنند که بوی تعفن می‌دهند و اغلب ماه‌ها شسته نمی‌شوند. هیچ برنامه‌ای برای نظافت یا تعویض این اقلام وجود ندارد. و همین مسئله باعث شده که بیماری‌های پوستی در میان زندانیان شایع شود.

مشکلات خدمات درمانی

وضعیت درمانی در زندان بندر عباس به شدت نگران‌کننده است. درمانگاه زندان به دلیل کمبود امکانات و دارو، تنها به موارد اورژانسی رسیدگی می‌کند. زندانیان بیمار معمولاً به خدمات درمانی دسترسی ندارند، مگر آنکه توانایی پرداخت رشوه یا برخورداری از روابط خاص را داشته باشند. به گزارش یکی از زندانیان: “درمانگاه زندان حتی داروهای اولیه مانند قرص‌های حساسیت یا کرم‌های پوستی را در

اختیار ندارد. برای موارد غیر اورژانسی هیچ رسیدگی انجام نمی‌شود و زندانیان بیمار به حال خود رها می‌شوند.

این کمبود امکانات درمانی باعث شده است که زندانیان در برابر بیماری‌ها به شدت آسیب‌پذیر شوند و در بسیاری از موارد بیماری‌های ساده نیز به عوارض جدی و حتی مرگ منجر شوند. در همین رابطه برخی از زندانیان جان خود را از دست داده‌اند.

کیفیت پایین غذا

یکی از مهم‌ترین دلایل شیوع بیماری‌های پوستی در زندان بندرعباس، کیفیت بسیار پایین غذا است که از نظر تغذیه‌ای فاقد ارزش لازم هستند. به همین دلیل موجب تضعیف سیستم ایمنی بدن آنان و افزایش احتمال ابتلا به بیماری‌ها می‌شود.

تراکم بیش از حد و کف‌خوابی

یکی دیگر از معضلات جدی زندان بندرعباس، تراکم بیش از حد زندانیان است. تعداد زندانیان به حدی زیاد است که آن‌ها مجبورند در شرایط غیر بهداشتی کف زمین بخوابند. این وضعیت علاوه بر مشکلات جسمی باعث ایجاد زخم‌های پوستی و عفونت‌های جدی شده است.

ناامنی و خشونت در زندان

زندان‌های بندرعباس با مشکلات امنیتی جدی نیز مواجه هستند. برخی از زندانیان که مورد حمایت مقامات زندان بوده و از سوی آنها اجیر شده‌اند، با ایجاد درگیری و خشونت، فضای ترس و وحشت را در بندها حاکم کرده‌اند. این زندانیان اجیر شده به هر گونه اعتراض یا انتقادی با خشونت پاسخ می‌دهند.

هرگاه درگیری یا خشونتی در بندها رخ می‌دهد، افسران نگهبان به عمد بعد از گذشت یک ساعت یا بیشتر اقدام می‌کنند. این تأخیر عمدی، امنیت جانی زندانیان را به شدت تهدید می‌کند و بسیاری از آنان در هراس از کشته شدن، مجبور به سکوت هستند.

یکی از شیوه‌های سرکوبگرانه در زندان‌های رژیم ایجاد فضای غیر قابل تحمل در آن است که با ایجاد انواع محدودیت‌های ضد انسانی و زیر پا گذاشتن کرامت انسانی اعمال می‌شود. در زندان بندرعباس نیز محدودیت ابعاد فاجعه باری پیدا کرده است. نبود امکانات بهداشتی و درمانی، تراکم بیش از حد جمعیت زندان، کیفیت پائین غذا و ایجاد فضای رعب و وحشت و ناامنی جانی از جمله اقدامات سرکوبگرانه زندان است.

عاملان قضائیه جنایت‌کار مجری سیاست سرکوبگرانه در زندان بندرعباس
مجتبی قهرمانی رئیس کل دادگستری استان

بشیر سردار مدیر کل زندان‌های استان

منصور اسکندری رئیس زندان بندرعباس

آن‌ها شرایط بهداشتی و درمانی را آن‌قدر محدود کرده و پایین آورده‌اند که بیماری‌های پوستی به‌طور گسترده میان زندانیان شیوع پیدا کرده تا عامل فشار فوق‌العاده جسمی و روانی بر زندانیان بشود.

یکی دیگر از اقدامات سرکوبگرانه آن‌ها اجیر کردن برخی از زندانیان شرور و اراذل و اوباش است. این اجیرشدگان در هم‌دستی با افسران نگهبان برای جلوگیری از هرگونه اعتراض، با ایجاد درگیری و خشونت فضای ترس و وحشت را در بندها حاکم می‌کنند. تا زندانیان در هراس از کشته شدن مجبور به سکوت شوند. و حتی به آن‌ها القاء کنند که جرأت انعکاس این شرایط به بیرون از زندان را نداشته باشند. جنایتکاری بنام محمد مرودی از عوامل اصلی سرکوب در بندرعباس است.

زندان بوشهر



زندان بوشهر یکی از فراموش شده‌ترین و وحشتناک‌ترین زندان‌های ایران است. نویسنده این سطور در دهه ۶۰ یعنی درست در روزهای بعد از قتل عام ۶۷ بیش از یک سال را در این زندان گذرانده بود. تصویری که از آن روزهای سیاه در خاطرم نقش بسته، تصویری مشوش از دست و پا زدن انسان بین مرگ و زندگی است. محیط زندان توسط زندانبانان و توابان چنان هولناک شده بود که تو آرزوی نفس کشیدن چند ثانیه‌ای از آن دنیای وحشت را داشتی

امروز درست ۳۶ سال بعد وقتی مصاحبه خانم سپیده قلیان را در مورد زندان بوشهر خواندم، همان تصاویر و همان صحنه‌های سه دهه پیش تکرار شدند. گویی زندان بوشهر جزیره‌ای جدا مانده از تمام ایران است و باید دست نخورده باقی بماند

در گزارش زیر خلاصه و چکیده‌ای از مصاحبه طولانی خانم قلیان را می‌آوریم تا تصویر موجز از یک کمپ انگیزاسیون قرون وسطایی داشته باشیم؛

زندان بوشهر چگونه جایی است؟

شما در رشته توثیتی که منتشر کرده‌اید، از جایی «نزدیک آخر دنیا» حرف می‌زنید. اصلاً تصور می‌کردید به جایی بروید که برایش چنین تعبیری را به‌کار ببرید؟ و این‌جا کجاست؟ کجاست که می‌تواند «نزدیک آخر دنیا» باشد؟

این‌طوری بگویم که آره، فکرش را می‌کردم که ممکن است واقعا یک همچون جایی وجود داشته باشد، چون قبلاً زندان عمومی بودم. من هم سپیدار بودم، همچنین قرچک و رامین و تجربه‌اش را داشتم. می‌دانستم که خب فضا در زندان‌های عمومی چه شکلی است. امکانات خیلی کمتر است. کرامت انسانی خیلی زیر پا له می‌شود و ... همه این‌ها را می‌دانستم. و خب قبل از آمدنم به زندان مرکزی بوشهر خیلی ... پیگیری می‌کردم که من می‌خواهم برگردم به استان محل سکونت‌م اما

اما اینجا همه چیز متفاوت است. مثلاً من توی زندان بوشهر واقعا فکر نمی‌کردم این همه اتفاقاتی که در آن‌جا می‌افتد، در حال حاضر توی زندان‌های ایران، حتی بند نسوان هم اتفاق بیفتد. مثلاً این که شما حق نداری بدون چادر بروی هواخوری. حق نداری با کسی خصوصی صحبت کنی. این ربطی به زندانی! سیاسی بودن نداشت. هیچ‌یک از زندانی‌ها حق نداشتند با یک زندانی دیگر صحبت کنند

!در زندان بوشهر صحبت کردن ممنوع است

شما می‌توانید به عنوان یک شخص با فرد دیگری صحبت کنید اما غیر خصوصی. من می‌توانم با شما صحبت کنم، اما به محض این‌که (مکالمه) یک‌ذره خصوصی بشود و بخواهم یواشکی یا آرام صحبت کنم، آن‌وقت بازخواست می‌شدیم. دوربین‌ها را چک می‌کردند و بابت این قضیه توبیخ‌مان می‌کردند

ببینید، زندانی وقتی وارد زندان می‌شود، مخصوصاً زندانی‌های عادی، تمام مأمّن‌هایش را از دست داده است. معمولاً خانواده‌ها طردشان می‌کنند. عموماً شرایط متفاوتی با ما دارند. حالا تصور کنید که در همان زندان هستی، در همان شرایط، اما اجازه نداری حتی با دوستت صحبت کنی. اجازه نداری سر یک سفره با آن آدم غذا بخوری. به تو مرخصی نمی‌دهند، فقط به خاطر این‌که خارج از وقت مقرر مثلاً [ساعت] یک تا دو، رفته‌ای حمام

یا این‌که نماز اجباری است. این‌که حین صحبت صدایت را بالا بُردی. یعنی این‌ها در خصوصی‌ترین مسائل تو، به حدی کنترل [اعمال] می‌کنند و به حدی تو را آزار می‌دهند که روانت به هم می‌ریزد

خیلی اوقات احساس می‌کردم که واقعاً آدم همان‌قدر که به امنیت جانی نیاز دارد، به امنیت روانی هم نیاز دارد. وقتی فکر می‌کردم با هرکس که بخواهم صحبت کنم، آن شخص ۱۴ روز قرنطینه می‌شود، ترجیح می‌دادم حرف نزنم. یا این‌که تلفن‌ها را قطع کنند. یک زندانی هیچ‌چیز جز ملاقات و تلفنش ندارد. چه امیدی دارد که با بیرون در ارتباط باشد و صحبت کند؟ همان را هم از او می‌گیرند

مثلاً ما یکبار در یک کاسه مشترک ماست خورده بودیم که باعث شد یکی از بچه‌ها دوهفته در قرنطینه بماند! فقط، توی یک کاسه مشترک ماست خورده بودیم! شاید خیلی خنده‌دار به نظر بیاید. اتفاقاتی که آنجا در جریان بود، در جاهای دیگر اصلاً در موردش حرف نمی‌زدند یا توقیفی به‌همراه نداشت. من هیچ‌جا چنین نحوه رفتاری را ندیده بودم.

در زندان بوشهر کسی حق اعتراض ندارد

فشارهای جسمی هم زیاد بود. خیلی زیاد بود. مثلاً من نوعی، صدایم را می‌برم بالا می‌گویم چرا آب قطع است؟ به هر حال، زندانی‌ام دیگر. رسیدگی نمی‌کنند. من به‌عنوان یک زندانی حق دارم اعتراض کنم. مثلاً شما مسئول اندرزگاه هستی، می‌آیم سر شما فریاد می‌زنم که چرا آب وصل نمی‌شود، همان‌جا گارد امنیتی می‌آورند مرا کتک بزنند. بلافاصله مرا به قرنطینه منتقل می‌کنند. در مدتی که آنجا بودم، همه این‌ها اتفاق افتاد.

برای مثال، من در اعتراض به اتفاقاتی که در بند افتاده بود و قطع تلفن، آمدم نشستم دم در اندرزگاه و گفتم: «من بالا نمی‌روم تا کسی بیاید و رسیدگی کند. من پایم را بالا نمی‌گذارم توی بند.» نشستم زمین. هیچ کار دیگری نکردم. بعد دیدم رئیس اندرزگاه تماس گرفت و گفت «بیایید ترتیب سپیده قلیان را بدهید». دو مرد آمدند از یگان حفاظت، دستوپایم را گرفتند، آن‌قدر با مشت و لگد مرا زدند ... دستم کوبیده شد توی شیشه و چهارتا بخیه خورد.

خیلی وضعیت بدی بود. تمام مدت احساس می‌کردم ممکن است اتفاقی به‌مراتب بدتر از این برایم بیفتد. یعنی شما تصور کن من زندانی‌ای بودم که به هر حال در رسانه‌ها شناخته شده بودم، کمتر می‌توانستند رفتاری را که با بقیه دارند، با من داشته باشند.

من حمایت خانواده را خیلی خیلی زیاد داشتم. با تمام این تفاسیل، تصور کنید که من به خاطر یکبار نشستن دم در اندرزگاه ... یعنی واقعا آن تحصن را به خاک و خون کشیدند. بعد محبوه رضایی که آمد من را از زیر دستوپای آن‌ها نجات دهد، شروع کردند او را هم کتک زدند. تصور کنید برای من که وضعیت این بود، برای بقیه زندانی‌ها وضعیت چه‌طور است.

زنان و مردان شکنجه‌گر در زندان بوشهر

شکنجه‌گران مرد و زن با هم هماهنگ هستند.. برخی موارد هم هست که رئیس اندرزگاه کتک می‌زند، مامور اندرزگاه کتک می‌زند. اما خیلی از مواقع که نمی‌توانند چیزی را کنترل کنند یا نمی‌خواهند خودشان باشند و می‌خواهند بیشتر ایجاد رعب و وحشت کنند و بیشتر بترسانند، از یگان حفاظت آنجا و از مردها استفاده می‌کنند. مثلاً برای دست‌بند زدن و پابند زدن می‌آیند بچه‌ها را کتک می‌زنند و دست‌بند و پابند می‌زنند.

حالا برای چی؟ برای این که یک نفر گفته من یک قرص زیادتر می‌خواهم. یادم است آن روز خود من می‌گفتم که تلفن اگر به خاطر من قطع شده، خواهش می‌کنم تلفن مرا قطع کنید و من را ببندازید توی قرنطینه. اما تلفن بچه‌ها وصل شود. تنها چیزی که آن روز می‌خواستم همین بود، هیچ چیز اضافه‌تری... نمی‌خواستم

وقتی بدانند صدای تو به عنوان یک آدم ممکن است به بیرون نرسد، خشونت‌شان عریان‌تر می‌شود. شاید بالغ بر ۲۵ سال است که در بند نسوان زندان مرکزی بوشهر این اتفاقات در جریان است و همگی به وقتش دست به اعمال خشونت می‌زنند. یعنی وقتی چهار نفر (زندانی) همزمان اعتراض کنند یا تعداد... [معترضان] زیاد شود، بقیه هم نظام‌مند و به شیوه‌ای مشابه دست به اعمال خشونت می‌زنند

ایخ زده در گرمای ۶۰ درجه زندان بوشهر

من خودم روز اول توی گرمای مثلاً ۶۰ درجه بوشهر احساس می‌کردم توی قطب شمال هستم، این قدر که فضا سرد و یخ بود، این قدر که همه چیز یخ‌زده بود... یعنی من با هر کدام از بچه‌ها که می‌آمدم از نزدیک صحبت کنم که «سلام، چندسالت»، با من صحبت نمی‌کرد. بعد متوجه شدم صحبت خصوصی و در مورد اطلاعات شخصی ممنوع است و اگر از آن سرپیچی کنی عواقب بدی در انتظار است. مثلاً مرخصی‌ات لغو می‌شود، شورای انضباطی برایت تشکیل می‌شود، به قرنطینه منتقل می‌شوی، کتک می‌خوری... این‌ها کمترینش بود. زنگ می‌زدند به خانواده‌ها

فرض کن تو یک زندانی عادی هستی، خب زندانی عادی شرایط خاصی دارد و ارتباط خاصی با خانواده‌اش دارد. همین‌طوری هم زندانی عادی طرد شده محسوب می‌شود، حالا فرض کن با همان خانواده تماس می‌گیرند و می‌گویند دخترت این‌جا اغتشاش کرده است

خیلی از این خانواده‌ها معنی و مفهوم «اغتشاش» را نمی‌دانند و متوجه نیستند دقیقاً در چه محیطی اتفاق افتاده است. [در نتیجه] در چنین مواقعی با سرکوبگر، همراه و همدل می‌شوند و با تمام توان علیه زندانی «می‌ایستند». فکر می‌کنند که در این مورد به‌قول روزبه بمانی، «شکنجه اشتباه نیست

طرد از طرف خانواده ابزار سرکوب در زندان بوشهر

این اواخر، یک خانمی بود که با شوهرش تماس گرفته بودند و گفته بودند او این‌جا اغتشاش کرده و به همین خاطر، شوهرش تا چند ماه به ملاقاتش نمی‌آمد و می‌گفت «می‌خواهم طلاق بدهم». حتی احضاریه طلاق را به داخل بند فرستاد! آن‌جا، چنین اتفاقاتی در جریان بود؛ زندانی‌ها به قدری افسرده بودند که من در هیچ زندانی با این تصویر سیاه و غمزده مواجه نشده بودم. این اولین بار بود. بدون کوچک‌ترین شادی

...

زندان بوشهر و شکنجه جمعی زنان

می‌گویند «کرامت انسانی» یک زن باید حفظ بشود اما همان زن را توی صف آمار اُخت می‌کنند و من ... تکتک این موارد را با مسئولین در میان گذاشته‌ام. به دادستان کل آقای منتظری نامه فرستادم. ولی هیچ‌کس پیگیری نکرد.

همه مسائل را شرح داده‌ام، به‌طوری که اصلاً نیازی به صحبت با زندانی نیست. به تاریخ دقیق واقعه اشاره کرده‌ام تا بروند [فیلم ضبط شده] دوربین هواخوری را کنترل کنند و ببینند چه‌طور زندانی را برهنه کرده‌اند و با آب‌معدنی و شیر او را غسل می‌دهند. خب این در تناقض است با چیزی که این‌ها دارند ... می‌گویند. کرامت انسانی یک زن را با تمام وجود زیر پا له می‌کنند، جلو دیگران او را برهنه می‌کنند

به قدری وحشتناک بود ... الان که فکرش را می‌کنم، خیال می‌کنم یک کابوس خیلی خیلی وحشتناک دیده‌ام. اصلاً فکرش را نمی‌کنم این‌ها توی واقعیت اتفاق افتاده باشد

در هر اتفاق این‌چنینی، همه زندانی‌ها را مجبور می‌کنند یک‌جا جمع بشوند و به زندانی که تحت این خشونت است، نگاه کنند و هو بکشند. وگرنه، کارت تلفن‌شان ضبط می‌شود و ماه‌ها نمی‌توانند تماس بگیرند!

واقعاً زندانی‌ها مشارکت می‌کنند؟ واکنش‌شان چیست؟

نمی‌توانند مشارکت نکنند. نمی‌شود. من مشارکت نمی‌کردم، اعتراض هم می‌کردم. منتهی با هرکس که به من نگاه می‌کرد یا می‌گفت «سپیده دارد درست می‌گوید»، برخورد می‌شد؛ یا او را به قرنطینه می‌بردند. یا مرخصی‌اش لغو می‌شد، یا با خانواده‌اش تماس می‌گرفتند و یا مانند همان بلایی که سر آن خانم آوردند، او را هم در هواخوری لخت می‌کردند و با شیر و آب‌معدنی غسل می‌دادند

تشویق زندانیان به خشونت

مثلاً در آن درگیری که برای ما پیش آمد، رئیس اندرزگاه خودش به بچه‌ها گفت «اگر نروید قلیان را بزنید، همگی توبیخ می‌شوید». مدیرکل سازمان زندان‌ها هم در جریان است. فیلم‌ها را واریسی کردند و این ماجرا تایید شده که هشت نفر از بچه‌ها آمدند به من حمله کردند. من توی تختم دراز کشیده بودم یا داشتم یک وسیله‌ای از تختم بیرون می‌آوردم، یک‌مرتبه دیدم از پشت سر مرا گرفتند و شروع کردند به کتک زدن من. [تنها] کسی که حمایت کرد محبوبه رضایی بود، که او را هم گرفتند و کتک زدند. خب، [آن‌ها] هشت نفر بودند و ما یک‌دفعه غافلگیر شدیم. یکی دوفتر از بچه‌ها از ما حمایت کردند

آن خانمی که از من حمایت کرد را پیش بازپرس پرورنده، به او گفته بود «اگر شما هم ببینی که یک جوان را دارند جلوی رویت می‌کشند و تکه‌تکه می‌کنند، همین کار را می‌کردی». بازپرس در جوابش گفته بود «نه، تو اغتشاش کردی! از زندان برای ما گزارش آمده که تو اغتشاش کردی». خود رئیس اندرزگاه

می‌گفت «اگر از قلیان حمایت کنید، اگر به هر ترتیبی جلوی من بایستید و از دستورهایم سرپیچی کنید، به «سرنوشت یکی مثل لیلا دچار می‌شوید»

لیلا در دوران کرونا در اثر عدم رسیدگی فوت کرده بود

سوءاستفاده جنسی از زنان زندانی در زندان بوشهر

مورد داشتیم که شخص را می‌بردند بازداشتگاه نیروی انتظامی یا هر جای دیگر، آنجا سرویس جنسی ... می‌داد. وقتی بر می‌گشت می‌گفت «خب، آن‌ها خواستند. رئیس اندرزگاه موافقت کرد، خودم هم برای این که پرونده‌ام پیش برود مجبور بودم». این‌ها را به ما می‌گفتند

یا مثلاً موردی برای خانم هم بندهم پیش آمد که گفته بود «وضعیت اقتصادی ما در حال حاضر مناسب نیست، بهتر است موافقت کنید که خانواده‌هایمان لباس بیاورند تحویل بدهند، نه این‌که مجبور باشیم از این‌جا تهیه کنیم». فردای آن روز آمدند به او گفتند «یک آقایی هست توی بند مالی که حاضر است با تو صیغه بشود و هزینه‌های مالی تو را تامین کند». دیگر فکر کنید که با زندانی عادی چه کار می‌کردند. این تازه برای زندانیان سیاسی بود

مورد دیگری بود که زندانی واریزی نداشت و در وضعیت اقتصادی نامناسبی بود، رئیس اندرزگاه خودش از بند مالی کسی را پیدا می‌کرد برای صیغه یک‌ساله، چندماهه و ... و این‌ها می‌رفتند ملاقات شرعی و یک هزینه‌ای هم بعداً دریافت می‌کردند

از ساعت شش صبح تا سه بعد از ظهر که بچه‌ها مجبور بودند با چادر، با مانتو و شلوار و جوراب، آماده باشند. اجازه نداشتند از شش صبح بروند توی تخت‌شان، یا حتی توی اتاق‌شان بمانند و با همان پوششی که گفتم باید می‌رفتند در هواخوری می‌نشستند. تصور کنید در آن گرما چه شرایط وحشتناکی است. خیلی عجیب بود. برای من سوال بود که چرا باید این‌طوری باشد؟

وقتی خود زندانی تبدیل به عامل سرکوب می‌شود

هم قربانی و هم ابزاری برای سرکوب. مثل الان که دیده‌ای وقتی توی اسنپ می‌نشینی و روسری‌ات می‌افتد [راننده] می‌گوید من را جریمه می‌کنند روسری‌ات را بگذار، و مجبورند این را به تو بگویند، به یک شکل عریان‌تر و خشن‌تر شما این را در زندان می‌بینی

از بقیه زندانی‌ها که همبندی تو هستند، خواهران تو هستند و به هر حال تو داری با آن‌ها زندگی می‌کنی، همدرد تو هستند، شما همه‌تان تحت یک ستم سیاهی هستید، ما همه تحت این ستم مضاعف هستیم، اما همان‌ها را علیه ما می‌کنند و این خودش خیلی آزاردهنده است

زندان بوشهر انسانها را ساکت می‌کند

وقتی می‌بینی سر کوچکترین چیز تلفن بچه‌ها قطع می‌شود. می‌گویند مثلاً به خاطر سپیده‌قلیان قطع شده، خب همه زندانی‌ها نسبت به من یک جوری می‌شوند. می‌گویند خب ساکت می‌مانی این اتفاق نمی‌افتاد. ما هم ۲۰ سال است ساکتیم، ۱۰ سال است ساکتیم، ما هم هفت سال است ساکتیم. ما می‌خواهیم با بچه‌هایمان صحبت کنیم. ما بچه داریم آن بیرون. ما خانواده‌هایمان منتظرمانند. بارها به من گفته‌اند این‌ها را

من خودم واقعاً می‌ترسیدم توی زندان باشم و بخواهم آن نامه را بدهم بیرون و این جوری رسانه‌ای بشود. خیلی می‌ترسیدم. چون فکر می‌کردم کشته می‌شوم. و خب فکر می‌کردم به خاطر رفتارهایی بوده که این‌ها انجام داده بودند توی این مدت. بی‌راه نبود اصلاً. حالا بچه‌ها هم توی یک چنین شرایطی بودند. فقط رسانه‌ای پشتشان نبود، خانواده‌ای پشتشان نبود

زنان زندانی عرب قربانی مضاعف

این شکنجه‌هایی که صورت می‌گیرد همه آگاهانه و سیستماتیک است. این‌ها خودشان می‌دانند که زندان‌های جنوب کشور می‌توانند هر کاری انجام بدهند و صدایی به هیچ جا رسانده نشود. این‌ها خودشان می‌دانند اگر زندانی عرب را بکشند هیچ اتفاقی برایشان نمی‌افتد. زندانی عرب را خیلی راحت تر می‌توانند بکشند تا مثلاً من نوعی را. چون او تحت ستم مضاعف است

ما همیشه می‌گوییم زن خودش تحت ستم است ولی وقتی یک زن عرب باشی، تحت ستم مضاعفی. موضوع ما هم دقیقاً همین است. وقتی من از زنان عرب گفته‌ام در کتاب هورالعظیم و قبل‌تر و بعدتر از آن، من راجع به زنان عرب و شکنجه‌هایی که در زندان سپیدار می‌شدند، تاکید می‌کردم روی این قضیه چون به خاطر عرب بودنشان داشتند شکنجه می‌شدند. چون در خوزستان داشت پاکسازی قومی صورت می‌گرفت

ما این را می‌دیدیم به‌عینه. به‌خاطر همین هم نمی‌گذاشتند من برگردم به خوزستان. وگرنه قبل از این که بفرستندم به بوشهر، نماینده دادستان به من گفت، گفت من می‌فرستمت یک جایی که گوشت زنگ بخورد، که التماس کنی می‌خواهم برگردم اوین

وقتی خودشان این را می‌گویند، یعنی خودشان می‌دانند در این زندان چه خبر است و چه اتفاقی می‌افتد. همه این‌ها با آگاهی صورت می‌گیرد. همه این‌ها برای ایجاد رعب و وحشت است، برای ساکت کردن صدای اعتراض ماست. همه‌شان، همه در جریان هستند. حالا یک وقت‌هایی می‌بینید خیلی خیلی رسانه‌ای می‌شود، می‌آیند موج‌سواری‌شان را می‌کنند و می‌گویند نه ما می‌خواهیم رسیدگی کنیم و ما رسیدگی می‌کنیم و ... وگرنه خودشان می‌دانند چه اتفاقی دارد توی زندان‌هایشان می‌افتد.



استان بوشهر با ۶ زندان و یک بازداشتگاه اطلاعات سپاه پاسداران یکی از مناطق دارای مشکلات جدی حقوق بشری در حوزه زندان‌ها، شناخته می‌شود. این زندان‌ها شامل زندان مرکزی بوشهر (زندان برج)، کانون اصلاح و تربیت بوشهر، زندان برازجان، اردوگاه حرفه‌آموزی و کاردرمانی در برازجان، زندان دشتستان، زندان خورموج و بازداشتگاه سپاه در برازجان هستند. اداره این زندان‌ها تحت نظر مقامات قضایی استان انجام می‌گیرد.

رسانه‌های حکومتی خبر داده‌اند که ، ۳۱۵۹ نفر زندانی در زندان‌های استان وجود دارد. کمبود جا یکی از معضلات جدی زندان‌های استان است. این جنایتکاران عبارتند از

مهدی مهرانگیز: رئیس کل دادگستری استان

سید محتشم حسینی: مدیرکل زندان‌های استان

عمار شهنیایی: دادستان اجرای احکام استان

حسین اسفندیاری: رئیس زندان مرکزی

سید اسماعیل موسوی: معاون سلامت اداره کل زندان‌های استان

گزارشی از بند زنان زندان بوشهر

محبوبه رضایی شهادت داد که زنان زندانی در معرض تهدید تعرض قرار دارند

به دنبال افشاگری یک زندانی سیاسی زن در مورد بند زنان بوشهر، مدیر کل زندان‌های ولایت فقیه این افشاگری را ادعاهای عجیب خواند و گفت که یکی از مقامات را برای پیگیری و بررسی وضعیت به آنجا اعزام می‌کند. این افشاگری بدنبال درز فیلم‌هایی از زندان اوین یک رسوایی تمام عیار برای دستگاه سرکوب و شکنجه بود.

به همین دلیل مقامات زندان حکومت تلاش کردند آن را بی‌رنگ کنند اما محبوبه رضایی یک زندانی سیاسی دیگر محبوس در بند زنان بوشهر افشاگری سپیده قلیان را تأیید کرد و گفت که فیلم منتشر شده در این مورد هم یک اعتراف اجباری در حضور رئیس امور زندان‌هاست.

افشاگری یک زندانی سیاسی دیگر از بند زنان

محبوبه رضایی، «زندان سیاسی محبوس در زندان بوشهر که دوران حبس دو سال و شش ماهه خود را می‌گذراند، طی یادداشتی کوتاه خطاب به ملت ایران بر صحت نوشته اخیر «سپیده قلیان» درباره وضعیت اسفبار زندان بوشهر، شهادت داده است و علاوه بر آن، موارد دیگری از آزار، تهدید و شکنجه را برشمرده، بر سناریوی اعتراف اجباری سپیده قلیان نزد رئیس امور زندان‌ها شهادت داده است.

محبوبه رضایی با تأیید روایت سپیده قلیان نوشته است که «سپیده قلیان را در جلو چشمانمان تهدید به قتل و تجاوز می‌کردند» و مسئولان زندان تلاش و برنامه‌ریزی می‌کردند که از خانم قلیان «اعتراف اجباری بگیرند».

روز شنبه، ۲۰ شهریور، محمد مهدی حاج محمدی، رئیس سازمان زندان‌ها در واکنش به اظهارات اخیر سپیده قلیان، در خصوص وضعیت بند زنان بوشهر، موارد مطرح شده را «ادعاهای عجیب» خواند و وعده بررسی داد.

متن نامه محبوبه رضایی از بند زنان

سلام به مردم ایران»

این نامه شهادتنامه من، محبوبه رضایی زندانی بند نسوان زندان مرکزی بوشهر است

من شهادت می‌دهم که بخاطر عشق به ایران، وطنم، فرهنگ و تمدنم، به اتهام مضحک «وطن‌فروشی» در شکنجه‌گاه آخرالزمانی زندان مرکزی بوشهر تحت شکنجه‌ام

من شهادت می‌دهم به دلیل مشکلات مالی از طرف مسئولین اندرزگاه زندان مرکزی بوشهر پیشنهاد صیغه موقت با مردان متمول بند مالی زندان را دریافت کردم.

من شهادت می‌دهم خواهر عزیزتر از جانم، سپیده قلیان را در جلو چشمانمان تهدید به قتل و تجاوز می‌کردند و هرگاه که واکنشی نشان می‌دادیم ما هم تهدید می‌شدیم.

شهادت می‌دهم حضور رئیس کل زندان‌ها در کارگاه قنای زندان بوشهر، که با خون جگر زندانیان برپا شده بود، سناریویی از پیش نوشته شده برای اخذ اعترافات اجباری از سپیده بود.

شهادت می‌دهم بارها تمام موارد ارباب، شکنجه، تهدید، تعرض و تجاوز به مسئولین اطلاع داده شد و آنها ضمن تأیید «وضعیت اسفناک زندان مرکزی بوشهر! و قول پیگیری، هرگز پیگیری نکردند.

من شهادت می‌دهم، آنچنان که همیار و هم‌رزم نوید افکاری شهادت داد، اینجا انسان‌های بیگناهی که با تمام توان‌شان در حال تلاش و جنگیدن در معرض نابودی هستند! « لازم به یاد آوری است که زندان‌های ایران یکی از بدترین زندان‌های جهان به شمار می‌رود که در آن شکنجه زندانیان و اذیت و آزار بازداشت شدگان به صورت سیستماتیک وجود دارد.

زندان بهبهان



زندان بهبهان با وضعیت نابهنگار آن از زندانهای شناخته شده رژیم است. که در استان خوزستان با توجه به فضای قیام و اعتراض در آن برای فشار بر زندانیان با انواع اقدامات ضد انسانی بصورت ساختاری چیده و مدیریت می‌شود.

موقعیت زندان

این زندان در غرب شهر بهبهان در بلوار یعقوب بهبهانی، خیابان ژاندارمری، جنب بخشداری واقع شده است.

ریاست کنونی زندان با مهدی دهداری می‌باشد. وی از اوایل مردادماه ۱۴۰۲ به این سمت گمارده شده است. پیش از وی داود بیاتی اشکفتکی، به مدت ۶ سال ریاست این زندان را به عهده داشت.

زندان بهبهان دارای ۵ بند و ۲ اتاق کوچک است. یکی از اتاق‌ها، به عنوان کارگاه استفاده می‌شود. اتاق دیگر مربوط به قرنطینه است که بسیار محدود و کوچک است.

بندهای زندان بهبهان

بند ۱

که به بازداشتی‌ها اختصاص یافته

نزدیک به ۶۰ تخت وجود دارد اما

این تعداد کمتر از آمار زندانیان است

و معمولاً عده‌ای از زندانیان کف‌خواب هستند

بند ۲

که به بند پاک معروف است، مربوط به

زندانیانی با جرائم مالی است

بند ۲ - ۴۰ تخت دارد اما برای تعداد

بالای زندانیان این میزان تخت کم است

بند ۳

مربوط به زندانیان با اتهام مواد مخدر است

این بند ۵ اتاق دارد و در هر اتاق ۱۲ تخت

موجود است. که در مجموع نزدیک به ۶۰ تخت

هست. یکی از اتاق‌های این بند به زندانیان

با جرائم سیاسی اختصاص دارد

بند ۴

که به بند سبز معروف است ۴۰ تخت دارد

و مربوط به زندانیانی است که به جرم سرقت

بازداشت شده‌اند

بند ۵

یا بند عادی مربوط به زندانی با

جرائم مختلف و مختلط است

نزدیک به ۵۰ تخت در این بند وجود دارد

بین بند سبز و عادی کارگاه قرار دارد. پشت این ۲ بند هواخوری کوچکی واقع شده که حمام و ۵توالت در آن قرار دارد

بین این دو هم یک اتاق برای شستشوی ظروف تعیین شده است. آشپزخانه هم کنار بند ۳ (بند پاک) قرار دارد که ۵ اجاق گاز در آن وجود دارد

این بندها همیشه پر هستند و در بیشتر اوقات کف این بندها نیز پر از زندانیانی است که با پتو روی زمین می‌خوابند

زندان پارسیلون خرم آباد

زندان پارسیلون، واقع در جنوب شهر خرم‌آباد، به نمادی از نقض آشکار حقوق بشر و کرامت انسانی تبدیل شده است. این زندان، چهره‌ای دیگر از دستگاه قضائی سرکوبگر رژیم است که در آن آزادی، شأن انسانی و ابتدایی‌ترین حقوق زندانیان زیر پا گذاشته می‌شود. در این سیستم، پارسیلون به ابزاری برای

ارباب، تحقیر و شکستن روح زندانیان تبدیل شده و سیاست‌های سرکوبگرانه حاکمیت را در قالبی بی‌رحمانه اجرا می‌کند.

ساختار و تقسیم‌بندی بندها

زندان پارسیلون شامل ۷ بند اصلی است

بندهای ۱، ۲ و ۳: محل نگهداری زندانیان با جرایم سنگین، محکومان به اعدام و افراد بلامتکلیف

بند نظام: مخصوص نظامیان متخلف

بند مالی: ویژه زندانیانی است که به دلیل بدهی مالی، از جمله مهریه، محکوم شده‌اند

بند قرنطینه: محل نگهداری زندانیان تازه‌وارد که در فضایی غیرانسانی و با کمترین امکانات، تا تعیین تکلیف نهایی روزگار سختی را سپری می‌کنند.

شرایط فیزیکی و امکانات

امکانات محدود و شرایط نامناسب، از مشکلات جدی این زندان است. برای مثال، بند ۲ که برای ۲۵۰ تا ۳۰۰ نفر طراحی شده، در زمستان تا ۱۳ نفر را در هر اتاق ۶ نفره جای می‌دهد. تنها دو حمام و شش سرویس بهداشتی برای صدها زندانی وجود دارد، که این وضعیت سلامت زندانیان را به خطر می‌اندازد و باعث گسترش بیماری‌ها می‌شود.

بهره‌کشی از زندانیان

کار اجباری در کارگاه‌های قالی‌بافی، تسبیح‌سازی و خیاطی به بهانه کارآفرینی بر زندانیان تحمیل می‌شود. حتی زندانیانی که در انتظار اجرای حکم اعدام هستند، مجبور به کار هستند. اعتراض به این وضعیت با انتقال به قرنطینه یا انفرادی و مواجهه با شکنجه‌های جسمی و روانی همراه است.

غذا و کرامت انسانی

وعده‌های غذایی زندان از نظر کیفیت و کمیت در شرایط بسیار نامطلوبی قرار دارند. بسیاری از زندانیان برای سیر شدن مجبور به خرید غذا با هزینه شخصی هستند، و آن‌هایی که توان مالی ندارند، با گرسنگی یا انجام کارهای تحقیرآمیز مانند شستن لباس‌های دیگران مواجه می‌شوند.

دست‌رسی به خدمات درمانی در زندان پارسیلون تنها برای زندانیانی ممکن است که توان مالی دارند. نبود امکانات اولیه درمانی و تأخیر در انتقال بیماران به مراکز درمانی، جان بسیاری را گرفته است. برای خرید دارو، زندانیان نیازمند حمایت مالی خانواده‌هایشان هستند و در غیر این صورت، مرگ خاموش در انتظار آن‌هاست.

فراخوان به حمایت

آنچه در زندان پارسیلون می‌گذرد، تنها بخشی از نقض سیستماتیک حقوق بشر در ایران است. روایت‌های دردناک این زندان، صدای خاموش کسانی است که در پشت دیوارهای بی‌عدالتی به فراموشی سپرده شده‌اند. از همه درخواست می‌شود با انعکاس این وضعیت، به آشکارسازی این بی‌عدالتی کمک کنند.

زندان تایباد

گزارشی که مشاهده می‌کنید توسط کانون حقوق بشر ایران، با استناد به زندانیان آزاد شده از زندان تایباد و خانواده‌های آنها تهیه شده است. این زندان که تا بحال افشا نشده بود، بهمین دلیل بسیاری از جنایات مقامات و ماموران در این زندان مانند سایر زندان‌ها پنهان مانده و تنها با تلاش زندانیان و خانواده آنها امکان افشا این جنایات فراهم شده است.

هرچند مقامات زندان تایباد این‌گونه به زندانیان القا کرده‌اند که هر گونه اعتراض و یا رساندن اخبار زندان به بیرون بهای سنگینی در پی دارد.

موقعیت و ساختار زندان تایباد

زندان مرکزی تایباد در غرب شهرستان تایباد، جاده جعفرآباد، واقع شده است.

در این زندان دو بند وجود دارد:

بند عمومی که آمار آن دست‌کم ۱۵۰ زندانی است. این بند یک سالن ۲۰ در ۱۰ می‌باشد که دارای یک حمام و ۴ سرویس است. در کل این سالن ۷ تخت وجود دارد. زندانیان به دلیل نبود جا و تخت مجبورند شب‌ها به صورت کتابی روی زمین بخوابند.

این بند دارای یک هواخوری با ابعاد ۵ در ۱۰ با سقف فنس دار است.

بند موسوم به انقلاب

زندانیان این بند همه دارای حکم اعدام هستند. حداقل ۱۳۰ زندانی در هر لحظه در این بند محبوس هستند. در این بند تخت وجود ندارد و همه مجبورند روی زمین و به صورت کتابی بخوابند.

بنا به گزارش زندانیانی که از این زندان رهایی یافته‌اند، در ماه‌های رمضان و محرم، آمار زندانیان به ۱۰ تن می‌رسد چرا که زندانیان را مستمر برای اعدام می‌برند. به‌دلیل اینکه این اعدام‌ها در سکوت خبری اجرا می‌شوند و اطلاع رسانی نمی‌شود هیچ انعکاسی در جامعه دیده نمی‌شود.

در بندهای این زندان، مواد مخدر به وفور در دسترس است و ماموران زندان خودشان عامل اصلی وارد کردن مواد به زندان هستند.

این زندان، بند زنان ندارد و زنانی که در شهرستان تایباد بازداشت می‌شوند به زندان تربت جام منتقل می‌گردند.

وضعیت غذایی

وضعیت غذا خیلی بد است. صبحانه هر زندانی هر روز نصف نان لواش با 5 گرم پنیر است. برای ناهار به هر زندانی مقدار کمی برنج می‌دهند. در وعده غذایی شام نیز یا آش و یا سوسیس یا سیب زمینی داده می‌شود که زندانیان را سیر نمی‌کند.

وضعیت بهداشت

وضعیت بهداشتی بندها فوق‌العاده کثیف است. از الزامات و وسایل بهداشتی خبری نیست و زندان چیزی در اختیار زندانیان قرار نمی‌دهد که سالن‌ها و سرویس‌های بهداشتی و حمام‌ها را نظافت کنند. زندانیان هم پولی برای خرید مواد بهداشتی ندارند.

به زندانیان هیچ رسیدگی به‌لحاظ پزشکی نمی‌شود و تنها در صورتی که زندانی رو به مرگ باشد، او را به بیمارستان منتقل می‌کنند. بهداری این زندان تنها چیزی که در اختیار دارد، متادون است.

این گوشه‌ای از وضعیت جهنمی یکی از زندان‌های حکومت خامنه‌ای است.

باید به اطلاع شما برسانیم که افشای جنایات انجام شده در زندان‌ها در داخل و خارج از کشور و واکنش‌هایی که در پی دارد، سران حکومت را وحشت‌زده کرده و ادامه این جنایات را سخت‌تر می‌کند. پس وظیفه همه ایرانیان افشای هر گونه اطلاعات و جنایات این حکومت در زندان‌ها است. از شما درخواست داریم تا با کمک و همکاری خود جنایات این حکومت در قبال زندانیان را هر چه سریع‌تر افشاء کنیم.

زندان تبریز

زندان یکی از مهم‌ترین ابزار و مکان‌های سرکوب رژیم بر علیه مردم ایران است. رژیم برای مکتوم نگه‌داشتن شکنجه‌ها و فشاری که بر زندانیان اعمال می‌کند تلاش زیادی دارد تا اخبار آن به‌جایی درز پیدا نکند. چون درز این خبرها تبعات اجتماعی و بین‌المللی زیادی در پی خواهد داشت. اما به یمن شهامت و جسارت زندانیان، اکنون اخبار زندان‌ها خیلی بیش از دهه ۶۰، به بیرون می‌رسد. کما این که در ۱۶ مرداد ۱۴۰۳ خبر یورش وحشیانه به زندانیان سیاسی زن در اوین به‌سرعت منتشر شد.

بند زنان در زندان‌های ایران. جایی است که رژیم به‌دلیل ماهیت زن ستیزش فشار مضاعفی نسبت به سایر زندانیان به آن‌ها اعمال می‌کند. این فشارها نقض فاحش حقوق زندانیان بویژه زندانیان سیاسی زن است.

در همین رابطه و افشای جنایات رژیم در زندان‌ها، به گزارشی از یک زندانی سیاسی زن از زندان تبریز می‌پردازیم که به گوشه‌ای از سرکوب زنان در اواخر دهه ۹۰ در این زندان اشاره کرده است.

زندان تبریز در انتهای بلوار ۲۹ بهمن، جنب راهنمایی رانندگی سابق، اداره کل زندان‌های استان آذربایجان شرقی قرار دارد. برای رفتن به بند زنان زندانی پس از عبور از چند دالان تو در تو به راه پله‌ای می‌رسید که ۱۰ پله بالا می‌رفت. در واقع بند در طبقه دوم قرار داشت. زندانی در ورود به سالن دفتر بند زندان زنان وارد می‌شد. در این سالن ورودی، اتاق زندانبانان در مکانی قرار داشت تا نسبت به سالن دیگری که در آن فروشگاه، اتاق دارو، کتابخانه، کارگاه کاردستی و آشپزخانه که در انتهای آن بود اشراف داشته و زندانیان را تحت کنترل دائم خود داشته باشند.

در گوشه سمت راست این سالن یک اتاق تقریباً بزرگ بود که نام آنرا کانون اصلاح و تربیت گذاشته بودند و به آن کانون می‌گفتند. آنجا محل زندانیان زیر ۱۸ سال بود. در این اتاق فقط یک حمام و دستشویی برای کل زندانیان بود. معمولاً زندانیان سیاسی را که می‌آوردند و می‌خواستند دور از دیگران نگه دارند به این اتاق می‌بردند. بچه‌های قیام ۹۸ را به این اتاق برده بودند. در واقع این اتاق از قسمت بند زنان جدا شده بود.

یکی از مصادیق بارز آزار و اذیت و فشار بر زندانیان عدم رعایت اصل تفکیک جرائم در بند زنان زندان تبریز است. همان‌طور که در نقشه ملاحظه می‌کنید. تمامی زندانیان با جرائم مالی، زنان بزه‌کار، سرقت، قاچاق مواد مخدر و معتادان، قاتلین و از همه مهم‌تر زندانیان سیاسی را در یک سالن قرار می‌دادند. تا بدین‌وسیله از مزدوران خود در داخل بند برای کنترل و اعمال فشار استفاده کنند.

در نقشه موقعیت سرویس بهداشتی، توالت‌ها و حمام‌ها مشخص شده است. در نظر بگیرید که برای تعداد زیادی زندانی که در آن سال‌ها حدود ۱۵۰ زندانی وجود داشت چه تراکمی حاکم بود. بنا به گزارش، وضعیت بهداشت در زندان به شدت نگران‌کننده بود. اغلب با کمبود آب گرم مواجه بودیم. عدم رعایت

بهداشت، شرایط را برای شیوع بیماری‌ها و وجود حشرات مزاحم فراهم کرده بود. به هر زندانی تنها مقدار کمی مواد شوینده داده می‌شد که برای نیازهای ماهانه کافی نبود.

در این زندان، هر زندانی روزانه سه عدد نان لواش بی‌کیفیت به همراه یک قالب پنیر برای صبحانه دریافت می‌کرد. وعده ناهار شامل برنج هندی و مقدار کمی خورشت بود که نه تنها نمی‌توانست زندانیان را سیر کند، بلکه اغلب مشکلاتی برای آن‌ها به همراه داشت. شام معمولاً شامل مقدار کمی عدسی بود. یکی از مشکلات بزرگ این بود که زندانیان اجازه دریافت مواد غذایی از خانواده‌های خود را نداشتند و خانواده‌ها نیز نمی‌توانستند برای آنان مواد غذایی ارسال کنند.

بهداشت زندان به شدت نامناسب بود. برای حدود ۵۰ زندانی تنها پنج حمام وجود داشت که فقط در دو نوبت، صبح و بعدازظهر، باز می‌شدند. فشار آب به قدری پایین بود که از حمام پنجم، آب تنها به اندازه‌ای شیر سماور می‌آمد. در بسیاری از مواقع، آب گرم وجود نداشت و در مواقعی هم که بود، تنها دو یا سه نفر قادر به استفاده از آن بودند و باقی مجبور بودند با آب سرد استحمام کنند.

همچنین، تنها یک روشویی با چهار شیر آب برای شستشوی دست‌ها وجود داشت که به ناچار از همین شیرها برای شستشوی ظروف غذای زندانیان نیز استفاده می‌شد. و در نتیجه در این روشویی همیشه بصورت غیر بهداشتی آب جمع‌شده بود. عدم رعایت بهداشت، شرایط را برای شیوع بیماری‌ها و وجود حشرات مزاحم فراهم کرده بود.

بهداشت زندان به قدری فاجعه‌آمیز بود که یک بار شپش سر به طور گسترده‌ای در بند شیوع پیدا کرد و بهداری مجبور به توزیع داروی دایمتیکن برای درمان آن شد. مواد بهداشتی که هر ماه به زندانیان داده می‌شد شامل مقادیر کمی پودر لباسشویی، خمیر دندان و صابون بود که بسیار ناکافی بود.

در اتاق‌های بند، فضایی برای گذاشتن وسایل شخصی وجود نداشت. زندانیان مجبور بودند بقیچه‌های لباس خود را بر روی تخت‌هایشان بگذارند و آن‌هایی که تخت نداشتند، کنار دیوار روی پتوی کفخواب‌ها قرار می‌دادند. همچنین، برای قاشق، بشقاب و لیوان، زندانیان مجبور بودند آن‌ها را در سبدهای پلاستیکی گذاشته و زیر تخت‌هایشان جا دهند.

این وضعیت باعث می‌شد که گاهی زیر یک تخت، بیش از ده نفر وسایل خود را جا دهند که خود منجر به فشارهای عصبی برای زندانیان می‌شد. در این تراکم جمعیتی و نبود امکانات کافی، برخی از زندانیان مزدور اقدام به سرقت لباس و اجناس دیگر زندانیان می‌کردند تا فضای زندان را برای دیگران هرچه بیشتر غیرقابل تحمل کنند.

افشاگری جدید از زندان تبریز بیانگر ابعاد تازه از تجاوز به حقوق زندانیان در این زندان است. براساس گزارش ویژه ای که «کانون حقوق بشر ایران» در این مورد منتشر کرده است. در این گزارش ویژه که با اتکا به داده‌های زندانیان آزاد شده از این زندان تهیه شده، شواهد مختلفی از شکنجه و تجاوز علیه زنان گزارش شده است.

بر اساس شهادت زنان زندانی زندان تبریز، رئیس زندان و رئیس حفاظت زندان در کامپیوتر حاوی تصاویر زنان زندانی، آنها را انتخاب کرده و پس از اتمام وقت اداری، به محل خود برده و به آنان تعدی و تجاوز می‌کنند.

زندان تبریز در بلوار ۲۹ بهمن، جنب راهنمایی رانندگی سابق، اداره کل زندان‌های استان آذربایجان شرقی قرار دارد.

این زندان بزرگ، دارای ۱۴ بند است. در هر بند که ظرفیتی حدود ۳۰۰ تن دارد، ولی اکنون در هر بند حدود ۸۰۰ تن زندانی محبوس هستند. در هر بند دست کم ۵۰۰ تن کف خواب هستند.

برای هر ۸۰۰ زندانی ۵ حمام وجود دارد. ولی آبگرم حمام‌ها ۲ ساعت بیشتر نیست و بقیه ساعات روز، آب سرد است. زندانیان برای حمام کردن باید از صبح تا شب در نوبت باشند. وضعیت بهداشتی در این زندان بسیار پایین است.

زندان تربت جام



زندان تربت جام از معدود زندان‌هایی است که از آنان اطلاعات چندانی وجود ندارد. گزارشی که مشاهده می‌کنید توسط یک زندانی آزاد شده از زندان تربت جام نوشته شده و به گوشه‌ای از جنایات مقامات و مأموران زندان اشاره کرده است

زندان مرکزی تربت جام در شمال شرقی شهرستان تربت جام، در کیلومتر ۹ جاده مشهد واقع شده است

این زندان با ۳۷۰ متر طول و ۲۴۰ متر عرض بیش از ۱۵۰۰ زندانی را در خود جای داده است

گزارشی از وضعیت زندان تربت جام

زندان تربت جام دارای ۳ بند است. یک بند به زنان و ۲ بند به مردان اختصاص دارد. البته ۵ بند برای مردان ساخته شده، ولی ۳ بند آن تا کنون بهره‌برداری نشده است. به همین دلیل زندانیان را عمداً در وضعیت غیرانسانی و در شرایط سخت نگهداری می‌کنند

هر بند ۱۴ اتاق دارد و در هر اتاق ۲۱ تخت وجود دارد. ولی در حال حاضر در هر اتاق بین ۴۰ تا ۴۵ نفر زندانی محبوس هستند. به این ترتیب در هر بند حداقل ۲۰ تن کف خواب هستند

هر بند این زندان ۳۰۰ تن ظرفیت دارد ولی در هر کدام بیش از ۵۰۰ تن زندانی را جا داده‌اند که می‌توانید تصور کنید به لحاظ بهداشت و سلامتی، زندانیان در چه وضعیتی قرار دارند

رئیس زندان یک پاسدار جنایت‌کار، به نام علی بیات است که حدود ۵۵ سال سن دارد. به گفته زندانیان وی بویی از شرافت نبرده و هیچ اقدامی برای حل مشکلات زندانیان نمی‌کند

رئیس بند ۱ پاسداری به نام تهرانی حدوداً ۵۰ ساله است. او رفتاری بسیار خشن و ضدانسانی با زندانیان دارد. به گفته زندانیان او یک حیوان به تمام معنا است

مواد مخدر صنعتی و کیفیت غذا در زندان تربت جام

در زندان تربت جام هر نوع مواد مخدر از نوع صنعتی خواهید پیدا می‌شود. مواد مخدری که در خارج از زندان به سختی می‌توان یافت

کیفیت غذای زندان تربت جام بسیار پایین است. طوریکه غذا را جلوی گربه هم که می‌ریزند نمی‌خورد. با این حال زندانیان عموماً گرسنه هستند

تعدادی از زندانیان غیر بومی محبوس در زندان تربت جام

۴ زندانی سیاسی اهل اهواز به زندان تربت جام تبعید شده‌اند. این ۴ زندانی از بازداشتی‌های اعتراضات ۹۸ در اهواز هستند. آنان از تسهیلات زندان مثل مرخصی، ملاقات حضوری، برخورداری از امکان بند باز

و یا نیمه باز محروم هستند. هر ۴ تن به ۲۸ سال حبس محکوم شده‌اند. خانواده آن‌ها هر چند ماه یک بار از اهواز برای ملاقات به تربت جام سفر می‌کنند

یکی از آن‌ها مهدی معربی و یکی دیگر رحیم بیت استخری است. که البته رحیم بیت استخری از حدود ۳ ماه پیش به زندان وکیل‌آباد مشهد تبعید شده است.

زندان خورین ورامین

زندان خورین ورامین در شمال شهرستان ورامین در منطقه خورین واقع شده است. همان زندانی است که در نیمه شب یکشنبه ۲۴ مهر ۱۴۰۱ سه اتوبوس از زندانیان بند ۷ اوین را به آنجا منتقل کردند. همان زندانیانی که شب قبل از انتقال در معرض آتش سوزی، کشتار و ضرب و شتم شدید خود تا حد مرگ در شامگاه ۲۳ مهر، در زندان اوین بودند. رئیس جنایتکار زندان خورین به‌نام شلالوند به پاس خدمات‌اش در اجرای اوامر حکومت در سرکوب زندانیان مورد تقدیر قرار گرفته بود

بنا به گزارشی از درون زندان که کانون حقوق بشر ایران تهیه کرده است: شرایط در این زندان حاکی از وضعیت بد و غیرقابل تحمل آن برای زندانیان است

شرایط ناهنجار زندان خورین ورامین، فروش سالن به عوامل زندان

رئیس زندان با اخذ مبلغی پول، زندان را به عوامل زندانی خود فروخته است. به‌همین دلیل وضعیت زندان خیلی خراب و زندانیان در وضعیت نامناسبی قرار داشته و در واقع آن‌ها را اذیت و آزار می‌کنند

حاج‌علی ترکمان رئیس بند و میرزایی مدیر داخله ۲۰۰ تومان گرفته‌اند تا این که سالن زندانیان را از دست زندانیان بگیرند و به عوامل خودشان بسپارند. به‌همین دلیل تعدادی از زندانیان را که به این امر اعتراض کردند را به سوییت فرستاده‌اند

تراکم شدید زندانیان در زندان خورین ورامین

تراکم زندانیان در این زندان به‌حدی زیاد است که زندانیان حتی اکسیژن کافی برای نفس کشیدن ندارند و احساس خفگی می‌کنند

وضعیت آب و خیم است به‌طوری که به‌طور متوالی زندانیان ۲ روز آب دارند و ۳ روز ندارند، باید از آب‌های ذخیره استفاده کنند

مشکل دیگر سرویس‌های بهداشتی است. این زندان با ظرفیت بیش از ۵۰۰ نفر، تنها ۱۰ سرویس بهداشتی دارد که نیمی از آن خراب و غیرقابل استفاده است

زندانیان ۶ ماه است که آب گرم ندارند و از آب سرد استفاده می‌کنند به همین دلیل شیوع سرماخوردگی در این زندان بسیار بالا است.

تعداد زیادی از زندانیان تخت ندارند و توی سالن به صورت کتابی کنار هم می‌خوابند. به‌طوری که تا جلو سرویس بهداشتی پر است. زندانیان کف خواب برای این که امکان استراحت داشته باشند مجبورند کتابی بخوابند و تخت‌های طبقه پایین هم ۲ نفره استفاده می‌کنند

وضعیت غذا به‌شدت افتضاح است و اصلاً قابل خوردن نیست. برخی زندانیان که به لحاظ مالی می‌توانند از فروشگاه مواد تهیه کنند، خودشان غذا می‌پزند. ولی بقیه مجبورند که همین غذای بی‌کیفیت را بخورند «در نتیجه در وضعیت گرسنگی نگه‌داشته می‌شوند

افشای جنایات مقامات زندان، صحنه رویارویی مردم با حکومت

پنهان‌کاری سران حکومت در رابطه با وضعیت زندان‌ها از ۴ دهه پیش تا کنون ادامه دارد. آن‌ها با گسترش جو رعب و وحشت در زندان‌ها و سرکوب زندانیان تلاش می‌کنند تا وضعیت غیرانسانی زندان‌ها به گوش جهانیان نرسد. آن‌ها می‌خواهند به زندانیان و خانواده آن‌ها این گونه القا کنند که می‌توانند هر بلایی که خواستند سر آن‌ها بیاورند و کسی هم خبردار نخواهد شد

بنابراین هرگونه اطلاع‌رسانی از درون زندان صحنه رویارویی مردم با سران حکومت سرکوبگر حاکم است. افشای هر خبر از زندان‌ها باعث شده که مقامات زندان در سرکوب و شکنجه زندانیان دست باز نداشته و آمران هر جنایت در مجامع بین‌المللی به عنوان ناقضان حقوق بشر معرفی و ثبت خواهد شد

زندان خوی

در استان آذربایجان غربی در جنوبی‌ترین نقطه در شهر خوی، زندان مرکزی خوی که به تبعیدگاه معروف است در بلوار آیت‌الله خویی، بین کمربندی حجازی فر و کوچه معرفت واقع شده است

دژخیمانی به‌نام‌های صفر تاروردی‌زاده، رئیس و محمد قنبرلو مسئول حفاظت زندان هستند

در ۶ بند عادی و ۱ بند کارگری زندان مرکزی شهرستان خوی، حدود هزار زندانی با اتهام‌های مختلف و بدون رعایت اصل تفکیک جرائم زندانی هستند

به دلیل وضعیت غیربهداشتی و کثیف درون این زندان، وجود موش، عقرب، جوجه تیغی، رتیل و مار در محوطه زندان از مشکلات جدی زندانیان است. در هر بند ۳ سرویس بهداشتی و حمام وجود دارد و دستکم ۲۰۰ زندانی از این سرویس‌های بهداشتی استفاده می‌کنند

در هر اتاق حدود ۷۰ زندانی محبوس هستند. این در حالی است که تنها ۱۴ تخت در هر اتاق وجود دارد. زندانیان عموماً کف‌خواب هستند و تا راهرو و کنار سرویس‌های بهداشتی روی زمین می‌خوابند. آنان در وحشت از وجود موش و رتیل شب را به صبح می‌رسانند. حتی حمام رفتن برای زندانیان تبدیل به شکنجه شده است. چون در سقف شیروانی حمام‌ها، رتیل و موش در رفت و آمد است

زیر نظر و کنترل رئیس زندان انواع مشروبات الکلی و موادمخدر و همچنین قرص‌های روانگردان و متادون به فروش می‌رسد و در دسترس زندانیان است

برده‌داری در زندان مرکزی خوی

یک زندانی آزاد شده درباره وضعیت زندان مرکزی خوی می‌گوید: «در بخشی از زندان گلخانه درست کرده‌اند که در آن خیار، گوجه، گردو و ... کاشته شده و زندانیان هر روز صبح مانند برده تا ساعت ۸ شب در آن به بیگاری گرفته می‌شوند

زندانی آزاد شده دیگری می‌گوید: «زندان‌یان زیر حکم اعدام را با توهین و تحقیر و آزار به سوئیت منتقل می‌کنند. به عنوان مثال یک زندانی به نام حسین اسکندرزاده را که اتهام قتل داشت، به شکل بسیار توهین آمیزی برای اجرای حکم اعدام بردند. نمونه‌هایی را هم به چشم دیده‌ام که هنگام بردن زندانی برای اعدام، زندانبان‌ها به دستور رئیس زندان، وی را می‌زدند، دور گردن زندانی چفیه و شال پیچیده و با استفاده از «الفاظ رکیک او را می‌کشیدند و به همین شکل زندانی را برای اعدام می‌بردند

زندان‌یان زندان مرکزی خوی در این زندان از گرسنگی رنج می‌برند و وضعیت غذایی بسیار بد گزارش شده است. گوشت قرمز در برنامه غذایی زندانیان نیست. گوشت مرغ هم به ندرت در غذا استفاده می‌شود و یک مرغ سهمیه غذایی ۳۸ زندانی است.

رئیس زندان خوی: صفر تاری وردی زاده

مسئول حفاظت زندان خوی: محمد قنبرلو

دو جنایتکاری هستند که روز پنجشنبه دهم اسفند ۱۴۰۲ دستور حمله به زندانیان بی دفاع را صادر و آن‌ها را توسط مأموران و افسر نگهبان‌ها مورد ضرب و شتم قرار دادند

در حالی که زندانیان در اعتراض به نبود دکتر و امکانات بهداری دست به اعتراض زده بودند. این یورش وحشیانه در صورتی انجام گرفت که صفر تاری وردی زاده سرباند فروش انواع مشروبات الکلی در زندان است.

مزدوری و خود فروشی سرکوبگران بر مردم ایران پوشیده نیست. در این میان مزدوران و سرکوبگران خوی سقف جدیدی از حرامزادگی، بیرحمی و شقاوت زدند. رفتار دژخیمان و مزدوران خاмене‌ای با مردم زلزله زده این شهر بدرستی ثابت کرد که این نظام نه ایرانی است و نه ارزشی برای مردم ایران قائل هست. بعد از وقوع زلزله نه تنها حاکمیت کوچکترین کمکی به مردم زلزله زده و بی سرپناه خوی نکرد بلکه اجازه نداد مردم شریف و آزاده ایران به هموطنان مصیبت دیده خودشان کمک کنند

در همه کشورها بعد از فجایع و حوادث طبیعی دولتمردان تمام تلاششان را بکار میگیرند تا حداکثر کمک و امداد رسانی را به مردمشان انجام بدهند. ولی در نظام ضد ایرانی خاмене‌ای اولین کاری که انجام دادند ارسال نیروها و مزدوران سرکوبگر و ماشین‌های آب پاش برای سرکوب بود و در عمل هم دیدیم وقتی مردم برای اعتراض تجمع کردند در برف و سرمای کشنده آذربایجان بروی مردم آب پاشیدند. آیا این نشانه ضعف و فروپاشی حاکمیت و وحشت از سرنگونی نیست؟

مزدورانی که نام برده می‌شوند، در شناسایی و دستگیری و سرکوب معترضان و مردم مبارز و آزادیخواه این شهر شرکت دارند

اطلاعات سپاه خوی – پادگان شرفخانلو: **فرهاد ارزنلو**
این مزدور از دوستان نزدیک جواد نجارپور و فرمانده سپاه خوی محمد باقر علایی است

آدرس منزل: کوی صفا، کوچه محمدپور ۲، پلاک ۳۵

زندان دهدشت



زندان دهدشت

زندان دهدشت از چهار بند و یک قرنطینه (بند ۱ - بند ۲ - بند ۳ - بند ۴ و قرنطینه) تشکیل شده است

این زندان سه سلول انفرادی هم دارد که زندانیان را برای تنبیه در آنجا نگه می دارند. سلولها طوری طراحی شده که سرویس بهداشتی زندانی هم در آن قرار دارد و زندانی مجبور است غذای خود را در همانجا بخورد

بند ۱ مخصوص جرائمی همچون قتل و سرقت مسلحانه است. به آن بند خشن نیز می گویند

بند ۲ بند مخصوص متادونی ها است

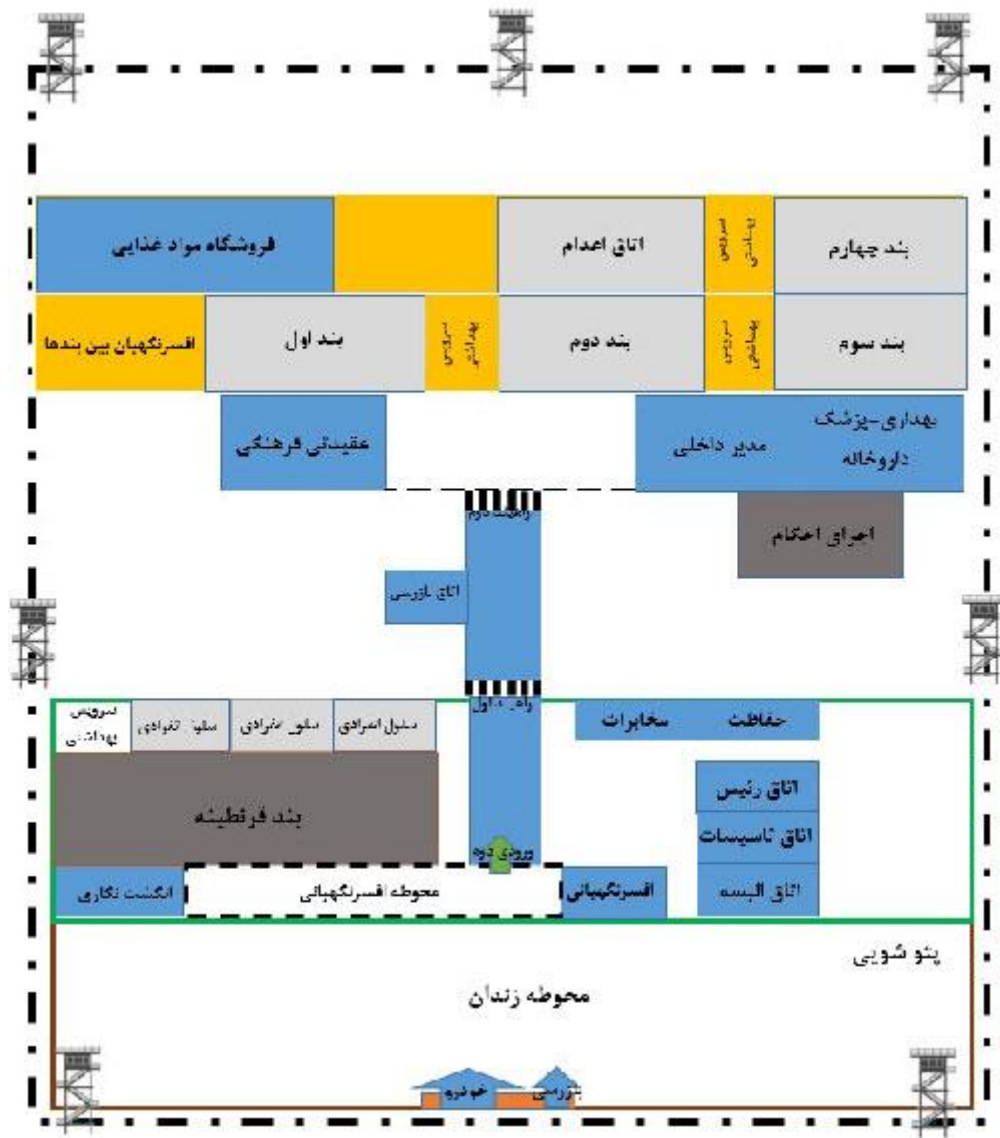
بند ۳ در این بند تفکیک جرائم وجود ندارد. زندانیان سیاسی، متهمان جرائم قتل، سرقت و مالی نیز در این بند نگهداری می شوند

بند ۴ در این بند قرار بازداشتیها و معتادینی که از بند ۲ قصد ترک مواد مخدر را دارند، به این بند می فرستند

در بندهای این زندان، تخت ها ۳ طبقه و فاقد حفاظ هستند و متأسفانه هر شب عده ای از تخت های بالا بر روی زمین سقوط می کنند. ولی با این احوال، هیچ رسیدگی به وضعیت تخت ها نمی شود

کف خوابی در زندان مرسوم است و اغلب افراد مسن و پیرمردها کف خوابی می کنند ولی وکیل بند و افسر نگهبانها به آنها هم گیر داده و شرایط را برایشان سخت می کنند

قرنطینه زندان دهدشت، با آمار ۴۰ زندانی در هر روز، دارای یک حمام و سرویس بهداشتی است



کروکی زندان
دهدشت

نام رییس کنونی این زندان مراد کاراندیش است



رئیس زندان دهدشت

زندانیان در این زندانیان همواره در شرایط و وضعیت بد غذایی بسر می برند. عموماً بدلیل پایین بودن کیفیت غذا، زندانیان گرسنه هستند. عموم زندانیان بدلیل وضعیت بد غذایی از مشکلات گوارشی رنج می برند.

صبحانه ۴ روز در هفته پنیر با نصف نان داده می شود. در دو روز دیگر هم یک مربا کوچک با نان می دهند

صبحانه یک روز هم یک تخم مرغ آب پز با نان است
به زندانیان بیمار هیچگونه رسیدگی نمی شود و عموم زندانیان از رسیدگیهای دارویی و درمانی محروم هستند. زندانیان بیمار حتی آنهایی که از پزشکان متخصص نسخه دارویی دارند، از امکان برخورداری از دارو و درمان محروم می مانند

زندانیانی که دچار سرماخوردگی می شوند، برخی تا دو هفته از دسترسی به اولیه ترین امکانات دارویی و درمانی محروم هستند و همین امر موجب عفونت های گوارشی و تنفسی می گردد

عوامل و مسئولان زندان دهدشت، زندانیانی را که دچار بیماری اعصاب هستند در شرایط و فضایی نگهداری می کنند که بصورت مداوم دچار تشنج شوند. حتی داروهای آنها را که پزشک برایشان تجویز کرده است سر وقت و زمان نمی دهند و بیماران مجبورند فقط ساعت ۹ شب داروی خود را گرفته و مصرف کنند

در حمام بندهای مختلف، از آب گرم خبری نیست. آب حمام ها بخصوص بند ۳، دائماً سرد است. این مساله در فصل زمستان، شرایط را برای زندانیان بسیار سخت و مشکل می کند. به همین دلیل از بهداشت خبری نیست و بسیاری از زندانیان از بیماری های پوستی رنج می برند

تعداد حمام ها در بندهای مختلف، بسیار کم است. شیر آب حمام ها خراب و عموماً فاقد دوش هستند. بند ۳ با ۱۳۰ نفر آمار تنها ۳ حمام دارد که فاقد دوش هستند و آب آنها نیز عموماً سرد است

در زندان دهدشت، زندانیان بصورت مکرر و بدون هیچ دلیلی مورد تحقیر و توهین قرار می گیرند بطور مثال برخلاف میل زندانی، موهای سر او را با ماشین شماره صفر از ته می زنند. یا مثلا زندانیان تازه وارد را بیش از حد مجاز، چند روز در قرنطینه نگه می دارند

معمولا زندانیان را هر شب، در حیاط زندان که فاقد دوربین است به اشکال مختلف شکنجه می کنند. زندانیان را به بهانه های مختلف به میله پرچم بسته و یک پلاستیک سیاه روی او می اندازند و سپس زندانی توسط ۱۰ سرباز با باتوم پلاستیکی مورد ضرب و شتم قرار گرفته و شکنجه می شود

یک زندانی که یک شب اعتراض کرد و به درب افسر نگهبانی کوبید و گفت داروهایم را میخواهم بشدت شکنجه شد. افسر نگهبان وارد شد و گفت چرا محکم در زدی؟ و با زندانی درگیر شد. این زندانی را چند مأمور به زور به کریدور زندان برده از پشت دستهایش را دستبند زدند. سپس زندانی را از مقابل دوربین ها خارج کرده و مدت ۲ ساعت مورد شکنجه قرار دادند. بطوری که وی از ناحیه لگن آسیب دید. و تا چند روز نمیتوانست راه برود

در ماه رمضان ساعت دو شب، همه باید بیدار شوند. در این ساعت به همه می گویند که بایستی غذا خورده و روزه بگیرند

در صورتی که زندانی غذا را برای نوبت ناهار روز بعد خود نگه دارد، وی را از طریق دوربین مدار بسته کنترل کرده و به جرم روزه خواری بشدت مورد تحقیر و توهین قرار می دهند.

زندان دیزل آباد کرمانشاه



زندان دیزل آباد کرمانشاه همراه با زندان وکیل آباد مشهد و عادل آباد شیراز همواره یکی از زندان‌های مخوف ایران محسوب می‌شده‌است. تاکنون گزارشات پراکنده‌ای از درون این زندان منتشر شده‌است. اما آنچه که در این گزارش آمده است ابعاد غیرقابل باوری از جنایت و سببیت است که خشم انسان را بر می‌انگیزد. با تغییر ساختار مدیریت زندان، شیوه‌های جدیدتر و کارآمدتری برای سرکوب و شکنجه زندانیان به راه افتاده است. زندان توسط باندهایی اداره می‌شود که تماماً غرق تجارت مواد مخدر هستند و به راحتی زندانیان را حذف فیزیکی می‌کنند. مکان اعدام نوسازی شده‌است و انسان‌های بیشتر اما به شیوه مدرن‌تری! به چوبه دار سپرده می‌شوند. شکنجه‌های هولناک و غیر قابل باور در حق زندانیان اعمال می‌شود و برخی بندهای زندان به صورت کابوسی برای هر زندانی تبدیل شده است

جزئیات بیشتر از جهنمی به نام زندان دیزل آباد کرمانشاه

بندهای زندان دیزل آباد کرمانشاه

این زندان دارای ۹ بند است، که ۵ بند آن دو طبقه است و ۶ سالن دارد

بندهای ۱ و ۲ به جوانان در سنین بین ۱۸ تا ۲۵ تعلق دارد

بندهای ۳ و ۴ عمومی بزرگسالان است

بند ۵ بند سرقت است که زندانیان آن در کارگاه‌ها به کار کشیده می‌شوند

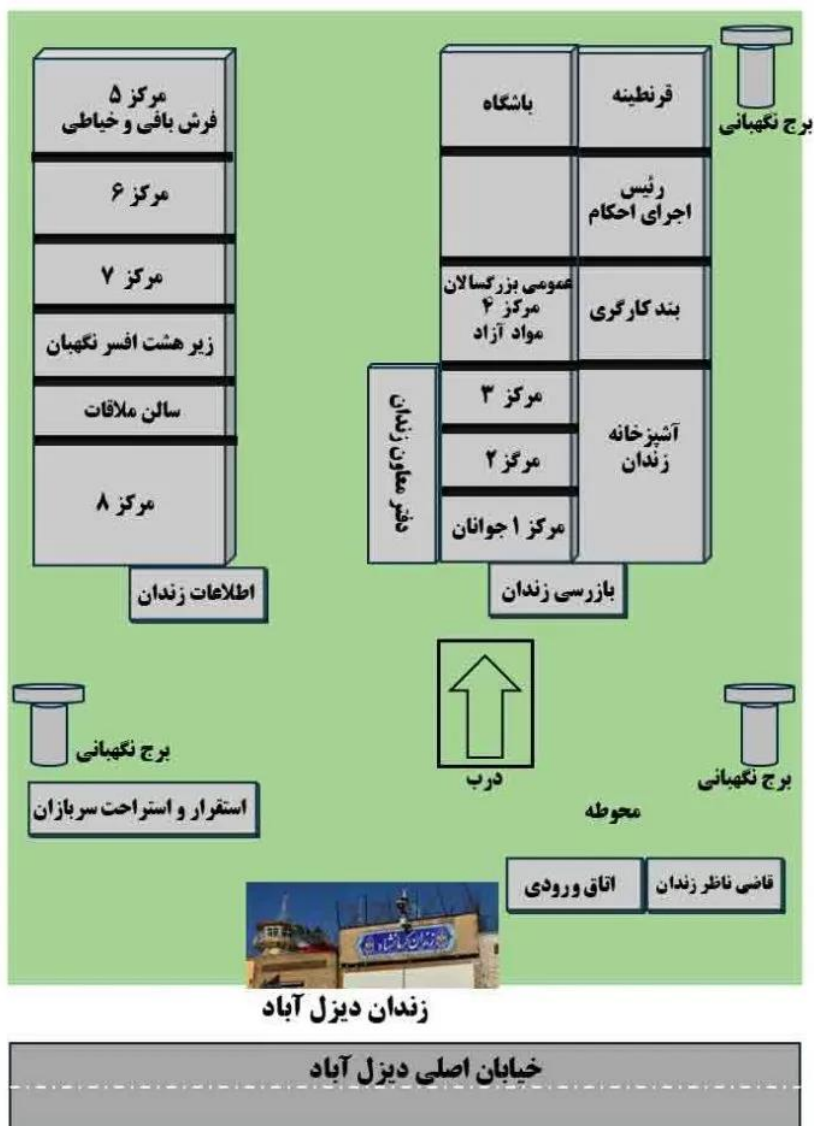
بند ۶ به بند مواد معروف است

بند ۷ – زندانیان مالی و مهریه در آن نگهداری می‌شوند

بند ۸ – بند بازداشت است. کسانی که به آنها قرار بازداشت داده‌اند و بلا تکلیف هستند

بند ۹ – بند قرنطینه است. که تازه واردین حدود ۲ ماه در این بند نگهداری می‌شوند

بند ۱۰ - که به اصطلاح برای زندانیانی است که خلاف می‌کنند



فساد درون زندان و تجاوز به زندانیان

■ وضعیت بند جوانان دیزل آباد

بند جوانان به دلیل کم‌سن و سال بودن زندانیان، به محلی برای وقوع تجاوز تبدیل شده است. بسیاری از زندانیان این بند به مصرف قرص متادون وابسته‌اند و این وابستگی موجب آسیب‌پذیری بیشتر آن‌ها شده است. درخواست قرص متادون اغلب با اجبار به ثبت‌نام در این بند همراه است

بند دو

این بند که محل نگهداری زندانیان با جرایم سنگین‌تر است، صحنه سوءاستفاده‌های مختلف است. زندانیانی که به مواد مخدر وابسته‌اند، مجبور به مصرف مواد شده و در قبال آن، مورد تجاوز یا تهدید قرار می‌گیرند. زندانی‌ها را به زور به بند می‌فرستادند. اگر کسی مواد مصرف می‌کرد، به او مواد می‌دادند و مجبورش می‌کردند که مصرف کند. وقتی تلفن‌ها قطع می‌شد و زندانی دیگر به بیرون دسترسی نداشت، از او خواسته می‌شد که یا شب را پیش افسر بماند (که منظور تجاوز بود)، یا پول مواد مصرف‌شده را فوراً بدهد

■ خشونت و تهدید در دیزل آباد

زندانیان با حکم سنگین اغلب مجبور به پذیرش خواسته‌های نگهبانان یا زندانیان قدرتمند می‌شوند. در صورت مخالفت، مورد حمله با چاقو یا ضرب و شتم با لوله‌های پلاستیکی قرار می‌گیرند

■ مرکز ۶ ک (مرکز ۵ سابق)

این بند تحت نظارت یک فرد متهم به قتل اداره می‌شود که کنترل بازار مواد مخدر زندان را در دست دارد. او به همراه افسران نگهبان، مواد مخدر را وارد زندان کرده و زندانیانی که به این بند منتقل می‌شوند، اغلب مورد تجاوز قرار می‌گیرند

نیمی از افسران نگهبان زندان نیز با او همکاری می‌کنند و مواد را برایش به داخل زندان می‌آورند. این همکاری از رئیس زندان، **امید صالحی**، شروع می‌شود و حتی تازه‌کارترین افراد نیز در این قضیه دست دارند. این موضوع چیزی است که همه، از زندانی‌ها تا نگهبانان، به خوبی از آن اطلاع دارند

مقامات و دست اندرکاران زندان دیزل آباد کرمانشاه:

رئیس زندان: امید صالحی معروف به حاجی امید، نایب رئیس هیأت بدنسازی کرمانشاه و رئیس کمیته انضباطی هیأت سوارکاری استان کرمانشاه

معاون اداری و مالی: حاج آقا فیلی

معاون اصلاح و تربیت: احمد رضا نادری

رئیس بازرسی: مهدی عیسائیان

رئیس حفاظت: رضا افندیده

مدیر داخله: فرزاد سهیل

قاضی ناظر بر زندان: مجید عینی

مدیر کل زندان‌های استان کرمانشاه: مجتبی محمدی

رئیس بازرسی اداره کل: پروینی

رئیس حفاظت اداره کل: منصوبی

معاون مدیر کل: بیگلری

محمد رضا جمشیدی رییس کارخانجات

.علی اکبری یا وجودعلی رییس بند کارگری

مهندس شریفی مسؤل بند کار گری کارش پخش شیشه

احمد رضا نادری معاون اطلاع تربیت همه اوباش داخل زندان باهانش هستند

امید صالحی (رئیس زندان دیزل آباد کرمانشاه).

حاجی امید، رئیس زندان، به شدت به شکنجه زندانیان اعتراضات اخیر پرداخته و از افراد قدرتمند داخل زندان برای سرکوب دیگر زندانیان استفاده می کند. وی همچنین از نگهبانان و افراد مرتبط برای انتقال مواد مخدر و بهره کشی استفاده می کند. حاجی امید (امید صالحی)، رئیس زندان دیزل آباد، در ظاهر میان مردم طوری رفتار می کند که همه او را فردی قابل احترام می دانند، اما در واقعیت تنها با کسانی رفتار خوبی دارد که می داند به نفعش هستند. او به حدی بی رحم است که این چهره اش میان زندانی ها کاملاً آشکار است

حاجی امید به شدت بازداشت شدگان اعتراضات را در زندان اذیت و شکنجه میکرد و زندگی بسیاری از آن ها را نابود کرد. او برای اعمال فشار یا تنبیه زندانیان، از افراد قدرتمند و گنده لات زندان استفاده می کرد. این افراد را در مراکز مشخصی مثل مرکز ۲ به کار می گرفت و به آن ها دستور می داد تا زندانی موردنظر را کتک بزنند یا کاملاً تخریب کنند



جنایتکار وژن امید صالحی نفر وسط فرتور

وضعیت تغذیه در زندان به طرز وحشتناکی نامناسب است. امید صالحی، رئیس زندان، بنیادی به نام “بنیاد تعاون زندانیان” تأسیس کرده که مستقیماً تحت نظارت او، فرزادی (مسؤل بنیاد) و سلطانی (معاون بنیاد) فعالیت می کند. در هر بند یک فروشگاه و یک رستوران آزادفروش ایجاد کرده اند که درآمد هنگفتی برای آنها به همراه دارد

- موارد متعددی از شکنجه شدید زندانیان توسط نگهبانان گزارش شده است. در یکی از موارد، زندانی‌ای پس از ضرب و جرح شدید و سوزاندن پوستش با شوفاز، جان خود را از دست داد. در چنین مواردی، اغلب به‌دروغ گزارش می‌شود که دلیل مرگ مصرف مواد مخدر بوده است.

یک زندانی در مورد مرگ این زندانی زیر شکنجه می‌گوید: چند ماه پیش یک زندانی با یکی از مسئولین درگیر می‌شه و اون رو کنار افسر نگهبانی می‌برن، دست و پاش رو با دستبند و پابند می‌بندن و به طرز وحشیانه‌ای با باتوم و شوکر کتکش می‌زنن. بعد از اینکه زندانی بی‌حال می‌شه، می‌برنش و به پایه شوفاز کنار افسر نگهبانی می‌بندن. ضربه‌های باتوم به سرش باعث ضربه مغزی و خونریزی داخلی می‌شه و بی‌حال و بیهوش می‌شه. پوست صورت و پشتش از شدت گرما به شوفاز می‌چسبه و می‌سوزه و تمام می‌کنه. وقتی می‌خوان بررسی کنن، اعلام می‌کنن که دوربین‌ها خراب بوده و می‌گن که این زندانی به خاطر مصرف مواد مخدر با افسر نگهبان درگیر شده و به دلیل ضربه مغزی و مصرف مواد فوت کرده. در صورتی که من از اول تا آخر ماجرا کنار این زندانی بودم و می‌دونم که حتی سیگار هم نمی‌کشید.

درگیری‌ها و خشونت‌های درون زندان به حدی گسترده است که سال گذشته یکی از زندانیان پس از درگیری با امید صالحی، رئیس زندان، به شدت مورد ضرب و شتم قرار گرفت و به انفرادی در بند ۱۰ منتقل شد. سپس او را به بند ۲ فرستادند، جایی که امید صالحی به یکی از گنده‌لات‌های زندان، دستور داد تا او را مورد حمله قرار دهد. در جریان این حمله، این فرد مزدبگیر به همراه چند نفر دیگر به این زندانی حمله کردند و او را با ضربه چاقو به قلبش به قتل رساند.

این حادثه تنها یکی از مواردی است که نشان می‌دهد خشونت در زندان دیزل‌آباد یک مسئله عادی شده است. گزارش شده است که در عید امسال نیز حادثه مشابهی رخ داده و فرد دیگری در جریان درگیری‌های مشابه کشته شده است. در حالی که هویت قربانی اخیر مشخص نشده است.

قرنطینه زندان

یکی از مکان‌های شکنجه زندانیان قرنطینه زندان است

این اندرزگاه ورودی زندان است و تمامی ورودی‌ها وارد این بند می‌شوند و بعد از دو هفته به داخل اندرزگاه‌های دیگر می‌روند.

یک زندانی در این مورد می‌گوید
اینجا رییس زندان اومده یه زندانی کثیف و بی‌پدر و مادری رو گذاشته واسه بازرسی بدنی و معدمشویی هر کسی رو که بازرسی می‌کنه، توی یه اتاقکی کامل لخت مادرزادش می‌کنه و بازرسی می‌کنه. این بی‌ناموس به بهانه اینکه جنس داری بطور شرم آوری بازرسی می‌کند
کسی هم اعتراضی بکنه، از توی جیبش یه مقدار شیشه درمیاره و می‌گه صدات در بیاد، الان می‌گم اینو از تو جیب تو درآوردم

(چون توی اون اتاقک به دستور رییس زندان و بازرسی و حفاظت، دوربین نداره)
طرف هم مجبور می‌شه صداس درنیاد
بارها من دیدم کسی که به این طرز بازرسی اعتراض کرده، بدبخت شیشه مواد مخدر رو صورت جلسه
کردن و انداختن پای اون، و دو سال حبس اضافه کشیده به خاطر این قضیه

یا به کسی مشکوک می‌شه، می‌گه تو معده ات مواد داری
همین زندانی کثیف، به دستور رییس زندان میاد یه شیلنگ ضخیم مشکی رو از پشت داخل بدن زندانی
بدبخت میکنه، آب رو باز می‌کنه و یهو می‌کشه بیرون که اگه موادی توشه، بیاد بیرون
بارها دیدم که طرف روده‌اش پاره شده با این کار. خیلی راحت بردنش بیمارستان زندان و نوشتن که بر
اثر ترکیدن پیچینه مواد این‌طور شده

اجرای احکام و مقامات دخیل در اعدام‌ها

اجرای احکام اعدام ▪
اجرای اعدام‌ها به‌شکلی مخفیانه و سازمان‌یافته در سالن مخصوصی انجام می‌شود. افراد حاضر
در زمان اجرای حکم شامل رئیس زندان، قاضی ناظر، رئیس بازرسی، رئیس حفاظت، رئیس
اجرای احکام و یک بهیار هستند

زندان رجایی شهر



زندان «رجایی شهر» ۱۰ بند (یا به تعبیری ۱۱ بند)، یا آن‌چنان که در ادبیات رسمی گفته می‌شود،
«اندرزگاه» برای نگهداری زندانیان و یک بند فرهنگی دارد. بند ۱ تا ۹ این زندان در دهه ۶۰ ساخته
شده‌اند و هر بند سه طبقه و هر طبقه دارای یک سالن است.
در دهه ۶۰، دو سالن در هر بند مخصوص سلول‌های انفرادی و یک سالن هر بند هم مخصوص سلول‌های
عمومی بوده است. اکنون به جز بند ۸، سلول‌های همه سالن‌های بندهای این زندان هم‌چون بند عمومی
کاربرد دارند. بند نوساز ۱۰ برخلاف سایر بندهای این زندان، یک طبقه است. گفتنی است که طبقه سوم
بند ۸ هم اکنون به عنوان بند ۱۱ و مستقل از بند ۸ تعریف می‌شود.

همه این بندها به جز بند ۱۰، از طریق راهروهای سرپوشیده در طبقات سه‌گانه به یکدیگر متصل هستند. طبقات زندان هم با راهپله‌ای که در انتهای طبقات است، به یکدیگر وصل می‌شوند. زندانی پیش از ورود به راهرو، بارها مورد بازرسی قرار می‌گیرد؛ ابتدا به محض ورود به زندان، بار دوم در قرنطینه، برای بار سوم در دژبانی ساختمان اصلی، نوبت چهارم در ورودی ساختمان اصلی و در نهایت در ابتدای راهروی طبقه همکف بندی که به آن منتقل می‌شود.

در کنار برخی از سالن‌ها، یک اتاق قرار دارد که از آن به عنوان «فرعی» یاد می‌شود و شماره‌اش همان شماره سالنی است که اتاق به آن چسبیده است. از این فرعی‌ها در موارد خاص برای تنبیه زندانیان همچون سلول انفرادی و یا تفکیک یک دسته از زندانیان از سایرین و یا انبار استفاده می‌شود.

در طبقه همکف هر بند، فروشگاه بند قرار دارد که زندانیان مایحتاج خود را از آن‌جا تهیه می‌کنند. از دو اتاق دیگر چسبیده به بندها در طبقات دو و سه هر بند، یکی به عنوان استراحت‌گاه نگهبان‌ها (معروف به «زیر هشت») و دیگری به عنوان انبار یا فرعی استفاده می‌شود. هر سالن هم یک وکیل بند (سالن) دارد که رییس بند او را از میان زندانیان انتخاب می‌کند.

در سالن‌هایی که در دهه ۶۰ کاربرد انفرادی داشته و هنوز بازسازی نشده‌اند، ۳۳ سلول و در سالن عمومی ۱۵ سلول وجود دارد. سلول‌های سالن‌های انفرادی بازسازی نشده و سلول‌های بسیار کوچک یک نفره هستند که اکنون در هر کدام دو تا سه زندانی در آن‌ها نگهداری می‌شوند. اما در سالن‌های سابقا انفرادی که اکنون بازسازی شده‌اند، با متصل کردن دو سلول به یکدیگر، تعداد سلول‌های سالن نصف شده اما مساحت سلول به اندازه سلول‌های سالن‌های عمومی، بزرگتر شده است.

تا پیش از سال ۱۳۹۴، تقریباً در انتهای هر سالن یک حسینیه وجود داشت اما با انتقال زندانیان جاعل و کلاه‌بردار به زندان تهران بزرگ در این سال و کم شدن قابل توجه تعداد زندانیان رجایی‌شهر، اکثر حسینیه‌های بندها تخلیه و پلمپ شدند.

اکنون به جز بند ۴ که خاص زندانیان سیاسی و عقیدتی است و بند ۱۰ زندان، سایر بندها فاقد تخت هستند و زندانیان تنها می‌توانند روی زمین بخوابند و رقابت بر سر خوابیدن در سلول یا راهرو است. برداشتن تخت در این سلول‌ها به گفته مسوولان زندان، اقدامی ناگزیر بوده است برای کنترل خشونت در زندان. چون به گفته آن‌ها، زندانیان شرور با قطعات تخت‌ها، چاقو و وسایل برنده دیگر برای دعوا و درگیری درست می‌کردند.

در سه سالن (۱ تا ۳) بند یک عمدتاً زندانیان باسابقه نگهداری می‌شوند که اغلب بیش از ۱۰ سال است که در زندان به سر می‌برند. البته زندانیان با سابقه را می‌توان در بندهای دیگر هم دید و در مواردی ممکن است زندانی کم سابقه نیز به سالن‌های این بند منتقل شود.

بند ۲ را بند «دارالقرآن» هم می‌نامند. زندانیانی در سالن‌های این بند (۴ تا ۶) نگهداری می‌شوند که در کار حفظ و قرائت قرآن هستند. این زندانیان با انواع جرایم، حتی جرایم خطرناک، اغلب می‌توانند به آسانی از زندان مرخصی بگیرند و یا از آزادی مشروط استفاده کنند.

بند ۳ زندان به بند کردها و لرها مشهور است و در سالن‌های آن (۷ تا ۹) بیش‌تر زندانیان گرد و لر نگهداری می‌شوند.

در سالن‌های (۱۰ تا ۱۲) بند ۴، زندانیان سیاسی و عقیدتی نگهداری می‌شوند. در سالن فوق‌امنی ۱۰، ۲۱ زندانی سیاسی حضور دارند. سالن ۱۰ به دوربین مدار بسته و سیستم شنود مجهز است. در این سالن، ۴۰ دوربین مدار بسته و ۶۴ سیستم شنود کار گذاشته شده است. در فرعی ۱۰، چند نفری از افراتی‌ترین زندانیان گروه‌های تکفیری نگهداری می‌شوند.

در سالن ۱۱ هم ۲۱ زندانی عقیدتی اهل سنت متهم به عضویت در «داعش» و «القاعده» حضور دارند. دو زندانی بهایی نیز در فرعی ۱۱ نگهداری می‌شوند. سالن ۱۲ بعد از انتقال دسته‌جمعی زندانیان سیاسی و عقیدتی در هشتم مرداد ۱۳۹۶ خالی شده است و اکنون کسی در آن نیست.

سالن‌های ۱۳ تا ۱۵ از دوره‌ای که «مردانی» ریاست زندان رجایی شهر را بر عهده گرفت، به بند ویژه نگهداری جوانان بدل شد. زندانیان در سه رده سنی ۱۸ تا ۲۲ در سالن ۱۴، ۲۲ تا ۲۵ در سالن ۱۵ و ۲۵ تا ۲۷ در سالن ۱۳ این بند نگهداری می‌شدند. به دستور «غلامرضا ضیایی»، رییس وقت زندان رجایی‌شهر، اوایل سال جاری عمده زندانیان این بند به بندهای دیگر منتقل و زندانیان دیگری با آنها جایگزین شدند و بند جوانان به معنای سابق دیگر وجود ندارد.

سالن‌های ۱۶ تا ۱۸ بند ۶ مختص نگهداری زندانیان خطرناک است. زندانی‌هایی که اهل درگیری دائمی هستند، در این بند نگهداری می‌شوند. گاهی نیز زندانیان مسالمدار از نظر مسوولان زندان را به عنوان تنبیه به این بند منتقل می‌کنند.

در سالن ۱۹ بند ۷، زندانیان عادی نگهداری می‌شوند. سالن ۲۰ این بند هم مخصوص زندانیانی است که قرص «متادون» مصرف می‌کنند. سالن ۲۱ بند نیز محل نگهداری ۳۶ نفر از زندانیان عقیدتی اهل سنت متهم به ارتباط با داعش و القاعده است. گفتنی است که تا پیش از سال ۱۳۹۰، بند ۷ زندان رجایی‌شهر، بند زنان زندان بود.

دو سالن ۲۲ و ۲۳ بند ۸ که به دلیل کنترل آن از سوی سپاه پاسداران در دهه ۶۰، به بند «سپاه» معروف است، در اختیار وزارت اطلاعات قرار دارد. در این دو سالن، متهمان سیاسی و عقیدتی استان «البرز» که در مرحله بازجویی هستند، به صورت موقت نگهداری می‌شوند. کارکرد این بند را می‌توان با بند ۲۰۹

«اوین» شبیه دانست. از آن جا که تمام رفت و آمدهای این دو سالن با چشم‌بند است، در مورد وضعیت داخلی سالن‌های این بند اطلاع دقیقی در دست نیست. از نظر مسوولان زندان رجایی‌شهر، این دو سالن وجود خارجی ندارند.

سالن ۲۴ که در طبقه سوم بند ۸ قرار دارد، سویییت انفرادی است که از سوی مدیریت زندان کنترل می‌شود و بیش‌تر مخصوص نگهداری زندانیان اعدامی در ساعات پایانی زندگی، قبل از اعدام است. این سویییت را پیش‌تر به طور غیر رسمی، سویییت بند ۵ می‌گفتند و تحت مدیریت رییس همین بند بود. اما اکنون این سالن، مستقل از بند ۵ و ۸، نام خود را دارد و به عنوان سالن ۲۴ بند ۱۱ شناخته می‌شود.

طبقه همکف بند ۹ (سالن ۲۵)، ساختمان اداری است. دو طبقه دیگر این بند (سالن‌های ۲۶ و ۲۷)، «بند کارگری» است. این دو سالن محل نگهداری زندانیانی هستند که در بخش خدماتی و یا کارگاه‌های زندان کار می‌کنند.

بند ۱۰ اما برخلاف ۹ بند پیشین، در سال‌های اخیر ساخته شده و دارای هفت سالن (۳۰ تا ۳۶) است. هر سالن یک اتاق بزرگ است که دورتا دور آن تخت‌های سه طبقه قرار دارند؛ ۱۰ تخت با ظرفیت ۳۰ نفر. بند ۱۰ ابتدا به منظور نگهداری زندانیان زن ساخته شد اما بعد و با انتقال زندانیان زن بند ۷ زندان رجایی‌شهر به سایر زندان‌ها، کاربری آن پیش از راه‌اندازی تغییر یافت. ورودی بند ۱۰ در انتهای سمت چپ کریدور «مادر» (طبقه همکف) قرار دارد.

سالن ۳۰ بند ۱۰ پیش‌تر خاص زندانیان متادونی بود. این زندانیان از این‌جا به سالن ۲۰ بند ۷ منتقل شدند و این سالن اکنون خالی است. سالن ۳۱ هم ویژه زندانیان فرهنگی است؛ آن دسته از زندانیانی که درس می‌خوانند و در حال ادامه تحصیلات دانشگاهی هستند. سالن ۳۲ این بند نیز مختص محکومان نظامی است و اکنون تنها پنج یا شش زندانی نامی در آن نگهداری می‌شوند. سالن ۳۳ خالی است و سالن ۳۴ هم مخصوص پیرمردان زندانی است. سالن ۳۵ نیز به زندانیان موردی اختصاص دارد. زندانیان موردی به زندانیانی گفته می‌شود که به دلیلی مورد خشم مسوولان زندان قرار گرفته‌اند و با جرایم متفاوت در یک‌جا نگهداری می‌شوند و ممکن است هر مدت یک بار جابه‌جا شوند. سالن ۳۶ این بند هم مختص زندانیان عقیدتی اهل سنت متهم به ارتباط با داعش و القاعده است و در آن ۳۵ زندانی نگهداری می‌شوند.

بند فرهنگی مقابل بند ۱۰ واقع شده است و در آن هیچ زندانی نگهداری نمی‌شود. کتاب‌خانه، مدرسه، باشگاه و آمفی‌تئاتر زندان در این بند قرار دارد. آمفی‌تئاتر بند فرهنگی، سال ۱۳۶۷ به «میدان دار» بدل شده بود و کشتار زندانیان سیاسی گوهردشت در آن‌جا انجام شد. بند فرهنگی اما بر روی همه زندانیان رجایی‌شهر باز نیست و عملاً تنها زندانیان بند ۱۰ می‌توانند در طول روز به آن‌جا تردد و از این بند و امکاناتش استفاده کنند.

نام زندان رجایی‌شهر را باید به عنوان پیش‌تاز اعدام ثبت کرد. گاهی اجرای اعدام‌های دیگر زندان‌ها مثل قرچک را به زندان رجایی‌شهر منتقل می‌کنند. معمولاً اعدام‌ها سحرگاه چهارشنبه‌ها در سالن مخصوص اعدام اجرایی می‌شود. یکشنبه‌های پیش از اعدام، اعدامی‌ها را به بند معروف «سوییت» منتقل می‌کنند و چهارشنبه‌ها هم کارشان تمام است.»

در صحبت‌های زندانیان، چه سیاسی باشند چه برای جرایم عادی به زندان افتاده باشند، شب‌هایی که هم‌سلولی یا هم‌بندی‌شان را برای اعدام صدا می‌زنند، شب‌های طاقت‌فرسایی است. عده‌ای که به هر دلیلی حالا حبس شده‌اند و شبانه‌روز کنار یکدیگر بوده‌اند، به ناگهان قرار است در یک سحرگاه چهارشنبه، یک یا چند نفرشان حذف شوند.

«شاهین» یکی از زندانیان جرایم عادی زندان رجایی‌شهر است. او برای «ایران‌وایر» روایت کرد: «زندان رجایی‌شهر عمدتاً مجرمان سرقت مسلحانه، قتل، تجاوز یا آدم‌ربایی را در خود نگهداری می‌کند. تمامی این جرایم به خاطر معضلات اجتماعی رخ می‌دهد که ریشه در افراط‌گرایی حکومت و نبود سازوکارهای مناسب و عدم تخصیص برنامه‌های جرم‌زدایی دارد. به جای هر وظیفه‌ای، اما حکومت فقط اعدام می‌کند.»

به گفته زندانیان، زندان رجایی‌شهر ده بند دارد که یک بند قرنطینه یا امن برای نگهداری بیماران مبتلا به کرونا مورد استفاده است و یک بند هم سوییت، که اعدامی‌ها را در آن جای می‌دهند: «هر بند معمولاً ۳ طبقه دارد و هر طبقه سالن مجزا و مستقلاً دارد. هر بند با سه مأمور مراقب‌بند و یک رییس‌بند کنترل می‌شود. مأموران و مراقب‌ها هم ۲۴ ساعت کار و ۴۸ ساعت استراحت می‌کنند.»

روسای بند و وکلای بند و مراقبان هر بند، توسط زندان‌بان از میان زندانیانی انتخاب می‌شوند که بتوانند نقش بازوی آن‌ها را ایفا کنند و البته گزارش رفتار و کردار زندانیان را به گوش زندان‌بان برسانند.

«هادی» یکی دیگر از زندانیان رجایی‌شهر است: «بند ۸ متعلق به وزارت اطلاعات کرج و البرز است که به نوعی مستقل و به شکل کامل توسط اطلاعات اداره می‌شود و معمولاً فعالان سیاسی و مدنی و معترضان را برای بازجویی و بازداشت موقت به آن منتقل می‌کنند. سالن ۱۰ بند ۴ هم متعلق به زندانیان سیاسی است که جمهوری اسلامی آن‌ها را زندانیان امنیتی می‌خواند. سالن ۱۱ اما به سالن داعشی‌ها معروف و از محکومان بنیادگرا و سلفی و داعشی پر شده است. معمولاً زندانیان این بند از اقوام و ملیت‌های مختلف ایرانی و غیرایرانی هستند. اما سالن ۱۲ به سالن پیرمردها معروف است که مجرمان قتل، تجاوز و سرقت‌های مسلحانه را نگهداری می‌کنند.»

زندان‌بانی که با «ایران‌وایر» صحبت کرده‌اند، می‌گویند طی ده ماه منتهی به نیمه تابستان ۱۴۰۱، دست‌کم ده زندانی از سالن ۱۲ به دلایل مختلف جان داده‌اند.

یکی دیگر از زندانیان که نامش را «حیدر» می‌گذاریم، از بند ۵ صحبت می‌کند که به بند «جوانان» معروف است: «در این بند تعداد بالایی از زندانیان کمسن را نگهداری می‌کنند، اما شرایط اخلاقی و فقدان کنترل بهداشت جنسی و روانی، وضعیت اسفناکی دارد.»

آب، نان، آلودگی هوا

«همه می‌دانند که وضعیت آب در زندان رجایی‌شهر چقدر وخیم است. آب این زندان از چاه‌های حفاری شده در داخل زندان تامین می‌شود و کیفیت پایینی دارد. آب دارای املاح سخت است و به شدت به کلیه آسیب می‌زند. برای همین است که معمولا زندانیان این زندان دچار عفونت روده ناشی از آلودگی آب و مشکلات گوارشی هستند. البته عفونت چشم هم بسیار شایع است. بیماری‌های پوستی و ریزش مو هم به خاطر آب ناسالم است.»

به گفته زندانیان، پرسنل و کادر زندان‌بانی البته از این آب و غذای زندانیان استفاده نمی‌کنند. در حالی‌که در آیین‌نامه سازمان زندان‌ها اشاره شده است کیفیت آب و غذا باید استاندارد باشد و پرسنل و زندانیان از یک مدل تغذیه برخوردار شوند.

اما زندان رجایی‌شهر، به صرف حبس زندانیان با توجه به شرایطی که دارد، شکنجه است: «حتی نان را هم از آرد سفید فاقد سبوس تهیه می‌کنند که هیچ‌گونه ارزش غذایی نداشته باشد. وجود خاک را در آن به راحتی می‌توان چشید. معمولا نان‌ها خمیر و نپخته است و نصف بیشترش دور ریخته می‌شود.»

زندان‌یان می‌گویند که محصولات بهداشتی هم به ندرت و گاهی هر دو ماه یکبار، محصولات از قبیل صابون، پودر لباس‌شویی، مایع ظرف‌شویی و مایع دست‌شویی میان آن‌ها توزیع می‌شود که با توجه به تراکم جمعیت آن‌ها، کفاف یک هفته مصرف‌شان را هم نمی‌دهد. زیرپوش و حوله هم انگار به هیچ‌وجه وجود ندارد: «در سال یکبار و طبق برنامه زمان‌بندی شده به زندانیان ابلاغ می‌شود که خانواده‌های آن‌ها از بیرون با رعایت تدابیر امنیتی و تعیین محدودیت‌ها، لباس‌های زندانیان‌شان را به زندان‌بان تحویل دهند. لباس‌ها باید نو و بدون زیپ و آستر باشد.»

یکی دیگر از زندانیان به مساله فروشگاه در زندان اشاره می‌کند: «جیره سبزی و میوه و شیر مطلقا نداریم. شاید گاهی فروشگاه زندان این محصولات را بفروشد. معلوم نیست منافع این فروشگاه‌ها به جیب چه کسانی می‌رود که از زندانی هم چنین کسب درآمد می‌کنند. در حالی‌که شופاژها فرسوده و از کار افتاده هستند و خود زندانی اگر بخواهد باید کولر در گرما و شופاژ یا بخاری در سرما تهیه کند. سالن‌ها حتی تهویه دست و حسابی هم ندارند و آلودگی، نفس‌های سالم را هم می‌گیراند. این‌جا آنقدر آلودگی صوتی وجود دارد که برخی از زندانیان دچار مشکل شنوایی شده‌اند. به طوری‌که وقتی برق قطع می‌شود تمایلی به وصل آن به خاطر حجم آلودگی صوتی نداریم.»

امکانات درمانی؛ آمبولانس، تابوت است

با وجود جمعیت بالای زندانیان زندان رجایی‌شهر، اما به گفته زندانیان تجهیزات پزشکی و امکانات درمانی وجود ندارد. به طوری که به گفته آن‌ها، زندان دارای یک دستگاه آمبولانس فرسوده و بسیار قدیمی است و حتی برانکارد و دستگاه اکسیژن هم ندارد: «ما به آمبولانس زندان تابوت می‌گوییم.»

یکی از زندانیان توضیح می‌دهد: «برای روند انتقال زندانی نیازمند به درمان، باید پروسه قضایی طی شود که معمولاً چنان طولانی است گاهی منصرف می‌شوی؛ مگر آن‌که در حال مرگ باشی. اما مساله فقط این نیست، داروهای تخصصی باید با هزینه زندانی از داروخانه‌های خارج از زندان تامین شود. هرگونه اعزام به کمیسیون پزشکی، پزشکی قانونی و انتقال به سایر زندان‌ها هم به هزینه زندانی است.»

حکایت درمان به این هم ختم نمی‌شود. بلکه زیرساخت‌های بهداشتی زندان که باعث بروز انواع بیماری می‌شود هم دادرسی ندارد: «بهداشت محیط در حد شرایط خطرناک است. ساس، سوسک، گبل و موش در زندان جولان می‌دهند. از ملحفه و وسایل بهداشتی و ضدعفونی خبری نیست. مگر آن‌که مدت‌ها نامه‌نگاری صورت بگیرد تا شاید معاون سلامت تایید کند تا بلکه خانواده زندانی بتواند هزینه کند. گاهی در هر اتاق ۱۰ متری ۲۰ نفر نگهداری می‌شوند، اما نور آفتاب ندارند. پنجره با ورق‌های آهنی پانچ شده و نور و تهویه وجود ندارد. آب و برق هم که مدام قطع می‌شود. زنده ماندن در این شرایط خودش هنر است.»

در گفته‌های زندانیان، تفتیش بدنی به شکل تماماً عریان و نبود هرگونه فضای آموزشی و فرهنگی و اشتغال‌زایی، دو مورد گلایه‌مندی دیگر است که البته به نظر می‌رسد فریادرسی ندارند. اما کافی است که به رسانه‌های حکومتی مراجعه شود تا گزارش‌ها و روایت‌های جعلی و تبلیغاتی از مقامات زندان تا زندانیان مرتبط با حکومت بباییم که انگار زندانیان در کشوری مثل سوئد در حبس به سر می‌برند.

زندان رضائیه



در زندان رضائیه که بیش از ۵ برابر گنجایش رسمی آن زندانی وجود دارد، اوضاع از نظر تغذیه، بهداشت، زیرساختها و امکانات رفاهی بسیار اسفبار است. اما این فقط نیمی از واقعیت این زندان است. نیم دیگر واقعیت این زندان، مقاومت زندانیان و اعتراض دائمی آنها به این وضعیت است.

تنها در سال ۹۹ زنان زندانی یک اعتصاب غذای بزرگ و یک شورش در این زندان برپا کردند که در نوع خود بیسابقه بود.

آنها در روز نهم فروردین ۹۹ پس از فوت یک زندانی بخاطر ابتلا به کرونا، در اعتراض به نبود امکانات و خدمات بهداشتی دست به اعتصاب غذا زدند.

سه ماه بعد زنان زندانی پس از انتقال یک زندانی به بند امنیتی، دست به اعتراض و شورش زدند. در آذرماه ۹۹ نیز زنان زندانی در اعتراض به اعمال محدودیتها و سرکوب مضاعف، دست به اعتراض زدند.

در روز بیست و یکم آذر ۹۹ نیز ۴۷ زندانی سیاسی در اعتراض به انتقالشان به بند فوق امنیتی این زندان دست به اعتصاب غذا زدند که ۱۱ روز ادامه داشت.

علاوه بر اینها تعداد زیادی اعتصاب غذای پراکنده و اعتراضات دیگر در این زندان صورت گرفته است.

در مقابل، عوامل رژیم برای سرکوب و جلوگیری از مقاومت و اعتراض زندانیان دست به سرکوب وحشیانه آنها می‌زنند.

آنها به همین منظور زندانیان سیاسی این زندان را با ضرب و شتم به بند فوق‌امنیتی این زندان منتقل کردند. بندی که دارای ۵ سلول است و ۱۵ دوربین نظارتی باضافه ۱۴ دستگاه پرازیت در سلولها، دستشویی، حمام، و هواخوری آن نصب شده است.

اما هیچیک از این اقدامات سرکوبگرانه نتوانسته مانع مقاومت و حرکتهای اعتراضی زندانیان بشود

درحال حاضر عوامل اصلی سرکوب زندانیان در زندان ارومیه عبارتند از

مجتبی محمدی؛ مدیرکل زندانهای آذربایجان غربی

داریوش بخشی؛ رئیس زندان

نادر آذرnia مسئول حفاظت اطلاعات زندان

جواد محمدی مسئول واحد بازرسی زندان

تورج مختاری دادیار ناظر زندان

در زندان مرکزی رضائیه، مشابه بسیاری از دیگر زندانها تحت دیکتاتوری ولایت فقیه، مواد مخدر به طور گسترده و با قیمت‌های پایین در دسترس زندانیان قرار می‌گیرد. این وضعیت به مسئولان زندان امکان می‌دهد که از این بازار سیاه سود کلانی به‌دست آورند.

اعضای باند مافیای قاچاق مواد مخدر

بر اساس اطلاعات زندانیان سیاسی و عقیدتی، اعضای باند مافیای قاچاق مواد مخدر در زندان مرکزی رضائیه به شرح زیر هستند

رئیس زندان مرکزی رضائیه، قره‌باغی رئیس اندرزگاه، دکتر بهنام رئیس بهداری، فرهنگ رئیس اندرزگاه، فاطمی رئیس اندرزگاه، نجفی افسر نگهبان

بنا به گفته این زندانیان، قاضی ناظر بر زندان هم در این زد و بندها دست دارد که با بالا بردن آمار زندانیان و موافقت نکردن با رأی باز و آزادی مشروط و عفو موردی و پایان حبس، بر بقای این بازار سیاه می‌افزاید. بیشترین درآمد حاصل از این زد و بندها به جیب قاضی ناظر بر زندان و یکی از نمایندگان وزارت اطلاعات به اسم مستعار علیرضا می‌ریزد.

عوامل زندان مرکزی ارومیه خودشان زندانیان را به قرص‌های متادون معتاد کرده‌اند و بعد با تحویل ندادن این قرص‌ها به زندانیان آن‌ها را آزار و شکنجه می‌دهند. یکی از زندانیان فریاد می‌زد: «شما باعث معتاد شدن و بدبخت شدن ما هستید، شما ما را معتاد کردید که ما اعتراض نکنیم»

زندان‌بان‌ها بارها به دلیل عدم دریافت داروهای خود در مقابل بهداری زندان تجمع کرده و اعتراض کرده‌اند

زندان‌بانی که معتاد هستند، برای تامین هزینه موادمخدر، مربا و حلوا شکری که سهمیه صبحانه‌هایشان هست را می‌فروشند. زندانیانی که مربا و حلوا شکری زندان را نمی‌خورند، سهمیه خود را به معتادان می‌دهند تا آنها با فروش این مواد به سایرین، موادمخدر خود را تامین نمایند

سرکوبگران و شکنجه‌گران زندان مرکزی ارومیه چه کسانی هستند؟

پیمان خانزاده: رئیس زندان مرکزی ارومیه

در زندان مرکزی ارومیه زندانیان تحت عناوین مختلف بطور سیستماتیک توسط رئیس، زندان‌بانان و مأمورین مورد ضرب و شتم و شکنجه جسمی قرار می‌گیرند. پیمان خانزاده رئیس زندان از اصلی‌ترین عوامل شکنجه است. تحت ریاست وی زندانیان سیاسی زندان مرکزی ارومیه در وضعیت نامناسبی از نظر امکانات و بهداشت به سر می‌برند و برخلاف اصل تفکیک جرائم، در کنار تعدادی از مجرمین خطرناک نگهداری می‌شوند

نادر آذرnia مسئول حفاظت و اطلاعات زندان

تحت مسئولیت این جنایتکاران موارد متعددی زندانیان زیر شکنجه جان سپرده‌اند. و یا زندانیان دیگری بوده‌اند که از شدت فشار دست به خودکشی زده‌اند. در همین رابطه زندانیان دست به افشاگری زده‌اند

از دیگر ابزارهای شکنجه آن‌ها اجیر کردن زندانیان با جرائم خطرناک است که سایر زندانیان را مورد ضرب و شتم و بی احترامی قرار می‌دهند

زندان زاهدان و زابل



مطابق یک گزارش از زندان زاهدان زنان زندانی در زاهدان با آمپول مورد شکنجه قرار می‌گیرند تا توان اعتراض نداشته باشند

این گزارش توسط زندانیان آزاد شده از بند زنان زندان زاهدان منتشر شده است و در آن به گوشه‌ای از جنایات اعمال شده در این زندان پرداخته است. زندان زاهدان از مخوف‌ترین زندان‌های ایران است که جنایت‌کاران حاکم به شیوه‌های قرون وسطایی زندانیان را شکنجه می‌کنند

بی‌تردید بسیاری از جنایات مقامات و ماموران زندان مرکزی زاهدان پنهان مانده و تنها با تلاش زندانیان و خانواده آنها امکان افشای این جنایات فراهم می‌شود

زندانیان بند زنان در زندان زاهدان، اکثراً بلوچ و عموماً سوزن‌دوزی بلد هستند. زندانبان‌ها در بند زنان، زندانیان زن را به بیگاری سوزن‌دوزی لباس‌های سفارشی که رئیس زندان آنها را قبول می‌کند، می‌فرستند

همه می‌دانند که سوزن‌دوزی کاری پرمشقت و پرهزینه است و هر دست لباس سوزن‌دوزی شده، در خارج از زندان دست‌کم بین ۷ تا ۱۰ میلیون تومان ارزش دارد. اما بابت این بیگاری که از زنان زندانی می‌کشند، هیچ پولی به آنها تعلق نمی‌گیرد

علاوه بر این کار دیگری که به زنان زندانی می‌دهند و آنان را به بیگاری می‌کشند، کاری است خطرناک که نیاز به ماسک دارد، اما به زندانیان ماسک داده نمی‌شود

زنان زندانی که تعدادشان حدودا به ۱۰۰ تن می‌رسد، را از ساعت ۵ صبح تا ۹ شب برای بیگاری می‌برند که بایستی خیاطی و میناکاری کرده یا برای زندانبان‌ها ترشی درست کنند. مردان زندانی هم برای نصب سیم خاردار، تخلیه بار یا رفتگری در سطح شهر می‌برند.

رئیس زندان زاهدان با بیمارستان‌ها یا هتل‌ها و کارخانه‌ها قرارداد می‌بندد که مثلا برای یک بیمارستان لباس یک بار مصرف بدوزند و تحویل بدهند و ما به ازای این قرارداد، پول کلانی به جیب رئیس زندان و هم‌باندی‌هایش در سازمان زندان‌ها ریخته می‌شود. به این ترتیب رئیس زندان زاهدان، به جای اینکه کارگر استخدام کند، زندانیان را بعنوان نیروی کار ارزان، برای این کارها به بیگاری می‌گیرند و پول ناچیزی در حد ۱ تا ۲ میلیون تومان به زندانی می‌دهند.

تحقیر و کتک زدن زنان زندانی در زندان زاهدان

در چنین شرایط سختی، در حالی که هیچ امکانی در اختیار زندانیان نیست، زندانبان‌ها با زندانیان بدرفتاری کرده و آنها را مورد توهین و تحقیر قرار داده و کتک می‌زنند.

در صورتی که زندانیان به هر دلیلی اعتراض کنند، به آنها آمپولی تزریق می‌شود که دیگر صدایشان در نیاید. بعد از تزریق این آمپول، زندانی مانند جسدی بی‌جان شده که حتی توان حرف زدن هم ندارد و ساعت‌ها در این وضعیت باقی می‌ماند.

مأمور زن در زندان، در شرایطی که زنان زندانی به وضعیت ناهنجار زندان اعتراض کنند، مأموران مرد را به درون بند می‌آورند که زنان را با خشونت فوق العاده‌ای سرکوب کنند.

به زندانیان در زندان زاهدان بطور مستمر داروهای آرام بخش می‌دهند. ساعت ۸ صبح و ۸ شب داروی اجباری به زندانیان داده می‌شود که خواب‌آور است. به این ترتیب رئیس زندان در پی آن است که صدای کسی در نیاید و وضعیت در کنترل او و مأمورانش باشد.

گزارش‌ها همچنین حاکی است که ورود هرگونه دارو به داخل بند ممنوع است و این در حالی است که در داخل زندان نیز داروهای مورد نیاز زندانیان در دسترس نیست و بهداری زندان هیچ دارویی برای درمان بیماری‌های زندانیان ندارد.

نام ۳ تن از زندانبان‌ها که بسیار وحشی و بی رحم هستند و زندانیان زن را نیز مورد هجوم قرار داده و با خشونت بسیار آنها را می‌زنند، از این قرار است:

علی پودینه-

بهمن سرگزی رئیس حفاظت اطلاعات زندان مرکزی زاهدان

این سه تن از وحشی‌ترین مامورانی هستند که اقدام به خشونت علیه زنان می‌کنند

اسامی جنایتکاران زندان زاهدان و زابل

گزارش زیر خلاصه ای از این گزارش منتشر شده است که در آن اسامی ۲۵ ابرجنایتکار آمده است

محمد حسین خسروی اهل بیرجند مدیر کل زندانها، کوتاه قد حدود ۱۵۵ سانتیمتر. دست بزن دارد. همه را با دستبند و پابند می زند

. علیرضا سویدی، اهل بیرجند و معاون اداره کل. وی قاتل دو زندان و یک دزد بزرگ است

غلامرضا رضایی اهل زابل و مسئول سابق حفاظت زابل. وی که یک روانی مسلم است. علاقه بسیار زیادی به آویزان کردن زندانیان و پرونده سازی برای آنان دارد

همه پرسنل و سربازان این زندان بی رحم و قسی القلب هستند. پای یک نوجوان سرباز بنام محمد خلیل پیری را که فردی ۵۰ کیلویی بود به بهانه خوابیدن در هنگام پست دادن چنان شکستند که نمی توانست راه برود. اما غلامرضا رضایی چون مدیرکل زندانهای وقت علیرضا بابایی از او حمایت کرد هر چند قرار بود به عنوان مددکار به زندان چابهار منتقل شود، اما در سمت خود باقی ماند و اینبار گستاخانه‌تر از پیش جنایت می‌کرد و مدعی بود که پارتی گردن‌کلفتی در تهران دارد

محمد مالکی اهل بیرجند؛ همجنس باز. جوان‌های خوش بر و روی زندانی را به قرنطینه می‌کشاند و امکانات در اختیار آنان می‌گذارد و تا تصور کنید کارهای خلاف اخلاق می‌کند. چون به اصطلاح جانباز است. کسی جرأت نمی‌کند با او برخورد کند. وی فردی رسوا است و او را محمد خانم مالکی صدا می‌زنند

زندان های زاهدان و زابل محل شکنجه زندانیان

احمد علی ده مرده، اهل زابل، مدیر داخلی زندان زابل است. وی یک رشوه خوار بزرگ و کلاه بردار است. این شخص بدون اخذ رشوه هیچ نامه ای از زندانیان چه برای مرخصی یا برای کار دیگر تحویل نمی‌گیرد

مهدی مباشری اهل زابل فرمانده سابق یگان حفاظت زندان است. وی فردی فحاش و بی ادب است و علاوه بر فشار و شکنجه زندانیان، زیر دستان خود را به شدت اذیت و آزار می‌کند

حسن نوری اهل زابل و بازرس کل استان است. این فرد قوانین و مقررات زندان را به صورت خود محوره‌ای تفسیر کرده و همان را اجرا می‌کند. او به شدت علیه زندانیان فعال است

موسی رضوانی، اهل زابل، فرمانده سابق یکان حفاظت. این شخص یک دزد حرفه‌ای است و وسایل زندانیان و انبار زندان را به سرقت می برد

علیرضا محسنی، اهل زابل و پاسیار زندان است. محسنی به توطئه چینی علیه زندانیان و فساد اخلاق مشهور است

شکنجه گری که ارژنگ داودی را در زاهدان و زابل شکنجه کرد

غلامرضا غدیر، اهل زابل، معاون زندان زابل و مسئول بازرسی زندان زاهدان است. غدیر فردی وحشی و اخلاقی حیوانی دارد. او به قصاب زندانیان معروف است. غلامرضا غدیر همان فردی است که به دستور محمدحسین خسروی، زندانی سیاسی ارژنگ داودی را غافلگیرانه از پله‌های تیز کنار دفتر مدیر زندان به ارتفاع ۳ متر به پایین پرتاب کرد که موجب خرد شدن ران پای راست این زندانی بازداشتگاه یک الف سپاه پاسداران را بشناسیم] شد.

. علیرضا بابایی مدیر کل سابق سیستان و بلوچستان و رئیس دفتر رئیس سازمان زندان هاست

مرتضی پیری اهل زابل و رئیس زندان زابل است. او در بی رحمی و جنایت علیه زندانیان حد و مرزی نمی شناسد

محمد نارویی اهل زابل، رئیس قبلی زندان‌های زاهدان و زابل است. این فرد در زورگویی به زندانیان و افراد زیر دست خود بسیار بیرحم است

محمد گلونی اهل زابل و معاون زندان زابل است. این فرد با چاپلوسی از رانندگی زندان به معاونت زندان رسیده است. معروف به نان خشکه فروش است

محمد راهداری اهل زابل و معاون فرمانده یگان است. راهدار فردی معتاد و فاسدالاخلاق است. وی در سرکوب و اذیت و آزار مردم حد و مرزی ندارد

محمد علی شیبانی اهل زابل است. این شخص براحتی هر دروغی را می گوید و علیه سایرین پرونده سازی می کند

.صالحی اهل زابل و کارمند امور فرهنگی است. صالحی فردی معتاد و خبرچین است

بهروز سرحدی زاده اهل زابل مهدی پنجه کوبی، اهل زابل و مدیر داخلی زندان زاهدان است

غلامرضا خلیلی، اهل زابل و معاون سابق زندان زابل است. خلیلی فردی معتاد به مواد مخدر و خبرچین است. او در میان زندانیان به دنبال خبرچین می گردد و علیه زندانیان توطئه چینی می کند

رضا ملاشاهی، اهل زابل و فردی معتاد است.

بیژن سرابندی، اهل زابل و رئیس زندان زابل است. سرابندی با باندبازی مشغول دزدی است.

غلامی اهل بیرجند و مسئول حفاظت زندان است.

عباس شهرکی، اهل زابل و مسئول بخش ملاقات است. شهرکی، برای زنان زندانی پاپوش درست می کرد. رسوایی روابط فاسد او با زنان را همه می دانند. او را به کانون اصلاح و تربیت جوانان انتقال دادند که از آنها باج می گرفت.

محمدی، قاضی ناظر بر زندان زاهدان است. محمدی یک آخوند عمامه سفید دروغگو است.

زندان زنجان



زندان زنجان از بار امنیتی بالایی برخوردار است و بهمین دلیل تبعیدگاه زندانیان سیاسی لقب گرفته است. عوامل سرکوبگر زندان که چنین فضایی را در آنجا حاکم کرده اند عبارتند از

سید مجتبی حسینی – مدیرکل زندانهای استان زنجان

مرادی – رئیس زندان مرکزی

مهسا شادنوش – رئیس زندان زنان

این عوامل حکومتی جنایتکار، آمرین و عاملین سرکوب زندانیان بویژه زندانیان سیاسی هستند. آنها زندانیان سیاسی مرد را در بندها و سلول‌های زیرزمینی نگه می‌دارند. تا حداقل تماس را با دنیای بیرون داشته باشند و خبری از فشارهای طاقت‌فرسا که بر آنها اعمال می‌کنند به بیرون درز نکند.

علیرغم شرایط سخت زندانیان سیاسی و تراکم بالای این زندان که باعث محدودیت و کمبود در بهداشت و امکانات دیگر است طبق گزارشات دریافتی در بهمن ۱۳۹۸ حدود ۶۰۰ زندانی را از شهرهای تهران و کرج به این زندان منتقل کردند

زندانان سیاسی زن در محیطی جدا به اسم قرنطینه نگه داری می‌شوند و از شهرهای دیگر نیز زندانی سیاسی به این زندان منتقل می‌شود

بازرسی‌های ناگهانی و تخریب و دزدی وسایل زندانیان از جمله کارهای ضد انسانی آنهاست. توزیع مواد مخدر و کسب درآمد بالا نیز تحت فرماندهی آنها صورت می‌گیرد

مانند بسیاری از زندانهای کشور، بیگاری کشیدن از زندانیان و کسب درآمد هنگفت از حاصل کارشان، نیز با ایجاد کارگاههای مختلف صورت می‌گیرد

مختصری در رابطه با زندان زنجان، معروف به تبعیدگاه

زندان مرکزی زنجان با آمار حدود 30 اعدام در سال 1403 جزو زندانهای است که دارای آمار بالای اعدام است. این زندان در شمال زنجان و شهرک الهیه، خیابان عاصم زنجان واقع شده است. مثل بسیاری از زندان‌های رژیم، اولیه‌ترین حقوق انسانی زندانیان را در بدترین شرایط نگهداری می‌کنند. به گفته یکی از زندانیان که این گزارش را برای ما فرستاده، زندانیان سیاسی در بندها و سلول‌های زیر زمینی نگهداری می‌شوند تا فشار بیش‌تری بر آنها اعمال کنند. زندانیان سیاسی زن نیز در قرنطینه نگهداری می‌شوند

ساختار زندان

این زندان به سه قسمت و یا زندان تقسیم شده است

زندان زنان

زندان مرکزی

زندان اردوگاه و بند زندانیان سیاسی مرد که در کنترل وزارت اطلاعات است

زندان زنان

زندان زنان دارای ۴ بند است

بند ۱ - بند مختلط با جرائم مختلف

بند ۲ - بند قتل

بند ۳ - بند مواد مخدر

بند ۴ - زندانیان سیاسی زن که در قرنطینه نگهداری می‌شوند. هواخوری این بند مجزا است

ورودی زندان و ساختمان اداری و اجرای احکام و ناظر زندان نیز در همین محوطه قرار دارد

محل اجرای حکم اعدام که در ضلع شمال غربی زندان زنان قرار دارد

زندان مرکزی دارای این قسمت‌ها است

بند ۲ که بزرگترین بند این زندان است. روی قسمتی از بند ۲ در طبقه دوم آمفی‌تئاتر ساخته‌اند

بند ۳

بازداشتگاه که قرنطینه هم محسوب می‌شود و زندانیان تازه وارد به‌آنجا منتقل می‌شوند

بند انفرادی‌ها که به‌بهانه‌های مختلف زندانیان را به‌آنجا می‌برند

اردوگاه زندان

این زندان با زندانیانی که از آن‌ها بیگاری می‌کشند اختصاص دارد و دارای بندهای جداگانه‌ای است و در کنار این زندان بند زندانیان سیاسی قرار دارد و در کنترل وزارت اطلاعات قرار دارد. طبق این گزارش بند زندانیان سیاسی در زیر زمین مستقر است. که عامل فشار بیش‌تر بر آن‌ها است آشپزخانه زندان در این قسمت قرار دارد.

به‌گفته زندانیانی که از این زندان جان سالم بدر بردند، زندان زنجان بار امنیتی بالایی دارد به‌نحوی که در بهمن ۱۳۹۸ حدود ۶۰۰ نفر از کسانی که در قیام آبان در تهران و کرج دستگیر شده و مدت‌ها زیر شدیدترین بازجویی‌ها در اطلاعات سپاه افسرerie در تهران و یا اطلاعات کرج قرار داشتند، به‌زندان زنجان منتقل شدند

تعدادی از این زندانیان زیر ۱۸ سال سن داشتند. این در حالی بود که قبل از انتقال این زندانیان، تعداد زیادی از جوانان معترض شهر زنجان نیز دستگیر شده و در این زندان نگهداری می‌شدند. این زندانیان تحت فشارهای غیر انسانی برای اعترافات تلویزیونی قرار داشتند. در حال حاضر نیز خبرهایی از تبعید زندانیان سیاسی به‌این زندان شنیده می‌شود

از جمله محدودیت‌های زندانیان سیاسی نبود تلفن در بندهای آن‌هاست که به‌هیچ عنوان در اختیارشان قرار نمی‌گیرد. ملاقات نیز بر خلاف بندهای عادی هر ماه یکبار آن‌هم با اجازه رئیس زندان به زندانیان سیاسی داده می‌شود.

زندان سپیدار اهواز



در زندان سپیدار اهواز از رعایت حقوق اولیه زندانیان و بخصوص زنان زندانی خبری نیست. پتوهای تحویلی به زندانیان بشدت کثیف و آلوده و غیرقابل استفاده هستند. در بندهای این زندان بدلیل آلودگی و نبود امکانات بهداشتی، پر از شپش و حشرات ریز و سوسک است.

به زندانیان بیمار هیچگونه رسیدگی درمانی و دارویی نمی‌شود. مرگ در این زندان یک امر عادی و بی اهمیت است. چاه فاضلاب سرویس بهداشتی مشکل دارد. زندانیان از داشتن آبگرم برای استحمام محروم هستند.

وضعیت زنان زندانی سیاسی، از این هم سخت‌تر است. آن‌ها بدون رعایت اصل تفکیک جرائم در کنار سایر زندانیان با جرائم عادی و خطرناک نگهداری می‌شوند.

میزان غذای زندانیان بسیار اندک و کیفیت آن فوق‌العاده پایین است. در غذای زندانیان همواره آشغال پیدا می‌شود.

این شرایط سخت و غیرانسانی، لطمات جبران ناپذیری بر جسم و روح زنان زندانی باقی می‌گذارد.

در جریان شورش زندانیان سپیدار در ۱۱ فروردین ماه ۱۳۹۹ در اعتراض به گسترش کرونا و مرگ و میر زندانیان در فضای آلوده و بسته، ۱۶ زندانی در این زندان با دستور رئیس زندان، با شلیک گلوله جنگی کشته شدند.

تعدادی از زندانبانان جنایتکار که شرایط فوق را بر زندانیان دست بسته اعمال می‌کنند

مجید ظاهری عبده وند، ستار زارعی: مدیریت زندان سپیدار اهواز

اسماعیل نریمیس، اسد شرفی، احمد زایی: پرسنل یگان حفاظت

در روز ۱۱ فروردین سال ۹۹ به دنبال اقدام به فرار زندانیان در زندان سپیدار اهواز، بیش از ۱۶ تن از زندانیان با حمله ماموران کشته شدند.

مقامات زندان برای پنهان کردن این جنایت دست به پرونده سازی صوری و دروغین زدند. اما اکنون کمیسیون امنیت شورای ملی مقاومت اپوزیسیون اصلی حکومت تهران، به اسنادی دست یافته است که اسامی ۱۶ تن از کشته شدگان و صحنه سازی‌های مضحک مقامات زندان را افشا می‌کند. در افشاگری شورای ملی مقاومت آمده است

اکنون کمیسیون امنیت و ضد تروریسم شورای ملی مقاومت اسناد کشتار ۱۶ زندانی در زندان سپیدار اهواز در ۱۱ فروردین ۱۳۹۹ را به اطلاع عموم هموطنان می‌رساند. آمار واقعی قطعاً بیشتر است. کما این‌که هنوز سندی از ۴ زندانی قربانی که اسامی آنها در اطلاعیه دبیرخانه شورا در ۲۰ فروردین ۹۹ اعلام شده بود، در دست نیست

کشتار جمعی زندانیان عنوان مرگ با متادون

در قسمت دیگر اطلاعیه شورای ملی مقاومت آمده است: «در سندهای کامپیوتری زیر که از زندان اهواز بدست آمده، رئیس زندان سپیدار در روزهای ۱۳ و ۱۴ فروردین ۹۹ (۱ و ۲ آوریل ۲۰۲۰) در ۱۵ گزارش کاملاً یکسان به دستور قضاییه رژیم علت مرگ ۱۶ نفر را «بر اثر مصرف متادون» پس از «سرقت داروهای بهداری» ذکر می‌کند. هر گزارش مربوط به یک زندانی است اما در یکی از گزارشها اسم دو نف ر از قربانیان قید شده است (سجاد پیشداد و محمدرضا مغینمی)

زندان سنندج



زندان سنندج در بلوار ارشاد واقع شده است. برای ورود به بند زنان، از چند حیاط و محوطه عبور کرده و به قسمت زنان میرسیم. در بندهای آن هیچ گونه امکاناتی برای زندانیان وجود ندارد. زندانیان زن در این بند با انواع مشکلات چنگ در چنگ هستند

گزارشی از وضعیت زندان سنندج

بعد از ورود به بند، سمت راست نماز خانه قرار دارد. پس از آن بندها واقع شده است که به ترتیب عبارتند از:

بند جرائم اخلاقی

بند متهمین سیاسی

بند متهمین مواد مخدر و معتادی

بند متهمین قتل

هر چهار بند در یک ردیف قرار دارد، البته منظور از بند زنان، چند اتاق با ابعاد ۳۰ الی ۴۰ متری است

روبروی این بندها، اتاق مدیریت بند و دفتر مراجعین دیده می‌شود. در همین محل ۴ سرویس بهداشتی بسیار کثیف وجود دارد

در کنار مدیریت و دفتر مراجعین، محوطه جداگانه‌ای شامل ۲ اتاق قرار گرفته که یکی از آن‌ها قرنطینه است و از اتاق دوم در شرایط خاص استفاده می‌شود

در یکی از این اتاق‌ها چهاردستویی خیلی کثیف وجود دارد

بعد از عبور از راهرو، در یک محوطه بسته، از سمت مدیریت سه تا دوش برای حمام قرار گرفته است وضعیت بهداشت

طبقه بالا یک درمانگاه وجود دارد که هیچ کاری برای زندانیان بیمار و مشکلات پزشکی آنان انجام نمی‌دهد. بنابر گزارش‌های زندانیان در تاریخ ۳ مرداد ۱۴۰۳، وضعیت بهداشتی بند زنان زندان سنندج اسفبار است. طوریکه به دلیل پایین بودن سطح بهداشت، ساس در این زندان منتشر و باعث مشکلات جدی برای زندانیان شده بود. مقامات زندان علی‌رغم درخواست‌های مکرر زندانیان برای سمپاشی اقدام موثری انجام ندادند. در نتیجه با توجه به گسترش این حشره در فصل گرما، به یک بحران بهداشتی تبدیل شد. و زندانیان بی پناه بدلیل شیوع این حشره دچار مشکلات روحی و جسمی شده بودند

بیگاری کشیدن از زندانیان

در همین طبقه کارگاه گلیم بافی و کارهای دستی هست که برای بیگاری کشیدن از زنان زندانی از آن استفاده می‌شود. اما هنگامی که تعداد زنان بازداشتی در شرایط قیام‌ها و اعتراضات مردمی بالا می‌رود، از این کارگاه‌ها برای نگهداری زندانیان استفاده می‌شود

در جریان قیام سراسری ۱۴۰۱ در این محل تعداد زیادی از زنان بازداشتی را بدون هیچ امکانات اولیه استقراری و تنها با یک پتو برای هر دو یا سه نفر نگهداری می‌کردند. زنان زندانی بازداشتی از شهرهای مختلف کردستان از جمله بیجار، قروه، کامیاران، دهگلان بودند، چرا که زندان‌های این شهرها، فاقد بخش زنان بود، به همین دلیل همگی آن‌ها به زندان زنان سنندج منتقل شده بودند

بله این هم یک گزارش دیگر از وضعیت جهنمی زندان‌ها در حکومت خامنه‌ای است. ضروری است که جامعه جهانی اقدامات قاطع‌تری برای فشار بر رژیم خامنه‌ای به منظور احترام به حقوق بشر و حقوق زندانیان و بهبود شرایط زندان‌ها انجام دهد

زندان شیبان اهواز



در یک افشاگری بی سابقه و کم نظیر اسامی و مشخصات ۸۵ بازجو و شکنجه‌گر در زندان شیبان اهواز منتشر شده است.

به نوشته وب سایت کانون حقوق بشر ایران، گرد آوری این اطلاعات به همت هموطنان در داخل ایران میسر شده است و ما در پی آن هستیم که اسامی و مشخصات تمامی کسانی را که در زندانها و شکنجه‌گاه‌های ایران به اذیت و آزار زندانیان می پردازند، افشا نماییم.

زندان شیبان اهواز چگونه زندانی است؟

از زندان شیبان اهواز به اسامی «زندان مرکزی اهواز» و «مجمع حرفه‌آموزی اهواز» نیز نام برده می‌شود. این زندان در کیلومتر ۱۲ جاده اهواز -مسجد سلیمان (پس از شهر شیبان) واقع شده است.

در زندان شیپان اهواز در اوایل سال ۹۹ و در اوج کرونا شورشی بزرگی رخ داد که زندانبانان بی رحمانه به کشتار زندانیان روی آوردند.

ظرفیت زندان شیپان اهواز حدود ۳۲۰۰ نفر است

نفر هم اما بیشتر اوقات آمار زندانیان محبوس در این زندان بیشتر از ظرفیت آن است و گاه تا ۴۵۰۰ افزایش پیدا می‌کند.

شکنجه در زندان شیپان اهواز

مطابق گزارشهای رسیده در زندان شیپان یکی از شیوه‌های تنبیه این است که در حیاط زندان با لوله سبز به جان زندانی می‌افتند تا تمام زندانی‌ها او را ببینند

دست زندانی را با دستبند به یک فنس دیواری سیمی که جنب اتاق مدیر داخلی قرار دارد می‌بندند تا نتواند برای ساعت‌ها بنشیند. حتی در زمستان هم برای یکی دو روز زندانی را به این شکل می‌بندند

در اداره اطلاعات درون اتاق تحقیق یک حلقه آهنی روی زمین قرار دارد. این حلقه را به انگشت زندانی با سیم می‌پیچند و سپس از شوکر استفاده می‌کنند

شکر را با آب گرم و یا با روغن داغ مخلوط می‌کنند و روی سر زندانی می‌ریزند. تقریباً در بند های ۶ و ۷ و ۹، پر است از زندانیانی که به این شیوه سوخته‌اند

برای شکنجه، زندانیان سیاسی را به بندهای دیگر مثل بند ۶ و ۷ و ۹ که به زندانیان جرائم اجتماعی اختصاص دارد، می‌فرستند که هر لحظه ممکن است در درگیری‌های احتمالی بین زندانیان آسیب ببینند و یا کشته شوند

بندهای سیاسی در زندان شیپان

علاوه بر فشار و محرومیت هایی که علیه کلیه زندانیان اعمال می‌کنند، فشارهای بیشتری توسط زندانبانها علیه زندانیان سیاسی اعمال می‌شود. در زندان شیپان دو بند برای زندانیان سیاسی عقیدتی وجود دارد. بند شماره ۵ و شماره ۸. این دو بند هیچگونه امکانات رفاهی و بهداشتی ندارد

هر بند دارای ۸ اتاق ۵*۴ می‌باشد و آمار هر اتاق بین ۲۰ الی ۲۸ نفر است

مسئولیت بندهای سیاسی معمولاً زیر نظر حفاظت زندان است که مستقیماً با اطلاعات در ارتباط می‌باشد

در زندان شیپان آزار و اذیت زندانیان سیاسی – عقیدتی با فشارهای روحی روانی تا جسمی همراه است

بازرسی‌ها و حشیانه گارد

ماموران گارد هر چند وقت یکبار بصورت وحشیانه‌ای به داخل بندها هجوم می‌برند و اتاق‌ها را در هم می‌ریزند. ماموران سرکوبگر گارد کلیه وسایل زندانیان را که با هزینه‌های شخصی خودشان تهیه کرده‌اند از بین می‌برند و کتاب، جزوه و اطلاعات شخصی زندانیان را ضبط کرده و غارت می‌کنند. عوامل حفاظت زندان هم در بند، جاسوسی زندانیان را می‌کنند.

شورش در زندان شبیان در اوایل سال ۹۹

پس از شیوع کرونا در زندان شبیان اهواز، ظهر روز سه‌شنبه ۱۲ فروردین ۹۹ زندانیان در اعتراض به ندادن مرخصی و یا آزادی به زندانیان برای مقابله با کرونا، دست به شورش زده و قسمتی از زندان را به آتش کشیدند.

سپاه و بسیج با شلیک گلوله و زدن گاز اشک‌آور به مقابله با زندانیان درآمدند. بطوری که از فاصله دور، دود از محوطه زندان، دیده و فریاد «الله اکبر» زندانیان شنیده می‌شد.

عوامل زندان تمامی راه‌های منتهی به زندان را بستند. آنها تعدادی از زندانیان را کشته و شماری را مجروح کردند.

جنايات روسای زندان شبیان

در جریان کرونا و شورش زندان شبیان اهواز در فروردین ماه ۹۹، احمدرضا آزاده رئیس زندان و غلام نژاد مسئول حفاظت زندان، رهبری سرکوب را به عهده گرفته بودند.

خسروی مسئول گارد ویژه و ورمزیار معاون رئیس زندان به همراه ذوالفقاری مدیر داخلی به همراه دیگر کارکنان زندان با سلاح کلاشینکوف و شکاری روی پشت بام زندان مستقر شدند. آنها در میان زندانیان معترض به دنبال افراد خاصی بودند و با شقاوت پیوسته تیراندازی می‌کردند.

رئیس حفاظت زندان شبیان اهواز عبدالحسین غلام نژاد است

وی از جمله جنایتکارانی است که در ۱۲ فروردین ۹۹، در جریان شورش در زندان اهواز، زندانیان را با شلیک مستقیم هدف قرار داد و تعدادی از آنان را مجروح نمود.

وی در آبان ماه سال ۹۹، پس از بازگرداندن زندانی سیاسی شهید قنوتی از بیمارستان به زندان، وی را بشدت مورد ضرب و شتم قرار داده و دستش را از دو قسمت شکست.

شکنجه گران اصلی در زندان مرکزی اهواز (شبیان) را بشناسیم

احمد رضا آزاده رئیس زندان شیپان اهواز است که در سرکوب و شکنجه زندانیان نقش کلیدی دارد. وی پیش از این در مدیریت زندان‌های دزفول و بهبهان و معاونت زندان سابق کارون اهواز بوده است.

محمد ورمزیار معاون رئیس زندان و از گردانندگان سرکوب و شکنجه در زندان است.

عبدالحسین غلام نژاد رئیس حفاظت زندان شیپان اهواز است که در سرکوب و شکنجه نقش مهمی دارد. او از مسئولین مستقیم زندانیان سیاسی – مذهبی است و روزانه از وضعیت زندانیان به اطلاعات گزارش می‌دهد.

حسن ذوالفقاری باور ساد مدیر داخلی زندان، که از آمران سرکوب در زندان است.

محمد علی اناری رئیس حفاظت کل زندان های استان خوزستان و رابط اطلاعات است که نقض فعالی در سرکوب و کنترل زندانیان دارد.

محمد سعید سخاوت معاون حفاظت اطلاعات زندان است که در سرکوب زندانیان نقش دارد.

لیست اسامی و مشخصات گردانندگان زندان مرکزی اهواز

لیست اسامی و مشخصات شکنجه‌گران و گردانندگان زندان شیپان اهواز و سمت های آنها به قرار زیر است.

لازم به یادآوری است در زندان‌های حکومت ایران برای سفید سازی مناصب سرکوب و شکنجه از کلماتی از جمله «حوزه سلامت» بجای «بازجو» و «حفاظت» بجای «گارد ضد شورش» استفاده می‌شود.

«مدیریت»

احمد رضا آزاده

حسین ذوالفقاری باور ساد

محمود عباسی اصل

بازجویی

ابراهیم زبیدی

احمد ناصری کیا

افشین موسوی نیا

اکبر کرمی

امید خاتمی

امیر عبداللهی

ایمان مظاهری

بہمن رحیمی

حبیب اسلامی

حسن موسوی

حسن ہاشم پور

حمید حمیدیان

حمید عبیدپور

روح اللہ فاریابی

روح اللہ قاضی مقدم

سعید صفی خانی

سید حبیب حسینی

سیدحسن موسوی

سید داود جعفری

صادق حاتمی

عباس کتانباف زاده

عبدالحسین عباسپور

عبدالحسین مجدم

عبدالرضا یعقوب لو

علی پناہی

علی عصاره

علیرضا باقری

علیرضا فتح الله پور

علیرضا محبی پور

فواد مزرعاوی

گامل هادی منش

کریم مسعودی نصب

محسن قنبرپور

محمد پیزادی

محمدرضا شعبانی نژاد

محمد سبحانی

محمد عبیات

محمد علی انصاری راد

محمد ورمزیار

محمد حسین کمالی

مرتضی خلیلی

مهدی زکی

مهرداد امید خدا

ناصر مقدم

نوروز لرکی

یگان حفاظت

ابراهیم سیاحی
داود دهقانی

رضا بهزاد نیا

عبدالله طرفی

مجید جاویدی

محمد اعصامی
حمیدرضا دانش
روح الله احمدی

«قضایی»

احمد حزبزاده
راغب کریمی

رحیم شناوه نژاد

علی بهرامی

محمد بستان راده

محمد قدردان

مصطفی جلالی

موسی جوانمردیان

میثم زرگانی

میثم صداوی

بازرسی

سید امین عرب پور

ای تی

پیمان کیارستمی

مرتضی شمس

مصطفی اسدی

«مالی»

بهراد رحیمی

حسنه جلیله

داود حزباوی

رضا نصراللهی

صالح سنگوری

عباس وکیل

علی عموری

علیرضا ملک مطیعی

غلامحسین حنطه کار شریفی

قاسم بذرافکن

محسم معمار

محمد صالحی زاده

موسی فدیعمی

هادی قنبری

بحیی عقیلی

زندان عادل آباد شیراز



زندان عادل آباد شیراز، یکی از مخوفترین زندان‌های دیکتاتوری حاکم است. این زندان، سال‌هاست که به نمادی از سرکوب، شکنجه، و نقض گسترده حقوق بشر تبدیل شده است. زندان عادل آباد شیراز، محل نگهداری زندانیان سیاسی، عقیدتی و عمومی است. این زندان در شرایطی اداره می‌شود که حقوق ابتدایی انسان‌ها به‌طور سیستماتیک نادیده گرفته می‌شود. وضعیت بند زنان این زندان، به‌ویژه، نشان‌دهنده ابعاد فاجعه‌بار این بی‌عدالتی است. در این گزارش، که توسط زندانیان آزاد شده ارسال شده است، ضمن بررسی شرایط دهشتناک بند زنان زندان عادل آباد، به گزارش‌های مربوط به شکنجه و سرکوب زندانیان نیز پرداخته می‌شود.

بند زنان زندان عادل آباد شیراز شامل ۸ اتاق است. یکی از این اتاق‌ها به زندانیان سیاسی و مالی اختصاص دارد و با فاصله‌ای از سایر اتاق‌ها قرار گرفته است. در حال حاضر، سه زن زندانی سیاسی به نام‌های **هدی مهرگان**، **مرسم دریس** و **حکیمه هنرمند** در این بند محبوس هستند. این زندانیان نه تنها به دلیل عقاید و فعالیت‌هایشان در برابر رژیم مورد هدف قرار گرفته‌اند، بلکه اکنون در شرایطی غیرانسانی زندگی می‌کنند.

هدی مهرگان، که همراه با پدرش محمدعلی مهرگان بازداشت شده، حدود ۴۰ تا ۵۰ روز را در سلول انفرادی سپری کرده است

حکیمه هنرمند، زندانی سیاسی دهه ۶۰، نیز همراه با پسرش دستگیر شده و سال‌ها تجربه فشارهای امنیتی و زندان را در کارنامه خود دارد

مریم دریس، ساکن شهرستان کازرون از توابع استان فارس، دانشجوی مقطع کارشناسی ارشد در دانشگاه ساوه و از بازداشت شدگان اعتراضات سراسری ۱۴۰۱ می‌باشد

شرایط این بند به شدت غیربهداشتی و خطرناک است. حمام و دستشویی‌ها داخل اتاق‌ها قرار گرفته‌اند و بوی نامطبوع آن‌ها هوای اتاق‌ها را به شدت آلوده کرده است. ازدحام جمعیت در این بند چنان شدید است که زندانیان مجبور به خوابیدن به صورت “کتابی” هستند و بسیاری از آنان روی کف سرد و بدون امکانات گرمایشی مناسب شب را به صبح می‌رسانند. این در حالی است که هوای سرد زندان و نبود وسایل گرمایشی، شرایط را غیرقابل تحمل‌تر کرده است

زندانیان بند زنان در زندان عادل آباد شیراز از دسترسی به امکانات بهداشتی و درمانی محروم‌اند. بیماری‌های پوستی به دلیل نبود امکانات بهداشتی و تراکم بالای جمعیت به شدت شیوع پیدا کرده است. همچنین، زنان معتاد تزریقی در این بند فراوان‌اند و به جای درمان مناسب، با داروهای خواب‌آور و آرام‌بخش به حال خود رها می‌شوند. این وضعیت نه تنها سلامت جسمی زندانیان را به خطر انداخته، بلکه آثار مخربی بر سلامت روانی آنان نیز داشته است

اعدام ۲ زندانی تبعه افغانستان و انتقال یک زندانی به انفرادی جهت اجرای حکم این زندان همواره محلی برای نگهداری مخالفان سیاسی، روزنامه‌نگاران، فعالان حقوق بشر و زنان معترض بوده است

گزارش‌های متعددی از شکنجه‌های فیزیکی و روانی در این زندان منتشر شده که نشان‌دهنده بی‌توجهی مطلق به حقوق زندانیان است

در دهه ۶۰، این زندان یکی از مراکز اصلی نگهداری و شکنجه زندانیان سیاسی بود. بسیاری از بازداشت‌شدگان در این دوران، که به خاطر فعالیت‌های سیاسی یا عقیدتی خود دستگیر شده بودند، تحت شدیدترین شکنجه‌ها قرار گرفتند. شهادت‌های بازماندگان از آن دوران، حکایت از رفتارهای غیرانسانی مأموران زندان و استفاده از ابزارهای مختلف شکنجه دارد. زندانیانی که از این دوران جان سالم به در بردند، همچنان از اثرات جسمی و روانی آن رنج می‌برند

وضعیت زندان عادل آباد شیراز، از جمله بند زنان، بازتابی از نقض گسترده و سیستماتیک حقوق بشر در دیکتاتوری حاکم است. نبود حداقل امکانات رفاهی، بهداشتی و درمانی در کنار استفاده از شکنجه‌های فیزیکی و روانی، سیاستی آشکار برای شکستن روحیه و اراده زندانیان است. گزارش‌های بین‌المللی بارها به شرایط دهشتناک این زندان اشاره کرده‌اند، اما سران حکومت به رغم محکومیت‌های متعدد، همچنان به نقض آشکار حقوق بشر ادامه می‌دهد

شرایط غیرانسانی بند زنان زندان عادل آباد شیراز تنها بخشی از تصویری بزرگتر از سرکوب و بی‌عدالتی در ایران است. زندانیان سیاسی و عمومی در این زندان، نه تنها به دلیل محدودیت‌های فیزیکی، بلکه به دلیل محرومیت از ابتدایی‌ترین حقوق انسانی، به‌طور مضاعف تحت فشار قرار دارند. جامعه جهانی و نهادهای حقوق بشری باید به این وضعیت واکنش نشان دهند و صدای این زندانیان را به گوش جهانیان برسانند. سکوت در برابر این بی‌عدالتی، تنها به استمرار این چرخه سرکوب و نقض حقوق بشر کمک می‌کند.

زندان فجر دزفول



زندان فجر شهرستان دزفول یکی از زندانهای قرون وسطای خامنه‌ای در ایران است

محکومان پنج شهرستان دزفول، شوش، اندیمشک، الوار و شاور را در این زندان جای داده‌اند

این زندان یازدهمین زندان پر جمعیت رژیم در ایران است که در جنوب غربی دزفول در ۳ کیلومتر جاده شوشتر، جنب دادسرای عمومی و انقلاب واقع شده است

ظرفیت معمول این زندان، بین ۸۰۰ تا ۱۱۰۰ نفر ارزیابی شده است اما عموماً بیش از ۲۵۰۰ زندانی را در این زندان نگهداری می‌کنند

زندان فجر دزفول از ۸ بند تشکیل شده و هر بند دارای حداکثر ۴ سلول است. طول و عرض سلولهای آن متفاوت است و در هر سلول بیش از ۵۰ نفر جای داده می‌شوند که چندین برابر ظرفیت آن می‌باشد.

تمامی زندانیان تقریباً کف خواب هستند. به دلیل ازدحام جمعیت، زندانیان بصورت کتابی کنار هم می‌خوابند و گاهی هم مجبور می‌شوند شیفتی بخوابند.

وضعیت زیستی زندانیان در زندان فجر دزفول

در این زندان، شرایط کاملاً غیرانسانی حاکم است. تفکیک جرائم صورت نمی‌گیرد، ضرب و شتم و بدرفتاری با زندانیان تبدیل به یک روند عادی شده است.

زندانیان از حداقل امکانات اولیه زیستی محروم هستند. هر زندانی ۲ پتو دارد. عده زیادی از زندانیان بدلیل ازدحام جمعیت، مجبور هستند زمستانها در هوای سرد، در حیاط زندان با کمترین امکانات، شب را به صبح بربسانند و هنگامی که باران می‌بارد، از آنجا که هیچ پناهگاهی ندارند، و این ۲ پتو هم خیس می‌شود، تا صبح از سرما به خود می‌لرزند.

زندانیان عموماً بدلیل پایین بودن کیفیت و حجم غذای زندان گرسنه و دچار مشکلات گوارشی ناشی از سوء تغذیه هستند.

در صورتی که زندانی از جانب خانواده اش حمایت مالی شود، با خرید کنسرو و بیسکویت از فروشگاه زندان نیازهای خود را بصورت حداقل تأمین می‌کند. اما از آنجا که اکثر زندانیان چنین امکانی را ندارند، از گرسنگی رنج می‌برند.

درگرمای هوای این منطقه، آب زندان در اکثر مواقع قطع است. در هوای سرد زندانیان از امکان آبگرم برای استحمام محروم هستند.

هر بند دارای ۴ حمام است. به این ترتیب تقریباً به هر ۱۰۰ زندانی یک حمام اختصاص داده شده است. که اکثر مواقع خراب هستند. تازه اگر سالم و آب در آن جریان داشته باشد.

به همین دلیل، وضعیت بندهای این زندان بشدت غیربهداشتی است و ساس و شپش بیداد می‌کند. زندانیان بخاطر عدم دسترسی به امکانات بهداشتی و استحمام، عموماً به بیماریهای پوستی مبتلا هستند.

بهداری زندان وضعیتی مشابه بندهای زندان دارد و فاقد امکانات پزشکی لازم برای رسیدگیهای اولیه به زندانیان بیمار است. زندانیان بیمار عموماً به حال خود رها شده و بخاطر عدم رسیدگی، جان خود را از دست می‌دهند.

شکنجه ها، فشارها و جنایتهای صورت گرفته در این زندان، توسط عوامل جمهوری اعدامی خامنه‌ای را هرگز نمی بخشیم و فراموش نمی کنیم

زندان آمل

زندان آمل در کمربندی امامزاده عبدالله، در جنوب شرقی شهر و در جنوب روستای آغوزین واقع شده است. این زندان به عنوان تبعیدگاه اصلی زندانیان استان مازندران شناخته می‌شود و زندانیان زیادی از سراسر استان به اینجا منتقل شده‌اند

رئیس زندان :عباس شعبانیپور

تحت ریاست این جنایتکار تمامی اقدامات ضد انسانی انجام می‌شود. با عدم رعایت تفکیک جرائم زندانیان را تحت انواع فشار و شکنجه قرار می‌دهد. محدودیت دارویی ایجاد کرده و نان و آرد متعلق به زندان در بیرون فروخته می‌شود. شکنجه زندانیان در بند ۳ در صورت هرگونه اعتراض با فرمان او صورت می‌گیرد. و در صورتی که زندانی زیر شکنجه کشته شود علت را نرسیدن مواد ثبت می‌کنند. مواد مخدر زیر نظر او وارد و در بین زندانیان توزیع می‌شود

رئیس زندان رای باز و کارگاه‌ها :علی ملکشاهی

وی عامل مستقیم بیگاری کشیدن از زندانیان است. حاصل کار زندانیان توسط او، در تباری با سازمان زندان‌ها و شرکت‌های حکومتی طرف قرار داد. به یغما برده شده و مقدار ناچیزی به زندانی می‌پردازند

زندان فشافویه تهران ، آخر دنیا



زندان تهران بزرگ (فشافویه) یا اصطلاح «آخر دنیا» که زندانیان برای آن بکار می‌برند، با ظرفیت ۱۵ تا ۱۷ هزار زندانی در ۳۲ کیلومتری جنوب تهران در جاده حسن‌آباد به سمت قم قرار دارد. مساحت این زندان ۱۱۰ هکتار است. زندان دارای ۳۸ سوله است که ۲۶ سوله آن شامل ۳۴ اندرزگاه ۳۰۰ نفره است. این زندان از سال ۱۳۹۴ مورد بهره‌برداری قرار گرفت.

در قیام سراسری ۹۸ هزاران تن از بازداشتی‌های این قیام در این زندان محبوس بودند.

ساختار زندان تهران بزرگ

به عبارت دیگر زندان تهران بزرگ، دارای ۶ تیپ است. در هر تیپ ۵ هزار زندانی وجود دارد.

هر (بند) سالن، یک در ورودی دارد که افسر نگهبان یا نگهبانی آنجا حضور دارد. بعد از آن فروشگاه واقع شده و در کنار آن هم یک حسینیه است. یک در هم به یکی از هواخوری‌ها باز می‌شود. هر سالن ۲ هواخوری دارد که ابعاد آنها ۱۴ بلوک ۲ متری در ۱۹ بلوک ۲ متری است. بعد از این ساختار، تازه اتاق‌ها شروع می‌شوند.

داخل هر بند در مجموع ۱۶ سلول برای نگهداری زندانی‌ها ساخته شده و در هر اتاق هم ۱۵ تخت (۵ ردیف ۳ تختی) هست. در واقع در مجموع در هر سالن به صورت استاندارد باید ۲۴۰ زندانی محبوس باشند ولی این آمار عموماً تا ۳۴۰ یا ۳۵۰ نفر در تغییر است.

نیمی از زندانیان کف خواب هستند و شب‌ها با سختی، به صورت کتابی کنار هم می‌خوابند و اگر کسی نیمه شب برای سرویس بهداشتی برود، در برگشت دیگر جایی برای خوابیدن ندارد و باید تا صبح بایستد.

قرنطینه زندان

قرنطینه زندان تهران بزرگ ۲ طبقه است. طبقه پایین چند اتاق با ظرفیت حدود ۲۰ نفر دارد و طبقه بالا هم ۲ سالن سراسری با ظرفیت هر کدام ۵۰ نفر دارد.

این که زندانی در سالن‌های طبقه‌ی بالا بيفتد یا در اتاق‌های طبقه‌ی پایین که راحت‌تر است، شانس نیست و به این بستگی دارد که زندانی چقدر امکان خرج کردن دارد.

قاعده‌ی مهم و کلی زندان این است که اگر می‌خواهید امکانات داشته باشید باید پول خرج کنید ولی اگر زندانی پول ندارد، باید به همان امکانات محدود داخل زندان کفایت کند. به این ترتیب باید هفته‌ای ۱.۵ تا ۲ میلیون تومان خرج کرد.

زندانیانی که قدیمی‌تر هستند، تخت دارند ولی نفرات جدید مجبورند کف خواب باشند. در صورتی که زندانی پول داشته باشد می‌تواند برای خودش تخت بخرد.

زندانی پس از یک هفته، از قرنطینه به محل دیگری به اسم «تی سی» منتقل می‌شود و از آنجا بسته به اتهام، به اتاق نهایی‌اش منتقل می‌گردد.

تقسیم بندی تیپ‌ها در زندان تهران بزرگ.

زندانیان زندان تهران بزرگ با جرائم شرارت، دزدی، خفت‌گیری، دعوا و شبیه این‌ها به تیپ یک یا ۲ و یا ۴ منتقل می‌شوند. زندانیان با جرائم کلاهبرداری، اختلاس، رد مال، مهریه به تیپ ۵ منتقل می‌شوند. تیپ‌های زندان هیچ ارتباطی با هم ندارند و کاملاً از هم جدا هستند.

زندانیان مجاز به خروج از سالن خودشان نیستند. آن‌ها فقط می‌توانند به بهداری، کتابخانه تیپ، سالن کشتی و فوتسال رفت و آمد کنند که آن‌هم روزانه نیست.

سرشماری در زندان تهران بزرگ

ساعت هفت و ربع هر روز صبح، بیدارباش از بلندگوهای زندان اعلام می‌شود و زندانیان باید برای سرشماری به محوطه هواخوری بروند. زندانیان هر روز در ۲ نوبت صبح و عصر شمارش می‌شوند. اینکار توسط افسر نگهبان انجام می‌شود که بین ۳۰ تا ۴۵ دقیقه طول می‌کشد.

وضعیت بهداری، دارو، درمان و رسیدگی‌های پزشکی در زندان تهران بزرگ، بسیار اسفبار است. از دارو خبری نیست. آنقدر باید در نوبت ماند که دیگر بیماری، نوع عوض می‌کند. هنگامی که زندانی از نظر جسمانی به بدترین وضعیت خود برسد، امکان رفتن به بهداری پیدا می‌کند. کمترین دارو را به زندانی بیمار می‌دهند و آن هم بین مأمورین، آنقدر دست به دست می‌چرخد که سرانجام ۲ یا ۳ عدد قرص از یک ورق قرص ۱۰ تایی به دست بیمار می‌رسد.

بسیاری از اوقات برای رفتن به بهداری، زندانیان آنقدر در نوبت می‌مانند که مراحل سخت بیماری طی شده و زندانی از رفتن نزد پزشک زندان، صرف‌نظر می‌کند. از زندانیان تعهد کتبی گرفته می‌شود که در صورت اعزام به بیمارستان، هزینه بیمارستان را خودشان بپردازند.

وضعیت بهداشت در این سالن بسیار پایین و ضعیف است. میزان مواد بهداشتی که از جانب زندان برای نظافت به هر سالن داده می‌شود، بسیار کم است و پاسخگوی رعایت بهداشت با تعداد بالای زندانی نیست. به همین دلیل زندانیان مجبور هستند با هزینه خودشان، مواد بهداشتی بخرند.

در سراسر سال در تهران بزرگ، سمپاشی صورت نمی‌گیرد. به همین دلیل زندانیان عموماً به بیماری‌های پوستی مبتلا هستند و هر تازه واردی نیز دچار مشکلات پوستی و تنفسی می‌شود.

در انتهای سالن‌های داخل هر تیپ ۲۰ دستشویی و تعدادی حمام وجود دارد که در طول روز زندانی‌هایی که مسئول نظافت هستند، در نوبت‌های مختلف آن‌ها را نظافت می‌کنند. حمام‌ها هر روز از یک ساعت قبل از اذان صبح باز می‌شود و هر کس بخواهد با آب‌گرم دوش بگیرد، همان ساعت‌های اولیه باید استحمام کند.

هر چه زمان بگذرد آب سرد می‌شود و دیگر از آب‌گرم خبری نیست و زندانیان با هر سن و سال و هر وضعیت جسمانی، مجبور هستند از آب سرد برای استحمام استفاده کنند. این موضوع به خصوص در سرمای زمستان، زندانیان را دچار بیماری‌های دیگری هم می‌کند.

یکی از مشکلات جدی زندانیان تهران بزرگ وجود حشرات موذی مثل ساس است. جای زخم‌های ساس روی بدن بسیاری از زندانیان قابل دیدن است.

وضعیت غذایی

کیفیت غذای زندان بسیار پایین است. علاوه بر این حجم هر وعده غذایی، آنقدر کم است که عموماً زندانیان گرسنه می‌مانند.

بر اساس مشاهدات و گزارش زندانیانی که خود پیش از این در تهران بزرگ، محبوس بوده‌اند، بسیاری از زندانیان علی‌رغم این که گرسنه هستند، اما توان مالی برای خرید مواد غذایی هم ندارند.

صبحانه‌ها عموماً کره و یک مربا یا حلوا شکری کوچک است. وعده غذایی ناهار، عموم غذاها در طول هفته به شکل استانبولی است. یک یا ۲ بار هم چیزی به اسم خورشت قیمه یا قورمه سبزی می‌دهند که بسیار بی‌کیفیت است و قابل خوردن نیست.

برای وعده شام، غذاها عموماً تخم‌مرغ آب‌پز، آش و همبرگر سویا است. فروشگاه زندان تهران بزرگ مواد غذایی بسیار بی‌کیفیت را عرضه می‌کند. ساعت کار فروشگاه محدود است و قیمت‌های آن نیز به

نسبت بیرون زندان ۲۰ تا ۳۰ درصد گران‌تر است. هنگام حساب و کتاب پول خرید مواد هم، مبلغ بیشتری از کارت زندانی می‌دزدند و کسی هم پاسخ‌گوی این وضعیت نیست.

زندان محل غارت و چپاول زندانیانی است که به خاطر فقر، بیکاری و سختی زندگی گذرشان به زندان افتاده است.

جیره هر زندانی روزی ۳ وعده غذای «دلی» یعنی دولتی، ۲ تخته پتو (یکی برای رو و یکی برای زیر)، لباس زیر یک دست، یک حوله، هر ۴۰ روز یک شامپو کوچک تخم‌مرغی و ماهی ۲ کیلو و ۷۰۰ گرم قند است. خارج از این، از ظرف غذاخوری تا قاشق، چنگال، مایع ظرف‌شویی و مسواک را زندانی باید از فروشگاه خریداری کند.

روی دیوار ۲ طرف هر اتاق ۲ گوشی تلفن عمومی نصب شده است که زندانی با «کارت سفید» یا «پارس تل» می‌تواند با شماره‌هایی که از قبل تایید شده (حدود ۸ شماره تلفن) تماس بگیرد.

در زندان تهران بزرگ پول نقد وجود ندارد و امکان این هم نیست که برای کسی پول کارت به کارت شود. تنها راه این است که از بیرون، برای زندانی به حسابش در زندان پول واریز کنند. زندان واحد پول خودش را دارد که آن هم سیگار است.

سیگار تیر، بهمن و وینستون نقش پول را در زندان بازی می‌کنند و زندانی‌ها در برابر کارهایی که انجام می‌دهند، سیگار می‌گیرند. بعد زندانی، این امکان را دارد که سیگار را دوباره به فروشگاه زندان فروخته و به جای آن، وسایلی را که نیاز دارد، خریداری نماید. فروشگاه زندان‌ها زیر نظر بنیاد تعاون زندانیان اداره می‌شوند.

کانون حقوق بشر ایران در ادامه افشاگری‌های پیشین به سراغ زندان تهران بزرگ رفت و اقدام به انتشار اسامی، مشخصات، عکس‌ها و آدرس تعدادی از شکنجه‌گران و زندانبانان زندان تهران بزرگ کرده است. این افشاگری روز ۹ شهریور ۱۴۰۱ در روز جهانی ناپدیدشدگان قهری صورت گرفته است.

این کانون اعلام کرده است که تمامی این اطلاعات و داده‌ها را از طریق هموطنان از درون زندان‌ها بدست آورده است. به همین خاطر از کسانی که با پذیرش ریسک بالا این اطلاعات را از درون زندان‌ها بدست آوردند سپاسگزاری کرد.

پیشتر از این، افشاگری‌هایی از زندان‌های بهبهان، زندان شیپان اهواز و زندان قزلحصار منتشر شده بود.

مختصری در باره شکنجه‌ها و اذیت و آزارها در زندان تهران بزرگ

از تیرماه ۱۴۰۱ آب و برق زندان را به صورت متناوب در تیپ‌های این زندان قطع می‌کنند و زندانیان را تحت فشار جدی قرار دادند. در این زندان از رعایت پروتکل‌ها خبری نیست. زندانیان کم سن و سال را در بین زندانیان خطرناک و قاتلان محبوس می‌کنند و هیچ اعتراضی را در این مورد بر نمی‌تابند.

بدستور رئیس زندان، تلفن زندانیان را با دریل سوراخ کردند که نتوانند تصویر و فیلم از زندان به بیرون منتقل کنند و به صورت مستمر تیپ‌های مختلف زندان را بصورت وحشیانه‌ای مورد بازرسی های سر زده و بی دلیل قرار میدهند.

روش‌های تحقیر آمیز و شکنجه زندانیان در زندان تهران بزرگ

لخت کردن زندانیان به بهانه بازرسی به هنگام ورود یا بازگشت به زندان و مجبور کردن آنها به ۱۰ - بار «بشین پاشو» برای کشف احتمالی مواد مخدر و تحقیر زندانیان

ضرب و شتم و توهین به زندانیانی که از لخت شدن و بشین پاشو رفتن امتناع می کنند و حتی انتقال به - سلول انفرادی تنبیهی

مورد تعرض جنسی قرار دادن زندانیان به ویژه جوانان به بهانه بازرسی در بند، توسط ارادل و - اوباشی که به عنوان انتظامات بند انتخاب شده اند

پارک کردن زندانیان (معمولا به مدت سه روز در زیر هشت)؛ پارک کردن یعنی زندانی هنگام ورود یا بازگشت به بند باید سه روز تا یک هفته در زیر هشت (جلوی دفتر نگهبان بماند و به هنگام رفتن به سرویس بهداشتی یکی از زندانیانی که به عنوان انتظامات انتخاب شده از بالای درب او را به هنگام استفاده از سرویس نگاه می کند، به این بهانه که مواد مخدر در بدنش پنهان نکرده باشد، این در حالی است که عمده مواد مخدر (کیلو - کیلو) توسط ماموران زندان وارد می شود).

کف‌خوابی و کریدور خوابی بخشی از شکنجه زندانیان

پس از ورود به بند، زندانی اگر پول نداشته باشد که به وکیل بند و مسئول اتاق باج دهد تا او را بی - نوبت به اتاق بفرستند و تخت بخرد، باید مدت زیادی کریدور خواب و سپس کف خواب و بعد سه ترک خواب و دو ترک خواب شود تا به حق خود، یعنی یک تخت در یکی از اتاق‌ها برسد

زندانانی هستند که بیش از دو سال کریدورخوابی کرده‌اند، یعنی شب ساعت ۱۰، خواب اجباری کف - راهرویی که ۷۰۰ نفر با دمپایی های کثیف از روی دست و پای‌شان رفت و آمد می کنند و چهار صبح بیدارباش و نماز اجباری، در حالی که آب برای وضو نیست

در این زندان هر روز بیش از ۱۲ ساعت آب قطع است و آب آشامیدنی رایگان و سالم وجود ندارد، هر زندانی باید روزانه دو تا سه بطری آب برای آشامیدن و پخت و پز خریداری کند

غذای زندان تهران بزرگ نیز مثل سایر زندان‌ها کم و بی‌کیفیت و تقریباً غیرقابل خوردن است. یعنی در صورت خوردن به دلیل روغن جامد زیاد، سنگ و گل در عدسی و خورش و کیفیت پایین مواد غذایی و عدم رعایت بهداشت حین پخت و پز، زندانی خیلی زود دچار بیماری‌های گوناگون گوارشی می‌شود.

خرید و فروش سهل و آسان مواد مخدر و مصرف انواع و اقسام روانگردان‌ها و مواد مخدر در بندهای مختلف زندان تهران بزرگ.

کمبود و در اکثر اوقات نبود کتاب، روزنامه و دیگر امکانات فرهنگی، همچنین اختصاص ندادن هیچ مکانی برای مطالعه در بندها، اما برای هر بند حسینی‌ای بزرگتر از سیصد متر را اختصاص داده‌اند. که شرکت در مراسم مذهبی برای زندانیان (به جز ثروتمندان و قدرتمندان وابسته به نظام) اجباری است.

رفتار خشن و توهین آمیز افسران نگهبان، پاسیاران و گارد بازرسی، عدم رعایت بهداشت و کمبود دارو و دشواری در اعزام‌های درمانی، وجود گال، شپش، ساس، موش و انواع حشرات موذی و همچنین هزاران مشکل بهداشتی و زیستی بحرانهای جدی برای زندانیان محبوس در این زندان تولید کرده است.

اسامی شکنجه‌گران و زندانبانان زندان تهران بزرگ

روسا و مدیران زندان

محمد حاجی مزدارانی؛ مدیر زندان

اصغر فتحی؛ رییس تیپ ۲

فرج نژاد؛ معاون زندان

اصغر کیهانی؛ رییس اندرزگاه

عبدالحسین شیبانی؛ رییس اندرزگاه

عباس زلالی؛ رییس اندرزگاه ۱۱ معروف به سوبیت

حمیدرضا کیانی‌فر؛ معاون قضایی زندان

مقامات اجرای احکام

مرتضی موسوی حسب؛ اجرای احکام زندان

حفاظت اطلاعات و شکنجه‌گر

پیروزفر؛ افسر جانشین، شکنجه‌گر

عباسی؛ افسر نگهبان ، شکنجه گر

زمانی؛ افسر نگهبان، شکنجه گر

حسین محمدی؛ افسر نگهبان

محسن گودرزی؛ افسر نگهبان

حمید گودرزی؛ افسر نگهبان

پاسیاری با نام مستعار تاجیک (با سبیل‌های زرد و چشم زاغ)؛ شکنجه‌گری که در قتل سه زندانی نقش مستقیم داشته است

پرسنل اعزام و بدرقه در زندان تهران بزرگ

حیدر رضانی

داود جمشیدی

سعید حسنی

محمدرضا خورشیدوند

مهدی عباسی کسبی

جواد شکوری

رسول براتی

محمدحسین اکبری

پرسنل مراقب

حجت کریمی

مهدی سلطانیان ملک آبادی

مهدی یوسف‌پور مقدم

مراقب مسئول

محسن فرحبخش

سمعی و بصری

اسماعیل اکبری

زندانبانان زندان تهران بزرگ

محمدرضا حافظی

حمیدرضا فتاحی

حسین شریعت

عباس شریعت

تکنسین آمار

حمید علیدوستی

کارشناس مسئول حسابداری

سیدمرتضی صحافی ابرقویی

مربی ورزش

جلال متین دوست

معاون اصلاح و تربیت

محسن شمس زارع

کارشناس فرهنگی

احمدرضا علیپور

امور دفتری و بایگانی

وحید حمیدی

متصدی امور دفتری

امیر اکبری

زندان قرچک ورامین



زندان قرچک معروف به زندان زنان شهرری، یکی از بدنام‌ترین زندانهای نظام ولایت‌فقیه است که در شوره‌زارهای اطراف قرچک ورامین احداث شده. جایی که در سالهای اخیر زنان زندانی از آن بعنوان نام مستعار جهنم و کهریزک دوم یاد می‌کنند

گفته شده این محل در ابتدا مرغداری بوده و سپس در اوائل دهه ۵۰ به زندان تبدیل شده اما پس از انقلاب در سال ۵۷ تخلیه و مدتی تعطیل و متروکه بوده. در ۱۳۸۱ پس از بازسازی مختصر به محل بازپروری معتادان تبدیل می‌شود

در سال ۱۳۸۹ در راستای سیاست گسترش زندانها، این محل به سازمان زندانها تحویل داده شد و از آن زمان بعنوان زندان زنان مورد استفاده قرار گرفت

ساختمان اصلی زندان متشکل از ۱۰ بند و تعدادی اماکن دیگر مانند آشپزخانه و سلولهای انفرادی و قرنطینه است. چند ساختمان برای بهداری و ملاقات و مهدکودک مخصوص فرزندان زنان زندانی، در سال ۹۳ ساخته شده

بندهای ۱ و ۲ مخصوص معتادان

سه و چهار مخصوص جرائم سنگین و خطرناک

پنج و شش بند مخصوص جوانان نامیده میشود

گفته می‌شود که بند ۷ این زندان مختص زندانیان غیر سیگاری است

بند ۸ که تحت عنوان بند مادران شناخته میشود از مهرماه ۹۹ محل نگهداری زندانیان سیاسی است

بند ۹ و ۱۰ این زندان معروف به بند مشاوره است

هرکدام از این بندها گنجایش کمتر از ۱۰۰ نفر را دارد اما بطور معمول بیش از ۲۰۰ زندانی در آنها نگهداری می‌کنند

از آنجا که این محل از ابتدا برای زندان ساخته نشده، فاقد زیرساختها و تاسیسات لازم برای چنین جمعیتی است. به همین دلیل زندانیان در آنجا تحت فشار مضاعف قرار دارند

زندان قرلحصار



زندان قزلحصار به عنوان یکی از بزرگترین و پرتراکمترین زندان‌های ایران، در زمینه خدمات بهداشتی، درمانی و رفاهی با بحرانی عمیق و مزمن مواجه است. این بحران نه تنها سلامت جسمی زندانیان را به خطر انداخته، بلکه از منظر انسانی و حقوق بشری، نقض آشکار اصول حداقلی رفتار با زندانیان طبق میثاق‌های بین‌المللی به شمار می‌رود.

زندان قزلحصار؛ کارخانه مرگ، شهری با ۱۷ هزار جمعیت در زنجیر
کانون حقوق بشر ایران، یکشنبه ۲۹ تیرماه ۱۴۰۴ – زندان قزلحصار، که در منطقه حصارک کرج و در حاشیه جاده مخصوص تهران-کرج واقع شده، یکی از بزرگترین و پرجمعیت‌ترین زندان‌های ایران و خاورمیانه محسوب می‌شود. این زندان در ابتدا در سال ۱۳۴۳ با هدف اسکان تعداد محدودی زندانی احداث شد، اما در طول زمان با افزایش سرکوب و تشدید معضلات اجتماعی چندین بار توسعه یافت و امروز به مجموعه‌ای عظیم با کارکردهای مختلف تبدیل شده است. در حال حاضر این زندان حدود ۱۷ هزار زندانی را در خود جای داده است که ترکیبی از محکومان مواد مخدر، زندانیان جرایم خشن، محکومان مالی و در مواردی محدود زندانیان سیاسی را شامل می‌شود.

قزلحصار از نظر سازماندهی داخلی، متشکل از ۹ اندرزگاه اصلی، ۷ سالن ملاقات، ۱۴ واحد ستادی و اداری، یک واحد قرنطینه، یک واحد ویژه موسوم به «واحد امن» برای زندانیان محکوم به اعدام یا انفرادی‌های تنبیهی، و همچنین یک بخش کشاورزی برای زندانیان موسوم به «رای‌باز» است. هر اندرزگاه در واقع یک مجموعه کوچک‌تر با چندین سالن و بند فرعی است که زندانیان را بر اساس نوع جرم، سابقه کیفری و گاه روابط غیررسمی میان مأموران تقسیم می‌کند. برخلاف استانداردهای جهانی که بر تفکیک طبقات زندانیان تأکید دارند، در قزلحصار اغلب زندانیان خطرناک، معتادان، بیماران روانی و حتی محکومان کم‌خطر در کنار یکدیگر نگهداری می‌شوند که این موضوع باعث گسترش خشونت، شیوع بیماری و افزایش جرم درون زندان شده است.



زندان قزلحصار

بحران در زندان قزلحصار

این زندان به دلیل فرسودگی زیرساخت‌ها و تراکم شدید، در وضعیت بحرانی قرار دارد. سلول‌ها و بندها، به‌طور معمول بیش از دو برابر ظرفیت طراحی‌شده پر می‌شوند. به عنوان مثال، در بسیاری از بندها سلول‌های ۳۰ متری که برای ۱۰ نفر طراحی شده‌اند، با ۴۰ تا ۵۰ زندانی پر می‌شوند، به‌گونه‌ای که زندانیان ناچار به نوبتی خوابیدن یا استراحت روی زمین‌های مرطوب و غیربهداشتی هستند. سیستم تهویه و نورپردازی زندان ناکافی است و در تابستان گرمای شدید و در زمستان سرمای طاقت‌فرسا. شرایط زندانیان را دشوارتر می‌کند.

کمبود فضای سبز و تفریحی، محدودیت دسترسی به هواخوری و عدم وجود امکانات فرهنگی یا ورزشی، باعث شده بسیاری از زندانیان دچار افسردگی، خشونت‌گرایی یا اعتیاد مجدد شوند. همچنین نبود امکانات آموزشی و حرفه‌آموزی، چرخه بزهکاری را تقویت کرده و عملاً زندان را از یک مرکز بازپروری به کارخانه تولید جرم بدل کرده است.

از نظر مدیریتی، زندان قزلحصار تحت اداره سازمان زندان‌های استان تهران است، اما در عمل روابط غیررسمی، فساد اداری و نفوذ باندهای مافیایی مواد مخدر، کنترل واقعی را از دست مدیریت رسمی خارج کرده و بسیاری از تصمیمات کلیدی توسط شبکه‌های غیرقانونی داخلی اتخاذ می‌شود. در حال حاضر ریاست این زندان برعهده الله کرم عزیزی است که به دلیل دست داشتن نقض قوانین حقوق بشری تحت تحریم‌های بین‌المللی قرار دارد. همچنین زندان قزلحصار به دلیل نقض قوانین حقوق بشری در زمستان ۱۴۰۳، تحت تحریم‌های آمریکا قرار گرفت.



بحران بهداشت، درمان و خدمات عمومی ۲.

زندان قزلحصار به عنوان یکی از بزرگترین و پرتراکمترین زندان‌های ایران، در زمینه خدمات بهداشتی، درمانی و رفاهی با بحرانی عمیق و مزمن مواجه است. این بحران نه تنها سلامت جسمی زندانیان را به خطر انداخته، بلکه از منظر انسانی و حقوق بشری، نقض آشکار اصول حداقلی رفتار با زندانیان طبق میثاق‌های بین‌المللی به شمار می‌رود.

وضعیت آب، بهداشت فردی و گرمایش

یکی از اساسی‌ترین مشکلات زندان قزلحصار، کمبود شدید آب سالم و پایدار است. تأمین آب این زندان متکی بر چند چاه عمیق است که در تابستان و ماه‌های گرم سال با کاهش سطح آب مواجه می‌شوند. گزارش‌های مستند حاکی از این است که در برخی مقاطع، قطع آب به مدت ۱۰ تا حتی ۲۵ روز ادامه یافته است. در چنین شرایطی، زندانیان برای شست‌وشو، آشامیدن یا حتی رفع نیازهای اولیه با دشواری‌های طاقت‌فرسا روبه‌رو می‌شوند. نبود آب کافی، موجب گسترش بوی تعفن، انباشت زباله‌های

آلوده و ایجاد محیطی نامناسب برای شیوع بیماری‌های عفونی شده است



زندان قزلحصار، قطع مستمر آب

سیستم گرمایش و تأمین آب گرم نیز ناکارآمد است. تا سال‌های اخیر آب گرم زندان از طریق دیگ‌های گازوئیلی تأمین می‌شد که همواره در معرض خرابی‌های فنی قرار داشت. با وجود تغییر سیستم به سوخت گاز، کمبود بودجه و فقدان تعمیرات دوره‌ای موجب شده که همچنان بخش‌های زیادی از زندان در فصول سرد بدون آب گرم باقی بماند. در زمستان، سرمای شدید کرج، همراه با نبود پوشاک مناسب، پتو و سیستم گرمایشی کارآمد، وضعیت زندانیان را به مرز بحران انسانی می‌رساند.

وضعیت سرویس‌های بهداشتی و نظافت عمومی

تعداد سرویس‌های بهداشتی موجود در هر اندرگاه متناسب با جمعیت بالای زندانیان نیست. در بسیاری از بندها، تنها ۴ تا ۵ توالت فرسوده برای استفاده بیش از ۳۰۰ زندانی وجود دارد. این توالت‌ها فاقد تهویه مناسب و شرایط بهداشتی اولیه هستند و اغلب پر از حشرات موزی می‌شوند. زندانیان مجبورند برای استفاده از سرویس‌ها ساعت‌ها در صف بمانند. سیستم دفع فاضلاب زندان نیز قدیمی و ناکارآمد است و بارها منجر به پس‌زدگی و بروز آلودگی در محیط زندان شده است.

حمام‌ها نیز به دلیل کمبود آب گرم، فشار ضعیف آب و ازدحام زندانیان، عملاً امکان استفاده کافی را فراهم نمی‌کنند. بسیاری از زندانیان هفته‌ها بدون استحمام می‌مانند که این امر باعث بروز بیماری‌های پوستی، شپش و قارچ‌های عفونی می‌شود. مواد شوینده و صابون نیز به قیمت‌های گزاف و از طریق فروشگاه زندان (وابسته به بنیاد تعاون) عرضه می‌شود که بسیاری از زندانیان توان خرید آن را ندارند.

درمانگاه و وضعیت خدمات پزشکی

درمانگاه مرکزی زندان قزلحصار از نظر تجهیزات، دارو و نیروی متخصص در وضعیتی بحرانی قرار دارد. این درمانگاه تنها در شیفت صبح فعال است و خدمات آن بسیار محدود به معاینه‌های سطحی و تجویز مسکن‌های ساده است. در شیفت عصر و شب، درمانگاه عملاً تعطیل است و در موارد اورژانسی، زندانیان باید ساعت‌ها و گاه روزها منتظر رسیدگی بمانند. پزشکان متخصص ندارند و زندانیان با بیماری‌های مزمن نظیر دیابت، آسم، صرع یا مشکلات قلبی در معرض خطر جدی قرار دارند.

اعزام زندانیان به بیمارستان‌های خارج از زندان با موانع متعدد اداری و امنیتی مواجه است. زندان به دلیل بدهی‌های سنگین به بیمارستان‌های دولتی و خصوصی، اغلب با امتناع از پذیرش بیماران روبه‌رو می‌شود. حتی در مواردی که اعزام انجام می‌شود، مأموران امنیتی زندان با اعمال فشار، مدت درمان را کوتاه کرده و بیمار را پیش از تکمیل روند درمان به زندان باز می‌گردانند.



شیوع بیماری سل در زندان قزلحصار

شیوع بیماری‌های عفونی و روانی

به دلیل ازدحام، کمبود امکانات بهداشتی، سوءتغذیه و نبود تهویه مناسب، بیماری‌های عفونی نظیر هپاتیت، سل، بیماری‌های پوستی و انگلی در زندان شیوع گسترده‌ای دارد. بیماران مبتلا به بیماری‌های مسری، برخلاف استانداردهای بهداشتی، از دیگر زندانیان جدا نمی‌شوند و این امر باعث انتقال سریع بیماری می‌شود. در دوران همه‌گیری کرونا، قزلحصار یکی از کانون‌های اصلی ابتلا بود و به دلیل نبود ماسک، مواد ضدعفونی‌کننده و خدمات پزشکی، تعداد قابل‌توجهی از زندانیان جان خود را از دست دادند.

از سوی دیگر، نبود خدمات روان‌شناختی و مشاوره، شرایط سخت حبس طولانی‌مدت، خشونت محیطی و ترس از شکنجه یا اعدام، موجب افزایش شدید اختلالات روانی در میان زندانیان شده است. موارد

متعددی از خودزنی، افسردگی شدید، توهم و حتی خودکشی گزارش شده است که به دلیل نبود پیگیری‌های درمانی، اغلب بدون ثبت رسمی باقی می‌مانند.

تغذیه ناکافی و فقدان استانداردهای تغذیه‌ای

کیفیت و کمیت غذای زندان بسیار پایین است. غذای روزانه عمدتاً از برنج نامرغوب، سوپ‌های آبکی و حبوبات کهنه تشکیل شده و فاقد پروتئین و ویتامین‌های ضروری است. این وضعیت باعث کمبود وزن، ضعف جسمانی، ریزش مو و شیوع کم‌خونی در میان زندانیان شده است. زندانیانی که خانواده‌ای در بیرون ندارند یا توان مالی خرید مواد غذایی از فروشگاه زندان را ندارند، عملاً در وضعیت سوءتغذیه دائمی قرار می‌گیرند.



ورودی زندان قزلحصار

شکنجه سیستماتیک و خشونت سازمان‌یافته ۳.

شکنجه و اعمال خشونت سازمان‌یافته در زندان قزلحصار نه یک رفتار استثنایی، بلکه بخشی از سازوکار تثبیت قدرت و کنترل زندانیان است. ساختار امنیتی زندان به گونه‌ای طراحی شده که زندانیان، به‌ویژه زندانیان سیاسی، عقیدتی و حتی برخی زندانیان عادی، همواره تحت فشار روانی، تهدید جانی و آزار جسمی قرار دارند. این شیوه سرکوب، هدفی دوگانه را دنبال می‌کند: نخست، ایجاد رعب و وحشت برای جلوگیری از هرگونه اعتراض و مقاومت جمعی؛ دوم، تحقیر و خرد کردن شخصیت زندانیان به‌گونه‌ای که امید به مقاومت در آنان از بین برود.



زندان قزلحصار؛ شکنجه سیستماتیک زندانیان توسط فریدون فرج‌نژاد

نقش فریدون فرج‌نژاد در مدیریت سرکوب

در رأس این شبکه خشونت، نام فریدون فرج‌نژاد به‌عنوان یکی از مسئولان ارشد زندان قزلحصار مطرح است. او که سابقه طولانی در مدیریت امنیتی زندان‌ها دارد، به‌عنوان «چهره اصلی سرکوب» شناخته می‌شود. زندانیان سابق او را فردی خشن، بی‌رحم و دارای گرایش‌های سادیستی توصیف کرده‌اند که اعمال شکنجه روانی را بخشی از برنامه روزانه خود قرار داده است.

فرج‌نژاد در جلسات بازجویی یا هنگام بازدید از اندرزگاه‌ها، از تهدیدهای مستقیم تا رفتارهای نمادین خشونت‌آمیز برای ایجاد وحشت استفاده می‌کند. نمونه مشهور رفتار او، دار زدن موش در برابر زندانیان است؛ اقدامی که به‌ظاهر بی‌اهمیت جلوه می‌کند اما هدف آن القای این پیام است که «سرنوشت شما هیچ ارزشی بیش از یک موش ندارد.» این نوع شکنجه روانی، بارها منجر به فروپاشی روحی زندانیان و بروز علائم استرس پس از سانحه شده است.

او در بین زندانیان به لقب «پیک مرگ» معروف شده، زیرا اغلب کسی است که خبر اجرای قریب‌الوقوع حکم اعدام را به زندانیان منتقل می‌کند، آن هم به شکلی تحقیرآمیز و همراه با تمسخر و تهدید. این رفتار باعث شده زندانیانی که منتظر اجرای حکم هستند، شب‌ها را در هراس دائمی و مرگی تدریجی سپری کنند.



انواع شکنجه‌های رایج

شکنجه‌های اعمال‌شده در قزلحصار به دو بخش جسمی و روانی تقسیم می‌شود.

شکنجه جسمی: شامل ضرب‌وشتم شدید با کابل، باتوم و شوکر برقی، آویزان کردن از سقف در وضعیت‌های دردناک، بستن زندانی به تخت فلزی در سلول‌های تاریک، و محرومیت عمدی از غذا و آب است. برخی زندانیان سیاسی گزارش داده‌اند که فرج‌نژاد شخصاً دستور داده تا افراد معترض را به اندرزگاه‌های خطرناک، در میان زندانیان خشن و وابسته به باندهای مافیایی، منتقل کنند تا مورد ضرب‌وشتم یا تعرض قرار گیرند.

شکنجه روانی: تهدید به تعرض جنسی، تهدید خانواده‌ها، ایجاد صدای مصنوعی اعدام در نیمه‌شب، وادار کردن زندانی به تماشای صحنه‌های اعدام دیگران، استفاده از سلول‌های انفرادی کوچک و تاریک و تحقیرهای مداوم لفظی از روش‌های رایج شکنجه روحی در این زندان است.

فرج‌نژاد با استفاده از همین روش‌ها، زندانیان را مجبور به امضای اعترافات ساختگی، همکاری اطلاعاتی یا پرداخت رشوه‌های کلان برای کاهش فشار کرده است.

واحد امن و اتاق‌های خاموش

بخشی از زندان که به نام «واحد امن» شناخته می‌شود، در اصل مرکزی برای اعمال شدیدترین شکنجه‌هاست. این واحد شامل چند سلول انفرادی بدون نور، تهویه و امکانات اولیه است که زندانیان به مدت طولانی در آن نگهداری می‌شوند.

بر اساس شهادت زندانیان سابق، فریدون فرج‌نژاد شخصاً بر روند بازجویی‌ها در واحد امن نظارت دارد و مأموران تحت امر او، از جمله افراد شناخته‌شده‌ای چون نبی سحرخیز، به‌عنوان مجریان اصلی شکنجه فعالیت می‌کنند.

استفاده ابزاری از اعدام به‌عنوان شکنجه

یکی از مخوف‌ترین روش‌های شکنجه روانی در قزلحصار، استفاده ابزاری از اعدام است. زندانیانی که در صف اعدام هستند، بارها و بارها به سلول‌های اعدام برده شده، چشم‌بند زده و تا پای چوبه دار کشیده می‌شوند، سپس در آخرین لحظه برگردانده می‌شوند. این تکرار، روح زندانی را می‌شکند و او را به مرز جنون می‌کشاند.

فرج‌نژاد بارها از این روش برای باج‌گیری از خانواده‌ها یا تحت فشار قرار دادن زندانیان سیاسی استفاده کرده است. گزارش‌هایی وجود دارد که او در ازای دریافت مبالغ کلان، اجرای حکم را به تعویق انداخته یا برعکس، در صورت نپرداختن رشوه، اجرای فوری حکم را تسریع کرده است.



پیامدهای روانی و اجتماعی شکنجه‌ها

پیامدهای این شکنجه‌ها تنها محدود به دوران حبس نیست، بلکه آثار آن سال‌ها پس از آزادی نیز ادامه دارد. زندانیان آزادشده از قزلحصار اغلب دچار اختلالات روانی شدید، کابوس‌های مکرر، از دست دادن اعتماد به نفس، و حتی فروپاشی کامل اجتماعی می‌شوند. خانواده‌های آنان نیز با تهدید و آزار مأموران امنیتی روبه‌رو هستند و در بسیاری موارد مجبور به سکوت یا مهاجرت اجباری شده‌اند.

فساد ساختاری و شبکه توزیع مواد مخدر در زندان قزلحصار ۴.

زندان قزلحصار نه تنها به عنوان یکی از مراکز اصلی اجرای احکام اعدام در ایران شناخته می‌شود، بلکه در سال‌های اخیر، به نمادی از فساد ساختاری و انحطاط درون‌سازمانی در نظام زندانبانی دیکتاتوری حاکم نیز بدل شده است. دو محور اصلی این بحران، شامل سوءاستفاده مالی در بنیاد تعاون زندان و شبکه گسترده و سازمان‌یافته توزیع مواد مخدر در درون زندان است.



زندان قزلحصار افشای شبکه فساد در زندان ؛ نقش بنیاد تعاون در توزیع مواد مخدر

بنیاد تعاون زندان قزلحصار – بستر فساد اقتصادی

بنیاد تعاون زندان قزلحصار که در ظاهر با هدف تأمین نیازهای اولیه زندانیان و ارتقاء شرایط معیشتی آنان فعالیت می‌کند، عملاً به یک بستر رسمی برای فساد اقتصادی گسترده تبدیل شده است. این بنیاد که انحصار فروش اقلام مصرفی، خوراکی و بهداشتی را در داخل زندان در اختیار دارد، کالاهایی را با کیفیت بسیار پایین و در عین حال با قیمتی چند برابر نرخ بازار به زندانیان عرضه می‌کند.

از آنجا که زندانیان در شرایط اقتصادی بسیار محدود و اغلب وابسته به کمک‌های خانواده یا درآمد ناچیز درون زندان هستند، این رویه فشار مالی مضاعفی را بر آن‌ها وارد می‌کند. زندانیانی که توان خرید ندارند، با تبعیض سیستماتیک مواجه می‌شوند و حتی در تأمین ابتدایی‌ترین نیازهای خود نیز دچار بحران می‌شوند.

در همین حال، مسئولان بنیاد تعاون بدون هیچ نظارت مؤثر و شفافیتی، مبالغ هنگفتی را از این تجارت ناعادلانه به جیب می‌زنند. شواهد نشان می‌دهد که هیچ‌گونه حسابرسی مستقل یا گزارش شفافیتی از گردش مالی این بنیاد ارائه نمی‌شود، و این شرایط، راه را برای اختلاس و فساد مالی گسترده هموار کرده است.



مافیای قدرت و مواد مخدر در زندان قزلحصار –
گزارش از درون زندان

شبکه توزیع مواد مخدر – هم‌دستی قدرت و قاچاق

جنبه‌ای نگران‌کننده‌تر از فساد ساختاری در زندان قزلحصار، به وجود یک شبکه سازمان‌یافته قاچاق و توزیع مواد مخدر در داخل زندان بازمی‌گردد. برخلاف تصور عمومی که زندان را مکانی با کنترل شدید امنیتی می‌پندارد، منابع متعدد تأیید کرده‌اند که انواع مواد مخدر، به‌ویژه شیشه و تریاک، به‌صورت منظم در بین زندانیان توزیع می‌شود و این روند با اطلاع و مشارکت مستقیم برخی از مسئولان زندان انجام می‌شود.

اسامی برخی از چهره‌های کلیدی این شبکه فساد عبارت‌اند از

مهندس بن رحمان رئیس شعبه بنیاد تعاون زندان قزلحصار، متهم به تسهیل ورود مواد از طریق مسیرهای رسمی توزیع کالا

امیر دهکده ، فرزند جوانفر و علی علی کاهی مسئولان خرید و امور مالی که در تأمین منابع مالی و پنهان‌سازی تراکنش‌های غیرقانونی نقش دارند

اکبر و جعفر رضوانی دو افسر امنیتی که وظیفه حفظ نظم را بر عهده دارند، اما در واقع از عاملان اصلی توزیع داخلی مواد هستند

نبی سحرخیز ناظر عملیاتی که بر روند توزیع و هماهنگی میان عوامل مختلف نظارت دارد وجود چنین شبکه‌ای در بطن یکی از نهادهای امنیتی کشور نه تنها نشان از ناکارآمدی سیستم قضایی دیکتاتوری حاکم دارد، بلکه عملاً بیانگر آن است که مرز بین نهادهای رسمی قدرت و گروه‌های تبهکار از بین رفته است. زندان، که باید محل اصلاح و مراقبت باشد، به جولانگاه مافیای مواد مخدر تبدیل شده و قربانیان اصلی این فساد، زندانیان عادی و بی‌دفاعی هستند که نه قدرت مالی مقابله دارند و نه پشتوانه‌ای برای احقاق حق

در این میان، نه تنها اقدامی برای اصلاح ساختارها انجام نشده، بلکه هر گونه اعتراض از سوی زندانیان یا خانواده‌های آن‌ها با سرکوب و تهدید مواجه می‌شود. انتشار چنین اطلاعاتی نیز با خطرات جدی همراه است و بسیاری از افشاگران داخلی با مجازات‌های سنگین روبرو شده‌اند.



افزایش روزهای اعدام در زندان قزلحصار

سلول‌های انفرادی زندان قزلحصار مملو از محکومان به مرگ؛ اعدام، سیاست رسمی سرکوب در میانه‌ی موجی بی‌پایان از اعدام‌ها که همچون سایه‌ای سنگین بر جامعه ایران گسترده شده است، زندان قزلحصار کرج بار دیگر به‌عنوان یکی از نمادهای سرکوب سیستماتیک، در کانون نگرانی‌های بین‌المللی قرار گرفته است. طبق آمار منتشره این زندان بیشتر آمار اعدام در سال را داشته است. بر اساس گزارش‌های معتبر و منابع موثق درون زندان، سلول‌های انفرادی این مرکز که به‌طور معمول با عنوان «واحد امن» شناخته می‌شوند و سابقاً برای مجازات‌های انضباطی استفاده می‌شدند، اینک کاملاً در اختیار محکومان به اعدامی قرار گرفته که در انتظار اجرای حکم خود هستند.

این تغییر کاربری واحد امن نشان از بحرانی عمیق‌تر دارد: گسترده‌ی بی‌سابقه احکام مرگ در زندان‌های ایران، به‌ویژه قزلحصار، که آن را به یکی از مراکز اصلی اجرای احکام اعدام در کشور بدل کرده است. در روزهای اخیر، به گفته شاهدان عینی و منابع آگاه، هیچ زندانی به دلیل تخلف انضباطی به سلول‌های انفرادی منتقل نشده است. دلیل این امر نه کاهش تخلفات که اشغال کامل این سلول‌ها توسط محکومان به مرگ است؛ کسانی که تنها منتظر فرا رسیدن نوبت خود در صف مرگ هستند.

صف مرگ در قزلحصار؛ بیش از یک فاجعه قضایی

تراکم شدید زندانیان محکوم به مرگ و صف طولانی اجرای احکام، سبب شده تا حتی مسئولان قضایی نیز از اداره این وضعیت ناتوان شوند. گزارش‌ها حاکی‌ست که شهریار، دادیار اجرای احکام، اخیراً با حضور در زندان قزلحصار، کوشیده تا امور مربوط به اجرای احکام را سامان دهد؛ اما حجم پرونده‌های انباشته، او را نیز با چالش جدی مواجه کرده است. این ناتوانی، خود مؤید بحران‌زایی اجرای گسترده احکام مرگ در دستگاه قضایی دیکتاتوری حاکم است.



زندان قزلحصار مملو از محکومان به مرگ

اعدام به مثابه سیاست؛ ترس، ابزار کنترل

اعدام در زندان قزلحصار دیگر نه یک ابزار استثنایی در مواجهه با جرائم جدی، بلکه به یک روال اداری و روزمره تبدیل شده است. گزارش‌ها نشان می‌دهند که علاوه بر چهارشنبه‌ها، که پیش‌تر روز معمول اجرای احکام اعدام بود، اکنون روزهای دوشنبه نیز به جمع روزهای اعدام در این زندان افزوده شده‌اند. این تصمیم، نه تنها نشانه افزایش ظرفیت اجرای احکام، بلکه حاکی از شتاب گرفتن اراده حاکمیت برای بهره‌گیری از اعدام به عنوان ابزاری سیاسی-امنیتی است.

افزایش شمار روزهای اجرای حکم، از یکسو نشان‌دهنده حجم بالای احکام معوق مانده، و از سوی دیگر، گویای این واقعیت است که اعدام، به سیاست رسمی نظام در برابر اعتراض، بحران مشروعیت و نارضایتی عمومی تبدیل شده است. ناظران حقوق بشری معتقدند که حاکمیت با بهره‌گیری از خشونت قضایی و عادی‌سازی اعدام، در پی بازتولید فضای رعب و کنترل بر بدنه ناراضی جامعه است.

قزلحصار؛ ماشین کشتار خاموش

زندان قزلحصار در کرج، طی سال‌های اخیر بارها به دلیل میزان بالای اعدام‌ها و شرایط غیرانسانی حاکم بر آن مورد انتقاد نهادهای حقوق بشری قرار گرفته است. این زندان با بیش از ۲۰ هزار زندانی، یکی از بزرگ‌ترین زندان‌های ایران محسوب می‌شود و به‌طور خاص در حوزه اجرای احکام اعدام، نقشی محوری دارد.

زندانیان این مرکز اغلب از اقشار کم‌درآمد و حاشیه‌نشین جامعه هستند؛ کسانی که نه از حق وکیل برخوردارند، نه امکان دادرسی عادلانه دارند و نه توان رسانه‌ای برای دفاع از خود یا جلب توجه افکار عمومی. بسیاری از احکام صادره علیه آن‌ها، فاقد شفافیت، مبتنی بر اعترافات تحت فشار و فاقد الزامات دادرسی عادلانه است. سازمان‌های حقوق بشری بارها نسبت به این روند هشدار داده‌اند، اما سران حکومت همچنان با بی‌اعتنایی به این هشدارها، مسیر سرکوب را ادامه می‌دهند.

اعلامیه حقوق بشر

نقض آشکار اصول جهانی حقوق بشر در زندان قزلحصار

افزایش گسترده اعدام‌ها در زندان قزلحصار و دیگر مراکز مشابه، به‌روشنی با اصول حقوق بشر در تضاد است.

قزلحصار بازتاب بحران انسانی عمیق

روایت تلخ قزلحصار، بازتاب‌دهنده یک بحران انسانی عمیق در دل ساختار بی‌عدالتی در دیکتاتوری حاکم است. ساختاری که از عدالت تهی و به ابزاری در خدمت سرکوب بدل شده است. سلول‌هایی که باید محل بازنگری و بازپروری باشند، به اتاق انتظار مرگ تبدیل شده‌اند. تا زمانی که این چرخه خشونت ادامه دارد، صدای قربانیان، وجدان جهانی را مخاطب قرار می‌دهد؛ برای توقف اعدام،

بازخواست ناقضان حقوق بشر، و پایان دادن به فرهنگ مرگ که به جای اصلاح، انتقام را به قاعده بدل کرده است.

زندان کرمان

زندان گوانتاناموی ایران

زندان کرمان (یا زندان شهاب کرمان) در بزرگراه هفت باغ – نرسیده به بزرگراه خمینی واقع شده است. کرمان از شهرستان های کویری، با هوای گرم و کم آب ایران است. زندان کرمان تبدیل به تبعیدگاهی برای زندانیان شده و شرایط آن، بدتر از گوانتانامو است

حدود ۱۰ هزار زندانی در زندان کرمان، با شرایط فوق العاده سخت و وحشتناک، محبوس هستند

زندان کرمان دارای ۹ بند است که شامل ۸ بند مردان و یک بند زنان است. به صورت کلی هر بند دارای ۳۰ اتاق است و برخی از بندها ۵۳ اتاق دارند

بندهایی که دارای ۵۳ اتاق هستند. جمعیتی حدود ۲۵۰۰ نفر را در خود جای می دهند. هر بند دارای ۱۴ سرویس بهداشتی و ۲ حمام است

در هر بند یک بوفه وجود دارد که البته چیزی جز قند، چای و کلوچه برای زندانیان نمی آورد

نام یکی از بندهای زندان کرمان، بند متخلفین است. در این بند، چند مأمور هستند که کارشان شکنجه زندانیان است. بازداشتی هایی را که سالم هستند و اعتیاد ندارند به این بند منتقل می کنند و آن قدر آن ها را شکنجه می کنند که زندانی بعدا باید به اجبار به قرص اعصاب و متادون روی بیاورد و اگر هم زندانی از این مواد مصرف نکند، آن قدر با باتون او را می زنند و شکنجه می کنند تا بخورد

زندانیان سیاسی در زندان کرمان

زندانیان سیاسی را داخل بندهای عمومی نمی برند و محل آن ها جدا است. شرایط و وضعیت آن ها بسیار سخت تر از سایر زندانیان است. شماری از زندانیان به دلیل اینکه مورد تعرض و تجاوز قرار گرفته بودند دست به خودکشی زدند

بهداشت در این زندان معنا ندارد. با وجود ۲ حمام در هر بند در صورتی که در زمانهای بیدارباش، هر زندانی ۵ دقیقه استحمام کند، حداکثر هر روز ۱۴۰ نفر می توانند از دوش آب استفاده کنند. به همین دلیل وجود شپش و ساس و همچنین بیماری های پوستی، زندانیان را به شدت آزار می دهد

بهداری زندان هم جز قرص مسکن و شربت برای سرماخوردگی هیچ دارویی ندارد. به رغم وجود هزاران زندانی، تنها ۲ روز در هفته پزشک در زندان حضور دارد

زندانیانی که به بیماری‌های سخت مبتلا شوند، به‌دلیل در دسترس نبودن پزشک و دارو و رسیدگی‌های درمانی، جان خود را در این زندان از دست می‌دهند. از جمله باید به اکبر زینلی و محمدعلی کاکوی اشاره نمود که بخاطر عدم دسترسی به دکتر و دارو جان خود را از دست دادند

وضعیت غذایی در زندان کرمان

هر شب یک قرص نان برای ۲۴ ساعت به هر زندانی داده می‌شود. برای صبحانه‌ها یک تخم مرغ سهم هر زندانی است

در وعده غذایی ناهار، عموماً به زندانیان برنج می‌دهند. این غذا بقدری خشک است که قابل خوردن نیست و اگر هم کسی مجبور باشد آن را بخورد میزان آن بقدری کم است که سیر نمی‌شود

در وعده غذایی شام، عموماً به زندانیان عدسی می‌دهند

به گفته زندانیان و خانواده‌های آنان روز یکشنبه هر هفته، دستکم ۱۱ زندانی را برای اعدام می‌برند. براساس تخمین‌ها، بیش از ۲ هزار زندانی در این زندان زیر حکم اعدام هستند

در زندان کرمان هر هفته از شنبه تا چهارشنبه ملاقات زندانی‌ها با اعضای خانواده‌هایشان هست و هر کدام به نوبت برای ملاقات حاضر می‌شوند

مدت ملاقات کابینی ۲۰ دقیقه است ولی به‌هیچ‌کس حتی به یک ربع هم نمی‌رسد

تعداد باجه‌های تماس ۴۰ عدد است که به جز ۱۲ کابین، بقیه‌اش خراب است. در این ۱۲ کابین هم زندانیان به نوبت صحبت می‌کنند که سایرین هم بتوانند با خانواده‌هایشان احوالپرسی کنند

مدت ملاقات حضوری ۱۵ دقیقه است که به خاطر مشکلات رفت‌وآمد خانواده‌ها و فشاری که مأمورین زندان با بدرقتاری و توهین به آن‌ها وارد می‌کنند، نمی‌ارزد

این گوشه‌ای از وضعیت جهنمی زندان کرمان در حکومت خامنه‌ای است

سران حکومت تلاش می‌کنند، هر چه بیشتر شرایط زندان را برای زندانیان سخت‌تر کنند. تا هر اعتراضی را در نطفه خفه کنند. بنابراین وظیفه ما و شما افشای هرگونه اطلاعات و جنایات این حکومت در زندان‌ها می‌باشد. لذا از شما درخواست کمک و همکاری داریم

زندان لاکان رشت



در زندان لاکان رشت، زندانیان در محیط‌هایی بسیار آلوده و طاقت‌فرسا، بدون امکانات ایمنی یا بهداشتی، به کارهای سخت و سنگین گمارده می‌شوند. برخلاف ادعاهای نهادهای حکومتی که مدعی شرایط مطلوب برای زندانیان رای‌باز هستند، واقعیت کاملاً متفاوت و نگران‌کننده است. زندانیان رای‌باز در کارگاه‌های مختلف به کارهای سنگین و غیربهداشتی مشغول‌اند و در بسیاری موارد، دستمزدی دریافت نمی‌کنند یا مبالغ ناچیزی بین ۵۰ تا ۳۰۰ هزار تومان به آن‌ها پرداخت می‌شود. این در حالی است که رسانه‌های حکومتی ادعا می‌کنند این زندانیان «حقوقی برابر با کارمندان» دریافت می‌کنند. بسیاری از این زندانیان که متأهل و اجاره‌نشین هستند، با این مبالغ ناچیز در تنگنای مالی شدیدی قرار دارند.

وضعیت بهداشت صنعتی

بخشی از زندانیان در کارخانه بازیافت زباله مشغول به کارند، جایی که در تماس مستقیم با زباله‌های شهری، پسماندهای بیمارستانی و مواد شیمیایی خطرناک قرار دارند. این افراد بدون دستکش، ماسک یا لباس محافظ، در محیطی مملو از بوی تعفن و زباله‌های آلوده کار می‌کنند. تماس مداوم با این مواد، بیماری‌های پوستی، تنفسی و عفونت‌های مزمن را برای آن‌ها به دنبال داشته است. گروهی دیگر از زندانیان در کارگاه‌های پالت‌سازی فعالیت می‌کنند. این کارگاه‌ها پر از گرد و غبار ناشی از دستگاه‌های برش و سایش است و به دلیل نبود تهویه مناسب، شرایطی کاملاً غیربهداشتی دارد. زندانیان بدون تجهیزات ایمنی، ساعت‌ها در معرض آلودگی‌ها قرار دارند و از کمترین حقوق و دستمزد محروم‌اند.

تبعیض فاحش بین زندانیان عادی و زندانیان حکومتی در زندان لاکان رشت به شدت مشهود است. زندانیان محکوم به اختلاس‌های کلان، در اتاق‌های راحت و با لباس‌های مرتب، بدون هیچ فشار کاری پشت میز می‌نشینند. بسیاری از زندانیان عادی تصور می‌کنند این افراد کارمند زندان هستند، نه مجرمان.

اقتصادی. این تبعیض، خشم و احساس تحقیر را در میان زندانیان عادی برانگیخته است؛ افرادی که اغلب قربانی بحران‌های اقتصادی و فساد همین وابستگان حکومتی‌اند و حالا باید در شرایط غیرانسانی کار کنند یکی از دردناک‌ترین موارد، داستان زندانی میانسانی است که به دلیل ورشکستگی اقتصادی به دام نزول‌خواران افتاده و اکنون به جای طلبکار، خود در زندان است. این زندانی خوشنام با تحقیر و توهین به کارهای نظافتی کثیف زندان واداشته شده است

فراخوان برای افشای جنایات زندان‌ها

این گزارش تنها گوشه‌ای از تبعیض، تحقیر و بیگاری در زندان لاکان رشت را نشان می‌دهد؛ واقعیتی تلخ که کاملاً برخلاف ادعاهای حکومتی مبنی بر شرایط انسانی و حقوق مناسب برای زندانیان رای‌باز است. این نمونه‌ای روشن از بی‌عدالتی و دروغ‌گویی سیستماتیک است. از همه هموطنان و خانواده‌های زندانیان درخواست می‌کنیم اطلاعات خود از وضعیت زندان‌های کشور را در اختیار ما قرار دهند. با افشای این واقعیات و همکاری با نهادهای حقوق بشری و بین‌المللی، می‌توان رژیم را برای پاسخگویی و تغییر این شرایط غیرانسانی تحت فشار قرار داد.

زندانیان زندان لاکان رشت روزها و هفته‌ها بدون دسترسی به فضای باز در سلول‌ها و بندهای کوچک محبوس هستند

کانون حقوق بشر ایران، شنبه ۴ مردادماه ۱۴۰۴ – گزارش‌های تازه از درون زندان لاکان رشت، پرده از شرایطی غیرانسانی و طاقت‌فرسا برای زندانیان سیاسی و عقیدتی برمی‌دارد. این زندان، که اکنون به نمادی از نقض گسترده حقوق بشر در شمال کشور تبدیل شده است، زندانیان را از ابتدایی‌ترین حقوق انسانی مانند هواخوری، ورزش و فعالیت‌های هدفمند محروم کرده و آنان را در یک چرخه بی‌پایان از فشارهای روانی، مالی و جسمی گرفتار کرده است



زندان لاکان رشت

حذف هواخوری؛ محبوس در چهاردیواری تنگ و خفه

به گفته منابع آگاه، زندانیان زندان لاکان رشت روزها و هفته‌ها بدون دسترسی به فضای باز در سلول‌ها و بندهای کوچک محبوس هستند. وعده ساخت محوطه هواخوری که بارها از سوی مسئولان داده شده،

هرگز محقق نشده است. تنها زمان‌های اندک خروج از بند، مربوط به ملاقات با خانواده یا مراجعه به بهداری است؛ آن هم در شرایطی که بهداری این زندان تقریباً خالی از امکانات پزشکی مؤثر است.

این محرومیت اجباری از تنفس در فضای آزاد، باعث بروز بیماری‌های تنفسی، ضعف جسمانی، افسردگی‌های شدید و تنش‌های روانی در میان زندانیان شده است. بسیاری از آنان ماه‌هاست نور خورشید را ندیده‌اند و در یک فضای محدود و تاریک روزگار می‌گذرانند.



زندان لاکان رشت

امکانات ورزشی فقط برای مأموران، نه زندانیان

گرچه در ظاهر، این زندان دارای زمین فوتسال و برخی تجهیزات ورزشی است، اما این امکانات تنها در اختیار مأموران زندان و پرسنل قرار دارد. زندانیان حتی اجازه نزدیک شدن به این فضاها را ندارند و عملاً هیچ فعالیت فیزیکی و برنامه تفریحی یا فرهنگی برای آنان در نظر گرفته نشده است.

نبود فعالیت بدنی، به همراه فشارهای روانی ناشی از بلاتکلیفی قضایی و شرایط غیرانسانی زندان، موجب افزایش بیماری‌های جسمی و روانی، شوک‌های عصبی و درگیری‌های داخلی میان زندانیان شده است.

بلاتکلیفی قضایی؛ وثیقه‌ای که صادر نمی‌شود

بسیاری از زندانیان سیاسی زندان لاکان، حتی پس از گذشت ماه‌ها از بازداشت‌شان، همچنان در وضعیت بلاتکلیف به سر می‌برند. دستگاه قضایی نه تنها برای آنان وثیقه صادر نمی‌کند، بلکه عمداً با طولانی کردن فرآیند دادرسی، آنان را در یک بلاتکلیفی فرسایشی نگاه می‌دارد. این رفتار، برخلاف اصول قانونی و حقوق بشری است و نشان از سیاست فشار روانی بر زندانیان دارد.



سعید قلیپور کسب قدرت و ثروت با قربانی کردن زندانیان

فساد ساختاری و سوءاستفاده مالی زیر سایه مدیریت جدید

با انتصاب سعید قلیپور به ریاست زندان لاکان رشت، شرایط به جای بهبود، به شدت وخیم تر شده است. طبق شهادت زندانیان و گزارش های رسیده، وی سیاستی سرکوبگرانه را در پیش گرفته که شامل

- کاهش امکانات بهداشتی و درمانی
- تحمیل هزینه های سنگین برای نیازهای اولیه زندانیان
- گسترش فساد مالی در مدیریت فروشگاه و خدمات زندان
- ایجاد فشار روانی و امنیتی بر زندانیان سیاسی

این اقدامات باعث شده است که زندانیان مالی و سیاسی بیش از گذشته در تنگنای معیشتی، روانی و جسمی قرار گیرند. گزارش ها حاکی از این است که حتی برای دسترسی به آب آشامیدنی سالم، زندانیان مجبور به پرداخت هزینه های گزاف هستند و هرگونه خدمات درمانی عملاً پولی شده است.

زندان لاکان رشت اکنون نه تنها محلی برای اجرای مجازات قانونی نیست، بلکه به مرکزی برای نقض سازمان یافته حقوق بشر تبدیل شده است. زندانیان در این مرکز، در کنار فشارهای روحی و جسمی، با تهدید، تحقیر و حتی کار اجباری روبه رو هستند. منابع موثق تأیید کرده اند که برخی زندانیان به اجبار در پروژه های کارگری زندان به کار گرفته می شوند و هیچ دستمزدی دریافت نمی کنند.

زندان لردگان

زندان لردگان در جنوب شرقی شهر لردگان در بلوار پرستار محدوده ای بیرون از مناطق مسکونی واقع شده است. گزارشی که مشاهده می کنید. با استناد به زندانی های آزاد شده از زندان لردگان و خانواده های آنها تهیه شده است. اطلاعات این زندان تا به حال افشاء نشده است. به همین دلیل بسیاری از جنایت های مقام ها و مامور های این زندان مانند بسیاری از زندان ها پنهان مانده است

البته مقامات زندان لردگان به زندانی‌ها القاء می‌کنند که هرگونه اعتراض و یا رساندن اخبار زندان به بیرون بهای سنگینی در پی دارد. این گزارش نشان می‌دهد که تهدید آنها مؤثر واقع نشده و این فشارها و اعمال جنایتکارانه آنها بر علیه خودشان به کار خواهد آمد. جنایتکاری به نام اسلام حسنی هست که از طریق برادرش در دادگستری به اداره زندان لردگان وارد و در کمتر از ۳ ماه رئیس بند میشود

او تا قبل از بدست آوردن این شغل یکی از اوباش جامعه بود. ولی از طریق وارد کردن مواد مخدر به زندان و بیگیری کشیدن از زندانی‌ها در هم‌دستی با سایر مقام‌ها صاحب مال و اموال می‌شود

حسنی حدود ۳ سال است که رئیس بند شده و در این مدت هر زندانی که به وضعیت زندان اعتراض می‌کرد مورد ضرب و شتم قرار می‌گرفت. وی زندانیان را تهدید می‌کرد که حق صحبت راجع به مشکلات زندان را ندارند. اگر یک زندانی شجاعت به خرج می‌داد و حرفش را می‌زد او را به باد کتک گرفته و به انفرادی می‌انداختند. حتی ملاقات زندانی را لغو می‌کردند

زندان لردگان و شکنجه بازداشت شدگان

در زندان لردگان علاوه بر فشار و شکنجه بر علیه زندانی‌ها، فساد گسترده‌ای نیز در میان مقام‌های آن حاکم است. در گزارشی، تعرض به یک زندانی جوان آمده که وی با ناراحتی موضوع را به هم بندی‌هایش می‌گوید. زندانی‌های خشمگین پشت جوان قرار گرفته و او دست به شکایت بر علیه حسنی فاسد می‌زند. وی برای پوشاندن این فضاحت پیشنهاد حق سکوت می‌دهد. اما زندانی با شجاعت خانواده خود را در جریان این عمل ننگین قرار می‌دهد

در یکی از گزارش‌ها آمده، یک زندانی رو در بیرون از بند ۵ ساعت کتک زده و به انفرادی می‌اندازند. بعد از چند ساعت موهای ریش و سرش را تراشیده بودند وارد بند می‌کنند. وقتی زندانی‌ها وی را با سر و صورت کبود می‌بینند، دست به شورش زده و دوربین‌ها و تلویزیون‌ها را خرد می‌کنند. زندانیان‌ها که ترسیده بودند با ترفند، قرآن بدست گرفته و می‌گویند که اشتباه کرده‌ایم. بیائید صحبت کنیم. ولی زندانی‌ها را ۲۷ روز با دستبند و پابند در محوطه زندان، انداخته و مجازات می‌کنند

در گزارش دیگری آمده که یک زندانی به مدت ۶ ماه جیره کتک با دستبند و پابند داشته که هر روز ساعت ۵ بعد از ظهر بر وی اعمال می‌شد

این گوشه‌ای از وضعیت جهنمی یکی از زندان‌های حکومت خامنه‌ای است. افشای جنایات انجام شده در زندان‌ها در داخل و خارج از کشور و واکنش‌های ناشی از این افشاگری‌ها مقام‌های زندان‌ها را وحشت‌زده کرده و ادامه این جنایات را برای آنها سخت‌تر می‌کند. پس وظیفه همه ما افشای هر گونه اطلاعات و جنایات این حکومت در زندان‌ها است. از شما درخواست داریم تا با کمک و همکاری خود جنایت‌های این حکومت در قبال زندانی‌ها را هر چه سریع‌تر افشاء کنیم

زندان لنگرود قم



زندان لنگرود یا زندان مرکزی قم در جنوب شرقی شهر در جاده قم – کهک، بلوار خلیج فارس واقع شده است. این زندان در کنار مرکز آموزش فنی و حرفه‌ای موسوم به امام حسن که زندان است و در امتداد قانون اصلاح و تربیت نوجوانان قرار گرفته است. در دهه نود این زندان به گوانتاناموی ایران معروف شده بود.

زندان لنگرود قم، دارای ۱۲ بند است که در هر بند ۱۰ اتاق وجود دارد

بندهای ۱ و ۲ و ۳ – متادون

بند ۴ – جوانان

بندهای ۵ و ۶ و ۷ – جرائم عمومی

بند ۸ – جرائم مالی

بند ۹ و ۱۰ – زندانیانی که قرآن را خوانده و حفظ می‌کنند تا از زندان مرخصی بگیرند

بند ۱۱ – زندانیان سیاسی

بند ۱۲ – بند زنان

در این زندان دستکم ۲۵۰۰ زندانی محبوس هستند. زندانیان سیاسی در زندان لنگرود قم حدود ۳۰۰ تن می‌شوند.

در هر بند ۱۰ سرویس بهداشتی و ۶ حمام وجود دارد. آب گرم بطور معمول هر روز بین ساعت ۲ تا ۵ بعدازظهر باز است و در بقیه ساعتها، زندانیان از آب گرم محروم هستند

در هر اتاق بیشتر از ۲۰ زندانی حبس شده که فقط ۱۵ نفر آنان تخت دارند و بقیه به صورت کف خواب باید شب را به روز برسانند.

وضعیت بهداری زندان لنگرود قم

به بیماری زندانیان هیچ اهمیتی داده نمی‌شود. برای بردن بیماران به بهداری و امداد خیلی معطل می‌کنند و زندانی را به این ترتیب شکنجه می‌دهند. دارو هم اگر داشته باشند یا نمیدهند و یا به سختی میدهند. در صورت حاد شدن وضعیت بیمار، زندانی را برای ویزیت دکترهای بیرون می‌برند، ولی پولش را از زندانی می‌گیرند.

بخش‌های جانبی زندان لنگرود قم

در کنار زندان لنگرود قم ۲ بخش جانبی نیز وجود دارد؛

اردوگاه اشتغال‌زایی زندان لنگرود قم که مثل سایر مراکز به منظور بیگاری کشیدن از زندانیان و ۱- سرقت دستمزدهای آنها می‌باشد. طبق قرارداد استاندارد، سه چهارم حقوق زندانیان به مدیران زندان تعلق گرفته و تنها یک چهارم حقوق به زندانی تعلق می‌گیرد

کانون اصلاح و تربیت زندان لنگرود قم محل نگهداری کودکان و نوجوانان زندانی است. این ۲- مراکز که محل بسیاری از جنایات ایادی حکومت است به دلیل نظام سرکوب و شکنجه‌ای که بر آن حاکم است با نابود کردن شخصیت کودکان و نوجوانان زندانی آنها را برای انجام جرم‌های بزرگتر آماده می‌کند.

افشای جنایات رژیم در زندان‌ها

این گوشه‌ای از وضعیت جهنمی زندان‌ها در حکومت خامنه‌ای است. ضروری است که با افشای جنایات رژیم جامعه بین‌المللی را وادار کنیم تا به اقدامات قاطع‌تری برای فشار بر این حکومت به منظور احترام به حقوق بشر و حقوق زندانیان و بهبود شرایط زندان‌ها انجام دهد. بنابر این از همه مردم درخواست کمک و همکاری داریم.

رؤسا و شکنجه‌گران زندان لنگرود قم

کریمی رئیس زندان

مهدی زاده، نادعلی و عسگری رئیس بندها

رفیعی رئیس حفاظت

محمدی قاضی ناظر زندان

قریب دادستان

داوودآبادی قاضی شعبه اول دادگاه انقلاب

مرادگنجه، گودرزی و جابریان

سه آخوندی که در زندان به اصطلاح مشغول کار فرهنگی و برگزاری نماز جماعت اجباری و یا کلاس احکام برای زندانیان هستند

این افراد کارشان فشار و شکنجه زندانیان و اجرای احکام اعدام است. آنها زندانیانی که دوران حبس خود را می‌کشند. یک روز با قطع سیگار، یک بار با بستن چراغ خانه، یک روز دیگر با قطع تماس تلفنی با خانواده‌هایشان تحت فشار قرار می‌دهند.

زندان میانه

زندان میانه، واقع در استان آذربایجان شرقی، نمونه‌ای بارز از نقض سیستماتیک حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران است. این زندان که در حال حاضر بیش از ظرفیت خود زندانی دارد، شرایط غیرانسانی و اسفناکی را بر زندانیان، اعم از سیاسی و غیرسیاسی، تحمیل می‌کند

شرایط نامناسب نگهداری

فراوانی جمعیت: زندان میانه با جمعیتی بیش از 300 نفر، به طور قابل توجهی فراتر از ظرفیت خود زندانی دارد. این تراکم جمعیت منجر به کمبود شدید فضای مناسب و تهویه نامناسب هوا می‌شود که خطرات جدی برای سلامتی زندانیان به همراه دارد.

عدم تفکیک جرائم: در این زندان، شاهد نقض آشکار اصل تفکیک جرائم هستیم. زندانیان سیاسی در کنار مجرمان عادی نگهداری می‌شوند که این امر امنیت جانی و روانی آنها را به خطر می‌اندازد.

شکنجه و آزار: گزارش‌های متعددی از شکنجه و آزار زندانیان، به خصوص توسط مأمورین آگاهی، در زندان میانه دریافت شده است. این اقدامات غیرانسانی در تضاد آشکار با قوانین بین‌المللی و حقوق اولیه انسانی است.

وضعیت نامناسب تغذیه و بهداشتی در زندان میانه

غذای بی‌کیفیت و کم‌ارزش: زندانیان در زندان میانه از سوءتغذیه رنج می‌برند. وعده‌های غذایی غالباً از نان بی‌کیفیت، برنج شفته و خورشت بدون گوشت تشکیل شده و به میزان کافی برای رفع نیازهای غذایی زندانیان نیست.

کمبود امکانات بهداشتی: وضعیت بهداشتی در زندان میانه بسیار نامناسب است. حمام و سرویس‌های بهداشتی به تعداد کافی وجود ندارد و دسترسی به مواد شوینده و ضدعفونی‌کننده محدود است. این امر منجر به شیوع بیماری و عفونت در بین زندانیان می‌شود.

محرومیت از خدمات درمانی: در زندان میانه، پزشک و دارو به ندرت یافت می‌شود. به زندانیان صرفاً قرص مسکن داده می‌شود و آنها برای دریافت داروهای ضروری باید هزینه آن را خودشان بپردازند

شرایط غیرانسانی حاکم بر زندان میانه، ننگ بشریت در سده بیست و یکم است. سکوت در برابر این جنایات غیرقابل قبول است

وظیفه شهروندان: هر شهروند وظیفه دارد که در برابر ظلم سکوت نکند و هر گونه اطلاعاتی از جنایات در زندان‌ها را افشا کند

وظیفه جامعه بین‌المللی: جامعه بین‌المللی باید با اقدامات قاطعانه، رژیم جمهوری اسلامی را تحت فشار قرار دهد تا به حقوق بشر و حقوق زندانیان احترام بگذارد و شرایط زندان‌ها را به طور اساسی بهبود بخشد

زندان نظام شیراز



زندان نظام شیراز، که به «زندان شماره ۲ شیراز» نیز معروف است، در محله احمدی جنوبی، بلوار رحمت شرقی و کنار خیابان سپاه شمالی واقع شده است

ساختار زندان

این زندان یک ساختمان دو طبقه است که هر طبقه آن دارای هشت اتاق است. هر اتاق معمولاً بین ۸ تا ۱۰ تن را در خود جای می‌دهد، اما گاهی این تعداد به ۱۵ تا ۱۸ تن هم می‌رسد. این زندان پیش‌تر مخصوص زندانیان نظامی بود، اما اکنون یک بند برای روحانیون و متهمان جرائم مالی دارد. زندانیان سیاسی در این زندان به صورت رسمی نگهداری نمی‌شوند، اما در مواردی افراد سیاسی به اینجا منتقل شده‌اند، که برای افزایش فشار و شکنجه است.

تعداد کل زندانیان این زندان حدود ۲۰۰ تن است، اما معمولاً این آمار کمتر از این مقدار است. بخش نظامیان که در طبقه پایین قرار دارد، اغلب خالی است.

مقامات زندان شرایط را برای زندانیان نظامی سهل گرفته‌اند. برخی از آن‌ها تا سه روز در هفته به مرخصی می‌روند. حتی کسانی که حکم‌های سنگین دارند، پس از چند ماه یا حداکثر یکی دو سال آزاد می‌شوند و به طور منظم به خانه‌هایشان سر می‌زنند. این روند در واقع نوعی تظاهر به اجرای قانون است تا نشان دهند که نظامیان نیز پاسخگو هستند.

وضعیت غذایی

کیفیت غذا در زندان نظام شیراز بسیار پایین است و اغلب بوی نامطبوعی دارد. مواد غذایی مورد استفاده نامشخص است و بسیاری از زندانیان غذای خود را دور می‌ریزند. عدسی‌ها پر از ریگ و سنگ هستند و صبحانه‌ها بیشتر شامل پنیر، خیار، حلوا شکری یا کره و مربای نامرغوب است. غذاهای زندان بیشتر تاریخ گذشته یا در آستانه انقضا هستند؛ برای مثال، سوسیس تاریخ گذشته یا دوسه روز مانده به انقضای تاریخ مصرف به زندانیان داده می‌شود.

سویاپلو بخشی وعده‌های نهار است. برای شام، پنیر، تخم‌مرغ آب‌پز، سیب‌زمینی آب‌پز یا عدسی می‌دهند. قیمت مواد غذایی در فروشگاه زندان نیز بسیار بالاتر از قیمت واقعی است و اعتراض‌های زندانیان در این زمینه نادیده گرفته می‌شود.

بهداری زندان

زندان نظام شیراز پزشک ندارد و رئیس زندان اجازه ورود برخی داروها را نمی‌دهد. درمان‌ها اغلب به قرص یا شربت محدود می‌شود و مشکلات جدی پزشکی مانند درد کلیه به طور کامل نادیده گرفته

می‌شود. در یک مورد زندانی اقدام به خودزنی کرد، اما نگهبانان زندان به جای کمک، تنها نظاره‌گر بودند و حتی می‌خندیدند. یکی از مشکلات شایع در زندان دندان‌درد است که زندانیان ماه‌ها از آن رنج می‌برند و هیچ امکان درمانی وجود ندارد. پس از مدت‌ها درخواست، یک دندان‌پزشک به زندان آمد، اما او نیز ابزارهای لازم برای درمان را نداشت و بعد از کشیدن دندان چند نفر دیگر بازنگشت.

بیگاری زندانیان

در زندان نظام شیراز، کارگاهی برای جوراب‌بافی وجود دارد که زندانیان از صبح تا هفت شب در آن کار می‌کنند و در پایان ماه دستمزدی بسیار اندک دریافت می‌کنند. برخی زندانیان برای پر کردن وقت خود به این کار تن می‌دهند و برخی دیگر به دلیل فقر و نیاز مالی مجبور به کار کردن می‌شوند. علاوه بر این، زندانیان برای کارهای ساختمانی و تعمیراتی مانند لوله‌کشی، برق‌کاری و نقاشی ساختمان نیز مورد استفاده قرار گرفته و از آنها بیگاری می‌کشند. این زندان نمادی از سرپوش گذاشتن بر مشکلات و سوءاستفاده از قدرت در حکومت خامنه‌ای است، جایی که در آن از حقوق انسانی زندانیان صرف‌نظر می‌شود و لکه ننگی بر پیشانی این رژیم است. اما ما با افشای اطلاعات و جنایات زندانها میتوانیم فشار را بر این حکومت بیشتر کنیم بنابر این از شما درخواست کمک و همکاری داریم.

زندان نقده

زندان نقده در شمال‌شرق شهرستان نقده در خیابان محمدیار واقع شده است. این زندان برای ۱۸۰ تن ساخته شده ولی بیش از ۴۳۰ زندانی، یعنی نزدیک به ۳ برابر ظرفیت واقعی در آن نگهداری می‌شوند. زندانیان نه تنها تخت ندارند بلکه تعداد زیادی روی زمین و تا جلوی دستشویی می‌خوابند.

وضعیت فاجعه بار زندان نقده

در این زندان اصل تفکیک جرائم رعایت نشده و زندانیان جرائم اجتماعی و سیاسی در یک مکان نگهداری می‌شوند. این اقدام به منظور تنبیه و فشار بر روی زندانیان سیاسی است و مقامات زندان به این صورت زندانیان سیاسی را سرکوب می‌کنند.

طبق گزارشات موثق، وضعیت بهداشتی و غذایی زندان بشدت نا مناسب است.

روز پنجشنبه ۲۱ اردیبهشت ماه ۱۴۰۳ خانواده های زندانیان محبوس در زندان نقده در اعتراض به عدم رسیدگی به پرونده های زندانیان خود و عدم اعطای مرخصی به آنها و نبود تسهیلات در مقابل زندان دست به اعتراض زدند

وضعیت غذایی زیر حداقل ها

وضعیت غذای زندان فاقد مینی مم ها است. ضمن اینکه همین غذای بی کیفیت نیز به اندازه ای نیست که زندانیان را سیر کند

گوشت قرمز و گوشت مرغ از برنامه غذایی زندان حذف شده است. ناهار عمدتاً برنج - کرفس و بعضی روزها عدس پلو است، شام لوبیای فاسد، و.. است. صبحانه، یک قطعه کوچک پنیر یا یک قطعه کوچک کره و مربا به زندانیان داده می شود. زندانیان بارها در این مورد دست به اعتراض زده اند ولی نتیجه ای نگرفته اند.

تجارت مواد مخدر توسط مقامات زندان

در زندان نقده تعدادی از زندانیان به دلیل مصرف بیش از حد متادون و قرص های روان گردان که از طرف مسئولین زندان بوفور در اختیار زندانیان قرار می گیرد دچار بیماری شده و تعادل روحی و روانی خود را از دست داده اند

با همکاری مقامات زندان مواد مخدر به میزان زیادی به زندان وارد و به زندانیان فروخته می شود و تجارت مواد مخدر تبدیل به یک منبع درآمد برای مسئولین زندان شده است

این گزارش گوشه ای از وضعیت زندان ها در حکومت خامنه ای است. مقامات زندان از طرف سران حکومت با سخت کردن شرایط زندان می خواهند زندانیان را تحت شرایط ضد انسانی خود وادار به سکوت و پذیرش کنند. در صورتیکه افشای جنایات انجام شده در زندان ها در داخل و خارج از کشور پیامدهایی دارد. در نتیجه سران حکومت را وحشت زده کرده و ادامه این جنایت ها را سخت تر می کند

زندان وکیل آباد مشهد



زندان وکیل آباد مشهد یا همان زندان مرکزی مشهد، بیش از این در خیابان ارگ، پاسداران فعلی واقع بود و سپس به وکیل آباد در نزدیکی کوهستان پارک شادی منتقل گردید. این زندان دارای ۱۰ بند است.

بنا به گفته مدیر زندان مرکزی مشهد، بیش از ۸ هزار زندانی در این زندان در حال گذراندن دوره حبس خود هستند. این افراد به دلیل ارتکاب جرایم اجتماعی مانند سرقت، مواد مخدر، اختلافات خانوادگی و سرقت روانه زندان شده اند. البته شمار زیادی از زندانیان نیز به اتهامات سیاسی و همچنین زندانیان اهل سنت نیز در این زندان محبوس هستند.

زندان وکیل آباد مشهد بدلیل اینکه یک شهر زیارتی است و افراد از شهرهای مختلف به آن سفر می کنند، ناهمگون ترین زندانهای ایران است. این زندان ظاهراً برای ۲۵۰۰ نفر ساخته شده اما بالای ۱۰ هزار زندانی در آن اسیر هستند. اکثر زندانیان بدلیل کمبود جا، کف خواب هستند. وضعیت بهداشت در آن بسیار اسفبار است و وجود جانوران موذی مثل سوسک و شپش و در حال حاضر نیز، ویروس کرونا در این زندان، موجب بروز فجایع انسانی شده است.

وزارت خزانهداری آمریکا روز پنجشنبه ۳ مهر ۹۹ دو قاضی و سه زندان از جمله زندان وکیل آباد مشهد را به دلیل نقش آنها در شکنجه و رفتار غیرانسانی و تحقیرآمیز، بازداشت های خودسرانه افراد به دلیل شرکت در اجتماع های مسالمت آمیز در لیست سیاه خود قرار داد و تحریم کرد. یک شاهد عینی در گزارشی که برای کانون حقوق بشر ایران ارسال نموده، بخش هایی از مشاهدات خود از این زندان را جهت روشنگری بازگو نموده است تا افکار عمومی مردم ما بدانند که در زندانهای ایران چه می گذرد.

بند نسوان

بند مشاوره ۱۳ که کنار زندان وکیل آباد و همان بند باز است

بند پوسته میانه که نیمه باز است

ورودیه و قرنطینه

سالن یک

سالن دو

سالن سه

سالن چهار

به درب ورودی داخل زندان درب چهار میگویند. از آنجا که رد می‌شوید ابتدا کتابخانه و سینما و سپس بند ۱.۱ بند نوجوانان واقع شده است

بعد از آن باشگاه زندان قرار دارد که زندانیان در این باشگاه فقط اجازه بازی فوتبال را دارند

هر زندانی که از قرنطینه می‌آید باید یک هفته در بند 1 بماند و سپس به بندهای دیگر تقسیم میشود.

زندانیان با اتهامات مختلف در این محل نگهداری می‌شوند

زندانیان با اتهامات جرائم مالی و کلاهبرداری در بند 2 محبوس هستند

زندانیان سیاسی را برای فشار هر چه بیشتر و برای ندامت به بند 3 می‌فرستند

بند هم به زندانیان با جرایم مالی و کلاهبرداری اختصاص دارد. اما زندانی سیاسی عباس واحدیان

شاهرودی نیز در این بند دوران حبس خود را می‌گذراند

بند 5 به چهار قسمت یا زیر مجموعه به ترتیب زیر تقسیم می‌شود

101 زندانیان زیر حکم اعدام مربوط به مواد مخدر در این مجموعه نگهداری می‌شوند

102 زندانیان زیر حکم اعدام به اتهام قتل، نزاع و تجاوز در این مجموعه محبوس هستند

103 و 104 این دو مجموعه نوجوانانی که به اتهام سرقت و نزاع دستگیر شده‌اند، محبوس هستند و

بند 6 به کارگاه اختصاص دارد و زندانیان را برای بیگاری به آنجا می‌برند و پول ناچیزی در برابر

کاری که از آنان می‌کشند، به این زندانیان می‌پردازند

در بند ۱-۶، هفت عمومی و دو سوبیت دارد که برای زندانی‌های زیر حکم است. شب قبل از اعدام،

زندانیان را از داخل بندهای عمومی به این محل می‌آورند و به سوبیت‌های بند ۱-۶ منتقل می‌کنند و

قبل از طلوع خورشید روز بعد، زندانی را به دار می‌آویزند

زندانیان سیاسی هم در این بند محبوس هستند. بند ۱-۶ تنها بندی است که درب ورودی آن مانند درب

یک اتاق اداری و بی‌نام و نشان است و علامتی ندارد، تا به این ترتیب کسی متوجه بند زندانیان سیاسی

نشود

در کنار آن، حفاظت اطلاعات زندان با یک درب اختصاصی قرار دارد و درب آن داخل بند ۱-۶ باز

میشود.

کلیه زندانیان سیاسی در هر اتاق، با دو دوربین نصب شده، زیر نظر هستند. در ابتدا و انتهای حمام و

توالت هم دو دوربین نصب کرده‌اند و کلیه تحرکات زندانیان در هر نقطه‌ای کنترل می‌کنند

عمومی های بند ۱-۶

عمومی ۱ خدمات و وکیل بند

عمومی ۲ قرصی و متادونی های زندان وکیل آباد و کارت قرمزی

عمومی ۳ زندانیان خارجی، متهمین مواد مخدر و زندانیان عقیدتی اهوازی

عمومی ۴ زندانیان عقیدتی اهل سنت

عمومی ۵ سه تن از دستگیرشدگان بیانیه علیه خامنه‌ای به آقایان سیدهاشم خواستار، دکتر کمال جعفری و محمدحسین سپهری در این مکان محبوس هستند

عمومی ۶ کسانی که در بندهای دیگر دعوا، مواد فروشی و خلاف می کنند

عمومی ۷ ممنوع الملاقاتی ها

ممنوع الملاقاتی ها ممکن است قاتل، کلاهبردار، قاچاقچی و یا عقیدتی و سیاسی باشند. بستگی به دستور قاضی پرونده دارد. این افراد از همه حقوق خود خود از جمله حق ملاقات با خانواده و تلفن محروم هستند و حتی گاهی اوقات از هواخوری هم محروم می شوند تا زمانی که قاضی و بازپرس دستور بدهد.

سه زندانی سیاسی شامل آقایان هاشم خواستار، کمال جعفری و محمدحسین سپهری در عمومی پنج محبوس هستند. اینجا محیطی با ابعاد ۳ در ۳ و کاملاً خفه و گرفته است که توالت و حمام این سه زندانی هم در همین محیط بسیار تنگ قرار گرفته است. اینجا چیزی شبیه توالت خانه میماند با چند تخت و واقعا وضعیت فاجعه باری بر این زندانیان سیاسی حاکم است. موادی که در وعده صبحانه به زندانیان داده می شود شامل کره مارگارین تک نفره، مربای تک نفره بی کیفیت، حلوا شکری تک نفره خشک شده، یک عدد تخم مرغ آب پز له یا شکسته شده و حدود ۴۰۰ گرم پنیر برای ۱۷ نفر

پس از صبحانه تا وعده ناهار، زندانیان به هیچگونه مواد غذایی دسترسی ندارند و گرسنگی می کشند.

برای وعده غذایی ناهار، غذایی که به زندانیان می دهند بسیار بی کیفیت و غیرقابل خوردن است.

قورمه سبزی با برنج که نپخته و مانند لاستیک است. خورشت آن هم گوشت ندارد و بیشتر آب و سبزی و لوبیا است.

خورشت قیمه با برنج که نپخته و مانند لاستیک است

ماکارونی که یا بعلت خمیر شدن و یا نپختن مانند لاستیک است و قابل خوردن نیست

.استانبولی پلو این غذا شامل مقداری برنج خمیر شده و رب گوجه است. از گوشت هم در آن اثری نیست

عدس پلو این وعده غذایی هم بقدری بی کیفیت است و بد پخته شده و خمیر است که برای زندانیان قابل مصرف و استفاده نیست

در وعده هایی غذایی برای شام، طی هفته به زندانیان سیب زمینی، تخم مرغ، آش، سوپ، لوبیا، عدسی و کشک بادمجان داده می شود

در وعده های غذایی ناهار زندانیان، بجای گوشت قرمز و یا مرغ، از سویا استفاده می کنند که بوی آن حال زندانیان را بهم می زند

زندانیان این زندان بخاطر کیفیت پایین غذا، دچار بیماری های گوارشی هستند و از گرسنگی دائمی رنج می برند

در زندان وکیل آباد مشهد، زندانی را تا سرحد دیوانگی مورد شکنجه های روحی و روانی قرار می دهند. شب ها تا دیروقت زندانی را بازجویی کرده و زیر فشار قرار می دهند. زندانی در دوران بازجویی از کلیه حقوق انسانی خود محروم است

.موسیقی، تلویزیون، رادیو و کتاب (به جز قرآن، نهج البلاغه و مفاتیح) در زندان وجود ندارد

برای شکنجه کردن زندانیانی که نسبت به شرایط حاکم و یا موضوعات پرونده خود اعتراض دارند و راهی جز اعتصاب غذا ندارند، به تهدید روی می آورند و وقتی زندانی در برابر این تهدیدها هم مقاومت می کند، از طریق زندانیان تبهکار وی را مورد اذیت و آزار قرار داده و یا گارد زندان به سرکوب وی روی می آورند

زندانیان اهل سنت در زندان وکیل آباد مشهد در شرایط بسیار نامناسب بهداشتی و تحت شکنجه های وحشیانه قرار دارند، برای آنها بر اساس اعترافات اجباری که تحت شکنجه گرفته شده است احکام سنگین اعدام صادر می شود

یک منبع موثق به کانون حقوق بشر ایران گفت: «پس از بازداشت چند زندانی اهل سنت، آنها را در سالی انداختند که آب حمام و سرویس بهداشتی زندانیان طبقه بالا روی سرشان می ریخت. زندانیان در این سالن بدلیل وجود حشرات موذی ساس، شپش و سوسک بشدت تحت فشار بوده اند. بازجویان اطلاعات برخی از زندانیان را تهدید می کنند در صورتی که مطابق خواست آنان، اعتراف نکنند، خانواده ... زندانی را ترور کرده و یا مورد تجاوز قرار می دهند».

انفرادی در این زندان، یک درب فولادی سه لایه دارد. ابعاد آن ۳ در ۲ و نیم متر است. دو دریچه کوچک روی درب قرار دارد یکی مقابل صورت زندانی هنگامی که می ایستد و یکی هم پایین پا قرار گرفته است. دریچه بالایی برای دریافت غذا و دارو و دریچه پایینی برای از بین رفتن بخار موجود و بیرون گذاشتن زباله ها است.

از کل ابعاد و محیط این سلول انفرادی، یک متر و نیم برای حمام و توالت استفاده شده است. بوی توالت و بخار حمام زندانی را بشدت آزار می دهد. جایی برای پهن کردن لباس و حوله اش ندارد.

حوله ای که به زندانی می دهند، هیچگاه تعویض نخواهد شد.

یک خمیر دندان، یک صابون روشویی تک نفره و یک شامپو تک نفره هفته ای یکبار به زندانی می دهند. برای گرفتن خمیر دندان جدید، بایستی پوسته خالی خمیر دندان قبلی را به مأمور زندان تحویل بدهند.

یک مسواک به زندانی می دهند که این مسواک هم هیچگاه تعویض و جدید نخواهد شد.

به هر زندانی نفری سه پتو می دهند. اما پتوها بسیار کثیف و بد بو است چون شسته نمی شود.

سائلن اعدام اتاقی است با ابعاد حدود ۴×۳ که چند چهارپایه در آن قرار دارد. این چهارپایه ها روی یک سکوی پله ای قرار دارند که ارتفاع شان از زمین یک متر است. در هر لحظه امکان این را دارند که ۸ زندانی را در این مکان اعدام کنند.

برای اجرای اعدام، یک گروه از سربازان را از پادگانی به محل اعدام منتقل می کنند. پس از اجرای اعدام، سربازان را به پادگان محل خدمت برگردانده و به آنها مرخصی تشویقی هم می دهند. هنگام اعدام قاضی ناظر و یک آخوند حضور دارند که آخوند دستور کشیدن چهارپایه را از زیر پای زندانی میدهد.

شایان ذکر است سحرگاه چهارشنبه ۱۸ تیر ۹۹ یک زندانی که بیشتر با اتهام خوردن مشروب مجازات شده و زندانی بود در یک حکم ضدانسانی و بی سابقه با اتهام انتسابی « شرب خمر » در زندان مرکزی مشهد به دار آویخته شد.

قاتلان و شکنجه گران زندان وکیل آباد مشهد

اسامی شماری از قاتلان و شکنجه گرانی که در این زندان به شکنجه و اذیت و آزار زندانیان مشغول هستند از این قرار است:

بند ۱-۶

حرف اول را در این بند مأمورین اطلاعاتی می زنند. بعد از آن مقامات قضایی و اجرایی قرار دارند.

علیزاده رئیس حفاظت اطلاعات زندان مرکزی مشهد

وایخانی‌معاون حفاظت اطلاعات زندان مرکزی مشهد
زندانیان سیاسی را برای شکنجه به این دو جنایتکار می‌سپارند. آنها هم در زندان، عده‌ای از ارازل و اوباش و زندانیان خطرناک را برای شکنجه و اذیت و آزار زندانیان سیاسی اجیر می‌کنند.

بند ۵ / بخش ۱۰۱
مسئول انتظامات مهیار علیزاده

زندان یاسوج

املان جنایت در زندان یاسوج را بشناسیم
کانون حقوق بشر ایران اخیراً گزارشی از زندان یاسوج منتشر کرده است. این گزارش که از قول یک زندانی تازه آزاد شده نوشته شده است، وضعیت دهشتناک این شکنجه‌گاه را ترسیم می‌کند. این گزارش نشان می‌دهد که در زندان یاسوج مواد مخدر به وفور یافت می‌شود. در عوض زندانیان از داشتن نان محروم هستند.

متن کامل گزارش از قول کانون حقوق بشر ایران به این شرح است:

زندان مرکزی یاسوج با زندانیانی شکنجه شده و گرسنه
زندان مرکزی یاسوج روی تل آخر شهر یاسوج به طرف اصفهان واقع شده است. محوطه زندان چیزی حدود ۵ هکتار است. بسیاری از زمین آن به شکل باغ و برای تفریح کارمندان زندان طراحی شده است.

بندهای زندان مرکزی یاسوج

زندان یاسوج دارای ۹ بند است که به ترتیب از این قرار هستند

قرنطینه ۱ . فقط یک سالن است و هواخوری هم دارد

قرنطینه ۲ . دارای یک سالن با یک اتاق و هواخوری است

بند متادون ۱ . دارای ۵ اتاق و هواخوری است

بند متادون ۲ . دارای ۴ اتاق و هواخوری کوچک است

بند اعصاب و روان. دارای ۳ اتاق و هواخوری است

بند قرآن . دارای ۵ اتاق و هواخوری است

بند جوانان. برای بازداشتی‌ها و زندانیانی که سن آنها از ۱۸ تا ۲۶ سال است. این بند دارای یک سالن کوچک و هواخوری است.

بند ۱. برای زندانیانی که حکم گرفته‌اند. دارای ۱۱ اتاق و هواخوری است

بند ۲. برای بازداشتی‌های موقت استفاده می‌شود. دارای ۷ اتاق و هواخوری است

هنگامی که بیش از اندازه و ظرفیت، زندانی می‌آورند کف اتاق‌ها از کف‌خواب پر شده و حتی راهروهای بندها هم پر از زندانیانی است که مجبور هستند کف زمین بخوابند

وضعیت غذایی در این زندان اصلاً خوب نیست. زندانیان همواره گرسنه هستند. به هر زندانی برای صبحانه و شام، ۳ قرص نان می‌دهند. اما عموماً نان‌ها در وعده شام شب خورده می‌شود و چیزی برای صبحانه نمی‌ماند.

در وعده غذایی ناهار، به زندانیان به قدری غذا کم می‌دهند که عموماً سیر نمی‌شوند

بعضی بندها در حد یک ساعت در روز فروشگاه دارند و بعضی از بندها اصلاً فروشگاه ندارند. زندانیانی که از داشتن فروشگاه محروم هستند، به اجبار لیست خرید خودشان را نوشته و همراه با کارت خود تحویل می‌دهند تا برایشان مواد مورد نیاز تأمین شود

جنس‌هایی که توسط زندان خریداری می‌شود اصلاً بدرد بخور نیستند و به بالاترین قیمت هم به حساب زندانی خرید می‌کنند

کل زندان مرکزی یاسوج بسیار آلوده و کثیف است. رئیس زندان هیچ رسیدگی به وضعیت زندانیان نکرده و به این کارها اصلاً کاری ندارند. ساس در بندها بیداد می‌کند. زندانیانی که وضع مالی‌شان خوب نیست امکان خرید لباس ندارند و یک لباس را تا ۶ ماه می‌پوشند. از وسایل و امکانات بهداشتی و شوینده و ضدعفونی کننده هم در زندان خبری نیست

مواد مخدر در زندان مرکزی یاسوج به راحتی قابل دسترس است. مواد مخدر از جمله تریاک، شیشه و هروئین وارد بندها شده و توسط عوامل رئیس زندان به فروش می‌رسد

زندان مرکزی یاسوج با زندانیانی شکنجه شده و گرسنه

رئیس زندان افشین نارکی

معاون زندان روینده

حفاظت زندان علی انصاری و محسنی

مدیر داخلی زندان بادام فیروز و عزیزی

مدیر اجرایی علی کرم جوکار

قاضی ناظر زندان درخشنده

قاضی ناظر بر زندان مرکزی یاسوج فردی بنام درخشنده است که بشدت زندانیان را مورد اذیت و آزار قرار می دهد. درخشنده زندانیان را مورد شکنجه روحی و روانی قرار می دهد

علی کرم جوکار قبلاً مدیر داخلی زندان بود و خیلی در حق زندانی جنایت کرده است. او زندانیان را تا بخواهید شکنجه کرده و می زند. در سرمای شدید هوا زندانی را به حیاط آورده و در یخبندان همانجا به میله می بندد. بعد هم او را به انفرادی می برد تا کسی متوجه و خبردار نشود که چه بلایی بر سر زندانی آورده اند

علی کرم جوکار، از هر زندانی که خوشش نمی آید او را به بند دیگر منتقل می کند و آنجا می سپرد تا مأمورین این زندانی تا سر حد مرگ بزنند

این گوشه ای از وضعیت جهنمی زندان ها در حکومت قرون وسطایی ولایت فقیه است. زندانیان یا مبارزان آزادی هستند که توسط نیروهای سرکوبگر به اسارت گرفته شده اند یا قربانیان سرقت و چپاول ثروت های عمومی توسط سران حکومت

سران حکومت با همانندسازی از جامعه تلاش می کنند، هر چه بیشتر شرایط زندان را برای زندانیان سخت تر کنند. آنها می خواهند به این ترتیب هر اعتراضی را در نطفه خفه کنند. اما شرایط انفجاری جامعه، و اعتراضات در زندان ها نشان داده، این تلاش های مذبوحانه تاثیری بر جو اعتراضی در جامعه و باطبع آن زندان ها نداشته است

زند ، لیلا



لیلا زند در کنار رحیم مشائی

لابیست جمهوری اسلامی در آمریکا و هماهنگ کننده برنامه های احمدی نژاد در ایالات متحده آمریکا

زندى ، امير محمد



مزدور بسیجی امير محمد زندى مسول پایگاه بسیج باقر شهر و حسن آباد که در کشتار هولناک 18 و 19 دیماه 1404 سوار بر موتور بسوی معترضین شلیک میکرده است.

زندى ، رضا



رئیس جنایتکار آگاهی اراک . از عاملان شکنجه و بازجوئی مردم معترض . از عوامل سرکوب و کشتار در اراک

زنگنه ، بیژن



بیژن نامدار زنگنه . پشت به وطن کرده تاری پرست و اصلاح طلب. وزیر نفت در دولت های هفتم ، هشتم ، یازدهم و دوازدهم . عضو حقیقی مجمع تشخیص مصلحت نظام. وزیر نیرو. وزیر جهاد سازندگی.

زنگونی ، محمد

قاضی جنایتکار دادگاه انقلاب سمنان و صادر کننده حکم اعدام برای معترضین 1401 و 1404

زور مند ، عباس



عباس زورمند در مقام فرمانده ارشد سپاه ملارد، مسئولیت مستقیم نظارت بر عملکرد نیروهای تحت امر و حفظ امنیت منطقه را بر عهده داشته است. در دوران تصدی وی، دستکم ۵ نفر در این حوزه استحقاقی در جریان وقایع اعتراضات دی 1404 جان باخته‌اند

شاهد تجمعات گسترده‌ای بود که به شهرستان ملارد در جریان اعتراضات سراسری دی 1404 تقابل‌های امنیتی در کانون‌های کارگری شهر منجر شد. سرهنگ پاسدار عباس زورمند به عنوان فرمانده سپاه ناحیه ملارد، مسئولیت نهایی هماهنگی گردان‌های امنیتی و مدیریت میدانی نیروهای بسیجی را بر عهده داشت. در تاریخ مذکور، نیروهای تحت مدیریت این نهاد اقدام به استفاده از تجهیزات سخت کردند که منجر به جان‌باختن شماری از شهروندان شد

زهتابیان ، مجتبی



مزدور بسیجی و جنایتکار مجتبی زهتابیان جانی و سرکوبگر خیابان زنبیل آباد قم . آدرس : قم بازار کهنه ، قصابی زهتابیان

زیار ، مهدی



کارمند اداره اطلاعات سپاه و از عوامل سرکوب و کشتار مردم خرم‌آباد و بروجرد

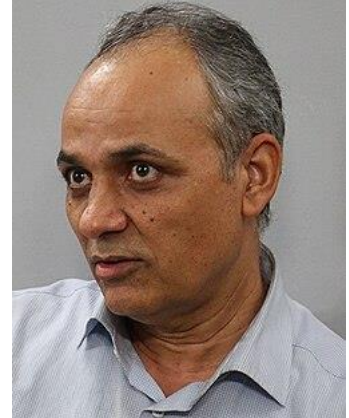
زیبایی نژاد (نجات)، محمد حسین



از فرماندهان ارشد کشتار و سرکوب در استان تهران در اعتراضات دی 1404
سرتیپ پاسدار محمدحسین زیبایی نژاد، مشهور به حسین نجات، جانشین فرمانده قرارگاه ثارالله سپاه پاسداران، به عنوان عالی‌ترین مقام امنیتی پایتخت، مسئولیت مستقیم هدایت عملیات‌های سرکوب در جریان اعتراضات دی ماه 1404 را بر عهده داشت.

قرارگاه ثارالله تحت مدیریت او، کانون هماهنگی تمامی نیروهای مسلح در استان تهران است و دو بازوی اصلی سرکوب، یعنی «سپاه محمد رسول‌الله» (شهر تهران) و «سپاه سیدالشهداء» (شهرستان‌های استان تهران)، مستقیماً تحت امر عملیاتی حسین نجات قرار دارند. اگرچه او از پیش (در سال‌های 1401 و 1402) به دلیل نقض فاحش حقوق بشر در لیست تحریم‌های بین‌المللی قرار گرفته بود، اما در جریان وقایع دی 1404، بار دیگر به عنوان مهره اصلی هدایت خشونت در تهران، نامش در کانون گزارش‌های نهادهای بین‌المللی قرار گرفت.

زید آبادی ، احمد



پشت به وطن کرده تازی پرست احمد زید آبادی . دبیر کل دفتر تحکیم وحدت جمهوری اسلامی . ملی – مذهبی خائن. این یاوه گوی وژن تابلوی تمام عیار فریبکار بزرگ علی شریعتی است. او از مخالفان دودمان ایران ساز پهلوی است.

زیبداری

رئیس حراست شکر هفت تپه و از سرکوبگران خوزستان

زینلی ، امیر حسین



بنا بر گزارش‌های منتشرشده، وی از نیروهای مرتبط با سرکوب در شهر قزوین معرفی شده و ادعا شده در جریان خیزش ملی در صحنه‌های میدانی حضور داشته است.

در این روایت‌ها عنوان شده که اعضای از خانواده او نیز در فعالیت‌های مرتبط با شناسایی و گزارش معترضان نقش داشته‌اند و برخی بستگانش با نهادهای بسیج همکاری داشته‌اند.